

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دفتر نشر علم و ترویج پژوهشنامه موعود

با استناد به نامه شماره ۱۵۷۲۸ شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی حوزه‌های علمیه مورخ ۱۴۰۱/۰۲/۲۷ دو فصلنامه پژوهشنامه موعود از شماره یک به رتبه علمی-ترویجی ارتقا یافت.
بر اساس ماده واحده جلسه ۶۲۵ مورخ ۱۳۸۷/۰۳/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی، نشریات دارای امتیاز حوزوی اعتبار یکسان با مجلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دارد.

سال ششم، شماره ۱۳، بهار و تابستان ۱۴۰۴

صاحب امتیاز:

پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا؛
مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم
مدیر مسئول:

حجت الاسلام والمسلمین مجتبی کلباسی
سر دبیر:

حجت الاسلام والمسلمین مهدی یوسفیان
مدیر اجرایی و دبیر تحریریه:

حجت الاسلام والمسلمین سید علی کاظمی
ویراستار:

ابوالفضل علیدوست

مترجم انگلیسی:

حجت الاسلام والمسلمین حمید سعادت

اعضاء هیأت تحریریه (به ترتیب الفبا):

الهی نژاد، حسین (استاد تمام پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی)

بهروزی لک، غلامرضا (استاد دانشگاه باقر العلوم قم)
سلیمانی بهبهانی، عبدالرحیم (استاد حوزه علمیه قم)

شاکری زواردهی، روح الله (دانشیار دانشگاه تهران
پر دیس فارابی)

صفری فروشانی، نعمت الله (استاد جامعه
المصطفی العالمیه)

عرفان، امیرمحسن (استادیار دانشگاه معارف اسلامی
قم)

کلباسی، مجتبی (استاد حوزه علمیه قم)
مروجی طبسی، نجم الدین (استاد حوزه علمیه قم)
یوسفیان، مهدی (فاضل حوزوی، مدیر پژوهشکده
مهدویت موعودگرایی انتظار پویا)



آدرس نشریه: قم، خیابان شهدا (صفائییه) کوی ۲۲ (آمار) بن بست شهید علیان، پلاک ۲۴، تلفن:

۰۲۵۳۷۸۴۱۴۱۰؛ ۰۲۵۳۷۷۳۷۱۶۰؛ صندوق پستی: ۳۷۱۳۵۱۱۹

پست الکترونیکی: mouoodmag@gmail.com

وب سایت نشریه: www.mouoodmag.ir

کانال مجازی: @mahdaviatmag

شماره شاپا: ۲۴۱-۲۷۱۷

قیمت: ۳,۵۰۰,۰۰۰ ریال

راهنمای تدوین و نگارش مقالات

راهنمای تهیه و تنظیم مقاله

دو فصلنامه پژوهشنامه موعود زیر نظر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا می‌باشد و به منظور تبیین، بسط، ارتقای سطح دانش و آگاهی، نقد و نظر، آشنایی با مفاهیم جدید در حوزه مهدویت و موعودگرایی تأسیس شده است. این دو فصلنامه تلاش دارد آخرین دستاوردهای علمی متخصصان و اندیشمندان معارف مهدویت و موعودگرایی را به مخاطبان خود عرضه کند. مقاله‌های دریافتی پس از گذراندن مراحل ارزیابی منتشر می‌شود و در اختیار علاقمندان مباحث مهدویت و موعودگرایی قرار می‌گیرد.

الف) شرایط عمومی

۱. مقاله می‌باید با مباحث مهدویت و موعودگرایی ارتباط داشته باشد؛
۲. مقاله به تبیین و بسط مباحث مهدویت، ارتقای سطح آگاهی و دانش، نقد و نظر و آشنایی مخاطبان با مفاهیم جدید مهدویت و موعودگرایی بپردازد؛
۳. حجم کل مقاله حداقل ۳۶۰۰ کلمه و حداکثر ۷۰۰۰ کلمه باشد؛
۴. فونت متن مقاله B Mitra با شماره ۱۴ و حاشیه ۱۰ باشد و فونت آیات و روایات B Mitra با شماره ۱۴ و پررنگ و در محیط Word ارائه شود؛
۵. در صورت نیاز، ترجمه آیات و روایات و کلمات عربی و انگلیسی و توضیح مفاهیم در پاورقی آورده شود.
۶. مشخصات کامل نویسنده شامل: نام، نام خانوادگی، مرتبه و جایگاه علمی/تحصیلات، نشانی کامل پستی و نیز پست الکترونیکی به همراه شماره تماس، همراه مقاله ارسال شود؛

ب) نحوه تنظیم مقاله

- نظم و ترتیب منطقی مباحث به صورت ذیل رعایت شود.
۱. چکیده: چکیده مقاله حداکثر ۱۵۰ کلمه که حاوی بیان مسئله، هدف، روش، و یافته پژوهش باشد.
 ۲. واژگان کلیدی: شامل حداکثر ۷ واژه کلیدی پر تکرار، مرتبط با محتوا، که ایفاکننده نقش نمایه موضوعی مقاله باشد.
 ۳. مقدمه: مقدمه مقاله معمولاً به تعریف مسئله، پیشینه پژوهش، ضرورت و اهمیت پژوهش، جنبه نوآوری، سؤالات اصلی و فرعی، تصویر اجمالی ساختار کلی مقاله بر اساس سؤالات اصلی و فرعی مطرح و مفاهیم و اصطلاحات اساسی مقاله می‌پردازد.
 ۴. بدنه اصلی: بدنه اصلی، محتوای ترویجی بوده و می‌بایست موارد ذیل مورد نظر قرار گیرد:
 - تبیین و بسط مباحث مهدویت و موعودگرایی؛
 - ارتقای سطح دانش و آگاهی مهدویت و موعودگرایی؛
 - نقد نظر در زمینه مباحث مهدویت و موعودگرایی؛
 - آشنایی مخاطبان با مفاهیم جدید مهدویت و موعودگرایی.
 ۵. نتیجه‌گیری: نتیجه مقاله گویای یافته‌های تفصیلی تحقیق است و به صورت گزاره‌های خبری موجز بیان می‌شود و پاسخ اجمالی به سؤالات اصلی و فرعی مقاله داده می‌شود، لذا می‌بایست از ذکر بیان مسئله،

جمع‌بندی، مباحث مقدماتی، بیان ساختار مباحث، ادله، مستندات، ذکر مثال یا مطالب استطرادی در این قسمت خودداری شود؛

۶. **ارجاعات:** ارجاع به صورت **یاورقی** و به صورت ذیل آورده شود:

- **قرآن:** بقره: ۵۰.
- **کتاب:** نام خانوادگی نویسنده، نام کتاب، شماره جلد و شماره صفحه. به عنوان نمونه: صدوق، کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۲. ذکر شود.
- **مجله:** نام خانوادگی نویسنده، عنوان مقاله، شماره صفحه.
- صفحه اینترنتی: نام خانوادگی نویسنده، آدرس کامل صفحه.
- ۷. **ارجاع پایانی (فهرست منابع):** کتاب‌شناختی کامل منابع و مأخذ تحقیق در انتهای مقاله بر اساس شیوه‌های ذیل آورده شود:
- **کتاب:** نام خانوادگی، نام، **عنوان کتاب** (پررنگ)، مترجم / محقق / مصحح، ناشر، تعداد جلد، نوبت چاپ، مکان چاپ، سال چاپ؛
- **مجله:** نام خانوادگی، نام، **عنوان مقاله** (پررنگ)، نام نشریه، شماره نشریه، تاریخ نشر؛
- **صفحه اینترنتی:** نام خانوادگی و نام، عنوان مطلب، نام سایت، آدرس صفحه به صورت کامل؛
- **نرم افزار:** نام نرم افزار، شماره نسخه، مرکز تولید و پشتیبانی.

ج) تذکرات

- مطالب مقاله مبین آرای نویسنده یا نویسندگان آن است و بازتاب دیدگاه فصلنامه نیست؛
- تمامی مسئولیت مقاله بر عهده نویسنده یا نویسندگان آن می‌باشد؛
- مقاله همزمان به جای دیگر ارسال نشده و به چاپ نرسیده باشد؛
- فصلنامه در ویرایش مقاله (به صورتی که به اصل مطلب صدمه نزند) آزاد است؛
- مقاله دریافتی در صورت تایید یا رد، بازگردانده نمی‌شود؛
- چاپ و نشر مقاله پس از گذراندن مراحل ارزیابی و پذیرش ضوابط فصلنامه امکان پذیر است؛
- نقل و اقتباس از مطالب فصلنامه به شرط ذکر دقیق و کامل منبع بلا مانع است.

د) شیوه‌های ارسال مقاله

۱. **حضور:** مراجعه به دفتر مجلات واقع در مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم

۲. **غیر حضوری** (ارسال لوح فشرده و فایل الکترونیکی):

- از طریق صندوق پستی به شماره: ۳۷۱۳۵/۱۱۹؛
- از طریق سایت به آدرس: www.mouoodmag.ir؛
- از طریق رایانامه به آدرس: mouoodmag@gmail.com؛
- از طریق فضای مجازی به آدرس: @mahdaviatmag.

فهرست مقالات

مبانی انسان‌شناختی و ادله لزوم شکل‌گیری مقاومت در خصوص زمینه‌سازی از منظر قرآن..... ۵

سید احمد موسوی - مصطفی بهشتی پور

شیوه‌های تربیت نیروی انسانی کارآمد در عرصه مدیریت در جهت دولت تراز مهدویت..... ۳۱

مرتضی حسن پور سرگرویی

تبیین تنافی ظاهری میان روایات فراگیری ظلم و ضرورت تشکیل دولت اسلامی در عصر غیبت ۵۵

محمد غلامی - سید علی کاظمی شیخ شبانی

ظرفیت‌ها و تهدیدات جنبش‌های هزاره‌گرا در تحولات منتظرانه ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف..... ۸۱

سعید توسلی خواه

بررسی ارتباط تحولات شامات با اتفاقات پیش از ظهور با رویکرد تأویل آیات اولیه سوره اسراء..... ۱۰۳

سید مجتبی معنوی

بازخوانی تحلیلی انگاره «ظهور صغرا» در گفتمان مهدویت؛ بررسی امکان‌سنجی، کارکردها و پیامدها... ۱۲۹

ابوالحسن قاسم فام - حجت حیدری چراتی

ترجمه چکیده مقالات عربی-انگلیسی..... ۱۶۲

مبانی انسان‌شناختی و ادله لزوم شکل‌گیری مقاومت در زمینه‌سازی از منظر قرآن

سیداحمد موسوی^۱

مصطفی بهشتی پور^۲

چکیده

«مقاومت» که از آموزه‌های قرآنی و الهی است، به عنوان راهبرد مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی و شاخصه انتظار پویا شناخته می‌شود. در جهان کنونی به‌رغم پیشرفت‌های صنعتی و علمی، باید بشر در سایه این پیشرفت‌ها به جهان انسانی مطلوب دست می‌یافت؛ اما آدمی به‌خاطر دست زدن به ستمگری و فساد و جنگ و کشتار، چنان‌که در قرآن بدان اشاره شده است، روز به روز از ماهیت انسانی و الهی خود دور گشته و به دره نابودی و سیاهی، خودش را نزدیک کرده است. در چنین عصری ضرورت پیدا کردن راه برون رفت از این گمراهی‌ها، جزو دغدغه‌های جدی انسان معاصر محسوب می‌شود. «مقاومت در خصوص زمینه‌سازی عدالت جهانی»، همان راهبرد اساسی است که قرآن کریم در مقابل این هجوم به مسلمانان ارائه و توصیه کرده است. با توجه به این که قرآن کریم به عنوان منبع قطعی الصدور و مشترک بین مسلمانان، در اختیار ما قرار دارد؛ این سؤال مطرح است که ادله قرآنی لزوم شکل‌گیری مقاومت چیست؟ این تحقیق ابتدا به بررسی مبانی انسان‌شناختی مقاومت و سپس ادله قرآنی اثبات کننده ضرورت مقاومت می‌پردازد. این نوشتار به‌صورت توصیفی-تحلیلی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای، پاسخی مستدل به پرسش مذکور ارائه کرده است. آیات فراوانی در قرآن کریم، ما را به تشکیل و حمایت از مقاومت امر کرده است. این آیات در قالب آیات ناظر به امر به جهاد و دفاع، آیات ناظر به به صبر و استقامت و آیات ناظر به سنت‌های الهی از جمله سنت نصرت الهی، سنت غلبه حق بر باطل و پیروزی مستضعفان آمده است.

واژگان کلیدی: مبانی انسان‌شناختی، مقاومت، زمینه‌سازی، مهدویت، قرآن.

S.a.m7635722@gmail.com

beheshtipour@gmail.com

۱. دانش آموخته سطح چهار مرکز تخصصی مهدویت، استادحوزه علمیه قم.

۲. دانش پژوه سطح سه مرکز تخصصی مهدویت قم (نویسنده مسئول).

مقدمه

«مقاومت» از اصول اولیه زندگی بشر است که انسان بدون بهره‌مندی از آن به حیات قادر نخواهد بود و به صورت غریزی در بسیاری از موارد نسبت به آن اقدام می‌کند. هرچه تهدید بارزتر باشد، مقاومت و عکس‌العمل فرد بیشتر است؛ اما در صورتی که فرد نسبت به تهدید و خطر، ناآگاه باشد، یا آن را جدی تلقی نکند، عکس‌العمل مناسبی در برابر آن از خود بروز نخواهد داد. پس طبیعی است که اگر کسی خطر و تهدیدی نسبت به جان یا مال یا عرض خود را متوجه گردد، به دلیل درکی که از جان، مال و عرض خود و همچنین شناختی که از خطر دارد، انگیزه‌ای بسیار قوی برای مقاومت خواهد داشت؛ اما در صورتی که دایره تهدید را از تعلقات شخصی خود دورتر ببیند، به شکل غریزی انگیزه مقاومت در برابر آن به مراتب کم‌تر خواهد بود. بر این اساس، جوامع مختلف همواره برای حفظ کیان و بنیان خود در تلاش بوده‌اند تا به افراد خود حس وطن‌دوستی و آرمان‌دوستی را القا کنند؛ به گونه‌ای که وطن و آرمان خود را پاره‌ای از تن خود پندارند و در برابر تهدیدها مقاومت کنند و تا سر حد بذل جان، آن را پاس دارند. در واقع، تنها راه حفظ هر جامعه‌ای، اطاعت از رهبر جامعه و فداکاری و مقاومت افراد آن است. از این رو، خداوند متعال به عنوان ولی اهل ایمان، راه برون رفت جامعه اسلامی از گمراهی، ذلت و هلاکت را بیان فرموده و آن‌ها را به سوی وحدت و دفاع و مقاومت در برابر دشمنان، هدایت فرموده است.

دشمن نیز به اهمیت این مهم واقف است. از این رو، با تلاش برای تغییر مفهوم مقاومت و القای روش مورد پسند خود بر آن است تا با تغییر مسیر جامعه اسلامی، آن را به دره هلاکت سوق دهد. از جمله مفاهیمی که با انگیزه‌های مختلف، دانسته و نادانسته، مورد تحریف یا بی‌اعتنایی قرار می‌گیرد و شبهه می‌شود «مقاومت در برابر دشمن» است. همیشه بوده‌اند کسانی که به دلیل هزینه داشتن مقاومت، پیشنهادهایی مانند مذاکره و یا دوستی با کفار را به جای مقاومت ارائه کرده‌اند؛ در حالی که راه نجات جامعه اسلامی، مقاومت است و هزینه راه کارهای بدیل، از مقاومت بسیار بیش‌تر می‌باشد.

در فقه به وجوب مقاومت در ابعاد مختلف حکم می‌شود؛ آن گونه که در کتاب مصطلحات الفقه آمده است:

اگر دشمن به مسلمانان حمله کند، به شکلی که اساس اسلام در خطر قرار گیرد، بر همه مسلمانان واجب است که با فداکردن جان و مال و هر وسیله ممکن در برابر آن هجوم ایستادگی و دفاع کنند. این دفاع به صورت کفایی یا عینی بر مسلمانان واجب است و حضور امام معصوم یا اذن او لازم نیست. از فروع این مسئله این است که اگر نسبت به بخشی از سرزمین اسلامی احتمال هجوم دشمن و تسلط بر آن وجود داشته باشد؛ همین حکم جاری است و بر همه مسلمانان واجب است از آن جلوگیری کنند و اگر به شکلی دشمن بر بخشی از سرزمین اسلامی تسلط یافته و بخواهد بر تسلط خود بیفزاید نیز، بر مسلمانان جلوگیری از بیشتر شدن تسلط دشمن واجب است.^۱

خداوند متعال برای در امان ماندن جامعه اسلامی از این غفلت کشنده، طی هشدار همیشگی و تعیین جبهه مقاومت، خطرناک ترین دشمن اسلام و مسلمانان را معرفی کرده و فرموده است: «به طور مسلم، دشمن ترین مردم نسبت به مؤمنان را، یهود و مشرکان خواهی یافت.»^۲ باتوجه به این آیه، قوم یهود از سرسخت ترین دشمنان دیرینه اسلام به شمار می رود که از آغاز ظهور دین مبین اسلام با رسول گرامی اسلام ﷺ به جنگ برخاستند و با مشرکان و کفار قریش به توطئه های مختلفی دست زدند.

اکنون نیز که قرن ها از رسالت پیامبر خاتم ﷺ می گذرد، صهیونیسم که همان یهودیان افراطی و دشمنان سر سخت دنیای اسلام هستند، کشور اسلامی فلسطین را اشغال کرده و با همکاری مستکبران و همراهان خود، از جمله آمریکا و انگلیس در عرصه های گوناگون به جنگ با مسلمانان برخاسته و از هیچ کوشش و نیرنگی کوتاهی نورزیده اند.

بر مبنای آیات قرآن، برای حفظ اساس اسلام و نجات جان و دین مسلمانان که به بهانه های مختلف به خاک و خون کشیده می شوند و میلیاردها انسانی که اسیر تاریکی جهل و کفر شده اند؛ مواجهه و مقابله و مقاومت در برابر مستکبران و صهیونیسم ها بر همه مسلمانان جهان واجب است.

۱. مشکینی، مصطلحات الفقه، ص ۲۴۵-۲۴۶.

۲. مانده: ۸۲.

مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرمایند:

برای دستیابی به این هدف والا، کار لازم است، نه حرف؛ جدی بودن لازم است، نه کارهای نمایشی؛ صبر و تدبیر لازم است، نه رفتارهای بی‌صبرانه و دچار تلّون. باید به افق‌های دور نگریست و قدم به قدم با عزم و توکل و امید به پیش رفت. دولت‌ها و ملت‌های مسلمان، گروه‌های مقاومت در فلسطین و لبنان و دیگر کشورها، هر یک می‌توانند نقش و سهم خود از این مجاهدت همگانی را بشناسند و به اذن الله جدول مقاومت را پر کنند.^۱

طبق آنچه در این نوشتار بر اساس آیات نورانی قرآن بیان می‌شود؛ لازم است جامعه اسلامی با شناخت صحیح ماهیت و شرایط مقاومت، بر اجرای بهتر و مصمم‌تر آن همت گمارد و با تمام قوا در همه عرصه‌ها با یک‌پارچگی و وحدت، راه نفوذ و برتری دشمن را ببندد و زمام امور خود را به دست گیرد.

در موضوع مبانی و ادله قرآنی مقاومت، مقاله «مبانی قرآنی دفاع از مقاومت»، نوشته سید جواد حسینی به تعدادی از آیات و روایات مرتبط با جبهه مقاومت و فواید آن پرداخته است. مقاله «راهبردهای مقاومت در دوره انتظار از منظر قرآن کریم»، نوشته محمد سحرخوان به راهبردهای بینشی، گرایشی و کنشی جبهه مقاومت پرداخته شده است. در مقاله «بن مایه‌های ادبیات مقاومت در قرآن»، نوشته سید فضل الله میرقادری و حسین کیانی، به هدف اساسی مقاومت و ایجاد تعادل و توازن و ضرورت آن پرداخته شده است.

این مقاله، به منظور استخراج مبنای مقاومت در قرآن کریم، بر اساس سیر منطقی با مفهوم‌شناسی در لغت و اصطلاح آغاز شده و پس از بحث انسان‌شناختی نسبت به مقاومت، با ذکر مترادفات قرآنی مقاومت در تحصیل معنای کامل‌تری از واژه مقاومت سعی کرده و سپس تحت عنوان ادله قرآنی تشکیل جبهه مقاومت به دسته‌بندی حدود ۶۰ آیه مرتبط با مقاومت و توضیح بعضی از آیات پرداخته شده است.

۱. مقام معظم رهبری در کنفرانس حمایت از انتفاضه فلسطین، مورخ ۱۳۹۰/۷/۹.

مفهوم‌شناسی واژگان

۱. **مبانی:** جمع مبنا از ریشه «بنا» است که در لغت بر معانی گوناگونی چون شالوده، اساس، بنیان، بنیاد، پایه، ریشه و زیر ساخت دلالت دارد^۱ و در اصطلاح در هر علمی به معنای بنیان، اساس و پایه‌های اصلی آن علم محسوب می‌شود. از این رو، هنگامی که از مبانی علم یا نظریه ای، سخنی به میان می‌آید، منظور بنیاد، ریشه و زیر ساخت‌های آن علم یا نظریه است؛ نه جزئیات و فرعیات آن‌ها. بر این اساس، «مبانی مقاومت» از موقعیت انسان و امکانات و محدودیت‌های او و نیز از ضرورت‌هایی که حیاتش همواره تحت تأثیر آن‌هاست، بحث می‌کند.

۲. **انسان‌شناختی:** انسان، به معنای مردم است و مفرد، جمع، مذکر و مؤنث در آن یکسان می‌باشد و آدمی، حیوانات ناطق، بشر، آدمیزاد، انس، ناس و موجود سخنگوی میرنده را می‌گویند.^۲ انسان‌شناختی شناخت ماهیت انسان و جنبه‌های گوناگون شخصیت اوست.^۳ انسان‌شناسی در مفهوم عام آن، علوم انسانی و رفتاری همچون تاریخ فلسفه و زبان و... را در بر می‌گیرد. مراد از مبانی انسان‌شناختی مقاومت در این نوشتار، پیش‌فرض‌ها و بینش‌های ما در مورد انسان و ساحت انسان است که به ایجاد مقاومت منجر گردیده است.

۳. **واژه «مقاومت»** از ریشه «قوم»، در لغت فارسی به معنای «ایستادگی»^۴ «پایداری»، «دوام» و «استحکام»، «پافشاری»، «برابری» و «مقابله»^۵ آمده است. این واژه در قرآن کریم در قالب مصدر باب «مفاعله» نیامده است؛ اما مشتقات ریشه آن (قوم) از جمله «مستقیم»، «أقیموا»، «قوموا»، «استقم»، «استقیموا» و «استقاموا» کاربرد دارد؛ مانند: ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ

۱. راغب اصفهانی المفردات، ص ۱۴۷؛ طریحی، ج ۱، ص ۶۴؛ دهخدا، لغتنامه دهخدا، ج ۱۳، ص ۲۰۱۲ و انوری، ۱۳۸۱، ج ۷، ص ۶۶۳.

۲. دهخدا، لغتنامه دهخدا، ذیل واژه.

۳. همان.

۴. معین، فرهنگ معین، ذیل واژه.

۵. دهخدا، لغتنامه دهخدا، ذیل واژه.

عَلَيْهِمُ الْمَلَايِكَةُ...»^۱ برخی مفسران معتقدند که مراد از «استقاموا» در این آیه ادامه دادن به راه حق است.^۲ راغب اصفهانی معتقد است که استقامت انسان به معنای «ملازم بودن انسان با طریق مستقیم» می باشد.^۳

در اصطلاح علم اخلاق، مقاومت به معنای «صبر» است؛ آن گونه که مسکویه می گوید: «اما الصبر فهو مقاومة النفس الهوى لئلا تنقاد لقبائح اللذات»^۴؛ یعنی صبر همان ایستادگی نفس در برابر خواهش هاست تا گرفتار لذت های زشت نشود.

در اصطلاح علم فقه، مقاومت به نحو عام و خاص مطلق زیر مجموعه موضوع جهاد است؛ بدین ترتیب که جهاد بر دو نوع است: جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی و جهاد دفاعی همان مقاومت است. پس برای فهم معنای اصطلاحی مقاومت در فقه، به اختصار به اصطلاح جهاد دفاعی می پردازیم.

«دفاع» در شریعت اسلام بر دو قسم است: دفاع از کیان و اساس اسلام و دفاع از نفس. قسم اول که مناسب این پژوهش است، عبارت است از این که اگر دشمن به مسلمانان حمله کند، به شکلی که اساس اسلام در خطر قرار گیرد، بر همه مسلمانان واجب است که با فداکردن جان و مال و هر وسیله ممکن در برابر آن هجوم ایستادگی و دفاع کنند. این دفاع به صورت کفایی یا عینی بر همه مسلمانان واجب است و حضور امام معصوم یا اذن او لازم نیست.^۵

مبانی انسان شناختی مقاومت

گفتنی است از دیرباز، بسیاری از اندیشمندان و صاحب نظران به شناخت انسان و ویژگی های او، توجه داشته و در این راه کوشش های فراوانی صورت داده اند. به رغم گستردگی این تلاش ها،

۱. فصلت: ۳۰.

۲. قرشی، ۱۳۷۷: ۹/۴۳۱.

۳. راغب اصفهانی، المفردات، ص ۶۹۲.

۴. ابن مسکویه، تجارب الامم، ص ۱۰۲.

۵. مشکینی، مصطلحات الفقه، ص ۲۴۵.

انسان‌شناسی کنونی که بیش‌تر بر روش تجربی متکی است، نه تنها نتوانسته است ابعاد ناشناخته وجود انسان را روشن سازد؛ بلکه دچار نوعی بحران نیز شده است^۱؛ زیرا نوعی سردرگمی و سرگردانی در پاسخگویی به پرسش‌های محوری درباره انسان در آن پدیده آمده است. بنابراین، در وضعیت کنونی، بررسی و شناخت مبانی انسان‌شناختی در بعد اجتماعی امری ضروری است؛ به دلیل آن که هرگونه نقصانی در شناخت انسان به نقصی در نظام بینش و کنش منجر خواهد شد.

به دلیل آن که علم و شناخت، مقدمه همه امور است؛ مهم‌ترین و ضروری‌ترین شناخت برای آدمی، شناخت خود است و تا کسی بدین مهم نرسد، نمی‌تواند به شناخت دیگر موجودات دست یابد. از این روست که امام باقر (ع) می‌فرماید: «لَا مَعْرِفَةَ كَمَعْرِفَتِكَ بِنَفْسِكَ»^۲؛ هیچ شناختی مانند این نیست که خود را بشناسی.

زیرا معرفت نفس، مقدمه دیگر معرفت‌هاست؛ چنان که امام علی (ع) می‌فرماید: «مَنْ جَهِلَ نَفْسَهُ كَانَ بِغَيْرِ نَفْسِهِ أَجْهَلَ»^۳؛ آن کس که خود را نشناسد، به غیر خود نادان‌تر است. بدین ترتیب بدون شناخت انسان، تلقی از خدا، هستی و چگونگی رفتار انسان در جامعه تبیین نخواهد شد. چون بررسی هر سه حیطه هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی در این گفتار نمی‌گنجد؛ این پژوهش تنها به بررسی مبانی انسان‌شناختی اندیشه مقاومت و صبر و استقامت از دیدگاه قرآن می‌پردازد.

بر اساس مبانی انسان‌شناختی، دنیا بستر آزمون انسان است و طرحی که خداوند متعال برای این آزمون در بطن این بستر ارائه کرده، قرار دادن دو راه منتهی به سعادت و شقاوت پیش روی انسان است^۴؛ یک طرف ولایت «الله» و سمت دیگر، ولایت «طاغوت»^۵

۱. رجبی، ۱۳۸۱، ص ۳۴-۱۳ و ص ۲۵۴-۲۵۳.

۲. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۸۶ و مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۶۵.

۳. تمیمی آمدی، غررالحکم، ص ۲۳۳.

۴. بقره: ۲۵۶.

۵. همان، ۲۵۷.

در بینش قرآنی، تمامی آنچه به سمت خداوند متعال جهت گیری می‌کند، حق، و غیر آن باطل معرفی شده^۱ و انسان آزاد و مختار است تا دو راه حق یا باطل را انتخاب کند.^۲ از همین رو، ظرفیت‌های لازم، اعم از مثبت مثل فطرت، عقل و انبیا^۳ و منفی مثل ناسپاسی و غفلت و عجله و شهوت و نفس اماره^۴ برای انتخاب میان این دو راه، درون انسان نهاده شده و اختیار انسان نیز از لوازم این آزمون است.

نتیجه آن‌که بر اساس نگرشی کلی به بینش قرآنی، مبدأ تمامی موجودات، خداوند متعال است و همه از او منشأ می‌گیرند. تدبیر آن‌ها نیز به وسیله او صورت می‌گیرد^۵ و در نهایت همه به سوی او باز می‌گردند^۶؛ یعنی مقصد و هدف مقصد و هدف غایی تمامی موجودات نیز خداوند متعال است.^۷

در این چرخه آفرینش، خداوند برتری وجود را به انسان اختصاص داده است. از همین رو، در طول این چرخه آفرینش، هدف آفریده‌های خویش را «انسان»^۸ و هدف آفرینش انسان را «خود»^۹ معرفی کرده است. تبیین و تحلیل این چرخه، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مبانی نظری در متن فرهنگ سازی ارزشی انسان‌شناختی در جامعه است.

از طرفی، رسیدن انسان به آن مقصد و هدف غایی، مستلزم امتحانی است که همواره در میان دو راه حق و باطل برای انسان تعریف شده است تا هر یک از افراد بشر مبتنی بر شایستگی‌هایش رشد یافته و به هدف آفرینشی خود نزدیک شود و ناخالصی‌های او از بین رفته و برای خداوند

۱. حج: ۶۲.

۲. انسان: ۳.

۳. شمس: ۷.

۴. ابراهیم: ۳۴؛ اسراء: ۱۱ و یوسف: ۵۳.

۵. سجده: ۵.

۶. بقره: ۱۵۶.

۷. ذاریات: ۵۶.

۸. بقره: ۲۹.

۹. طه: ۴۱.

خالص گردد.^۱ در بحث مقاومت نیز، صبر و استقامت و ماندن در مسیر حق و مبارزه با مسیر باطل و شیطان‌ها و طاغوت‌های زمان، در مکان دنیا که اساساً به هدف بستر برای رشد ظرفیت‌های انسان تعبیه شده؛^۲ تنها وسیله انسان برای رسیدن به کمال و لقای خداوند است. در آیه ۲۴ سوره رعد آمده است:

﴿سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ﴾؛ سلام بر شما ای اهل بهشت! به خاطر صبوری که داشتید؛ پس چه خوب جایگاهی است [بهشت و در محضر خدا بودن].

لازم است بیان شود که بر خلاف آنچه بعضی می‌پندارند؛ فطری بودن دین، به اصل توحید و خدایپرستی منحصر نیست، بلکه تمام اصول و فروع را شامل می‌شود. بر این اساس، مقاومت که درون خود، مبارزه با ظلم را دارد نیز امری فطری است و جهاد در مقابل متجاوزان در فطرت انسان وجود دارد؛ زیرا هر کس با فطرتش درک می‌کند که در مقابل تهاجم دشمن باید از خود دفاع کند. لذا در مورد جهاد و مقاومت، افراد سطحی که تنها ضرب و جرح و مشکلات جهاد و مقاومت را می‌بینند، ممکن است آن را ناخوش بیندارند؛ ولی افراد دورنگر که می‌دانند شرف و عظمت و افتخار و آزادی انسان در گرو ایثار و پایداری است؛ یقیناً با آغوش باز از آن استقبال می‌کنند.

بعد از بررسی مبانی انسان‌شناختی مقاومت، به بررسی ادله لزوم شکل‌گیری مقاومت و جبهه مقاومت از منظر قرآن کریم می‌پردازیم:

ادله لزوم شکل‌گیری مقاومت از منظر قرآن کریم

قرآن کریم به عنوان منبع بین المللی و مشترک بین مسلمانان، با سندی قطعی که پیام مستقیم خداوند متعال برای انسان‌ها است و همه فهم و دارای شیرینی و ظرافت‌های بی نظیری است؛ با مناسبت‌ها و موارد گوناگون همچون امید به وعده‌ها و نصرت الهی، مبارزه با ظلم و حمایت از مستضعفان و تقویت صبر و استقامت در جامعه اسلامی پیوند خورده است. مقاومت، بر اساس

۱. آل عمران: ۱۴۱.

۲. ملک: ۲.

آموزه‌های قرآن، امری واجب و ضروری برای تحقق عدالت و مبارزه با طاغوت است. آیات بسیاری بر ضرورت مقاومت تأکید دارند.

لفظ «مقاومت» در قرآن نیامده است؛ با وجود این در قرآن کریم، بعضی از الفاظ، نزدیک و هم‌معنای مقاومت هستند که به آن‌ها به صورت کلی اشاره می‌شود و سپس در سه فصل بررسی دقیق‌تر صورت می‌گیرد:

۱. **صبر و استقامت:** خداوند در آیه‌ای می‌فرماید که اگر از میان شما بیست نفر برای جنگ، شکیبایی و استقامت داشته باشند، دویست نفر از دشمن را مغلوب می‌سازند.^۱

۲. **ثبات قدم:** خدای متعال مؤمنان را به ایستادگی و مقاومت در برابر دشمن سفارش می‌کند و می‌فرماید: «چنانچه در میدان جنگ به فوجی از دشمن بر خوردید، پایداری و ایستادگی کنید»^۲ جمله «فائبتوا» در این آیه، به ایستادگی در برابر دشمن و فرار نکردن امر می‌کند.^۳

۳. **دفاع:** «وَلْيَعْلَمْ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ ادْفَعُوا...»^۴ که در این آیه به عدم دفاع کردن منافقان از اسلام اشاره شده است.

۴. **طاقت و تحمل:** در داستان طالوت، پس از آن که طالوت و مردم از نهر گذشتند و زیادی لشکر دشمن را دیدند؛ گفتند: «ما طاقت مقابله، مقاومت و ایستادگی در برابر لشکر جالوت را نداریم؛ «لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ»^۵

۵. **قتال:** «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَفَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»^۶؛ «و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید و از حد تجاوز نکنید، که خدا تعدی کنندگان را دوست نمی‌دارد.»

۱. انفال: ۶۵.

۲. انفال: ۴۵.

۳. طباطبایی، المیزان، ج ۹، ص ۹۵.

۴. آل عمران: ۱۶۷.

۵. بقره: ۲۴۹.

۶. بقره: ۱۹۰.

۶. **جهاد:** «انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛^۱ برای جنگ با کافران،

سبک بار و مجهز بیرون شوید و در راه خدا به مال و جان جهاد کنید....»

قرآن کریم مبنای کلیدی چهارچوب تئوریک فقه مقاومت است. اولین و مهم ترین منبع استنباط احکام فقه اسلام نزد همه فقیهان تمام مذاهب اسلامی، قرآن کریم است و هیچ فرقه اسلامی و فقیه مسلمان در این اصل مسلم اختلاف و تردیدی ندارد.

از دیدگاه قرآن، دفاع و نصرت مومنان در برابر کافران و دشمنان دین بر عهده خداوند متعال است. در آیه ۳۸ سوره حج میخوانیم: «قطعاً خداوند از کسانی که ایمان آورده اند، دفاع می کند...» یکی از وعده ها و سنت های الهی، نصرت و دفاع از مؤمنان است و خداوند در آیه ۴۷ روم: ﴿وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ﴾؛ این دفاع و حمایت را به عنوان «حق»، بر خود لازم فرموده است. البته معنای دفاع و نصرت الهی، همیشه دفاع و نصرت فوری و کوتاه مدت نیست، بلکه دفاع دراز مدت را نیز شامل می شود؛ زیرا در آیه ۱۲۸ اعراف می فرماید: ﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ آری، ممکن است در یک درگیری و جنگ، مؤمنان به ظاهر شکست بخورند؛ ولی اهداف و تفکر آنان پیروز شود. خداوند متعال وظیفه دفاع و مقاومت در برابر کفر را با امر تشریعی به مؤمنان واگذار می کند و در آیه ۳۹ سوره حج می فرماید: «کسانی که مورد ظلم قرار می گیرند، می توانند به مقابله برخیزند؛ هرچند خداوند بر هر چیز تواناست.»

این اذن الهی به معنای اختیار نیست، بلکه امر به مقاومت است؛ زیرا در جای دیگر در آیه ۱۱۲ سوره هود می فرماید: «باید آن گونه که به تو امر شده است، استقامت کنی!»

در این آیه به مسلمانان مظلوم، هم مقاومت مسلحانه و جهاد و هم وعده پیروزی از سوی خداوند اجازه داده شده و دلیل آن هم این گونه ذکر شده است که دشمن جنگ را ظالمانه شروع کرده و سکوت در برابر او غیرقابل قبول است؛ چون باعث جرئت و جسارت مخالفان و ضعف و نوسیدی دوستان و مؤمنان می شود.

مقاومت در قرآن نه تنها واکنش فردی، بلکه وظیفه ای جمعی برای ایجاد عدالت و مقابله با

۱. توبه: ۴۱.

طاغوت است که آیه ۴ سوره صف: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ﴾؛ به در صف بودن و نظم و اتحاد مجاهدان اشاره می‌کند. همچنین آیه ۱۰۳ آل عمران: ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾؛ بر لزوم وحدت میان امت اسلامی برای مقابله با دشمنان تأکید دارد.

آیات ناظر به اهمیت دفاع و تشکیل جبهه مقاومت، در این مقاله، به حدود ۶۰ آیه می‌رسد که باتوجه به ابعاد مختلف مقاومت، در سه گروه می‌توان آن‌ها را دسته‌بندی کرد:

الف) آیات ناظر به جهاد و دفاع از مستضعفان

«جهاد» از ریشه لغوی «جهد» به معنای سعی و تلاش و کوشش^۱ است. دستور به جهاد ابتدایی، یکی از مبانی اصلی جبهه مقاومت است که با انتظار پویا ارتباط مستقیمی دارد. هدف اصلی انتظار، برپایی عدالت جهانی تحت رهبری امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. قرآن کریم در سوره انبیاء آیه ۱۰۵ می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾.

این آیه، وعده الهی برای حکومت صالحان و برپایی عدالت در سراسر جهان را مطرح می‌کند که وصف صالحان، اشاره به لزوم وجود افراد صالح و دارای صلاحیت قبل از ظهور می‌باشد. قرآن کریم در مورد ویژگی‌های صالحان در آیه ۱۱۴ سوره آل عمران می‌فرماید:

﴿يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يُؤْمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾؛ به خدا و روز واپسین ایمان می‌آورند؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند؛ و در اجرای کارهای نیک، بر یکدیگر پیشی می‌گیرند؛ و آن‌ها از صالحانند.

طبق این آیه شریفه، امر به معروف و ناهی از منکر بودن و پیشی گرفتن در اجرای خوبی‌ها از شاخصه‌های صالحان در قرآن کریم می‌باشد که با در نظر گرفتن مراحل قلبی، لسانی و عملی امر به معروف و نهی از منکر و در مقیاس منطقه ای و جهانی، باید صالحان و منتظران ظهور، دارای

۱. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۴۸۶.

اندیشه مقاومت در هر زمانی باشند.

در آیه ۵۴ مائده، مخاطبان، اصحابی از پیامبر ﷺ هستند که حق اهل بیت (ع) را غصب کردند و از دین خدا برگشتند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ﴾؛ ای اهل ایمان! هر کس از شما از دینش برگردد؛ [زیانی به خدا نمی رساند]. خدا به زودی گروهی را می آورد که آنان را دوست دارد، و آنان هم خدا را دوست دارند؛ در برابر مؤمنان فروتن اند، و در برابر کافران سرسخت و قدرتمندند. همواره در راه خدا جهاد می کنند، و از سرزنش هیچ سرزنش کننده ای نمی ترسند. این فضل خداست که به هر کس بخواهد می دهد؛ و خدا بسیار عطاکننده و داناست.

این آیه، در مورد یاران امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تأویل شده است. کسانی که در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری هراسی ندارند.^۱ و در تفسیر نورالثقلین^۲ در ذیل آیه از پیامبر ﷺ نقل شده است که این افراد از قوم سلمان فارسی هستند که اگر دین واقعی و ایمان در ستاره ثریا باشد، مردانی از قوم پارس به آن دست پیدا خواهند کرد.

اصل دعوت به جهاد در آیات بسیاری به آن اشاره شده است. در آیه ۱۹۰ سوره بقره آمده است: «و در راه خدا با کسانی که با شما می جنگند نبرد کنید و از حد تجاوز نکنید، که خدا تعدی کنندگان را دوست نمی دارد.»

آیه ۷۶ سوره نساء: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا يقاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يقاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ...﴾؛ جهاد و مبارزه در راه خدا را از علائم اهل ایمان می شمارد. آیه ۲۵۱ سوره بقره: ﴿وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ...﴾؛ به ضرورت مبارزه با طاغوت و جلوگیری از فساد در زمین اشاره دارد.

۱. عیاشی، تفسیر عیاشی، ص ۱۷۰.

۲. حویزی، نورالثقلین، ص ۶۴۱.

در آیه ۷۵ سوره نساء ﴿وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ...﴾؛ خداوند متعال حتی درخواست کمک از جامعه اسلامی و ایمانی از سوی ستم دیدگان را مطرح نکرده و صرف آن که عده ای از مسلمین در هرجا که مورد ظلم و ستم قرار گرفته باشند، جامعه اسلامی را مکلف می‌داند به یاری آنان شتافته و با دشمن به پیکار بپردازد.

نکته قابل تأمل، خطاب عتاب گونه حضرت حق به مسلمانان است که چرا به یاری مسلمانان ستم دیده در اقصا نقاط جهان در حد توان خود نمی‌شتابید ﴿وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ...﴾ مستضعف کسی است که توسط دیگران به ضعف کشانده شده؛ به عبارت دیگر کسی را که مورد ظلم و ستم دیگران قرار گرفته، مستضعف گویند. بنابراین، همه مسلمانان باید درباره مظلومیت دیگر مسلمین حساسیت داشته باشند و نسبت به مبارزه با ظلم و ستم اقدام جدی کنند.

حال باید از آنان که به رفتار جمهوری اسلامی در دفاع از مظلومان عالم و دفاع از حریم مسلمین ایراد می‌گیرند پرسید که چه جوابی برای این آیه شریفه دارند؟

یکی دیگر از آیاتی که به جهاد در راه خدا و آن هم به صورت کامل و با رعایت حقوق و حق کامل آن دعوت میکند، آیه ۷۸ سوره مبارکه حج می‌باشد: ﴿وَاجْهَدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ...﴾ که در روایات شیعه، از این باب که قرآن جریان و تطبیق دارد امام رضا (علیه السلام)، قیام زید و هر کس را که برای رضای اهل بیت و دین جهاد کند شامل این آیه می‌دانند.^۱

در آیه دیگر می‌خوانیم: «با آن‌ها پیکار کنید تا فتنه‌گری [= شرک و سلب آزادی] بر چیده شود و دین همه اش مخصوص خدا باشد.»^۲ بنابراین، مبارزه با فتنه نیز نوعی جهاد دفاعی است.

آیه ۱۹۱ سوره بقره می‌فرماید: ﴿وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجَكُمُ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ﴾؛ و متجاوزان و ظالمان را هر کجا یافتید، به قتل برسانید و از جایی که شما را بیرون کردند، بیرونشان کنید و فتنه از قتل و کشتار بدتر است.» پس بر اساس امر قرآن کریم، اخراج غیر مسلمانان از اراضی مسلمین می‌بایست در دستور کار مسلمانان باشد.

۱. صدوق، عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۴۸.

۲. بقره: ۱۹۳.

در آیه ۴۰ حج، در اهمیت دفاع آمده است:

«هر زمانی خداوند برای حفظ دین و ایمان مؤمنان، از ایشان دفاع کرده است و اگر یاری او نبود و کافران و مشرکان را دفع نمی‌کرد، آن‌ها هیچ مجالی برای عبادت خداوند بر روی زمین باقی نمی‌گذاشتند و تمام عبادتگاه‌ها را نابود می‌کردند.»

طبق آیه، اساس دشمنی کفار با مؤمنان، از بین بردن ایمان و آثار ایمانی است. این آیه شریفه اراده تشریعی خداوند را می‌رساند بر این که مسلمین باید در مقابل آن‌ها جهاد و دفاع کنند. در آیه ۴۱ سوره نساء، بر لزوم مقاومت بر اساس قاعده نفی سبیل تاکید می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: «خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است.»

یعنی اگر جامعه اسلامی از دستورهای الهی تبعیت کند، کافران در هیچ زمینه‌ای، اعم از جنگ و سیاست و علم و عمل نمی‌توانند بر آن‌ها مسلط شوند^۱ و هرگاه جامعه اسلامی در تدبیر و اجرای وظایف دینی اهمال کرد، زمینه سروری و علو کافران را بر خود فراهم کرد و آن‌ها بر مملکت اسلامی حاکم شدند و چونان فرعونیان، زمین‌های مسلمانان را غصب و بر آن‌ها جزیه تعیین کردند و ایشان را به کارهای دشوار و داشتند.^۲

پس بر همه مسلمانان واجب است به منظور مقاومت در برابر تسلط کفار بر ایشان، تمام قوای خود را در همه ابعاد به کار بندند؛ از جمله بعد نظامی؛ چون امنیت کامل بستگی دارد به این که جامعه اسلامی برای مقابله نظامی با دشمنان آماده باشد. هیچ کاری نمی‌تواند مانند آمادگی برای جنگ و مقاومت مانع جنگ دشمن شود.^۳

خداوند در آیه ۷۱ نساء می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! [= در برابر دشمن] آماده باشید [اسلحه خود را بگیرید] و گروه گروه [به جهاد] بیرون روید یا به طور جمعی روانه شوید.» در این آیه، خداوند در عرصه نظامی، برای در امان ماندن از شر دشمن، آماده‌باش کامل اعلام

۱. طباطبایی، المیزان، ج. ۵، ص ۱۱۶.

۲. هرری، تفسیر حقائق الروح والريحان، ج. ۶، ص ۴۲۳.

۳. مراغی، تفسیر المراغی، ج. ۱۰، ص ۹۰.

می‌کند. این آمادگی مستلزم شناخت حالات و استعدادها و قوت و ضعف و تعداد و توافقات و اختلافات دشمن و راه مقابله و مقاومت در برابر آنهاست.^۱

در جای دیگر در آیه ۶۰ انفال می‌فرماید: «و هر چه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده، بسیج کنید تا با این [تدارکات]، دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان که شما آن‌ها را نمی‌شناسید و خدا آنان را می‌شناسد، بترسانید و هر چیزی در راه خدا خرج کنید، پاداشش به خود شما بازگردانده می‌شود و بر شما ستم نخواهد شد.»

یکی از آیاتی که به صراحت به پیکار و جنگ با کافرانی که در همسایگی کشورهای اسلامی هستند و برای آن‌ها مزاحمت ایجاد می‌کنند دستور می‌دهد؛ ۱۲۳ سوره مبارکه توبه می‌باشد:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! [نخست] با کافرانی که به شما نزدیک‌ترند، پیکار کنید [و دشمن دورتر. شما را از دشمنان نزدیک غافل نسازد]. آن‌ها باید در شما شدت و قدرت، احساس کنند و بدانید خداوند با پرهیزکاران است.»

علی بن ابراهیم در تفسیر این آیه از معصومان (ع) روایت کرده است که بر هر قوم واجب است با کسانی که در سرزمین‌های مجاور هستند، یعنی با کافران بجنگند تا از آن محدوده تجاوز نکنند، «و غِلْظَةً»؛ یعنی با خشونت با آنان رفتار کنید.^۲

از دیگر آیاتی که با موضوع دعوت به جهاد و دفاع و مبارزه مرتبط هستند؛ می‌توان به آیات ۶۵ انفال، ۳۳ مائده، ۹۵ نساء، ۳۶ نحل، ۱۰ صف، ۱۲۰ توبه، ۴۱ توبه، ۲۱۷ بقره، ۱۳۹ نساء، ۲۷۹ بقره، ۱۲۰ توبه و ۲۵ حدید اشاره کرد.

نکته قابل توجه این است که در برخی از آیات شاهد این نکته بودیم که قرآن کریم، برخی از ثمرات مقاومت را در کنار امر به جهاد و مقاومت بیان کرده است؛ مثل دفع فتنه و فساد، حفظ دین و معابد، امدادهای غیبی، دفاع از مظلومان و عزت و سربلندی مسلمین. خداوند در آیه ۱۳۹ نساء می‌فرماید:

۱. همان، ج. ۵، ص ۸۷.

۲. قمی، تفسیر قمی، ج. ۱، ص ۳۰۷.

آنان که غیر از مؤمنان، کافران را دوستان [خود] می‌گیرند؛ آیا سربلندی را نزد آنان می‌جویند [این خیالی خام است]؛ زیرا عزت همه از آن خداست.» برگزیدن راهی جز مقاومت در برابر کافران ذلت به بار خواهد آورد و عزت حقیقی درمقاومت است.^۱

طبق آیات قرآن، همه ملت‌ها و دولت‌های اسلامی می‌بایست به کمک رسانی به مردم مظلوم فلسطین و حمایت اقتصادی از آن‌ها اقدام کنند. در آیات هفتم و هشتم سوره حشر، آن‌جا که می‌خواهد موارد مربوط به «فیء» را تشریح کند، به صراحت سهم داشتن مسلمانان آواره ای که از سرزمین‌هایشان اخراج شده‌اند، در بیت المال مسلمین را اعلام کرده است. پس بر همه ملل و دولت‌های اسلامی واجب است از جبهه مقاومت حمایت اقتصادی به عمل آورند.

در نتیجه دفاع از فلسطین، لبنان، عراق و یمن و ... در جهت جهاد دفاعی است. لذا اگر ملت ایران شعار حمایت از ملت‌های مظلوم را سر می‌دهد، جای تعجب نیست؛ زیرا به مضمون قرآن عمل می‌کند. بر این اساس، باید به ندای هر مظلومی در هر جای جهان لبیک گفت و در حد وسع و امکانات، به یاری او شتافت.

ب) آیات ناظر به استقامت و صبر

«استقامت و صبر» از ارکان اصلی زندگی بشری و مهم‌ترین عامل موفقیت انسان و همه جوامع انسانی است. کلمه «صبر» در قرآن کریم، ۷۰ مرتبه عنوان شده که اهمیت آن را می‌رساند. در آیات دیگر از مقاومت، به «استقامت» هم تعبیر شده و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مؤمنان را به استقامت و پایداری امر کرده و در آیات متعدد به استقامت کنندگان و صابران، برخورداری از مواهب الهی و امدادهای غیبی و پیروزی را وعده داده است.

اعتقاد و باور به این‌که سرانجام همه به پیشگاه الهی، جهت محاسبه اعمال باز خواهند گشت، موجب روحیه صبر و مقاومت در مومنان می‌گردد و همین باور است که تحمل مصیبت‌ها و سختی‌ها را بر ایشان آسان می‌کند.

در آیه ۳۰ فصلت آمده است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا

۱. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۴۹۳.

لَا تَحْزَنُوا وَابْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ»

نیز در آیه ۴۵ سوره انفال آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»

این آیات به مومنان دستور می‌دهد که در برابر دشمنان استقامت کنند تا با یاد خداوند به پیروزی موفقیت دست یابند.

یکی دیگر از آیات قرآن کریم که مسلمانان را به «جهاد کبیر» که به معنای استقامت است، دعوت می‌کند؛ این آیه شریفه می‌باشد: «فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا»^۱ که به پیامبر و مسلمانان هر زمان دستور داده می‌شود از کافران اطاعت نکنند و به جهاد کبیر، یعنی تسلیم نشدن در برابر دشمنان اسلام در هر زمانی توجه داشته باشند. رهبر معظم انقلاب در توضیح این آیه می‌فرماید:

پنج شاخص [انقلابی بودن] که این‌ها را شرح خواهم داد [عبارتند از]: ... شاخص چهارم، حساسیت در برابر دشمن و کار دشمن و نقشه دشمن و عدم تبعیت از او، که البته باید دشمن را شناخت، نقشه او را فهمید و از تبعیت دشمن سر باز زد. عرض کردیم که قرآن این عدم تبعیت را «جهاد کبیر» نام نهاده است.^۲

از دیگر آیات مرتبط با صبر و استقامت، می‌توان به آیه ۱۰ زمر، ۴ انفال، ۳ عصر، ۱۳۹ آل عمران، ۳ شوری و ۱۴۶ آل عمران نام برد که به اصل تسلیم نشدن در برابر ظالمان اشاره کرده‌اند.

ج) آیات ناظر به سنت‌های الهی

«سنت» در لغت به معنای سیره، راه و روش است؛ خواه روشی نیکو باشد و خواه روشی قبیح^۳ و در اصلاح، سنت‌های الهی، به معنای روش‌ها و ضوابطی در افعال خداوند است که امور عالم بر

۱. فرقان: ۵۲.

۲. بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی.

۳. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۳، ص ۲۲۵.

پایه آن‌ها اداره می‌شود.^۱

اساساً این سنت‌ها از جنبه تنوع روش‌ها و گستردگی به قدری فراگیرند که هیچ موجودی از شعاع سنت‌های الهی خارج نیست و در هر موقعیتی یک یا چند سنت بر او حکومت می‌کند^۲ و دارای ویژگی‌هایی چون جامعیت، ثبات و ضابطه‌مندی هستند و به تعبیر قرآن، غیرقابل تبدیل و تغییرند.^۳

واژه «سنت» در قرآن به صورت صریح ۱۶ بار و در ۱۱ سوره به کار رفته^۴ که ۲ بار آن به صورت جمع (سُنَن) آمده است. با این حال، ادعا شده که ۹۰ درصد آیات قرآن به سنت‌های الهی ناظر است.^۵ کشف سنت‌های الهی در زندگی بشر، در جهت معنایابی برای حوادث در طول زندگی، ضروری است و به گفته محمدباقر صدر، فقیه شیعه، انسان برای آن که بتواند بر سرنوشت خود حاکم باشد، باید سنت‌های الهی را بشناسد. از دید او، توجه به این قوانین، به صورت مستقیم در تغییر و دگرگون‌سازی عملی جامعه و فرد بسیار مؤثر است.^۶

امامین انقلاب نیز راهبری سیاسی و اجتماعی خود را بر مبنای سنت‌های الهی ترسیم کرده و انطباق با سنت‌های الهی را برای رسیدن به پیروزی ضروری دانسته‌اند.^۷

سنت‌های الهی را به سنت‌های مطلق و سنت‌های مشروط تقسیم کرده‌اند. منظور از سنت‌های مطلق، سنت‌هایی است که خداوند آن‌ها را بدون پیش‌شرط جاری می‌کند و اجرای آن به رفتار انسان‌ها وابسته نیست، نظیر سنت هدایت عام انسان‌ها مطابق آیاتی مثل ۳۶ سوره نحل و سنت امتحان مردم بر اساس آیاتی مثل آیه ۱۵۵ سوره بقره.

۱. مصباح یزدی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، ص ۴۰۹.

۲. آقاجانی، ویژگی‌ها و انواع سنت‌های الهی در تدبیر جوامع، ص ۳۴.

۳. فاطر: ۴۳.

۴. روحانی، سنت‌های الهی در قرآن، ص ۱۰۲.

۵. مصباح یزدی، جامعه و تاریخ در قرآن، ص ۴۱۰.

۶. صدر، سنت‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن، ص ۸۲.

۷. بیانات رهبری در ۱۴۰۲/۵/۲۶.

منظور از سنت‌های مشروط سنت‌هایی است که در قبال عملکرد انسان جاری می‌شود؛ نظیر سنت نصرت مؤمنان، که در آیه ۴۷ سوره روم آمده است.^۱

آیت الله مصباح یزدی، سنت‌های مشروط را در یک تقسیم‌بندی، به دو بخش سنت‌های مخصوص اهل حق و سنت‌های مخصوص اهل باطل تقسیم کرده است و سنت‌های ناظر به اهل حق را در سه عنوان، ازدیاد نعمت‌های معنوی و اخروی، ازدیاد نعمت‌های دنیوی، و پیروزی بر دشمنان قرار داده است.

بر اساس همین تقسیم‌بندی، جبهه مقاومت که هدف نهایی آن، رفع ظلم و برقراری عدالت جهانی است؛ با مسئله سنت‌های الهی رابطه تنگاتنگ دارد و در دل خود تلفیقی از چندین سنت الهی دارد که عبارتند از:

الف) سنت‌های مطلق

«سنت‌های مطلق»، یعنی خداوند آن‌ها را در نهایت جاری می‌کند و قطعی الوقوع است. نکته قابل توجه آن است که سنت‌های الهی فرآیندی دارد که طبق آن مراحل، اتفاق می‌افتد. مسلمانان با این سنت‌ها امید و انگیزه پیدا می‌کنند تا جلوی دشمنان تا بن دندان مسلح - هرچند با از دست دادن عزیزان باشد - روحیه خود را از دست ندهند. زمان وقوع سنت‌های مطلق مربوط به دوران ظهور، مثل وراثت صالحان، با توجه به فرآیند و نظمی که در خود سنت‌ها بر هم حاکم است؛ بعد از سنت اجل، ابتلا، مداوله، تمییز، تمحیص، باسا و ضراء، کیدمتین و امهال و استدراج است.^۲ که این نکته را می‌فهماند که هرچند وقوع ظهور حتمی است؛ زمان آن با توجه به سنت‌های دیگر قرآن، به عملکرد انسان‌ها بستگی دارد که ولایت الله یا ولایت طاغوت را قبول کنند.

لذا منتظران با مقدمه سازی و عمل به دستورهای قرآن، می‌توانند وقوع این آیات را جلو بیاورند؛ و الا اگر این دسته از آیات، هیچ تکلیفی برای جوامع اسلامی ایجاد نکنند، لغو خواهند بود.

۱. مصباح یزدی، جامعه و تاریخ در قرآن، ص ۴۱۱ تا ۴۱۹.

۲. مؤیدی، فرایند ظهور در پرتو سنت‌های الهی، ص ۱۴۲.

۱. **سنت پیروزی نهایی حق بر باطل:** خداوند در قرآن مجید در آیات متعددی، اشاره به غلبه

نهایی حق بر باطل در پهنه زمین دارد؛ از جمله:

آیه ۸۱ سوره اسراء، «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»؛ پیروزی نهایی حق بر باطل را وعده می دهد که یکی از اهداف نهایی انتظار و مقاومت است.

آیه ۸ سوره انفال: «لِيَحِقَّ الْحَقُّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلُ» و آیه ۱۸ انبیاء: «بَلْ نَقْصُصُ الْحَقَّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ» بر نابودی جبهه باطل و اثبات و ماندگاری جبهه حق اشاره دارد.

۲. **سنت جانشینی مستضعفان بر زمین:** در آیه ۵ سوره قصص: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»؛ با وعده وراثت زمین توسط مستضعفان، نقطه امیدی برای جوامع اسلامی در مسیر مبارزه و انتظار قرار می دهد.

۳. **سنت وراثت صالحان:** خداوند متعال در سوره انبیاء آیه ۱۰۵ می فرماید: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ».

این آیه، وعده الهی برای حکومت صالحان و برپایی عدالت در سراسر جهان را مطرح می کند که وصف صالحان اشاره به لزوم وجود افراد صالح و دارای صلاحیت قبل از ظهور باشد.

۴. **سنت تعلق آینده به پرهیزکاران:** خدای متعال در سوره اعراف آیه ۱۲۸ می فرماید: «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ».

این آیه عاقبت خوب هرچیزی، از جمله آینده زمین را برای اهل تقوا می داند.

۵. **سنت غلبه اسلام بر سایر ادیان:** در آیه ۳۳ سوره توبه و آیه ۲۸ فتح آمده است:

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ».

از آیه استفاده می شود غلبه اسلام بر سایر ادیان و مذاهب، وعده ای حتمی است و این مایه امیدبخشی و مشخص شدن تکلیف مقاومت است که باید در این مسیر نورانی و حتمی و ثمربخش قدم بردارند.

۶. **سنت استخلاف:** خداوند کریم در سوره مبارکه نور آیه ۵۵ می فرماید:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي

شیئا».

از آیه چنین بر می‌آید که خداوند به گروهی از مسلمانان که دارای صفت ایمان و عمل صالح هستند، سه نوید داده است: استخلاف و حکومت روی زمین، نشر آیین حق به طور اساسی در همه جا و از میان رفتن تمام اسباب خوف و ناامنی‌ها که چون تا الان این ویژگی‌ها محقق نشده است؛ به تحقق حتمی آن‌ها در آینده اشاره می‌کند.

در اصطلاح قرآن، هلاکت کافران سرکش و جایگزین گشتن و به قدرت رسیدن مؤمنان صالح، «استخلاف» نامیده می‌شود. استخلاف در امت‌های قبل اتفاق افتاده است؛ ولی غلبه صالحان تا قیامت ادامه پیدا نکرد. طبق آیه، در امت پیامبر اسلام با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این امر واقع خواهد شد و پس از ایشان در دوره رجعت نیز ادامه خواهد داشت. این ویژگی‌ها، آرمان جبهه مقاومت است که پشتوانه محکم قرآنی دارد.

۷ و ۸. سنت ابتلا و سنت تمحیص: سنت ابتلا و امتحان و تمحیص و خالص شدن مومنان، از امور قطعی و همگانی است که با توجه به آیه ۱۵۵ سوره بقره، خوف، گرسنگی، تشنگی، نقص اموال و انفس و محصولات را هم در بر می‌گیرد و پیروزی در این آزمون‌های زندگی خصوصاً نبرد با طاغوتیان و دشمنان دین قهراً از طریق مقاومت و ایستادگی در راه حق خواهد بود. امام صادق علیه السلام در تاویل «و بشر الصابرين»، «صابرين» از این امتحانات را یاران امام مهدی علیه السلام و بشارت را تعجیل فرج ذکر می‌کند.^۱

(ب) سنت‌های مشروط

سنت‌های مشروط، سنت‌هایی است که در قبال عملکرد انسان جاری می‌شود. روشن است که عمل کردن به این ضوابط بر هر مسلمانی واجب است و هر چند در ظاهر جمله خبریه آمده است؛ چون محبوبیت آن عمل را نزد خداوند بیان می‌کند؛ وجوب آن بالتبع برداشت می‌شود. یعنی وقتی خداوند بیان می‌کند که اگر شکر گزار باشید، ازدیاد نعمت پیدا می‌کنید؛ وجوب شکر هم از آن برای

۱. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۴۹.

رسیدن به رستگاری و فلاح برداشت می‌شود.

سنت‌های مشروط و مخصوص اهل حق که نسبت به اجرای آن‌ها تکلیف داریم، عبارتند از:

۱. سنت نصرت الاهی: یکی از ارکان اصلی اقدام به تشکیل و ادامه جبهه مقاومت، ایمان به وعده الاهی در نصرت مظلومان است. ایمان به وعده الاهی درباره پیروزی حق و شکست باطل که آیاتی از قرآن به این مطلب اشاره می‌کنند. از جمله این آیات، به آیه ۷ سوره محمد: ﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ و آیه ۴۰ حج می‌توان اشاره کرد. این آیات بر این اصل تأکید دارند که مقاومت و حمایت از دین خدا، شرط دریافت یاری الاهی است. آیه ۱۶۰ سوره آل عمران: ﴿إِنْ يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرْكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ بر این نکته اشاره دارد که اگر خدا را یاری کنید هیچ کس توان غالب شدن بر شما را نخواهد یافت. همان‌طور که بیان شد، ظاهر آیات خبری است؛ اما در مقام جعل حکم و انشایی می‌باشد. همان‌طور که در آیه ۱۴ سوره صف، به صورت ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ﴾ آمده است.

۱. سنت نجات مؤمنان: سنت مذکور، یکی دیگر از سنت‌های مشروط است. در آیه ۱۰۳ یونس و آیه ۸۸ انبیاء، پس از نجات یونس علیه السلام از شکم ماهی، قرآن کریم می‌فرماید: «و ما این چنین مومنان را نجات می‌دهیم و حقی است بر ما که مومنان را نجات دهیم.»

لذا شرط نجات یافتن از چنگال دشمنان دین، ایمان خالص و همراه با تضرع که همیشه در قرآن با عبارت «و عملوا» همراه است، بیان شده است. لذا عمل و ایمان به دستورهای قرآن که یکی از مهم‌ترین آن‌ها مقاومت است، راه گشای انسان‌ها در تاریکی‌های دوران غیبت می‌باشد.

۲. سنت تغییر: سنتی است که از آیه ۱۱ سوره رعد و ۵۳ سوره انفال و ۲۵۷ بقره استفاده می‌شود و تغییر سرنوشت امت‌ها یا استمرار نعمت‌ها برای ایشان را پیامد رفتارهای خودشان می‌داند؛ و گرنه خداوند از جانب خود نعمتی را بر امتی پایان نمی‌بخشد. به موجب این آیات، ظهور و رفع مشکلات مسلمین به عملکرد خودشان بستگی دارد که آیا با جهاد و مقاومت، دخول در ولایت الله را انتخاب کنند یا با اهمال و سستی، کفران نعمت کنند و تحت حاکمیت طاغوت بروند.

نتیجه گیری

از جمله مفاهیمی که با انگیزه های مختلف، دانسته و نادانسته مورد تحریف یا بی اعتنائی قرار می گیرد و شبهه می شود، مقاومت در برابر دشمن و نقش بی بدیل آن در زمینه سازی برای عدالت جهانی و ظهور است. «مقاومت» از اصول اولیه زندگی بشری است که انسان بدون بهره مندی از آن به حیات واقعی قادر نخواهد بود.

در مبانی انسان شناختی، مقاومت و استقامت در مشکلات و موانع، نقش ابزاری برای رسیدن به اهداف عالیه انسان و هدف از آفرینش وی و رسیدن به سعادت دارد. قرآن کریم مبنای کلیدی چهارچوب تئوریک فقه مقاومت است. در قرآن کریم لفظ مقاومت نیامده؛ اما واژه های شبیه آن، نظیر استقامت، صبر، ثبات قدم، جهاد و دفاع آمده است.

با توجه به نظام کلی قرآن و بررسی حدود ۶۰ آیه، پی می بریم که آیات فراوانی در قرآن کریم، ما را به تشکیل و حمایت از جبهه مقاومت امر کرده است. این آیات در قالب آیات ناظر به امر به جهاد و مبارزه، آیات ناظر به دعوت به صبر و استقامت و آیات ناظر به سنت های الهی از جمله سنت غلبه حق بر باطل، پیروزی مستضعفان، وراثت صالحان، سنت نصرت و تغییر آمده است که عمل به این آیات بنا بر شاخصه های انتظارپویا که در جای خود اثبات شده است، در جهت زمینه سازی و فراهم کردن مقدمات عدالت جهانی می باشد.

منابع

قرآن کریم.

۱. ابن منظور، محمد، *لسان العرب*، دار صادر، بیروت، ۱۴۰۴ق.
۲. آقاجانی، نصرالله، *ویژگی‌ها و انواع سنت‌های الهی در تدبیر جوامع*، اسلام، سال دوم، شماره ۳، زمستان ۱۳۹۳.
۳. پایگاه اطلاع رسانی حضرت آیت الله العظمی خامنه ای: Khamenei.ir.
۴. حرانی، حسن بن شعبه، *تحف العقول*، انتشارات جامعه مدرسین قم، ۱۴۰۴ق.
۵. خامنه ای، سید علی، نرم افزار حدیث ولایت مجموعه سخنان حضرت آیت الله العظمی خامنه ای، مرکز کامپیوتری علوم اسلامی نور.
۶. دهخدا، علی اکبر، *لغتنامه دهخدا*، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۳.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، انتشارات آراس، تهران، ۱۳۹۶.
۸. شیخ صدوق، محمد بن علی، *عیون اخبار الرضا*، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۴ق.
۹. _____، *کمال الدین و تمام النعمه*، دار الکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۹۷ق.
۱۰. صدر، سید محمدباقر، *سنت‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن*، ترجمه حسین منوچهری، تهران، رجا، ۱۳۶۹.
۱۱. _____، *سنت‌های تاریخ در قرآن*، ترجمه: سید جمال الدین موسوی، دفتر نشر اسلامی، قم، ۱۳۸۱.
۱۲. طباطبائی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۷ق.
۱۳. فاضلیان، نفیسه سادات، *پیوند سنت‌های الهی با مهدویت*، فصلنامه انتظار، ش ۳، پاییز ۱۳۸۸.
۱۴. فیض مشکینی، علی اکبر، *مصطلحات الفقه*، موسسه دارالحديث، ۱۳۹۲.

۱۵. قمی، علی بن ابراهیم، **تفسیر قمی**، دارالکتاب، ۱۳۶۳.
۱۶. مجلسی، محمد باقر، **بحار الأنوار**، موسسه الوفاء، بیروت، ۱۳۱۵ ق.
۱۷. مراغی، أحمد بن مصطفی، **تفسیر المراغی**، قاهره، شرکه مکتبه ومطبعه مصطفی البابي الحلبي، ۱۳۶۵ ق.
۱۸. مسکویه، ابوعلی، **تجارب الامم**، انتشارات آستان قدس، مشهد، ۱۳۷۰ ق.
۱۹. مصباح یزدی، محمدتقی، **جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن**، سازمان تبلیغات اسلامی. شرکت چاپ و نشر بین الملل، تهران، ۱۳۹۱.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۷۴.
۲۱. مویدی، علی، **فرایند ظهور در پرتو سنت های الهی**، مرکز تخصصی مهدویت، قم، ۱۴۰۳.
۲۲. هرری شافعی، محمدامین بن عبدالله، **تفسیر حدائق الروح والریحان**، انتشارات طوق النجاه، لبنان، ۱۴۳۸ ق.

شیوه‌های تربیت نیروی انسانی کارآمد در عرصه مدیریت در جهت دولت تراز

مهدویت

مرتضی حسن پور سرگرویی^۱

چکیده

تحقیق حاضر به بررسی شیوه‌های تربیت نیروی انسانی کارآمد در عرصه مدیریت در دولت تراز مهدویت می‌پردازد. باتوجه به اهمیت سرمایه انسانی در تحقق آرمان‌های مهدوی، این نوشتار به تحلیل روش‌های تربیتی لازم برای پرورش مدیران الگو و مؤثر می‌پردازد. در این مقاله، به روش‌های مختلفی چون استفاده از الگوهای مهدوی، توانمندسازی فکری، تقویت حس مسئولیت و ایجاد محیط سالم اشاره می‌شود. همچنین، نقش علمای دین به عنوان مشاوران و راهنمایان در تربیت نیروی انسانی کارآمد دولت تراز مهدویت مورد تأکید قرار می‌گیرد. این تحقیق، باهدف ارائه چارچوبی برای تربیت مدیران موفق و زمینه‌سازی برای ظهور مهدوی، به تحلیل و تبیین روش‌های مؤثر در این زمینه می‌پردازد. نتایج این تحقیق می‌تواند به سیاست‌گذاران و مدیران کمک کند تا با بهره‌گیری از اصول مهدویت، نیروی انسانی کارآمدی را در زمینه تحقق اهداف دولت تراز مهدوی تربیت کنند. این نوشتار به روش توصیفی-تحلیلی و نیز گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای به مسئله‌ی مذکور می‌پردازد.

واژگان کلیدی: شیوه‌های تربیت، مدیر تراز، زمینه‌سازی، انقلاب اسلامی، انقلاب جهانی امام

مهدی عَلَيْهِ السَّلَام .

۱. فارغ التحصیل سطح ۴ مرکز تخصصی مهدویت قم و پژوهشگر مهدویت.

برای رسیدن به آرمان‌های مهدوی و پیشرفت در آن، به انقلاب مدیریتی نیازمند هستیم. مدیران سطوح مختلف در ایجاد دولتی در تراز دولت مهدویت، نقش اساسی و بسیار کلیدی دارند. همان‌طور که رهبر معظم انقلاب در این زمینه می‌فرماید: «برای یک کشور، برای یک تمدن، برای یک ملت، مهم‌تر از همه سرمایه‌ها، سرمایه انسانی است؛ یعنی اگر شما پول داشته باشید؛ اما سرمایه انسانی درست و حسابی نداشته باشید به جایی نمی‌رسید.»^۱ باتوجه به این کلام، اهمیت پرداختن به این مسئله روشن است؛ چرا که برای رسیدن به نتیجه مطلوب و آرمان‌های مهدوی تربیت نیروی انسانی نقشی اساسی دارد.

در مورد پیشینه این موضوع، قبل از این تحقیق در مورد مدیریت اسلامی، مقالات و کتاب‌هایی نوشته شده است؛ اما در مورد مدیریت در جهت دولت تراز مهدویت مطلبی یافت نشد، فقط یک مقاله به نام «ویژگی‌ها حکومت مهدوی؛ تربیت نیروی انسانی لازم برای حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» از علی‌اکبر حسینی دیده شد که ایشان به شیوه‌های تربیت نپرداخته است. لذا نوشتار پیش رو، در صدد بیان شیوه‌های تربیت نیروی انسانی کارآمد در عرصه مدیریت و در راستای دولت تراز مهدوی است، تا با بیان روش‌های تربیت نیروی انسانی بتوان الگویی برای تربیت نیروی انسانی موفق برای مدیریت در دولت مهدوی و زمینه‌سازی ظهور ترسیم کند.

زمینه‌سازی ظهور از برخی روایات، مانند این روایت نبوی گرفته شده است: «يُخْرِجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِنُونَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ»^۲؛ مردمی از مشرق‌زمین قیام می‌کنند و زمینه را برای قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فراهم می‌سازند. بنابراین، تربیت نیروی انسانی تراز دولت مهدویت از چند جهت مهم به نظر می‌رسد و تأثیر فراوانی بر زمینه‌سازی ظهور دارد. از یک طرف می‌تواند به کارآمدی مدیر موفق منجر بشود و از سویی مدیر موفق می‌تواند ظرفیت‌های مهمی برای زمینه‌سازی ایجاد کند. ایجاد روحیه زمینه‌سازی در جامعه از دیگر آثار تربیت نیروی انسانی است و نیز تأثیرگذاری بر

۱. بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان؛ ۱۳۹۸/۲/۱۱.

۲. ابن حیون، نعمان بن محمد، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار، ج ۳، ص ۳۶۵.

اخلاق و سبک زندگی عموم منتظران از دیگر تأثیرات آن است. لذا در این مقاله به مهم‌ترین این روش‌ها پرداخته می‌شود.

برخی از مهم‌ترین روش‌های تربیت نیروی انسانی مدیر کارآمد در جهت دولت زمینه‌ساز: برای تربیت نیروی کارآمد انسانی دولت تراز مهدویت، می‌توان به روش‌های تربیتی فراوانی اشاره کرد. این مقاله به دلیل رعایت اختصار به پنج روش از مهم‌ترین شیوه‌های تربیتی می‌پردازد:

۱. روش ارائه الگوی حکومت مهدویت

بر اساس نظریه کارشناسان تربیت، «یکی از بهترین و مؤثرترین روش‌های تربیتی و اصلاح فرد و اجتماع، ارائه نمونه ترسیم الگو و سرمشق برای تربیت عملی انسان هاست. در این روش، نمونه‌ای عینی و قابل تقلید و پیروی، در برابر او قرار می‌گیرد و از آن‌جا که انسان فطرتاً الگو طلب و الگوپذیر است، سعی می‌کند در همه چیز، خود را شبیه آن الگوی مطلوب سازد و به دنبال او حرکت نماید.»^۱ برخی دیگر اهمیت الگو را این‌گونه تبیین کرده‌اند: «تربیت ابتدایی هر انسانی، به طور طبیعی با روش الگویی شکل می‌گیرد و این مسئله تا دوران نوجوانی و جوانی ادامه می‌یابد.»^۲ مهم‌ترین الگوهایی که مدیران تراز دولت مهدویت می‌توانند از آن بهره ببرند، به سه نمونه در این‌جا اشاره می‌شود که عبارتند از: الگوی عدل‌گستری، الگوی صداقت، و الگوی عبودیت.

۱.۱. الگوی عدالت

در طول تاریخ، یکی از آرزوهای اساسی انسان، اجرای عدالت و تحقق آن در جامعه بوده است. در این خصوص، مکتب‌ها و اندیشه‌های گوناگون بشری و الهی، راه‌حل‌های مختلفی پیشنهاد کرده‌اند. تحقیقات در زمینه عدالت نشان داده است که فرایندهای عدالت در سازمان، نقش مهمی ایفا می‌کند و چگونگی برخورد با افراد در سازمان‌ها ممکن است باورها، احساسات، نگرش‌ها

۱. محمدیان، روشهای تربیت نوجوانان و جوانان در اسلام، ج ۱، ص ۱۵۱.

۲. احمدی، اصول و روش‌های تربیت در اسلام، ص ۱۶۱.

و رفتار کارکنان را تحت تأثیر قرار دهد.^۱ رفتار عادلانه از سوی سازمان با کارکنان عموماً به تعهد بیش تر آن‌ها نسبت به سازمان و رفتار شهروندی بهتر آن‌ها منجر می‌شود. از سویی دیگر، افرادی که احساس بی عدالتی کنند، به احتمال بیش تری سازمان را رها می‌کنند یا سطوح پایینی از تعهد سازمانی را از خود نشان می‌دهند و حتی ممکن است رفتارهای ناهنجار مثل انتقام جویی را شروع کنند.^۲

باتوجه به مطالب ذکر شده، یکی از محوری‌ترین فضیلتی که برای حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی شده است و همه مردم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را با آن ویژگی می‌شناسند، عدل و قسط است و یکی از ویژگی‌های عصر غیبت، نبود حق و عدالت است؛ که جور و ستم همه شهرها را فرا می‌گیرد.^۳ اما حکومت مهدوی یکی از بارزترین خصوصیاتش عدل گستری و برقراری قسط و عدل است. بر اساس روایات، یکی از ویژگی بارز امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حکومت عدالت‌گستر ایشان است.^۴ مقام معظم رهبری در مورد این خصوصیت امام عصر ارواحنا فداه می‌فرماید:

«بزرگ‌ترین خصوصیت امام‌زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که در دعاها و زیارات و روایات آمده است، عدالت می‌باشد: «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا.» ما باید امروز جامعه را جامعه عدالت بکنیم، در بنای یک جامعه، عدالت از همه چیز مهم‌تر است.»^۵

همچنین در روایات ما آمده است: «أَنَّ قَائِمَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ عليه السلام إِذَا قَامَ لَيْسَ ثِيَابَ عَلِيٍّ عليه السلام وَ سَارَ بِسِيرَةِ عَلِيٍّ عليه السلام»^۶ عدالت در سیره امام علی عليه السلام محور مدیریت است، بدین معنا که هدف را تعیین و ویژگی‌های شاخص مدیران را معلوم می‌سازد؛ محور سیاست‌گذاری‌ها می‌شود؛ مسیر حرکت را

۱. تقوی راد، عدالت سازمانی در پرتوی رهبری اخلاقی، ص ۵۳.

۲. همان.

۳. «فَإِذَا رَأَيْتَ الْحَقَّ قَدْ مَاتَ وَ ذَهَبَ أَهْلُهُ وَ رَأَيْتَ الْجَوْرَ قَدْ شَمَلَ الْبِلَادَ وَ رَأَيْتَ الْقُرْآنَ قَدْ خَلَقَ وَ أُخْدِتَ فِيهِ مَا لَيْسَ فِيهِ وَ وَجَّهَ عَلَى الْأَهْوَاءِ» (کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۶).

۴. اصفهانی، مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۶۸.

۵. نگاهی به نظریه انتظار در اندیشه حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ص ۱۲۰.

۶. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۱۱.

مشخص می‌کند؛ معیار برای کارکردها می‌دهد و تراز سنجش‌ها و قضاوت‌هاست.^۱ بدین سبب، افرادی که مشتاق و خواهان کارگزاری حضرت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند، باید به طور ویژه خود را به این صفت ممتاز مزین کنند.

روایات فراوانی در مورد این خصیصه (عدالت) در خصوص امام‌زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در منابع روایی ملاحظه می‌شوند. از حضرت امیرالمؤمنین ع چنین نقل شده است: «وَأَنَّهُ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَنْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا»^۲ نیز در مورد حکومت آن حضرت چنین آمده است: «حتی اگر به کسی ظلمی شده و حقی از او ضایع شده است، آن را به وی بازمی‌گرداند»^۳ بر اساس روایات، عدالت مهدوی مختص گروهی خاص نیست، بلکه همه انسان‌ها را در بر خواهد گرفت. در روایتی آمده است: «آن‌گاه که بر پاک‌کننده عدل به پا خیزد، دادگری‌اش نیکوکار و فاجر را در برمی‌گیرد»^۴

برای برقراری عدالت و عدل‌گستری، راهبردهایی نیز در روایات اشاره شده است که خود الگویی است برای عدالت‌محور بودن مدیران. یکی از راهبردهای عدالت‌گستری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف زدودن افزون‌خواهی و مبارزه با زیاده‌خواهی است.^۵،^۶ یکی دیگر از راهبردهای ایجاد عدالت مهدوی ایجاد حس بی‌نیازی است که در این زمینه، روایت شده است: «و خداوند در دل‌های این امت بی‌نیازی قرار می‌دهد»^۷

۱. جمعی از نویسندگان، دهمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت، ص ۲۶۲.

۲. «و اوست مهدی‌یی که همه زمین پر از عدل و قسط می‌کند همان‌طور که پر از ظلم و ستم شده بود.» (صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۳۹).

۳. مولفان، معجم الاحادیث الامام المهدی، ج ۷، ص ۳۴.

۴. «إِذَا قَامَ قَائِمُ الْعَدْلِ وَسَعَّ عَدْلُهُ الْبَرَّ وَالْفَاجِرَ» (برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۶۱).

۵. سلیمیان، درسنامه مهدویت، ج ۴، ص ۷۹.

۶. «مُوسَّعٌ عَلَى شِيعَتِنَا أَنْ يُنْفِقُوا مِمَّا فِي أَيْدِيهِمْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا حَرَّمَ عَلَى كُلِّ ذِي كَنْزٍ كَنْزَهُ حَتَّى يَأْتِيَهُ بِهِ فَيَسْتَعِينُ بِهِ عَلَى عَدُوِّهِ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: حَوَالَيْنَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبِئْسَ لَهُمْ بِعْدَابٍ أَلِيمٌ» (کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۶۱).

۷. «يَمْلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا وَيَقْسِمُ الْمَالُ بِالسَّوِيَّةِ وَيَجْعَلُ اللَّهُ الْغِنَى فِي قُلُوبِ هَذِهِ الْأُمَّةِ» (اربعی، کشف الغمّه فی معرفة الائمه، ج ۲، ص ۴۷۴).

۲.۱. الگوی صداقت

مهم‌ترین سرمایه مدیر و فرمانده در برنامه‌های اجرایی، همبستگی او با افراد زیر نظر و وجود اعتماد متقابل میان آنان است. یکی از راه‌های حفظ این همبستگی در مدیریت، صداقت در گفتار و عمل است. گاه یک سخن یا عمل خالی از صداقت، کافی است که میان مدیر و افراد زیر مجموعه او جدایی بیندازد. به همین دلیل، مدیر حتی از کارهایی که او را به ترک صداقت متهم می‌کند، هر چند واقعیتهای نداشته باشد؛ باید بپرهیزد تا بتواند سرمایه عظیم اعتماد عمومی را حفظ کند.^۱

کارگزار حکومتی، به‌ویژه در بخش کار اطلاعاتی باید دارای امتیاز راست‌گویی و صداقت باشد تا بتوان به گزارش‌ها و حدس‌ها و قضاوت‌های او اعتماد کرد. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این زمینه می‌فرماید: «دروغگویی فرستادگان و نمایندگان، فساد آفرین و موجب فوت هدف و ضایع گردیدن دوراندیشی و نقض تصمیم‌هاست.»^۲ امام صادق (علیه السلام) نیز می‌فرماید: «دروغگو را به کار مگیر؛ چرا که او دور را نزدیک و نزدیک را دور جلوه می‌دهد.»^۳

شهید مطهری در مورد ملاک آزاد بودن یا نبودن برخی احزاب، بر اسلامی بودن یا غیراسلامی بودن، تأکید ندارند؛ بلکه بر داشتن صداقت تأکید می‌کند و این‌گونه می‌نویسد: «یک حزب مادام که از روی صداقت در مسیر عقیده خودش حرکت می‌کند، از نظر اسلام قابل قبول است. ... یعنی جامعه اسلامی با او مبارزه می‌کند؛ ولی مبارزه فرهنگی و فکری نه مبارزه نظامی؛ ولی اگر گروهی؛ ولو حزب اسلامی باشد، ایدئولوژی اسلامی را مطرح کند و اساس نامه‌اش بر اساس اسلام باشد در کار خودش صداقت ندارد، دروغ می‌گوید و همان اسلام را وسیله اغفال مردم قرار داده، این معنا ندارد که آزاد باشد.»^۴ صداقت و صدق، هم صدق در قول، صدق در عمل و عقیده را شامل است.^۵

۱. اقتباس از: مکارم شیرازی، مدیریت و فرماندهی در اسلام، ص ۱۴۲.

۲. «كَذِبَ السَّافِرُ يُؤَلِّدُ الْفُسَادَ وَ يُغَوِّثُ الْمُرَادَ وَ يُبْطِلُ الْحَزْمَ وَ يَنْقُضُ الْعَهْدَ» (آمدی، غررالحکم، ص ۵۳۹).

۳. «لَا تَشْتَعِنْ بِكَذَابٍ فَإِنَّ الْكَذَّابَ يَقْرَبُ لَكَ الْبَعِيدَ وَ يَبْعِدُ لَكَ الْقَرِيبَ» (حرانی، تحف العقول، ص ۳۱۶).

۴. مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۴، ص ۱۹۲.

۵. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۴۷۸.

بنابراین صادق کسی است که قائل به حق و عامل به آن باشد.^۱

مقام معظم رهبری نیز در زمینه صداقت مدیران می‌فرمایند: «امیرالمؤمنین، یکی از خصوصیاتش این است که از مکر و فریب دور است، یک جمله‌ای که از حضرت نقل شده که «لولا التقی لکنت ادهی العرب»^۲؛ اگر تقوا دست‌وپای مرا نمی‌بست از همه آحاد و مکاران عرب، مکر و حيله را بهتر بلد بودم.»^۳ در جای دیگر فرمودند:

تبلیغات رنگین و متنوع ملاک نیست، وعده‌های غیرعملی ملاک نیست، من با خود نماینده‌های محترم در دوره‌های مختلف وقتی مواجه شدم، به این‌ها گفتم: آقایان و خانم‌های نماینده، وظیفه نماینده این نیست که وعده عمرانی و فلان پروژه، فلان کار را در منطقه انتخابی خود به مردم بدهد، این‌ها کار اجرایی است، کار دولت است.^۴

برایان تریسی نیز در مورد ضرورت صادق بودن مدیر می‌نویسد:

یک مدیر می‌داند که صداقت، اعتماد و اعتبار، اساس رهبری است. صداقت به معنای انجام دادن کار درست است، به دلیل این‌که کار درستی است و همین مسئله باعث موفقیت می‌شود. صداقت به معنای گفتن حقیقت است، حتی اگر حقیقت ناخوشایند باشد. صادق بودن بهتر از فریب دادن دیگران است؛ زیرا در این صورت احتمالاً خود را هم فریب می‌دهد. مدیر نیاز دارد مطمئن باشد؛ اما همچنین باید پذیرای این باشد که ممکن است اشتباه کند.^۵

صداقت در معارف مهدویت از جهاتی، بیشتر مورد توجه است؛ یکی از مواردش این است که امام و رهبر حکومت به عنوان امام معصوم هم در قول و هم عمل و هم عقیده، صادق هستند و

۱. طوسی، التبیان، ج ۵، ص ۳۱۸.

۲. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۴.

۳. بانکی پور فرد، رفیعی محمد، عیار مدیران، ص ۳۴۰.

۴. همان.

۵. برایان تریسی، رهبری، ص ۱۲۸.

در برخی از ادعیه، آن حضرت را به صورت خاص با لقب «الداعی الی الصدق المطلق» معرفی کرده‌اند.^۱ در زیارت آن حضرت در سرداب نیز می‌خوانیم: «و السّلام علی ... و موضع صدقه.»^۲ موضع صدق است که عدالت را در جهان برپا می‌کند و ظلم و ستم را از بین می‌برد. همچنین آن حضرت مشمول «صادقین» می‌باشد که بر اساس آیه شریفه «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ کُونُوا مَعَ الصّٰدِقِینَ»^۳ به اطاعت از آن‌ها مامور شده‌ایم و منظور «صادقین» در این آیه شریفه امامان معصوم‌اند.^۴ صادقین در آیه دیگر، این‌گونه توصیف شده‌اند که در عهد خود با خدا وفا دارند: «مِنَ الْمُؤْمِنِینَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَیْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضٰی نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ»^۵ حضرات معصوم که خود از صادقین هستند، در عهد خود با خدا صداقت دارند و هیچ‌گاه میدان جهاد را خالی نمی‌گذارند.^۶ بر این اساس، امام مهدی علیه السلام با که صداقت به عهد خود وفا می‌کند، می‌تواند به عنوان الگوی صداقت برای مدیران موفق معرفی شود.

۳.۱. الگوی عبادت و معنویت (جهاد با نفس)

یاوران امام عصر علیه السلام شب‌ها را به شب زنده داری و روزها را به روزه داری می‌گذرانند^۷ و همیشه خود را در حال امتحال می‌بینند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «هَیْهَاتَ هَیْهَاتَ لَا یَکُونُ فَرَجُنَا حَتّٰی تُغْزَبُلُوا ثُمَّ تُغْزَبُلُوا ثُمَّ تُغْزَبُلُوا [یَقُولُهَا ثَلَاثًا] حَتّٰی یَذْهَبَ [اللَّهُ تَعَالٰی] الْکَدِرَ وَ یَبْقِیَ الصَّفْوُ؛ هیهات هیهات، فرج ما تحقق نمی‌پذیرد؛ مگر این‌که شما آزمایش شوید؛ باز هم آزمایش شوید؛ باز هم آزمایش شوید، [سه بار این را فرمود] تا آن‌جا که آلودگی برطرف شود و پاکی بماند.»^۸

۱. مجتهدی، صحیفه مهدیه، ص ۴۳۲.

۲. همان، ص ۶۱۳.

۳. توبه: ۱۱۹.

۴. فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۳۸۸.

۵. احزاب: ۲۳.

۶. قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۲۵ و طباطبائی، المیزان، ج ۱۶، ص ۲۷.

۷. سلیمان، کامل، یوم الخلاص، ص ۲۷۹.

۸. طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، ص ۳۳۹.

ظهور امام مهدی علیه السلام به ایجاد زمینه‌هایی نیاز دارد. یکی از مهم‌ترین ارکان ایجاد زمینه‌های ظهور، تربیت یاران از بعد عبادی و معنوی است. لذا نیروسازی و تربیت منتظرانی کارآمد و تربیت نیروهای بالقوه به نیروهای بالفعل و تربیت آن‌ها در جهت زمینه‌سازی ظهور، امری بسیار مهم و ضروری است؛ چرا که ظهور، با وجود رهبر مصلح تنها اتفاق نمی‌افتد؛ وگرنه این، در زمان معصومان علیهم السلام نیز بود،^۱ بلکه باید یاورانی مطیع در سطح مدیریت جهان تربیت شوند.

از طرفی بر اساس قرآن کریم، «عبادت»، که به عنوان یکی از اهداف حکومت امام مهدی علیه السلام است، طبعاً می‌تواند الگوی خوبی برای مدیران باشد: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا...»^۲، این آیه در مورد امام مهدی علیه السلام است.^۳ نتیجه چنین حکومتی این است که تنها خداوند «عبادت» می‌شود؛ همه مظاهر شرک، از بین می‌رود؛ عبادات خالصانه تنها برای او خواهد بود و دیگر هیچ معبودی جز خدا، پرستیده نمی‌شود.^۴

در دولت آن حضرت، «نماز» اساس معنویات و عبادت قرار دارد و به صورت ویژه مورد تأکید است؛ چنانکه می‌فرماید: «الَّذِينَ إِنْ مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ

۱. مولفان، مجموعه آثار پنجمین همایش بین المللی دکتترین مهدویت، ج ۱، ص ۱۸۷.

۲. «خداوند به کسانی که شما که ایمان دارند و عمل صالح به جای آورند وعده داده است که در زمین خلافت دهد؛ چنان که امم صالح پیامبران گذشته جانشین پیشینیان خود شدند، و دینی که برای آنان پسندیده بر همه جا مسلط و نافذ گرداند، و بر همه مؤمنان پس از ترس و هراس از دشمنان، ایمنی کامل عطا فرماید که مرا عبادت و بدون هیچ گونه شرک پرستش کنند» (نور: ۵۵).

۳. طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۳۹.

۴. یوسفیان، امام مهدی علیه السلام در قرآن، ص ۴۱.

مَهْوًا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»^۱ که آیه در مورد حکومت امام مهدی (عج) است.^۲ در عصر ظهور تقویت و بنیان‌های معنوی و اعتقادی مورد توجه خاصی خواهد بود که می‌فرماید: «زمانی که قائم قیام کند، زمینی باقی نمی‌ماند، مگر آن که ندای توحید در آن جا شنیده می‌شود».^۳

۲. روش توانمند سازی فکری (و تجربه)

«عقلانیت» یکی از خصوصیات است که لازم است در مدیر به عنوان رکن و معیار حاکم باشد. مقام معظم رهبری در این مورد فرمودند:

نظام جمهوری اسلامی نظامی است بر این پایه‌ها؛ نظامی است عقلانی، نظامی است دانشی، عقلانیت باید بر تمام ارکان این نظام از بالا تا پایین حاکم باشد؛ اما عقلانیت به معنای تسلیم نیست؛ عقلانیت به معنای هزیمت نیست؛ عقلانیت برای پیش رفتن و در جهت یافتن راه‌هایی برای هر چه موفق‌تر شدن در رسیدن به این آرمان‌هاست.^۴

از جمله امتیازات انسان بر سایر موجودات، داشتن قدرت تفکر و اندیشه است. تفکر و تعقل وسیله‌ای برای شناخت مشکلات و حل آن‌هاست. در این جا تأکید بر عقل مجرد نیست؛ بلکه از منظر قرآن، بر عمل اندیشیدن و تفکر تأکید دارد.^۵ از منظر قرآن کریم، افرادی که اهل تعقل و

۱. همانان که اگر آنان را در زمین قدرت و تمکن دهیم، نماز را برپا می‌دارند، و زکات می‌پردازند، و مردم را به کارهای پسندیده وامی‌دارند و از کارهای زشت باز می‌دارند؛ و عاقبت همه کارها فقط در اختیار خداست» (حج: ۴۱).

۲. «فِي رِوَايَةِ أَبِي الْجَاوِزِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ: «الَّذِينَ إِنْ مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ» فَهَذِهِ لِأَلِ مُحَمَّدٍ إِلَى آخِرِ الْأَيَّةِ، وَالْمَهْدِيِّ وَأَصْحَابِهِ يُمَلِّكُهُمُ اللَّهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا، وَيُظْهِرُ الَّذِينَ وَيُؤَيِّتُ اللَّهُ بِهِ وَأَصْحَابِهِ الْبِدْعَ وَالْبَاطِلَ كَمَا أَمَاتَ الشُّفَاةَ الْحَقَّ حَتَّى لَا يُبْرَى أَيْنَ الظُّلُمِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (حویزی، تفسیر نورالقلین، ج ۳، ص ۵۰۶).

۳. «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ (عج) لَا يَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا تُودِي فِيهَا بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» (حر عاملی، اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، ج ۵، ص ۱۷۲).

۴. بانکی پور فرد، عیار مدیران، ص ۱۱.

۵. «الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» (آل عمران: ۱۹۱).

اندیشه نیستند و خرد خود را به کار نمی گیرند، مذمت شده اند.^۱ همچنین از دیدگاه قرآن کریم کسانی که اهل تفکر نیستند، نتیجه‌ای جز پلیدی و بدی نخواهند دید.^۲ روایات هم بر تفکر و اندیشیدن تأکید کرده اند. امام رضا (ع) در حدیثی فرموده اند: «لَيْسَ الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ الصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ إِنَّمَا الْعِبَادَةُ التَّفَكُّرُ فِي أَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ».^۳

برای تربیت عقل، دین اسلام نخست عقل را از مطالب و محتواهایی که بر یقین استوار نیست، خالی^۴؛ و تأکید می‌کند از تقلید کور کورانه بپرهیزند^۵ و از اسلاف، پدران و گذشتگان خود بدون بررسی و تعیین درستی و نادرستی نظرشان پیروی نکنند^۶ و از ظن و گمان پیروی نکنند^۷، بدون تفکر تابع جمع نباشند.^۸ اسلام پس از تصفیه عقل از محتواهای نادرست، به گسترش محتوای درست و پرورش عقل توصیه و برای پرورش عقل بر مشاهده، تجربه و علم تأکید می‌کند.^۹ لذا یکی از راه‌های پرورش عقل مشاهده و تجربه می‌باشد و لازمه مدیریت مدیری است که از تجربه خوبی برخوردار باشد تا بتواند خردورزی بیش‌تری داشته باشد.^{۱۰}

در معارف مهدویت، روایات قابل توجهی به این بعد تربیتی، یعنی کمال فکری و عقلی در عصر ظهور در حدّ بالایی اشاره دارد.^{۱۱} در حدیثی از امام باقر (ع) آمده است:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بَهَا عُقُوبَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَخْلَامُهُمْ؛ وقتی قائم (عج) قیام کند، دست را بر سر بندگان می‌نهد و بدین وسیله عقل آن‌ها زیاد شده و فهمشان بالا

۱. «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الضُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ» (انفال: ۲۲)

۲. «وَيَجْعَلُ الزُّجَّسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ» (یونس: ۱۰۰)

۳. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۵.

۴. احمدی، اصول و روش‌های تربیت در اسلام، ص ۲۰۳

۵. «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (اسراء: ۳۶).

۶. «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ» (بقره: ۱۷۰).

۷. «وَمَا يَتَّبِعْ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ» (یونس: ۳۶)

۸. «وَإِنْ تُطِغْ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَضْلُوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ» (انعام: ۱۱۶۹).

۹. ر.ک: احمدی، اصول و روش‌های تربیت در اسلام، ص ۲۰۶.

۱۰. همان

۱۱. کارگر، رحیم، تعلیم و تربیت در عصر ظهور، ص ۶۶.

می‌رود.^۱ «احلامهم» در این روایت بدان معناست که عقل‌های آنان کامل می‌شود^۲ و منظور از جمع شدن عقول مردم، این است که در آن زمان، اختلاف و پراکندگی از مردم دور شده و همه به گرد دین حق جمع می‌گردند.^۳ پرورش خرد و اندیشه آدمی مکانیسمی است تأثیر گذار و بالارزش بر رشد و شکوفایی معنوی او که بر اساس روایات در عصر ظهور محقق خواهد شد.^۴ برای دوران قبل از ظهور و تربیت نیروی انسانی کارآمد در دولت تراز مهدویت، به نظر می‌رسد لازم است به این اصل و روش توجه ویژه‌ای شود و از آن الگوبرداری کنند، و مدیران کارآمد با یک روش عقلایی جمعی و رفع اختلافات جزئی و بی تأثیر یا کم تأثیر بتوانند جامعه شیعه را قبل از ظهور مدیریت و زمینه ظهور را فراهم کنند.

۳. روش ایجاد و تقویت حس مسئولیت و تعهد پذیری (نظارت درونی)

انسان موجودی است دارای اراده و اختیار. نقش اراده و اختیار در رفتار و شخصیت انسان به اندازه‌ای است که هر چند علل و عوامل بیرونی می‌توانند به میزان زیادی او را تحت تأثیر قرار دهند؛ انسان می‌تواند با تقویت اراده و اختیار خویش، از تاثیرهای نامطلوب این‌گونه عوامل بر روح و روان خویش بکاهد و حتی بر آن‌ها فایق آید. نظارت و هدایت از بیرون و از سوی والدین، مربیان و دیگر عناصر اجتماع می‌تواند تا حدی فرد را از انحراف‌ها باز دارد؛ اما تا وقتی زمینه‌های روحی و روانی لازم در او شکل نگیرد و انسان از اراده قوی برخوردار نگردد، نظارت بیرونی نمی‌تواند کار چندانی از پیش ببرد؛ لذا به این قاعده مهم باید توجه کرد که باید نقش اساسی را به خود فرد واگذار کرد و این امر در نوجوانان و جوانان اهمیت بسزایی دارد؛ چرا که در دوره جوانی امکان پرورش نیروی اراده و خویشستن داری بیش‌تر فراهم است و نیز نقشی مهم در جهت پرورش حس

۱. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ.» (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۵).

۲. مازندرانی، شرح الکافی، ج ۱، ص ۳۹۹.

۳. همان.

۴. کارگر، تعلیم و تربیت در عصر ظهور، ص ۶۸.

«مسئولیت فردی» دارد.^۱

از جمله اموری که نظارت درونی فرد را تقویت می‌کند، احساس حضور امام در میان مردم است و این یکی از آثار معرفت و شناخت صحیح از امام است؛ یعنی اگر کسی به شناخت درستی از امام دست یابد، به این نکته رهنمون می‌شود که امام در زندگی او بر رفتار او ناظر است. در گفتار خدای متعال نیز این امر بیان شده است: «خدا و پیامبرش و مومنان عمل شما را می‌بینند.»^۲ بر اساس برخی از روایات با استناد به همین آیه شریفه، تمام اعمال مردم هر صبح به پیامبر عرضه می‌شود.^۳ برخی دیگر از روایات، از جمله در روایتی از امام باقر علیه السلام این عرصه اعمال هفته‌ای یک بار بیان شده است: «اعمال شما هر عصر پنج شنبه بر پیامبرتان عرضه می‌شود. بنابراین، باید از این که عمل زشتی از شما بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عرضه شود، شرم کنید.»^۴ در این زمینه روایات بسیاری وجود دارند دال بر این که اعمال بندگان بر امام عرضه و لذا اعمال زشت برخی بندگان موجب ناراحتی امام می‌شود.

نظارت درونی در معارف مهدویت نیز مورد توجه بوده و بر آن تأکید شده است. آن حضرت عجل الله تعالی فرجه و رزقه در توقیعی می‌فرماید: «ما بر اعمال شما احاطه داریم و هیچ کاری از شما بر ما پوشیده نیست.»^۵ در جایی دیگر از آن حضرت این گونه نقل شده است: «ما، در رسیدگی به شما و سرپرستی شما کوتاهی و اهمال نکرده‌ایم و یاد شما را از خاطر نبرده‌ایم که اگر جز این بود،

۱. حاجی ده آبادی حسینی زاده بررسی مسائل تربیتی جوانان در روایات، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، تهران، ۱۳۸۸، ص ۶۶.

۲. «و قُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ سَتُرَدُّونَ اِلٰى عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (توبه: ۱۰۵).

۳. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «تُعْرَضُ الْأَعْمَالُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم أَعْمَالُ الْعِبَادِ كُلِّ صَبَاحٍ أَبْرَارُهَا وَ فُجَارُهَا فَآخِذُ رُوحَهَا وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى: (اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ سَكَتَ) (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۱۹).

۴. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: «إِنَّ أَعْمَالَ الْعِبَادِ تُعْرَضُ عَلَى نَبِيِّكُمْ كُلِّ عَشِيَّةٍ الْخَمِيسِ فَلْيَسْتَحْيِ أَحَدُكُمْ أَنْ تُعْرَضَ عَلَى نَبِيِّهِ الْعَمَلُ الْقَبِيحُ» (صفار، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۴۲۶).

۵. «فَإِنَّا نَحِيطُ عِلْمًا بِأَنْبِيَائِكُمْ وَ لَا يَعْزُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَحْبَابِكُمْ» (طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷).

دشواری‌ها و مصیبت‌ها، بر شما فرود می‌آید و دشمنان، شما را ریشه‌کن می‌کردند.^۱ در ادعیه و زیارات مهدوی از امام‌زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف این‌گونه تعبیر آورده اند: «وَعَيْنِكَ التَّائِبَةُ عَلَى بَرِيَّتِكَ وَ شَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ؛ و چشم ناظر تو بر مردم و شاهد تو بر بندگان». ^۲ این گزارش‌ها بر این نکته دلالت دارد که حضرت بر اعمال شیعیان توجه دارند و بر اعمال آنان ناظر هستند.

پذیرش نقش نظارتی امام بر احوال افراد و عرضه اعمال بر آن حضرت، نقش بسیار مهمی در پویایی و بالندگی دین باوری همه منتظران و خصوصا مدیران تراز مهدویت دارد و دین باوری آنان موجب می‌شود در افراد و جامعه تغییر ایجاد کنند و آثار مطلوبی بر جای گذارد که این تغییرات هم ممکن است در ابعاد فردی رخ دهند و هم در ابعاد اجتماعی؛ و اعتقاد به این نظارت دائم از سوی امام بر رفتار مردم موجب می‌شود همه معتقدان در حالت مراقبت دائمی فرو روند و هنگام ورود در هر کار به نظارت امام عجل‌الله تعالی فرجه الشریف توجه کنند. باور به عرضه اعمال بر امام‌زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف می‌تواند بر تربیت نیروی انسانی و ارتقای معنویت و تقویت ارزش‌های اخلاقی آنان بسیار موثر باشد. ^۳ لذا مدیر و کارگزار زمانی که حس کند تحت نظر کنترل فرمانده است، بر رفتار خود بیش‌تر دقت می‌کند.

۴. روش ایجاد محیط سالم و مبارزه با انحرافات

این دو روش، با هم متفاوت هستند؛ ولی به دلیل این‌که خیلی نزدیک هم هستند و شباهت بسیاری دارند؛ در این‌جا تلفیق شده است. برای تربیت مدیران لایق نیز باید در محیطی سالم رشد کنند و هم در جهت مبارزه با انحرافات اقدام شود تا از آنان متاثر نشوند. محیط مساعد تربیتی برای یک تربیت همه جانبه از ضروریات است، اگر جامعه اصلاح نشده باشد، تلاش مربیان به

۱. «إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمَرَاغَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَلَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ الْأَوَاءُ وَ اضْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ» (مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵).

۲. همان، ج ۹۲، ص ۳۳۰ (دعا برای صاحب الامر عجل‌الله تعالی فرجه الشریف)

۳. ر.ک: ملکی راد، مهدویت و سبک زندگی، ص ۱۴۴.

نتیجه مطلوب نمی رسد. جامعه فاسد افراد را به فساد می کشاند.^۱ مسئولیت مسلمان برای جلو گیری از مفسد به انذار و نهی از منکر محدود نمی شود و باید برای جلوگیری از انحرافات، اقدامی عملی بشود و جلوی انحرافات مسدود گردد.^۲

نحوه برخورد امام علی (ع) با معاویه به صورتی است که از هشدار شروع می شود و سپس به نهی از منکر می رسد و وقتی این روش ها نتیجه ای نداد، با اعمال او در جنگ جمل و سپس با خود او در جنگ صفین روبه رو می شود و مبارزه عملی می کند. امام فرمود:

ای مؤمنان! کسی که ببیند که بر مردم ستم می کنند یا آنها را به منکری فرا می خوانند و او در دل انکار کند، سالم مانده و مبرا از گناه {است}؛ و هر که آن را به زبان انکار کند؛ از ثواب بهره یابد و او از آن که تنها به دل انکار کرده، برتر است و هر که آنرا با شمشیر (زد و خورد) انکار کند تا کلمه خدا (دین و توحید و طاعت) بلندتر و کلمه ستمکاران (شُرک و کفر و ضلالت و معصیت) پست تر باشد، کسی است که راه رستگاری را یافته و بر آن قیام کرده و نور یقین در قلبش درخشیده است.^۳

امام علی (ع) خوب می داند در صورتی برنامه های تربیتی و اجتماعی او عملی می شود که تبلیغات سوء و عوامل مخرب معاویه در کار نباشد و باید محیط سالم تربیتی وجود داشته باشد.^۴ از سویی دیگر مبارزه با انحرافات در دوران قبل از ظهور، به دلیل فراوانی و گستردگی فتنه ها اهمیت فراوانی دارد؛ همان طور که در ادعیه مهدوی می خوانیم: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبِينَا وَ غَيْبَةَ وَلِيِّنَا وَ شِدَّةَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا وَ وَقُوعَ الْفِتَنِ بَيْنَنَا وَ تَظَاهَرَ الْأَعْدَاءِ عَلَيْنَا وَ كَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَ قِلَّةَ عَدَدِنَا».^۵ در روایتی دیگر شدت و گسترده فتنه های آخر الزمان به روی آوردن شب تاریک تشبیه

۱. احمدی، سید احمد، اصول و روش های تربیت در اسلام، ص ۲۴۹.

۲. همان، ص ۲۳۵.

۳. «يَقُولُ يَوْمَ لَقِينَا أَهْلَ السَّامِ أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ إِنَّهُ مَنْ رَأَى عَدُوَّنَا يُعْمَلُ بِهِ وَ مُنْكَرًا يُدْعَى إِلَيْهِ فَأَنْكَرَهُ بِقَلْبِهِ فَقَدْ سَلِمَ وَ بَرَّ وَ مَنْ أَنْكَرَهُ بِلِسَانِهِ فَقَدْ أَجَرَ وَ هُوَ أَفْضَلُ مِنْ صَاحِبِهِ وَ مَنْ أَنْكَرَهُ بِالسَّيْفِ لِيَكُونَ كَلِمَةً اللَّهُ هِيَ الْعُلْيَا وَ كَلِمَةُ الظَّالِمِينَ هِيَ السُّفْلَى فَذَلِكَ الَّذِي أَصَابَ سَبِيلَ الْهُدَى وَ قَامَ عَلَى الطَّرِيقِ وَ [نُور] تَوَرَّى قَلْبُهُ الْيَقِين» (شريف الرضي، نهج البلاغة، ص ۵۴۱).

۴. ر. ک: دکتر اصول و روش های تربیت در اسلام، ص ۲۳۵.

۵. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۱۴.

شده که همه جا را فرا می‌گیرد: «ای ابو خالد! فتنه‌هایی پدید می‌آید که مانند شب ظلمانی تاریک می‌باشد. کسانی از آن فتنه‌ها نجات پیدا می‌کنند که خداوند از آن‌ها پیمان گرفته [که در راه حفظ ایمان پیوسته ثابت بمانند] آن‌ها چراغ‌های هدایت و چشمه‌های دانش هستند...»^۱ در این دوران، انحرافات به حدی است که امام علی علیه السلام در این مورد فرمود: «در آن عصر دین مردم دچار نقصان خواهد شد و دیگر کسی «لا اله الا الله» نمی‌گوید.»^۲ در روایتی دیگر فضایی قبل از ظهور این‌گونه ترسیم شده است: «همانا مهدی که زمین را پر از عدل و داد کند، بعد از آن‌که از جور و ستم پر شود؛ برای او پنهانی و سرگردانی است که مردمی در آن گمراه شوند و دیگرانی در آن ره جویند.»^۳ باتوجه به این‌گونه روایات، هم شدت فتنه‌ها و هم گستردگی آن‌ها مشاهده می‌شود و اگر برای تربیت نیروی انسانی کارآمد تراز دولت مهدویت به این مسئله توجه نشود و با آن مقابله نگردد، تربیت نتیجه مطلوبی نخواهد داد؛ همچنان‌که یکی از اهداف حکومت عدل مهدوی مقابله با شرور و ناراستی‌ها در جامعه است.^۴ روایات در این مورد این‌گونه است: «خداوند همه بدعت‌ها را به وسیله او نابود می‌کند و همه فتنه‌ها را به دست او از میان بر می‌دارد.»^۵ «او حق را با کلماتش تایید می‌کند و پشت کافران را در هم می‌شکند.»^۶ «به کتاب خدا عمل می‌کند و زشتی

۱. عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْكُافِلِيِّ قَالَ: قَالَ لِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع: «يَا أَبَا خَالِدٍ لَنَأْتِيَنَّ فِتْنٌ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ لَا يُنْجُو إِلَّا مَنْ أَخَذَ اللَّهَ مِيثَاقَهُ أُولَئِكَ مَصَابِيخُ الْهُدَى وَتَبَاعِجُ الْعِلْمِ يُنْجِيهِمُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ مُظْلِمَةٍ كَأَنِّي بِصَاحِبِكُمْ قَدْ عَلَا فَوْقَ نَجْفِكُمْ بِظَهْرِ كُوفَانٍ فِي ثَلَاثِمِائَةٍ وَبَضْعَةِ عَشَرَ رَجُلًا جَبْرِئِيلُ عَنْ يَمِينِهِ وَمِيكَائِيلُ عَنْ شِمَالِهِ وَإِسْرَافِيلُ أَمَامَهُ مَعَهُ زَايَةُ رَسُولِ اللَّهِ ص قَدْ نَشَرَهَا لَا يَهْوِي بِهَا إِلَى قَوْمٍ إِلَّا أَهْلَكَهُمْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ» (بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۵).

۲. ابن طاووس، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، ص ۱۶۶.

۳. هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مِلْنَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا تَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ وَخَيْرَةٌ يَصِلُ فِيهَا أَقْوَامٌ وَ يَهْتَدِي فِيهَا آخَرُونَ؛ (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۸).

۴. کارگر، رحیم، تعلیم و تربیت در عصر ظهور، ص ۱۹۵.

۵. يَمْحُو اللَّهُ بِهِ الْبَدْعَ كُلَّهَا، وَيُؤَيِّثُ بِهِ الْفَيْتَنَ كُلَّهَا؛ (ابن طاووس، علی بن موسی، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، ص ۲۶۵).

۶. و أما قوله: «لِيُحَقِّقَ الْحَقُّ» فإنه يعني ليحقق حق آل محمد حين يقوم القائم ع، و أما قوله: «وَيُبْطِلُ الْبَاطِلَ» يعني القائم فإذا قام يبطل باطل بني أمية؛ (عباشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۵۰).

در شما نمی بیند، مگر این که از آن نهی می کند.»^۱

۵. روش عالم شناسی (مراجعه به عالمان دینی)

مدیران تراز دولت مهدویت، علاوه بر داشتن علم و تخصص، باید با علمای دینی ارتباط برقرار کنند و از مشاوره های آن ها بهره مند شوند. این امر می تواند به تقویت معرفت دینی و اخلاقی در مدیریت کمک کند. اولاً، دارا بودن تخصص و علم توسط مدیر، یکی از مواردی است که در قرآن کریم نیز مورد تأکید قرار گرفته است و در برابر اعتراض معترضان و بنی اسرائیل به پادشاه خود که چرا طالوت را فرمانده ما انتخاب کرده ای، او از مال بهره ای ندارد؛ می فرماید: «او از نظر علم و جسم قوی تر است.»^۲ در این جا بر داشتن علم تأکید دارد. مقام معظم رهبری در این زمینه می فرماید: «از جمله شاخصه های مهم اصول گرایی، اهتمام به علم و پیشرفت علمی است... جامعه بدون علم نخواهد توانست آرمان های خودش را بالا بیاورد.»^۳

ثانیاً، اهمیت مسئله رجوع به عالمان دین در عصر غیبت دو چندان می شود؛ از معصومان (علیهم السلام) نیز هشدارهایی صادر شده است. از سویی دیگر، سرپرستی جامعه شیعه نیز به فقها و ولی فقیه واگذار شده است و لذا مدیر تراز مهدویت نمی تواند بدون ارتباط با دانشمندان دینی باشد.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «به زودی زمانی بر امت من خواهد آمد که مردم از دانشمندان همچون گوسفندی در برابر گرگ می گریزند.»^۴ بنابراین، یکی از خصلت های منفی مردم در آخر الزمان، عالم گریزی و فاصله گرفتن از دانشمندان اصیل و امین و فرار از آن هاست. لذا یکی از

۱. إِنَّ الدُّنْيَا لَا تَذْهَبُ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ رَجُلًا مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ يَعْمَلُ بَكْتَابِ اللَّهِ لَا يَرَى فِيكُمْ مُنْكَرًا إِلَّا أَنْكَرَهُ؛ (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۸، ۳۹۶).

۲. «وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَأَتَىٰ يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِّنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره: ۲۴۷)

۳. بانکی پور فرد، عبار مدیران، ص ۲۲.

۴. «سَيَأْتِي زَمَانٌ عَلَى أُمَّتِي يُغْرَوْنَ مِنَ الْعُلَمَاءِ كَمَا يَغْرُ الْغَنَمُ عَنِ الذَّنْبِ ابْتِلَاهُمْ اللَّهُ تَعَالَى بِثَلَاثَةِ أَشْيَاءٍ الْأَوَّلُ يَوْفَعُ الْبَرَكَةَ مِنَ أَمْوَالِهِمْ وَالثَّانِي سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا جَانِبًا وَالثَّالِثُ يُخْرِجُونَ مِنَ الدُّنْيَا بِلاَ إِيمَانٍ» (نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۷۶).

روش‌های تربیت صحیح نیروی انسانی، روش عالم‌شناسی است؛ بدان معنا که انسان بتواند با علما ارتباط موثر برقرار کند این ارتباط‌گیری، علاوه‌آثار زیادی همچون الگوگیری از آنان موجب معرفت دینی افراد خواهد شد.

رجوع به عالمان دینی اصل قرآنی است که فرمود: ﴿فَسَلُّوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾.^۱ از امام هادی علیه السلام نقل شده است:

اگر در پس غیبت امام قائم علیه السلام علمایی نبودند که داعی به سوی او باشند به او اشاره و با براهین الهی از او دفاع کنند، و بندگان مستضعف خدا را از دام ابلیس و اعوانش برهانند، و از بند نواصب [= دشمنان اهل بیت] رهایی بخشند؛ همه مردم از دین خدا دست کشیده و مرتد می‌شدند؛ لکن علما، کسانی هستند که زمام قلوب شیعیان ضعیف ما را در دست داشته و مهار می‌کنند، همچون ناخدای کشتی که سکان آن را در دست دارد. این گروه همان شخصیت‌های برتر و افضل در نزد خداوند با عزّت و جلال می‌باشند.^۲

در این روایت، علمای راستین که در عصر غیبت، شیعیان را هدایت و سرپرستی می‌کنند، با فضیلت‌ترین مردم نزد خدا لقب یافته‌اند و این اهمیت کار آنان را می‌رساند. در توقیعی از ناحیه مقدسه امام‌زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز مردم، در پیشامدها و حوادث به علمای اسلام شناس ارجاع داده شده‌اند.^۳

روش تربیتی عالم‌شناسی و مراجعه به علما می‌تواند با راهنمایی و مشاوره و افزایش معرفت، منجر به تربیت نیروی انسانی موفق تراز دولت مهدوی شود و زمینه فرهنگی تربیت نیروی انسانی

۱. نحل: ۴۳.

۲. «لَوْ لَا مَنْ يَبْقَى بَعْدَ غَيْبَةِ قَائِمِكُمْ عليه السلام مِنَ الْعُلَمَاءِ الدَّاعِينَ إِلَيْهِ وَ الدَّالِّينَ عَلَيْهِ وَ الدَّائِينَ عَنْ دِينِهِ بِحُجَجِ اللَّهِ وَ الْمُتَقِذِينَ لَضَعَفَاءِ عِبَادِ اللَّهِ مِنْ شِبَالِكِ إِبْلِيسَ وَ مَرْدِيَةِ وَ مِنْ فِخَاخِ النَّوَاصِبِ لَمَا بَقِيَ أَحَدٌ إِلَّا ارْتَدَّ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَ لَكِنَّهُمْ الَّذِينَ يُمَسْكُونُ أَرْقَمَةَ قُلُوبِ الضَّعَفَاءِ الشَّيْعَةِ كَمَا يُمَسِكُ صَاحِبُ السَّفِينَةِ سُكَّانَهَا أَوْلَيْكَ هُمْ الْأَفْضَلُونَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ» (طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۸).

۳. «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ» (صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، ص ۴۸۴).

را مهیا سازد.

همچنین از آن جا که دولت تراز مهدویت بر اساس اصول و ارزش های اخلاقی و انسانی است، و دانشمندان اسلامی منبعی برای علوم اسلامی هستند؛ می توانند افراد را با اصول اخلاقی آشنا کنند که این اصول را در زندگی خود تحقق بخشند تا از این رهگذر، انسانی مسئولیت پذیر و متعهد در جامعه باشند؛ چنان که خود علما مستقیم می توانند در دولت تراز مهدوی نقش کلیدی داشته باشند و پیشنهادها یا انتقادات خود را به مدیران برسانند و عملیاتی کنند.

نتیجه گیری

در این تحقیق، شیوه‌های تربیت نیروی انسانی کارآمد در عرصه مدیریت و در بدنه دولت تراز مهدویت مورد بررسی قرار گرفت. باتوجه به اهمیت سرمایه انسانی در تحقق آرمان‌های مهدوی، مشخص شد که تربیت نیروی انسانی، نه تنها به عنوان ضرورت، بلکه به عنوان عامل کلیدی در ایجاد دولتی کارآمد و عدالت‌محور باید مورد نظر قرار گیرد. روش‌های مطرح شده استفاده از الگوهای مدیریتی مبتنی بر اصول مهدویت، تقویت حس مسئولیت و تعهد فردی، توانمندسازی فکری و خردورزی، و ایجاد محیط سالم و مبارزه با انحرافات را شامل است. همچنین، مراجعه به علمای دینی، به عنوان منبع معتبر برای کسب معرفت و هدایت در مسیر تربیت نیروی انسانی مؤثر و ضروری است. نتیجه‌گیری نهایی این است که با اجرای این شیوه‌ها و ایجاد نظام تربیتی منسجم، می‌توان زمینه‌های لازم برای ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تحقق عدالت اجتماعی را فراهم کرد. در این زمینه، مدیران و مسئولان باید با درک عمیق از اصول مهدویت، به تربیت نسل‌های آینده بپردازند و با ایجاد فضایی مناسب، بسترهای لازم را برای رشد و شکوفایی استعدادها فراهم آورند.

منابع:

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، **کمال الدین و تمام النعمة**، اسلامیه، تهران، ۱۳۹۵ ق.
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، **تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله**، جامعه مدرّسین، قم، ۱۴۰۴ ق.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی، **التشريف بالمنن فی التعريف بالفتن**، مؤسسه فرهنگی صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، ۱۴۱۶ ق.
۴. _____، **التشريف بالمنن فی التعريف بالفتن**، مؤسسه فرهنگی صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، ۱۴۱۶ ق.
۵. احمدی، سید احمد، **اصول و روش های تربیت در اسلام**، موسسه انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۲.
۶. _____، **اصول و روش های تربیت در اسلام**، جهاد دانشگاهی، چاپ سوم، ۱۳۷۲.
۷. اربلی، علی بن عیسی، **كشف الغمة فی معرفة الأئمة**، بنی هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱ ق.
۸. اسفندیاری، مصطفی، **حجت موجه**؛ مهم ترین اختلاف نظرهای شیعه و اهل سنت در مهدویت، بصیرت، تهران، ۱۳۸۶.
۹. اصفهانی، محمد تقی، **مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم عجل الله تعالی**، مؤسسه الإمام المهدي عجل الله تعالی، قم، ۱۴۲۸ ق.
۱۰. اعرافی، علیرضا، **روش های تربیت**، بی جا، ۱۳۹۵. (کتابخانه دیجیتالی نور)
۱۱. برایان، تریسی، **رهبری**، مترجم: حقیقی، صبا، انتشارات لیوسا، تهران، ۱۳۹۸.
۱۲. برقی، احمد بن محمد بن خالد، **المحاسن**، دار الکتب الإسلامية، قم، ۱۳۷۱ ق.
۱۳. بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان؛ ۱۱/۰۲/۱۳۹۸ (نرم افزار حدیث ولایت نور).
۱۴. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، **غرر الحکم و درر الکلم**، دار الکتب الاسلامی، قم، ۱۴۱۰ ق.

۱۵. حاجی ده آبادی محمد علی؛ حسینی زاده سید علی، **بررسی مسائل تربیتی جوانان در روایات**، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، چاپ پنجم ۱۳۸۸.
۱۶. حویزی، عبدعلی بن جمعه، **تفسیر نور الثقلین**، اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ ق.
۱۷. خامنه‌ای، علی، **نگاهی به نظریه انتظار در اندیشه حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)**، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۹۸.
۱۸. راغب أصفهانی، حسین بن محمد، **مفردات ألفاظ القرآن**، دار القلم، الدار الشامیة، بیروت، دمشق، ۱۴۱۲ ق.
۱۹. سعدی، احمد، **بررسی چالش‌های جهانی پیش روی مدیریت مهدوی**، راهکاری برون رفت از آن، فصلنامه علمی - پژوهشی انتظار موعودف سال هفدهم، شماره ۵۹، زمستان ۱۳۹۶.
۲۰. سلیمیان، خدامراد، **درسنامه مهدویت**، انتشارات بنیاد فرهنگی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، ۱۳۹۵.
۲۱. شریف الرضی، محمد بن حسین، **نهج البلاغة**، هجرت، قم، ۱۴۱۴ ق.
۲۲. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، **إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات**، اعلمی، بیروت، چاپ: اول، ۱۴۲۵ ق.
۲۳. صفار، محمد بن حسن، **بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم**، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۴ ق.
۲۴. طباطبایی، محمدحسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، لبنان، بیروت، ۱۳۹۰ ق.
۲۵. طبرسی، احمد بن علی، **الإحتجاج علی أهل اللجاج**، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ ق.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲.
۲۷. _____، **التبیان فی تفسیر القرآن**، دار إحياء التراث العربی، لبنان، بیروت، بی تا.
۲۸. عیاشی، محمد بن مسعود، **التفسیر (تفسیر العیاشی)**، مکتبه العلمیة الاسلامی، تهران،

۱۳۸۰ ق.

۲۹. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، **تفسیر الصافی**، مكتبة الصدر، تهران، ۱۴۱۵ ق.

۳۰. قمی، علی بن ابراهیم، **تفسیر القمی**، دار الکتاب، قم، ۱۳۶۳.

۳۱. کارگر، رحیم، **تعلیم و تربیت در عصر ظهور**، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

، ۱۳۸۹.

۳۲. _____، **تعلیم و تربیت در عصر ظهور**، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عج، قم،

۱۳۸۷.

۳۳. کریمی تبار، مریم، **اهداف دولت زمینه ساز ظهور**، مجموعه آثار چهارمین همایش بین المللی دکترین مهدویت با رویکرد سیاسی و حقوقی، مؤسسه آینده روشن، قم.

۳۴. کارگر، رحیم، **آینده جهان** (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، قم، مرکز تخصصی مهدویت، قم، ۱۳۸۷.

۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، **الکافی**، دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ ق.

۳۶. مازندرانی، محمد صالح بن احمد، **شرح الکافی**، تهران، المكتبة الإسلامية، تهران، ۱۳۸۲ ق.

۳۷. مجتهدی، مرتضی، **صحیفه مهدیه**، نشر الماس، قم، ۱۳۸۸.

۳۸. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، **بحار الانور**، دار إحياء التراث العربی، بی جا، بی تا.

۳۹. محمدیان، مجید، **روشهای تربیت نوجوانان و جوانان در اسلام**، خلق، قم، ۱۳۸۸.

۴۰. مطهری، مرتضی، **مجموعه آثار استاد شهید مطهری**، صدرا، قم، ۱۳۸۷.

۴۱. مفید، محمد بن محمد، **الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد**، دار المفید، قم، ۱۳۷۲.

۴۲. ملکی راد، محمود، **مهدویت و سبک زندگی**، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۴۰۰.

۴۳. مؤسسه معارف اسلامی، **معجم أحادیث الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف**، مسجد مقدس جمکران، قم،

۱۴۲۸ ق.

۴۴. موسوی نسب، جعفر، **دویست پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف**، فرهنگ

منهاج، تهران، ۱۳۸۶.

۴۵. مولفان، **مجموعه آثار پنجمین همایش بین المللی دکترین مهدویت**، مؤسسه آینده

روشن، قم، ۱۳۸۸.

۴۶. نوری، حسین بن محمد تقی، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم، ۱۴۰۸ ق.

۴۷. یوسفیان، مهدی، *امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن*، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، ایران، تهران، ۱۳۸۷.

۴۸. سلیمان، کامل، *یوم الخلاص*، دارالمجتبی، قم، ۱۴۲۷ ق.

۴۹. طوسی، محمد بن حسن، *الغیبة*، المعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۲۵ ق.

۵۰. مکارم شیرازی، ناصر، *مدیریت و فرماندهی در اسلام*، نشر نسل جوان، قم، ۱۳۸۹.

۵۱. جمعی از نویسندگان، *دهمین همایش بین المللی دکتربین مهدویت*، مؤسسه آینده روشن، قم، ۱۳۹۳.

۵۲. تقوی راد، زهره، *عدالت سازمانی در پرتوی رهبری اخلاقی*، نشر رازنهان، تهران، ۱۳۹۹.

۵۳. ابن حیون، نعمان بن محمد، *شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار*، جامعه مدرسين، قم، ۱۴۰۹ ق.

تبیین تنافی ظاهری میان روایات فراگیری ظلم و ضرورت تشکیل

دولت اسلامی در عصر غیبت

محمد غلامی^۱

سید علی کاظمی شیخ شبانی^۲

چکیده

ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان نقطه اوج تاریخ، نویدبخش جهانی سرشار از عدالت و معنویت است. با این حال، روایات متعددی به گسترش ظلم و فساد در آستانه ظهور اشاره دارند که این مسئله به بررسی دقیق تری نیازمند است. این نوشتار به بررسی تناقض ظاهری میان برپایی دولت تر از انقلاب اسلامی و روایات مربوط به گسترش ظلم در پیشاظهر و دو نگرش متفاوت در برخورد با این روایات می پردازد.

این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی بر این نکته تأکید می کند که برپایی دولت اسلامی و عدالت محور در شرایط کنونی، به مشارکت فعال مردم و تلاش های جمعی نیازمند است. همچنین، وجود انسان های صالح در جامعه که در آیات و روایات به آن اشاره شده، نشان دهنده این است که در عین گسترش ظلم، همواره افرادی هستند که در زمینه تحقق عدالت و اصلاحات اجتماعی فعالیت می کنند.

واژگان کلیدی: دولت تراز، روایات، فراگیری ظلم، تنافی ظاهری، پیشاظهر، انقلاب اسلامی.

۱. دانش پژوه سطح چهار مرکز تخصصی مهدویت قم. montazer.mohammad@gmail.com

۲. دانش پژوه سطح چهار مرکز تخصصی موعود حوزه علمیه قم. Sayed.ali.kazemi67@gmail.com

مقدمه

با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جهان از عدالت و صلح و امنیت برخوردار خواهد شد و بشر حکومتی آرمانی را پیش رویش تجربه خواهد کرد. با این حال، روایات زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد در آستانه این حکومت فراگیر، جهان از ظلم و بی‌عدالتی و فساد پر می‌شود: «یملأ الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً»^۱ از طرفی در آموزه‌های دینی، به نوعی به فعالیت‌های اجتماعی و اخلاقی دعوت می‌شود که می‌تواند زمینه‌ساز تغییرات مثبت در جامعه و در نتیجه تشکیل دولت انقلابی در پیشاظهر باشد. لذا لازم است نسبت این روایات با اختیار انسان‌ها و نقش آن‌ها در به‌وجود آمدن این ویژگی مهم و برپایی یا عدم برپایی دولت انقلاب اسلامی روشن شود. این نگرش است که می‌تواند انسان را از چالش‌های پیش رو مصون و او را در مسیر حرکتش حفظ کند.

بنابراین، سوالی که همواره مطرح بوده، این است که این تناقض را چگونه می‌توان حل کرد؟ آیا به منظور تسریع در ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف باید با زمینه‌سازی به این روند کمک کرد؟ آیا باید ظلم و فساد جهان را فراگیرد؟ از طرفی اگر ما به گسترش ظلم و فساد کمک نکنیم، آیا زمان ظهور به تعویق نمی‌افتد؟ بنابراین، یکی از چالش‌هایی که همواره در بحث مهدویت وجود داشته، این است که آیا قبل از ظهور، در زمینه‌سازی و تشکیل حکومت وظیفه‌ای داریم؟ آیا اصلاً دولتی را می‌توان قبل از ظهور تصویر کرد؟ پژوهش پیش‌رو، به منظور واکاوی درستی یا نادرستی این باور سامان یافته است. بررسی و تحلیل تنافی ظاهری برپایی دولت تراز انقلاب اسلامی با روایات غلبه و فراگیری ظلم در دوران پیشاظهر؛ موضوعی پیچیده و عمیق است که به دقت و توجه به جوانب مختلف تاریخی، اجتماعی و دینی نیازمند است.

این نوشتار، برای فهم درست روایات مهدوی مربوط به زمینه‌سازی ظهور، تبیین جایگاه واقعی روایات فراگیری ظلم قبل از ظهور، رفع تنافی فراگیری ظلم با ایجاد زمینه‌سازی از سوی منتظران، جلوگیری از سوء استفاده از روایات مهدوی و برداشت‌های نادرست از آن و تبیین دیدگاه روایات

پژوهش‌های نو

سال هفتم / شماره ۸۳ / بهار و تابستان ۱۴۰۴

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۸۱.

مهدوی درباره تحلیل تطبیقی روایات پر شدن زمین از ستم در آستانه ظهور و زمینه سازی، ضرورت دارد. از این رو، ضمن بررسی روایات، به تبیین دلالت آن ها پرداخته و نظر مختار بیان می شود.

بدین ترتیب، این نوشتار با توجه به ضرورت پیش گفته با روش توصیفی - تحلیلی در صدد بررسی این دسته از روایات بوده و سوال اصلی این نوشتار این است که «آیا بین روایات فراگیری ظلم در دوران قبل از ظهور و تشکیل دولت اسلامی، آن هم با قید تراز، تفاوت یا تهافتی وجود دارد؟» در پاسخ به این پرسش، ضروری است این روایات مورد بررسی قرار بگیرند و فهم درستی که با آیات، سیره و روایات صحیح معصومان علیهم السلام موافق است، از آن ها صورت پذیرد. فرض پژوهش بر این گزاره استوار است که در مسیر راهبردی و تمدنی انقلاب اسلامی «تشکیل دولت اسلامی» ضرورتی اجتناب ناپذیر است و برای تکمیل حلقه تمدنی انقلاب اسلامی، این دولت باید دارای ویژگی هایی باشد.

موضوع کلی روایات فراگیری ظلم از مسائلی است که دارای پیشینه زیادی است؛ ولی تحلیل فقه الحدیثی آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است. مقاله «وجه جمع فراگیرشدن ظلم و فساد در آستانه ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه با عدم جواز اباحی گری»، اثر یدالله حاجی زاده در مجله مشرق موعود، تا حدودی به ابعاد مسئله پرداخته؛ لکن به بررسی روایات مربوط نپرداخته است. مقاله «بررسی و تحلیل عبارت یملا الله به الارض قسطا و عدلا کما ملئت ظلما و جورا در توصیف جهان پیشاظهار»، به قلم سید علی کاظمی (یکی از نویسندگان همین مقاله) در مجله مطالعات مهدوی به بررسی کلی روایات بسنده کرده است. نیز مقاله «رساله در بیان حدیث یملاء الارض قسطا و عدلا...»، به قلم احمد رنجبری در مجله میراث شهاب فقط به تبیین وجه گسترش عدل آن اشاره کرده است. آقای طباطبایی در مقاله «عدالت جهانی نماد سیاست مهدوی» نیز با روش حدیث پژوهی، تواتر این روایات را بیان کرده است. در مقاله دیگری تحت عنوان «رسالت منتظران در زمینه سازی برای ظهور و تحقق دولت کریمه»، به قلم عباس گوهری و محسن دیمه کارگراب، ذیل برخی از عناوین همانند اجتناب از گناهان و انجام دادن اعمال صالح در کمتر از دو صفحه به طور غیر مستقیم تفکری که به فراگیرشدن ظلم و فساد اشاره دارد، نقد کرده است. بنابراین، نوشته ای که فراگیری ظلم و فساد را در آستانه ظهور و تنافی آن با برپایی دولت زمینه سازی مورد

نقد و ارزیابی قرار داده باشد؛ به نظر نگارندگان نرسید. نوشتار حاضر تلاش می‌کند این خلاء را هر چند به صورت ناقص پر کند. لذا وجه تمایز این تحقیق آن است که به صورت ویژه به بررسی و تحلیل این روایات پرداخته و بعد از بیان نکات گوناگون و متفاوت قابل استفاده، نسبت آن را با برپایی دولت تراز انقلاب اسلامی سنجیده است.

۱. چیستی دولت و دولت تراز انقلاب اسلامی

«دولت» در معنای اعم، نظام سیاسی و رژیم حاکم بر هر کشور را در بر می‌گیرد که جمعیت، سرزمین، هیئت حاکمه و حاکمیت سیاسی را شامل می‌شود. دولت را می‌توان ساختی از قدرت دانست که ملت‌ها به منظور برقراری نظم و قانون در بین خود و دفاع از سرزمینشان به وجود می‌آورند.^۱ از آن‌جا که دولت‌ها برخاسته از نظام‌های سیاسی متفاوتی هستند و هر نظام سیاسی، نگاه خاصی به انسان، جهان و عالم هستی دارد؛ می‌توان گفت دولت‌ها نیز با توجه به نظام‌های سیاسی مختلف، تمایز می‌یابند. در نتیجه اهداف دولت‌ها از هم افتراق می‌یابند و هر دولتی در چهارچوب نظام سیاسی برخاسته از آن، به دنبال تحقق اهداف خود است. در این میان، نظام سیاسی اسلام، اهداف و مبانی خاص خود را دارد و با توجه به همین مبانی و اصول نیز دولت اسلامی متناسب با آن شکل می‌گیرد.^۲

آنچه در تفکر اسلامی نیز به عنوان «دولت» یاد می‌شود، از ریشه لاتین «Stare» به معنای ایستادن و یا «Status» به معنای وضع مستقر و پابرجا یا وضع ثابت و پایدار و شأن و منزلت است و آن گونه که این معنا درباره افراد به کار می‌رود، درباره نهادها و قدرت سیاسی نیز کاربرد دارد.^۳ از همین رو، خلاء وجود مفهوم دولت تراز اسلامی نیز بیش از پیش احساس می‌شود. گفتنی است متفکران و پژوهشگران سیاسی در مورد تعریف دولت، توافق نظر ندارند. حکومت‌ها بر اساس تعداد حاکمان به حکومت فردی و گروهی و جمهوری تقسیم می‌شوند که مراد از

۱. آشوری، مبانی دولت و حکومت در اسلام، ص ۱۶۳.

۲. شوشتری، احقاق الحق، ص ۱۰۳.

۳. وینسنت، نظریه‌های دولت، ص ۶۱.

حکومت اسلامی قسم سوم آن است. حکومت اسلامی، حکومتی است که مردم در ایجاد آن به طور مستقیم و یا غیر مستقیم دخیل اند و حگام هیچ امتیاز شخصی بر دیگران ندارند؛ بلکه در مقابل قانون نیز مسئول هستند. البته واضح است که میان دولت اسلامی و دیگر دولت‌های موجود، تفاوت آشکاری وجود دارد.

از نظر اسلام، حکومت یکی از شئون الهی است که بر عهده پیامبر بوده است؛ از این رو، مردم هیچ گونه دخالتی در امر ایشان ندارند و از آن جا که مذهب حقّه شیعه، امامت را جانشین نبوت می‌داند؛ حکومت و زعامت امامان نیز امری الهی است که مختص ایشان است. آنچه پس از این در دوران غیبت می‌آید، نوعی تحمل نیابت از غیر و متعلق به مردم است که توسط مجتهد جامع الشرایط اعمال می‌گردد.

مقام معظم رهبری با پذیرش مراتب مختلف برای دولت اسلامی، معتقدند که:

«دولت اسلامی کامل به معنای واقعی کلمه، در زمان انسان کامل تشکیل خواهد شد»^۱؛ اما قبل از ظهور و تشکیل دولت اسلامی کامل توسط امام‌زمان باید به قدر توان، مراتبی از دولت اسلامی تشکیل شود. هرچند «همه ما انسان‌های ناقصی هستیم... ما می‌خواهیم خود را به حد نصاب نزدیک کنیم»^۲ ایجاد دولت با ویژگی اسلامی در یک زنجیره منطقی از فرایند تحقق اهداف انقلاب اسلامی قرار دارد. «یک زنجیره منطقی وجود دارد؛ حلقه اول، انقلاب اسلامی است؛ بعد تشکیل نظام اسلامی است؛ بعد تشکیل دولت اسلامی است؛ بعد تشکیل جامعه اسلامی است؛ بعد تشکیل امت اسلامی است. این یک زنجیره مستمری است که به هم مرتبط است»^۳.

برای دولت تراز اسلامی می‌توان اهدافی در نظر گرفت: «امنیت» و «رفاه عمومی» برای همه،

۱. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت (۱۳۸۴/۶/۸)

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3304>

۲. همان

۳. بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه (۱۳۹۰/۷/۲۴) ۱۷۵۹۷ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17597>

«هدایت فرهنگی»، «گسترش علم و آزاد اندیشی»، «عدم رشوه»، «عدم فساد اداری»، «عدم اشرافی گری»، «عدم کم کاری و عدم حیف و میل بیت المال»، «عدم ویژه خواری» و ...؛ اما هدف نهایی و طولانی مدت، «رسیدن به قرب الاهی» است و اهداف و وظایف دیگر دولت تراز اسلامی در جهت آن قرار می گیرند. این دولت، همه کارگزاران نظام اسلامی را شامل است؛ نه فقط قوه مجریه؛ یعنی حکومت رانان و خدمت گزاران عمومی. اما نکته مهم این است که کدام رکن از سه قوه نقش مهم تری در این فرایند دارد. همانطور که از اصول قانون اساسی مشخص است، حدود ۳۵ اصل به قوه مجریه ارتباط دارد و در سخنرانی مقام معظم رهبری نیز به این موضوع اشاره شده است که مسئولیت هیچ قوایی به اندازه مسئولیت قوه مجریه نیست. بنابراین، برای تشکیل دولت اسلامی به رئیس جمهور تراز دولت اسلامی نیاز داریم. حال، رئیس جمهور تراز دولت اسلامی باید چه شاخص هایی داشته باشد:

«با کفایت باشد؛ با ایمان باشد؛ عدالت خواه و ضد فساد باشد؛ دارای عملکرد انقلابی و جهادی باشد؛ فرد اتو کشیده نباشد؛ به توانمندی های داخلی ایمان و اعتقاد داشته باشد؛ به جوانان اعتقاد و اعتماد داشته باشد؛ به عنوان پیشران انقلاب اسلامی، مردمی باشد؛ امیدوار باشد؛ و بتواند مشکلات را مدیریت کند و آن را برای رسیدن به هدف مطلوب هدایت کند.»^۲

بنابراین، دولت تراز انقلاب اسلامی به معنای دولتی است که بر اساس اصول و ارزش های انقلاب اسلامی ایران شکل گرفته و به دنبال تحقق عدالت، آزادی و معنویت در جامعه است. این دولت باید بتواند به نیازهای مردم پاسخ دهد و در مسیر اهداف انقلاب حرکت کند.

۲. روایات غلبه و فراگیری ظلم

در این که در آستانه ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الیه، جهان را ظلم، بی عدالتی، گناه و فساد

۱. همان، بیانات در خطبه های نماز جمعه، ۸۴/۵/۲۸. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3302>

۲. همان، سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران، ۱۴۰۰/۱/۱. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47576>

فرامی گیرد و با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عدالت و خوبی جایگزین ظلم و فساد می شود؛ شکی نیست. شهید صدر در تاریخ غیبت کبرا اشاره دارد:

«فساد و تباهی مردم در این زمان از مسلمات روایات است.»^۱
آیت الله مکارم شیرازی نیز می نویسد:

«نخستین نشانه ای که با مشاهده آن می توان نزدیک شدن هر انقلابی، از جمله این انقلاب بزرگ (انقلاب جهانی) مهدی را پیش بینی کرد، گسترش ظلم و جور و فساد و تجاوز به حقوق دیگران و انواع مفسدات اخلاقی است.»^۲

منابع حدیثی شیعه و اهل سنت روایات زیادی، خصوصاً از پیشوایان دینی در این زمینه نقل کرده اند. عبارت «يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا»^۳؛ که در وصف جامعه قبل از ظهور می باشد، بسیار مشهور و از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مصادر حدیثی شیعه و اهل سنت، فراوان ملاحظه می شود. در کتاب بحار الانوار، ۱۲۹ روایت با نمایی «سیطره الجور قبل ظهور المهدی» وجود دارد.^۴ شیخ حر عاملی نیز ذیل عنوان احادیث «المهدی يملأ الأرض قسطاً و عدلاً من كتب اهل السنة»، ۲۷ حدیث در این زمینه از منابع اهل سنت نقل کرده است.^۵ شوشتری نیز در احقاق الحق، ذیل عنوان «المهدی يملأ الأرض قسطاً و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً» به تفکیک روات، احادیث زیادی در این باره از منابع مختلف نقل کرده است.^۶ نکته مهم این که بسیاری از کتاب های شیعی این متن را از طریق اهل سنت با سلسله روات مشهور آنان از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده اند.^۷ به عنوان نمونه، در یکی از این روایات، ابوسعید خدری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین روایت

۱. صدر، تاریخ غیبت کبری، ص ۲۳۲.

۲. مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی، ص ۱۶۰.

۳. نعمانی، الغیبة، ص ۸۱.

۴. رک: نرم افزار معجم موضوعی بحار الانوار ۲، بخش موضوعات، بخش نماییه.

۵. عاملی، إثبات الهداة، ج ۵، ص ۲۶۸.

۶. شوشتری، احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۱۳۲.

۷. طباطبائی، تفسیر المیزان، ص ۲۶۳.

می‌کند:

«قیامت برپا نمی‌شود، مگر این‌که زمین از ظلم و دشمنی پر می‌شود و در این زمان مردی از خاندان من، زمین را همان‌گونه که از ظلم و ستم پر شده باشد، از قسط و عدل پر می‌کند.»^۱

در برخی از روایات نیز به فساد در آستانه ظهور اشاره شده است. بر اساس روایتی که ابن عباس از پیامبر اکرم علیه السلام نقل کرده در آستانه ظهور، ستم و فساد زیاد می‌شود.^۲ این روایات به نوعی بیانگر وضعیت نامطلوب اجتماعی و سیاسی در زمان غیبت امام مهدی علیه السلام هستند و نشان می‌دهند که ظلم و فساد در آن دوران به اوج خود می‌رسد.

این گسترش و فراگیری از عناوین بسیار مشهوری است که کم‌تر روایتی در حوزه مهدویت را می‌توان یافت که نمودی از تبیین این جریان در آن نباشد. احادیثی که همچون احادیث ذکر شده در اکثر موارد همراه با لفظ «ملئت» هستند؛ همچون:

لَتَمْلَأَنَّ الْأَرْضَ ظُلْمًا وَجَوْرًا؛ ثُمَّ لَتَمْلَأَنَّ بَعْدَ ذَلِكَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا؛ لَوْ لَمْ يَبَقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ لَبَعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا؛ الْمُتَهْدِي مَتَى أَجْلَى الْجُبَّةِ، أَقْبَى الْأَنْفِ، يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا؛ وَكُنْيَتُهُ كَكُنْيَتِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا؛ لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَمْلَأَ الْأَرْضَ جَوْرًا وَظُلْمًا وَعُدْوَانًا، ثُمَّ يَخْرُجُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي رَجُلٌ يَمْلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَعُدْوَانًا؛ الْمُتَهْدِي يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا؛ الَّذِي يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا عَلَى فِتْرَةٍ مِنَ الْأُمَّةِ؛ شَابٌ مُوفِقٌ ابْنِ اثْنَتَيْنِ وَثَلَاثِينَ سَنَةً حَتَّى تَرْجِعَ عَنْهُ طَائِفَةٌ مِنَ النَّاسِ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا...

با توجه به تنوع و گوناگونی افراد گزارش کننده، متن حدیث را می‌توان متواتر شمرد؛ چرا که توافق بر کذب میان این افراد ممکن نیست.^۳ برخی از علمای اهل تسنن، به تواتر این روایات

۱. احمد بن حنبل، مسند، ج ۳، ص ۲۸ و طبری، دلائل الامامة، ص ۴۶۷.

۲. صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۵۱.

۳. همان.

اذعان دارند. محمد کاظم موسوی در مقدمه بر کتاب «العرف الوردی فی احادیث المهدی»، اثر سیوطی، عالم برجسته اهل تسنن، نام چند تن از علمای اهل تسنن را که به تواتر احادیث مهدویت معترفند؛ ذکر می‌کند. برخی از این عالمان، علاوه بر اثبات تواتر روایات مهدویت، روایات تعدادی از ویژگی‌های امام‌زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را متواتر دانسته؛ یا این‌که این تواتر را نقل کرده و آن را رد نکرده‌اند. به عنوان نمونه می‌توان به این بیان اشاره کرد: «قد تواترت الأخبار و استفاضت عن رسول الله بذكر المهدی، و أنه من أهل بيته، و أنه يملك سبع سنين، و أنه يملأ الأرض عدلاً». سیوطی این تواتر را نقل کرده و آن را رد نکرده است. این معنا از علمای دیگر اهل سنت هم بیان شده است. از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الحافظ أبو الحسن محمد بن الحسين الابری السجزی، صاحب کتاب «مناقب الشافعی»؛ ابن القيم فی کتابه «المنازل»؛ الحافظ ابن حجر فی «تهذيب التهذيب» فی ترجمة محمد بن خالد الجندی؛ مرعی بن یوسف فی کتابه «فوائد الفكر فی ظهور المهدی المنتظر»؛ صدیق حسن فی کتابه «الإذاعة لما كان و ما يكون بين يدي الساعة»؛ السیوطی فی آخر جزء «العرف الوردی فی أخبار المهدی»؛ محمد البرزنجی فی کتابه «الإشاعة لأشراط الساعة»^۱.

نکته قابل توجه در این روایات لفظ «كما ملئت» است که نشان می‌دهد اولاً، سرتاسر جامعه بشری مملو از ظلم و ستم می‌شود و جایی را نمی‌توان سراغ گرفت که به این درد مبتلا نشده باشد و ثانیاً، حرف «کاف» در ادبیات عرب یا برای «شبيه» است یا برای «مقابله». باتوجه به این، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، دنیا را از عدل و داد پر می‌کند؛ چنان‌که از جور و ستم پر شده بود و یا این‌که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، دنیا را سرشار از عدالت می‌کند، در مقابل آن‌که دنیا مملو از ظلم و ستم شده بود.

قدیمی‌ترین منبع شیعی که روایت را با تعبیر «بعد ما ملئت» ذکر کرده، کتاب «الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف»، متعلق به سید بن طاووس است که در سال ۶۶۴ هجری وفات کرد. ایشان در کتاب خود می‌آورد: «و من ذلک ما ذکره أبو محمد ابن مسعود الفراء فی کتاب المصایح ... فیملأ

۱. سیوطی، العرف الوردی فی الأخبار المهدی، ص ۴۱.

الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا بَعْدَ مَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا» همان طور که مشاهده می‌شود، سید این روایت را از کتاب «مصایح»، اثر حسین بن مسعود فراء بغوی از علمای قرن پنجم هجری خراسان گرفته است. این، در حالی است که در اصل کتاب مصایح این روایت از قول نبی اکرم ﷺ با لفظ «کَمَا مُلِئَتْ» نقل شده است: «ذَكَرَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بَلَاءَ يُصِيبُ هَذِهِ الْأُمَّةَ حَتَّى لَا يَجِدَ الرَّجُلُ مَلْجَأً يُلْجَأُ إِلَيْهِ مِنَ الظُّلْمِ، فَيَبْعُثُ اللَّهُ رَجُلًا، مِنْ عِشْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي فَيَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا»^۱. این احتمال نیز وجود دارد که نسخه‌ای از کتاب مصایح در دست سید بوده که عبارت آن جا «کَمَا مُلِئَتْ» بوده است؛ اما با درصد فراوانی عبارت مقابل آن، این احتمال بسیار ضعیف می‌آید.

در جایی دیگر مرحوم شیخ حر عاملی متوفای ۱۱۰۴ هجری در کتاب «إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات»، این روایت را به لفظ «بعد ما ملئت» از سلیم بن قیس آورده است:^۲ «وَعَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، عَنِ النَّبِيِّ ﷺ فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ أَنَّهُ قَالَ لِعَلِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: لَسْتُ أَتَخَوَّفُ عَلَيْكَ التَّشْيَانَ وَالْجَهْلَ؛ وَلَكِنْ أَكْثَبُ لَشُرَكَائِكَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِكَ... وَالْمُهْدَى اسْمُهُ مُحَمَّدٌ، الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا بَعْدَ مَا مُلِئَتْ فِتْنَةً وَظُلْمًا» که باز هم با مراجعه به اصل کتاب می‌بینیم که سلیم روایت مذکور را در شش مورد استفاده کرده که در همه آن‌ها لفظ «کَمَا مُلِئَتْ» را ذکر کرده است.^۳ مرحوم علامه مجلسی هم در کتاب بحار الانوار این روایت را با لفظ «کَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا»، ۷۶ مرتبه و با لفظ «بعد ما ملئت» سه مرتبه ذکر کرده است. که یکی از این دو مرتبه به نقل از کتاب «کفایة الاثر» بوده و دیگری به نقل از کتاب «الأمالی» شیخ طوسی است که در مصدر اصلی با لفظ «بعد ما ملئت» ذکر گردیده و مورد دیگر نیز از کتاب «ارشاد القلوب» مرحوم دیلمی است که از نظر سندی مشکل دارد. (سند کتاب ارشاد القلوب دیلمی مرسل است که البته صحت و سقم آن خود جای بحث‌های مفصلی دارد).

این نکته قابل توجه است که از برآورد این تحقیقات، برای انسان ظن قوی حاصل می‌شود که

۱. قاری، مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، ج ۸، ص ۳۴۴، ح ۵۴۵۷.

۲. حر عاملی، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، ج ۲، ص ۱۲۰.

۳. هلالی، سلیم بن قیس، ج ۲، ص ۵۶۷، ۶۲۸، ۷۶۳، ۷۷۵، ۸۷۸ و ۹۰۸.

عبارت «بعد ما ملئت» عبارت عالمان و مسلمانان بوده است که به خطا به روایات نسبت داده شده و اصل آنچه از ناحیه معصوم علیه السلام صادر شده، عبارت «کما ملئت» بوده است (این نکته حائز اهمیت است که تحقیقات ما در این مسئله از نسخه‌های چاپ شده کتاب‌ها و نرم افزارها بوده است، نه از نسخه‌های خطی) بر پایه احتمال «بعد ما ملئت» و ترجمه به ظرف زمانی، فراگیری ظلم، مقدمه ظهور امام است. فلذا هر اقدامی برای مبارزه با ظلم و استقرار عدل در جامعه، به معنای تلاش برای از بین بردن آن مقدمه و در نتیجه، تأخیر ظهور است. این نوع خوانش در تصور برخی باعث گردیده است که تنها راه تقدم امر ظهور را ایجاد و ترویج فساد بدانند یا حداقل در برابر فساد، سکوت کنند.

۳. تنافی ظاهری

برخی با استناد به روایات یاد شده، بدون این که هیچ اقدامی صورت دهند؛ منتظر ازدیاد ظلم و ستم هستند، تا بدین وسیله ظهور تعجیل یابد! گرچه بعضی از آن‌ها دست به ظلم نمی‌برند؛ گروهی از دوستان هم فکر ایشان می‌گویند، چرا دست روی دست بگذاریم و در انتظار وفور ظلم و ستم بنشینیم، بلکه باید برای ازدیاد ظلم و ستم قیام کنیم؛ باید آستین بالا بزنیم و زمین را دریای خون کنیم تا به دیدار مولایمان برسیم.^۱ البته شاید کسی به صراحت این حرف و برداشت را بیان نکرده باشد؛ از برخی اظهار نظرها دقیقاً یا به دلالت التزامی، همین معنا استفاده می‌شود. مثل سخن دسته‌ای از بزرگان انجمن حجتیه که در آن دوران، مورد نقد جدی بزرگانی همچون امام خمینی و استاد مطهری قرار گرفتند.^۲ با وجود این، چگونه می‌توان یک دولت اسلامی و عدالت‌محور را در شرایط ظلم و فساد پیشاظهار در جامعه برقرار کرد. لذا این تنافی می‌تواند به

۱. نودهی، اختیاری بودن ظهور، ص ۹.

۲. ر.ک: یوسفی غروی، محمدهادی، «ادعای گسترش فساد برای ظهور امام زمان علیه السلام مغالطه است، مجله مشرق موعود، شماره ۴۸، زمستان ۱۳۹۷؛ حاجی‌زاده، یدالله، وجه جمع فراگیر شدن ظلم و فساد در آستانه ظهور حضرت حجت علیه السلام با عدم جواز اباحی‌گری، مجله مشرق موعود، شماره ۴۸، زمستان ۱۳۹۷ سوزنچی، حسین، مهدویت و انتظار در اندیشه شهید مطهری، قبسات، پاییز ۱۳۸۳.

چند شکل تحلیل شود:

الف) تعارض در مبانی

این تنافی در دیدگاه برخی گروه‌ها و فرقه‌های انحرافی مورد سوء برداشت قرار گرفته که از آن جمله می‌توان به انجمن حجتیه اشاره کرد. خلاصه تفکر انجمن این است که انقلاب امام قائم به دو چیز بستگی دارد: ۱. نشانه‌های منفی موجود در جامعه، مثل تبهکاری‌ها و ستمگری‌ها؛ ۲. ایمان و اعتقاد مردم به اسلام که باید این دو عامل را تقویت کرد و ضمن ترویج زمینه‌های منفی، اسلام را به توده‌ها شناساند.^۱ نیز از باورمندی‌های آن‌ها این است که گفته‌اند: از نشانه‌ها و علائم فرج امام قائم این است که «در اثر شیوع گناه و فحشا، انسان بدترین خلق خدا در روی زمین می‌شود و خداوند آن‌ها را به سه بلا دچار می‌کند: ۱. جور سلطان؛ ۲. قحطی زمان؛ ۳. ستم حکام.»^۲ در جای دیگر، در مورد نشانه‌های ظهور می‌گوید:

ما در گفتارهای پیشوایانمان با این واقعیت روبه رو هستیم که انقلاب جهانی امام دوازدهم هنگامی روی خواهد داد که ظلم و ستم گیتی را فرا گرفته و کژی و نادانی سایه شوم خود را همه جا گسترده است.^۳

اما این نگرش با دیدگاه صحیح شیعه درباره انتظار فرج و آماده‌سازی برای ظهور در تنافی است. از منظر شیعه، انتظار فرج به معنای انفعال و تسلیم در برابر ظلم و فساد نیست، بلکه به معنای آماده‌سازی فعالانه جامعه برای ظهور است. امام صادق (ع) در این زمینه می‌فرماید: «لِيُعَدَّنَ أَحَدُكُمْ لِحُجُوجِ الْقَائِمِ وَلَوْ سَهْمًا؛ هر یک از شما موظف هستید که آمادگی خود را برای ظهور آن حضرت؛ ولو با فراهم کردن یک تیر حفظ نمایید.»^۴ این روایت نشان می‌دهد که وظیفه شیعه، تلاش برای بهبود شرایط جامعه و آماده‌سازی خود برای ظهور است، نه تشدید فساد و ظلم.

۱. جریان‌شناسی فکری فرهنگی انجمن حجتیه، ص ۵۵.

۲. به نقل از نشریه آخرین سفیرالاهی و حکومت جهانی او، انتشارات اهل بیت، قزوین.

۳. به نقل از نشریه رایت ویژه نامه امام مهدی پانزدهم شعبان ۱۳۹۹، ص ۱۱ ستون وسط مقاله «از انقلاب درسی».

۴. نعمانی، الغیبه، ص ۳۲۰.

همچنین، تفسیر انجمن حجتیه از روایاتی مانند «یملأ الله به الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً» نادرست است.^۱ این روایت لزوماً به معنای مشارکت مردم در گسترش ظلم نیست، بلکه می‌تواند به معنای نوعی خبر در زمینه سلطه ظالمان و قدرت‌های جهانی بر جهان است، در حالی که گروهی از مؤمنان و دولت‌های صالح نیز وجود دارند. نمونه بارز این تفسیر، واقعه عاشورا است که در آن امام حسین (علیه السلام) در برابر ظلم ایستاد، نه این که خود مرتکب ظلم شود.

شهید باهنر نیز به درستی اشاره می‌کند که اگر قرار باشد همه آیات مربوط به جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و مقابله با ظلم تعطیل شود؛ این به معنای نادیده گرفتن مسئولیت‌های دینی و اجتماعی است. ایشان می‌فرمایند: «سکوت در برابر ظلم و استکبار یا ناشی از تنبلی است یا از انحراف فکری عمیق نشأت می‌گیرد».^۲

ب) نقش مردم

از آنچه در تعارض مبانی گذشت، روشن می‌شود که تنافی بین ازدیاد ظلم و تفکر اصلاحی، اگر به درستی فهم نشود پیامدهای بسیار سختی برای دین و دینداران خواهد داشت؛ چرا که نتیجتاً دینداران را به سمت فساد و ظلم سوق خواهد داد. به بیان دیگر، مردمی را که در سایه تعالیم بلند کامل‌ترین دین الهی باید به اوج سعادت برسند و دائماً منتظر طلوع خورشید عالم‌تاب حق بر پهنه گیتی باشند به بدترین و سیاه‌ترین خلق خداوند مبدل می‌کند. گویی فراموش کرده ایم: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...»^۳ که بر اساس آیه مذکور، این مردم هستند که با عمل خویش سرنوشت خود و جهان را رقم می‌زنند و حال سوال این جاست که چگونه می‌توان ظلم‌افزایی و تاریکی‌گستری و نورآفرینی کرد؟

به عنوان نمونه انجمن حجتیه با تأکید بر این که ظهور امام زمان (علیه السلام) به تحقق نشانه‌های

۱. ر. ک: یوسفی غروی، ادعای گسترش فساد برای ظهور امام زمان (علیه السلام) مغالطه است، مجله مشرق موعود، شماره ۴۸، زمستان ۱۳۹۷.

۲. سلسله درس‌های مواضع ما، مواضع تفصیلی حزب جمهوری اسلامی، جلسه ۳۲، روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۵/۲۳.

۳. رعد، ۱۱.

منفی مانند گسترش ظلم و فساد در جامعه منوط است، عملاً نقش مردم را در فرایند ظهور به حداقل می‌رساند. در این نگرش، مردم، بیش‌تر به عنوان تماشاگرانی منفعل تصویر می‌شوند که باید منتظر افزایش ظلم و فساد باشند تا زمینه‌های ظهور فراهم شود؛ حتی در برخی موارد، این نگرش و تقویت نشانه‌های منفی مانند گناه و فساد منجر می‌شود.^۱ این دیدگاه، نقش فعال مردم در بهبود شرایط جامعه و آماده‌سازی برای ظهور را نادیده می‌گیرد؛ در حالی که طبق دیدگاه درست، مردم بیش‌ترین نقش را در اصلاح و آبادانی جامعه و حتی دولت‌ها دارند. بنابراین، برپایی یک دولت اسلامی و عدالت‌محور بدون مشارکت فعال مردم ممکن نیست. مردم نه‌تنها باید در فرآیندهای سیاسی شرکت کنند، بلکه باید به عنوان ناظران و مدافعان حقوق خود عمل کنند. با ایجاد آگاهی، نظارت و ترویج فرهنگ عدالت، مردم می‌توانند نقش مؤثری در برپایی و پایداری دولت اسلامی و عدالت‌محور ایفا کنند.

۴. جایگاه زمینه‌سازی در ظهور مهدوی

از مباحث مهم و مورد توجه درباره ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، زمینه‌سازی برای آن است. بدون شک، اگر نظر کارشناسان بر این باشد که زمینه‌سازی، دارای کارکردی به نام تقدم و تأخر ظهور است، هر چه زمینه‌سازی زودتر انجام شود و به حد کمال برسد؛ ظهور نیز به وقوع خواهد پیوست. به عبارت دیگر، اگر در خصوص زمان ظهور معتقد باشیم که خداوند، زمان مشخصی برای آن تعیین نکرده است، این، بدان معناست که انسان‌ها باید با فراهم کردن زمینه‌ها و رسیدن به شایستگی‌های لازم، شرایط تحقق ظهور را مهیا کنند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که ظهور مهدوی به اراده و خواست جمعی بشر وابسته است و این، به تلاش‌های انسانی در ایجاد شرایط لازم برای تحقق آن بستگی دارد. رهبر معظم انقلاب اسلامی در این زمینه بیان می‌کنند:

«ما می‌توانیم قدم به قدم جامعه خود و زمان تاریخ خود را به تاریخ ظهور ولی

۱. جریان‌شناسی فکری - فرهنگی انجمن حجتیه، ص ۵۵.

این بیان به اهمیت نقش فعال جامعه و تلاش‌های جمعی در آماده‌سازی شرایط ظهور اشاره دارد. با این حال، نویسنده کتاب «راز پنهانی و رمز پیدایی»؛ به نحوی با این نظریه مخالفت و تأکید می‌کند که ظهور، عمل و فعل الهی است و نه تنها امام‌زمان، بلکه مردم نیز در اصل و زمان ظهور دخالتی ندارند. به عبارت دیگر، آن‌طور که مردم منتظر ظهور هستند، خود امام‌زمان نیز منتظر آن است. نویسنده معتقد است که تمام اعمال بندگان می‌تواند مقدمه‌ای برای صدور فرمان خداوند در مورد ظهور باشد، اما تأثیر بیشتری بر آن نخواهد داشت.^۲

• روایات زمینه سازی

از روایات به خوبی مشخص می‌شود که وقوع ظهور بدون آمادگی و تلاش مردم امکان‌پذیر نیست. در واقع، بین وقوع ظهور و آمادگی مردم رابطه‌ای ضروری و مستقیم وجود دارد؛ به این معنا که با آمادگی مردم، زمینه برای وقوع ظهور فراهم می‌شود و این آمادگی، خود را در قالب خودسازی، پاک‌سازی و غربال‌گری نشان می‌دهد.

در این خصوص امام صادق (علیه السلام) به جمعی از شیعیان می‌فرماید:

فِي أَي شَيْءٍ أَنْتُمْ هَيَّاهُ هَيَّاهُ لَا وَاللَّهِ لَا يَكُونُ مَا تَمْدُونَ إِلَيْهِ أَغْنِيَكُمْ حَتَّى تُغْرَبُوا وَلَا وَاللَّهِ لَا يَكُونُ مَا تَمْدُونَ إِلَيْهِ أَغْنِيَكُمْ حَتَّى تُحْصُوا وَلَا وَاللَّهِ لَا يَكُونُ مَا تَمْدُونَ إِلَيْهِ أَغْنِيَكُمْ حَتَّى تُمَيِّزُوا؛ کجائید شما؟ هی‌هات، هی‌هات! نه به خدا؛ آنچه به سویش چشم می‌کشید، واقع نمی‌شود، تا غربال شوید؛ نه به خدا آنچه به سویش چشم می‌کشید، واقع نمی‌شوید تا صاف و پاکیزه شوید؛ نه به خدا آنچه به سویش چشم می‌کشید، واقع نمی‌شود تا جدا سازی شوید.^۳

۱. خامنه‌ای، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران به مناسبت نیمه شعبان، ۷۶/۹/۲۶.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=52148>

۲. بنی‌هاشمی، راز پنهانی و رمز پیدایی، ص ۳۷۵.

۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۷۰.

این بیان به وضوح نشان می‌دهد که ظهور بدون آمادگی و پالایش درونی مردم محقق نخواهد شد. در روایت دیگری از امام جواد علیه السلام آمده است:

«فَإِذَا اجْتَمَعَتْ لَهُ هَذِهِ الْعِدَّةُ مِنْ أَهْلِ الْإِخْلَاصِ أَظْهَرَ اللَّهُ أَمْرَهُ»^۱

این روایت نیز بر این نکته تأکید دارد که وقتی عده‌ای از مخلصان در کنار امام جمع شوند، خداوند امر ظهور او را فراهم می‌کند. همچنین، در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است:

«إِذَا اجْتَمَعَ لِلْإِمَامِ [لِلْإِسْلَامِ] عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ وَجَبَ عَلَيْهِ الْقِيَامُ وَ التَّغْيِيرُ»^۲

بر اساس این روایت، اگر پیرامون امام به تعداد نفرات جنگ بدر (سیصد و سیزده نفر) جمع شوند، بر امام واجب است قیام کند و تغییراتی ایجاد کند.

• بیانات در رابطه با زمینه سازی

علما و دانشمندان نیز در این زمینه دیدگاه‌هایی ارائه کرده اند که بعضاً به شرح ذیل است: آیت‌الله آصفی، در کتاب الانتظار الموجه در بحث علت تأخیر ظهور می‌نویسد:

«علت تأخیر ظهور، فراگیر نشدن ظلم و ستم نیست؛ بلکه نبود یاران کافی از نظر کمی و کیفی و نبود آمادگی مردم، زمینه تأخیر ظهور امام زمان شده است و اگر این مشکل برطرف شود، ظهور بدون تأخیر زودتر به وقوع می‌پیوندد»^۳

آیت‌الله مکارم نیز در کتاب حکومت جهانی امام زمان در پاسخ به طولانی شدن غیبت می‌گوید: «برای تحقق یک انقلاب همه جانبه در سطح جهان، تنها وجود یک رهبر شایسته انقلابی کافی نیست، بلکه آمادگی عمومی نیز لازم است و هنوز متأسفانه دنیا آماده پذیرش چنین حکومتی نشده است و به محض آمادگی، قیام او قطعی است»^۴

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۸، ح ۲.

۲. مغربی، شرح الاخبار، ج ۱، ص ۳۴۲.

۳. آصفی، الانتظار الموجه، ص ۱۸.

۴. مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی علیه السلام، ص ۲۱۲.

آیت الله اصفهانی در کتاب مکیال المکارم به این نکته اشاره می‌کند:

«آمادگی مردم، یکی از شرایط و ارکان ظهور است. باید قدم اول را در این مسیر مردم

بردارند و ظهور را از خدا کنند، تا خداوند، ظهور را تحقق بخشد.»^۱

او در ادامه می‌افزاید:

«دعاهایی که مردم برای تعجیل بخشی ظهور می‌کنند، بر تقدم بخشی ظهور تأثیر

دارد.»^۲

مرحوم مهدی فقیه ایمانی در کتاب لواء الانتصار، روایاتی را که درباره دعا برای تعجیل ظهور

وارد شده است، به پنج قسم تقسیم می‌کند و در قسم اول می‌نویسد:

«در بعضی روایات، تصریح شده است که دعای مؤمنین و طلب فرج آن حضرت

موجب تعجیل در فرج می‌شود و ترک آن، موجب تأخیر در فرج می‌گردد.»^۳

سید محمدباقر صدر در کتاب رهبری بر فراز قرون می‌نویسد:

هر کاری برای تغییر ساختار جامعه موفقیتش به یک سلسله شرایط و زمینه‌های

خارجی نیاز دارد؛ اگرچه تغییرات اجتماعی‌ای که سرچشمه الهی دارد، ربطی به

عوامل خارجی ندارد؛ ولی از جنبه‌های خارجی به شرایط بیرونی متکی است. پس

با این که خدا توانایی هموار کردن مسیر برای ظهور را دارد؛ از این روش استفاده

نخواهد کرد. بنابراین، باید منتظر شرایط باشیم و برای اجرایی چنین تحولی،

وجود رهبر صالح به تنهایی کافی نیست.»^۴

این نظریات به روشنی نشان می‌دهد که آمادگی و تلاش مردم برای تحقق ظهور

امام‌زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ضروری است و نقش مهمی در تسریع این فرایند دارد.

۱. اصفهانی، مکیال المکارم، ص ۱۱.

۲. همان، ص ۴۵۲.

۳. فقیه ایمانی، لواء الانتصار، ص ۲۲.

۴. صدر، رهبری بر فراز قرون، ص ۱۰۵.

۵. ضرورت تشکیل دولت اسلامی

کتاب «حکومت جهانی حضرت مهدی»، اثر آیت‌الله مکارم شیرازی، به ضرورت تشکیل دولت اسلامی به عنوان پیش نیاز تحقق عدالت جهانی و ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرداخته است. ایشان بر این باورند که برای دستیابی به اهداف عالی اسلام، جامعه به دولت اسلامی نیازمند است که بتواند اصول و ارزش‌های اسلامی را در سطح کلان تحقق بخشد.^۱ از ویژگی‌های دولت اسلامی، مشارکت فعال مردم در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی است که بدون مشارکت مردم، دولت نمی‌تواند به اهداف خود دست یابد. از منظر ایشان، تشکیل دولت اسلامی، زمینه‌ساز ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود. او به این نکته اشاره می‌کند که ظهور امام‌زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف زمانی محقق خواهد شد که مردم از نظر فکری و اجتماعی به حدی از آمادگی برسند که بتوانند از رهبری ایشان بهره‌مند شوند.^۲

کتاب الانتظار الموجه، اثر محمد مهدی آصفی به اهمیت و ضرورت زمینه‌سازی برای ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرداخته است. نویسنده بر این باور است که ظهور امام‌زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به شرایط و پیش‌زمینه‌هایی نیازمند است که باید توسط جامعه اسلامی فراهم شود. آصفی تأکید می‌کند که جامعه باید از نظر فکری و فرهنگی آماده پذیرش رهبری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد. این آمادگی ارتقای سطح آگاهی دینی و اخلاقی مردم را شامل است. یکی از پیش‌نیازهای ظهور، مقابله با ظلم و فساد در جامعه است. ایشان بر این نکته تأکید دارد که جامعه باید به دنبال برقراری عدالت و حقوق بشر باشد.^۳

بنابراین، زمینه‌سازی برای ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نوعی مسئولیت جمعی برای مسلمانان است. زمینه‌سازی به تلاش‌های فکری، فرهنگی و اجتماعی نیازمند است تا جامعه بتواند به سطحی از آمادگی برسد که بتواند از رهبری امام‌زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بهره‌مند شود. در این بین، دولت باید

۱. مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی، ص ۱۰۰.

۲. همان، ص ۱۰۲.

۳. آصفی، الانتظار الموجه، ص ۳۱-۳۵.

بتواند با تکیه بر اصول اسلامی، زمینه‌های لازم برای تحقق عدالت و ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را فراهم کند.

۶. وجه جمع و عدم تنافی

باید توجه داشت که در روایات «پر شدن زمین از ظلم و جور» در آخرالزمان؛ زمین مملو از «ظلم» خواهد شد؛ نه این که تمامی انسان‌ها «ظالم» باشند. بنابراین، این روایات هیچ توجیهی برای فساد یا مشارکت در آن ارائه نمی‌کند؛ بلکه مفهوم «ظلم» در این روایات به ما یادآوری می‌کند که فساد، هرگز قابل قبول نیست. باید توجه داشت که روایات معصومان باید با توجه به قرآن و سنت‌های قطعی آن، مانند آیه **﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾**^۱ سنجیده شوند. همچنین روایات مهدویت باید با اصول ثابت آن، شامل شرایط و نشانه‌های حتمی ظهور، مورد بررسی قرار گیرند. نقدهای متعددی بر این برداشت از روایات وجود دارد؛ از جمله دیدگاه‌های بزرگان، به‌ویژه سخنان امام خمینی رحمه الله که قابل تأمل است. امام خمینی رحمه الله در واکنش به این تفکر چنین بیان کردند:

برخی از افراد نادان یا بازیگر معتقدند که باید برای صدام دعا کنیم! هر کس که به صدام نفرین کند، خلاف دستور عمل کرده است، زیرا حضرت دیر می‌آیند... ما باید دعاگوی آمریکا و شوروی و اذناشان، از جمله صدام و امثال او باشیم، تا عالم پر از جور و ظلم شود و حضرت تشریف بیاورند.^۲

أ. مبانی دینی

بنابراین، وقتی این‌گونه روایات در کنار مبانی دیگر قرار می‌گیرند، نکاتی به دست می‌آید که در

۱. رعد: ۱۱.

۲. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۸۹.

فهم بهتر آن‌ها نقش مهمی ایفا می‌کنند. اصول و مبانی دینی بر این نکته تأکید دارند^۱ که مسلمانان باید همواره به اجرای دستورهای شرعی پایبند باشند و اجازه ندارند با هیچ بهانه‌ای اهل ظلم و فساد و اباحی‌گری باشند. به عبارت دیگر، می‌توان در آستانه ظهور شاهد گسترش ظلم و فساد در جهان بود و در عین حال با رعایت تقوا و پرهیزکاری در صف متدینان و انسان‌های صالح و مصلح قرار داشت که قیام حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه الشریف با حمایت آنان انجام خواهد شد. شهید مطهری معتقد است ماهیت قیام مهدی عجل‌الله تعالی فرجه الشریف به رسیدن میوه بر شاخه درخت شبیه است، نه به انفجار یک دیگ بخار. اگر درخت به خوبی آبیاری و مراقبت و با آفاتش مبارزه شود، میوه بهتر و سالم‌تر و احتمالاً زودتر تحویل می‌دهد.^۲

بنابراین، باید میان شرایط و زمینه‌های ظهور با علائم ظهور تفاوت گذاشت. به عبارت دیگر، بین

۱. الف) مخالفت اصول و مبانی دینی با ظلم، فساد و اباحی‌گری: (در دین اسلام و به طور کلی در همه ادیان آسمانی اصول، مبانی و قواعدی وجود دارد که توجه به آن اصول و مبانی و پای بندی به آن‌ها سبب می‌شود هر گونه تفکر احياناً بی اعتنائی به دین و اباحی‌گری را به ذهن متبادر کند، نادرست تلقی شود. شاید بتوان گفت از منظر فقهی این اصول و قواعد حاکم بر هر امور دیگری هستند. ب) مخالفت اسلام با ظلم و انظلام: (در دین اسلام ضمن این که همگان از ظلم کردن به دیگران نهی شده‌اند، از تن دادن به ظلم و یا به تعبیری «انظلام» نیز نهی شده‌اند. (بقره: ۲۷۹). اندک توجهی به آیات قرآن کریم نشان می‌دهد گناه و پیروی از هواهای نفسانی، عامل شقاوت و دور افتادن از مسیر الهی و جهنمی شدن است (روم: ۱۰؛ مطففین: ۱۲ و بقره: ۸۱). ج) مسئولیت انسان در برابر جامعه: (در آموزه‌های دینی همواره بر این نکته تأکید شده است که انسان‌ها در برابر خود و جامعه مسئولیت دارند و اجازه ندارند نسبت به آنچه در جامعه می‌گذرد، بی اعتنا باشند (نسا: ۷۵). از پیامبر اکرم نقل شده است: «هر کدام از شما در مورد اجتماع و مردمش مسئولیت دارد.» (د) امر به معروف و نهی از منکر: وظیفه امر به معروف و نهی از منکر نیز به عنوان یکی از دستورهای دینی از نظر زمانی مقطعی نیست. این حکم با شرایط خاصی که دارد مربوط به تمام زمان‌ها، از جمله قبل از ظهور حضورت حجت است. اوامر اساسی اسلام در زمینه امر به معروف و نهی از منکر و نشر اسلام، استثنای‌دار نیست. بنابراین، واجبات اساسی اسلام ادامه دارد و احدی نمی‌تواند به بهانه این که در علامت ظهور حضرت گفته شده است که زمین پر از جور و ستم خواهد شد، ظلم و ستم کند؛ این کار مغالطه‌ای بیش نیست که اگر هر انسان منصفی قضاوت کند، این مسئله را قبول نمی‌کند. (یوسفی غروی، «ادعای گسترش فساد برای ظهور امام زمان مغالطه است، مجله مشرق موعود) بنابراین، کسی نمی‌تواند با این بهانه که می‌خواهد ظهور را نزدیک کند، از این وظیفه خطیر دینی شانه خالی کند. به طور کلی می‌توان گفت اصول و مبانی دینی در هیچ شرایطی به انسان‌ها اجازه نمی‌دهد به بهانه نزدیک کردن زمان ظهور حضرت حجت عجل‌الله تعالی فرجه الشریف، به گسترش ظلم و فساد کمک کنند.

۲. مطهری، قیام و انقلاب مهدی، ص ۵۴.

ویژگی‌های اجتماعی هنگام ظهور و پیش‌شرط‌های ظهور که لوازم جداناپذیر هر پدیده هستند، تفاوت وجود دارد. تفاوت است میان این که بگوییم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به شرط فساد فراگیر ظهور می‌کند و این که بگوییم در زمانی که فساد فراگیر است، ظهور خواهد کرد. اگر ظهور حضرت به فراگیرشدن ظلم و فساد مشروط باشد، باور کسانی که معتقدند باید با گسترش ظلم و فساد، روند ظهور را تسریع کنیم، صحیح خواهد بود؛ اما اگر ظهور آن حضرت مشروط به این شرط نباشد و فراگیرشدن ظلم و فساد تنها نشانه و علامت ظهور باشد، دیگر به همراهی و همکاری با ظالمان و فاسدان نیازی نیست. آیت‌الله مکارم شیرازی در این باره می‌گوید:

باید توجه داشت که شرط ظهور امام، هرگز به گسترش فساد در اجتماع انسانی منحصر نیست، بلکه هرگاه مردم جهان از نظر رشد فکری و کمالات روحی به حدی برسند که بتوانند ارزش وجود امام را درک کنند و شایسته رهبری او گردند، در این صورت، امام بدون هیچ قید و شرطی ظهور کرده و از پس پرده غیبت بیرون می‌آید.^۱

بنابراین، می‌توان گفت که فراوانی ظلم و ستم و فساد و تباهی یکی از ویژگی‌های (علائم و نشانه‌های) دوران آستانه ظهور است و ظهور امام‌زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با فراگیری ظلم و فساد مقارن خواهد بود.

ب) وجود جبهه صالحان

آیات و روایات متعددی وجود دارند که نشان می‌دهند در آستانه ظهور، انسان‌های صالح نیز در جامعه حاضر هستند و با کمک و همراهی آنان، جامعه عدل مهدوی شکل می‌گیرد. آیاتی چون «أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»^۲ و «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ»^۳؛ بر این نکته دلالت دارند که در آستانه ظهور، انسان‌های صالح و شایسته‌ای وجود

۱. مکارم و سبحانی، پاسخ به پرسش‌های مذهبی، ص ۲۰۹.

۲. انبیاء: ۱۰۵.

۳. نور: ۵۵.

دارند و خداوند وعده داده که همین‌ها وارثان و حاکمان زمین خواهند بود. در تفسیر آیه اول، روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده که نشان می‌دهد بندگان صالح، همان اصحاب حضرت مهدی علیه السلام در آستانه ظهور هستند^۱ و در تفسیر آیه دوم، اهل ایمانی که به آنان وعده داده شده است، حضرت مهدی علیه السلام و اصحابش معرفی شده‌اند.^۲ در روایت دیگری از امام سجاد علیه السلام ذیل همین آیه اشاره شده که ایشان شیعیان اهل بیت هستند.^۳

شهید صدر نیز با اشاره به آیه ۵۴ سوره مائده که از پیدایش گروهی مورد توجه خداوند در آینده سخن می‌گوید؛^۴ آنان را همان یاوران امام مهدی علیه السلام معرفی می‌کند و با توجه به مضامین آیه، آنان را افرادی آگاه، مجاهد، شجاع، فداکار، عادل، باتقوا و عابد توصیف می‌کند.^۵ بررسی سخنان علامه طباطبایی که در ذیل همین آیه آمده است، نشان می‌دهد در زمانی که فساد و بی‌نظمی جوامع را فرامی‌گیرد، خداوند گروهی از انسان‌های صالح را برای اصلاح جامعه می‌فرستد.^۶ بنابراین، وجود انسان‌های صالح امری است که تقریباً در آن تردیدی وجود ندارد. شهید مطهری نیز به گروه صالح و زبده‌ای اشاره می‌کند که به محض ظهور حضرت حجت علیه السلام به ایشان ملحق می‌شوند و می‌گویند این گروه ابتدا به ساکن خلق نمی‌شوند، و وجود آن‌ها نشان می‌دهد که در عین اشاعه ظلم و فساد، چنین افراد صالحی نیز در جامعه وجود دارند: «این خود می‌رساند که نه تنها حق و حقیقت به صفر نرسیده، بلکه اگر به فرض، اهل حق از نظر کمیت قابل توجه نباشند، از نظر کیفیت ارزنده‌ترین اهل ایمانند...»^۷.

روایاتی که به وظایف منتظران اشاره دارند نیز در تضاد با دیدگاه کسانی هستند که معتقدند باید

۱. طبرسی، تفسیر جوامع الجامع، ج ۲، ۵۴۱ و طبرسی مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ۱۰۶.

۲. نعمانی، الغیبه، ص ۲۴۰.

۳. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۲۳۹.

۴. مائده: ۵۴.

۵. صدر، تاریخ پس از ظهور، ص ۳۰۰-۳۰۱.

۶. طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۳۹۴-۳۹۵.

۷. مطهری، قیام و انقلاب مهدی، ص ۵۶ و ۶۲.

در آستانه ظهور با ظلم، فساد و تباهی همراه شد. در این روایات، تقوا، خودسازی، تهذیب نفس و اطاعت از پروردگار، به عنوان مشخصه های بارز منتظران ظهور معرفی شده اند و هیچ گاه گفته نشده که یکی از وظایف منتظران پر کردن جهان از ظلم و تباهی است. این رویکرد نشان می دهد در حالی که ظلم در آخرالزمان فراگیر می شود، وجود صالحان و تلاش برای اصلاح جامعه از اهمیت بالایی برخوردار است و ظهور امام مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرجه الشریف به اوضاع اجتماعی و فکری انسان ها وابسته است.

نتیجه‌گیری

ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان نقطه عطفی در تاریخ، نویدبخش جهانی سرشار از عدالت و امنیت است. با این حال، روایات متعددی به گسترش ظلم و فساد در آستانه ظهور اشاره دارند که این مسئله نیازمند تأمل و تحلیل عمیق است. این تناقض ظاهری بین ضرورت زمینه‌سازی برای ظهور و وجود ظلم و فساد، به وضوح نشان می‌دهد که وظیفه منتظران نه تنها سکوت در برابر فساد نیست، بلکه باید با تقوا و تلاش برای اصلاح جامعه، شرایط را برای ظهور مهدی موعود فراهم کنند. از سوی دیگر، وجود انسان‌های صالح در جامعه که در آیات و روایات به آن اشاره شده است، تأکید می‌کند در عین گسترش ظلم، همواره افرادی هستند که در جهت تحقق عدالت و اصلاحات اجتماعی فعالیت می‌کنند. این افراد، با پایبندی به اصول دینی و اخلاقی، می‌توانند نقش مؤثری بر تشکیل دولت تراز انقلاب اسلامی ایفا کنند. بنابراین، برپایی یک دولت اسلامی و عدالت‌محور در اوضاع و احوال کنونی، نیازمند همکاری و همدلی مردم و نهادهای مختلف است تا با ایجاد آگاهی و نظارت، به تحقق اهداف اسلامی و آماده‌سازی زمینه ظهور کمک کنند.

قرآن کریم

۱. آشوری، داریوش، **مبانی دولت و حکومت در اسلام**، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۹۱.
۲. آصفی، محمد مهدی، **الانتظار الموجه**، الغدیر، بیروت، ۱۴۱۸ ق.
۳. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی بن بابویه، **کمال الدین**، اسلامیة، تهران، ۱۳۹۵ ق.
۴. ابن حنبل، احمد، **مسند احمد**، دار صادر، بیروت، بی تا.
۵. اصفهانی، محمد تقی، **مکیال المکارم**، جمکران، قم، ۱۴۱۶ ق.
۶. بنی هاشمی، محمد، **راز پنهانی و رمز پیدایی**، نشر نیک معارف، تهران، ۱۳۸۴.
۷. حاجی زاده، یدالله، **وجه جمع فراگیر شدن ظلم و فساد در آستانه ظهور حضرت حجت و ربه الشرف**، مجله مشرق موعود، شماره ۴۸، زمستان ۱۳۹۷.
۸. سلسله درس های مواضع ما، **مواضع تفصیلی حزب جمهوری اسلامی**، روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۵/۲۳.
۹. سوزنجی، حسین، **مهدویت و انتظار در اندیشه شهید مطهری**، قبسات، پاییز ۱۳۸۳.
۱۰. سیوطی، عبدالرحمن، **العرف الوردی فی الاخبار المهدی**، تهران، نشر المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الاسلامیه، ۱۳۸۵.
۱۱. شوشتری، محمد، **احقاق الحق**، انتشارات دارالسلام، قم، ۱۳۸۸.
۱۲. صدر، سید محمد، **تاریخ غیبت کبری**، ترجمه سید حسن افتخارزاده، نیک معارف، تهران، ۱۳۸۲.
۱۳. صدر، سید محمد، **رهبری بر فراز قرون**، موعود، تهران، ۱۳۷۹.
۱۴. صدر، سید محمد، **تاریخ پس از ظهور**، ترجمه حسن سجادیپور، موعود عصر، تهران، ۱۳۸۴.
۱۵. طباطبایی، محمد حسین، **تفسیر المیزان**، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۷ ق.
۱۶. طبری، محمد، **دلایل الامامه**، نشر بعثت، قم، ۱۴۱۳ ق.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، **تفسیر جوامع الجامع**، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.

۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۱۹. عاملی، شیخ حر، **اثبات الهداة**، اعلمی، بیروت، ۱۴۲۵ ق.
۲۰. فقیه ایمانی، مهدی، **لواء الانتصار**، محقق، قم، ۱۳۸۷.
۲۱. قاری، ملا علی، **مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح**، دارالفکر، قم، ۱۴۲۲ ق.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۲۳. مطهری، مرتضی، **قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ**، صدرا، تهران، ۱۳۸۵.
۲۴. مغربی، قاضی نعمان، **شرح الاخبار**، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۹ ق.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر و سبحانی، جعفر، **پاسخ به پرسش‌های مذهبی**، مدرسه علی بن ابیطالب، قم، بی‌تا.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، **حکومت جهانی مهدی**، نسل جوان، قم، ۱۳۸۰.
۲۷. موسوی خمینی، سید روح الله، **صحیفه امام**، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، تهران، ۱۳۸۹.
۲۸. نعمانی، محمد بن ابراهیم، **الغیبه**، صدوق، تهران، ۱۳۹۷.
۲۹. نودهی، علیرضا، **اختیاری بودن ظهور**، موعود عصر، تهران، ۱۳۸۵.
۳۰. نوری، عبدالله، شیرودی، مرتضی، **جریان شناسی فکری - فرهنگی انجمن حجتیه**، نشر زمزم، ۱۳۹۵.
۳۱. وینسنت، اندرو، **نظریه‌های دولت**، ترجمه حسین بشریه، نشر نی، تهران، ۱۳۹۲.
۳۲. هلالی، سلیم بن قیس، **کتاب سلیم بن قیس هلالی** [منسوب]، مؤسسه بعثه، تهران، ۱۴۰۷.
۳۳. یوسفی غروی، محمد هادی، **ادعای گسترش فساد برای ظهور امام زمان علیه السلام**، **مغالطه است**، مجله مشرق موعود، شماره ۴۸، زمستان ۱۳۹۷.

ظرفیت‌ها و تهدیدات جنبش‌های هزاره‌گرا در تحولات منتظرانه ظهور امام

مهدی عجل‌الله‌تعالی
فرجه‌الشریف

سعید توسلی خواه^۱

چکیده

ظهور امام مهدی عجل‌الله‌تعالی
فرجه‌الشریف به عنوان مصلح جهانی و منجی انسان‌ها در مذهب شیعه، یکی از مفاهیم کلیدی است، از طرفی اساس جنبش‌های هزاره‌گرا نیز اعتقاد به منجی موعود است. هدف اصلی پژوهش، تحلیل تأثیرات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جنبش‌های هزاره‌گرا بر شکل‌دهی به باورها و رفتارهای جمعی است. از رهگذر این تحلیل‌ها، به بررسی ظرفیت‌ها و تهدیدات این جنبش‌ها در تحولات منتظرانه ظهور امام مهدی عجل‌الله‌تعالی
فرجه‌الشریف می‌پردازد. با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی؛ یافته‌ها نشان می‌دهند که این جنبش‌ها می‌توانند به تقویت امید، بسیج اجتماعی و ترویج ارزش‌های انسانی کمک کنند. با این حال، تهدیداتی چون تفرقه‌های مذهبی و افراط‌گرایی نیز وجود دارد که می‌تواند به بحران‌های هویتی و کاهش اعتماد عمومی منجر شود. برای پیشبرد اهداف جنبش‌ها و تحقق تحولات منتظرانه، لازم است بر وحدت و همبستگی تأکید و راهکارهایی برای مدیریت تهدیدات ارائه شود.

واژگان کلیدی: ظهور امام مهدی عجل‌الله‌تعالی
فرجه‌الشریف، جنبش‌های هزاره‌گرا، ظرفیت‌های اجتماعی و سیاسی، وحدت و همبستگی.

مقدمه

ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یکی از مفاهیم کلیدی در باورهای اسلامی، به ویژه در مذهب شیعه است. این مفهوم، به انتظار و فرا رسیدن دوره‌ای اشاره دارد که در آن امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان مصلح جهانی و منجی انسان‌ها ظهور می‌کند و جهان را از ظلم و فساد نجات می‌دهد. همچنین در بسیاری از احادیث نبوی و روایات ائمه معصومین علیهم السلام به این موضوع پرداخته و به تفصیل در مورد ویژگی‌ها و نشانه‌های ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف صحبت شده است.

در حقیقت، مفهوم ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نه تنها باوری مذهبی است، بلکه به عنوان پدیده‌ای اجتماعی و فرهنگی نیز بر جوامع اسلامی تأثیرگذار بوده است. این مفهوم به مومنان امید می‌دهد و به عنوان یک نیروی محرکه برای تغییرات مثبت اجتماعی و سیاسی عمل می‌کند و به همین دلیل در تاریخ، جنبش‌های مختلفی به نام مهدویت شکل گرفته‌اند که به دنبال تحقق این وعده بوده‌اند.

جنبش‌های هزاره‌گرا به عنوان پدیده‌های اجتماعی و مذهبی، در طول تاریخ نقش مهمی در شکل دهی به باورها و رفتارهای جمعی ایفا کرده‌اند. این جنبش‌ها معمولاً در زمان‌های بحرانی و ناپایداری اجتماعی به وجود می‌آیند و به انتظار یک دوره طلایی یا ظهور مصلحی جهانی متکی هستند. در این زمینه ظرفیت‌ها، فرصت‌ها و آسیب‌ها و تهدیدات جنبش‌های هزاره‌گرا در تحولات منتظرانه، به ویژه در زمینه مهدویت و ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، موضوعی است که به بررسی دقیق و علمی نیازمند است.

در دنیای امروز که مادی‌گرایی، فساد، ظلم و تبعیض بر آن سایه افکنده و اومانیسم به عنوان ایدئولوژی غالب تبلیغ می‌شود؛ دستیابی به نجات انسان به نظر آرزویی دور از دسترس می‌آید. در این وضعیت، تقویت جنبش‌های هزاره می‌تواند توجه مردم را در سرتاسر جهان به مفهوم منجی موعود جلب کند. این توجه عمومی خود به عنوان تحولی مهم به شمار می‌آید و همگرایی میان انسان‌ها، با وجود اختلافات در مصداق منجی، می‌تواند نویدبخش و زمینه‌ساز ظهور منجی حقیقی عالم، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد.

شایسته توجه این که ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همواره مورد توجه پژوهشگران بوده است.

همچنین، هزاره‌گرایی به عنوان پدیده‌ای اجتماعی و مذهبی، در مقالات و کتاب‌های متعددی بررسی شده است. این منابع به تحلیل ریشه‌ها، تاریخچه و تأثیرات جنبش‌های هزاره‌گرا در جوامع مختلف پرداخته‌اند. با این حال، در زمینه ظرفیت جنبش‌های هزاره‌گرا در تحقق ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، پژوهش‌های کم‌تری وجود دارد. بیش‌تر مطالعات موجود، به بررسی تهدیدات و چالش‌های این جنبش‌ها پرداخته‌اند؛ درحالی‌که تأثیرات مثبت و ظرفیت‌های بالقوه آن‌ها بر ایجاد تغییرات اجتماعی و سیاسی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

این پژوهش به دنبال پر کردن این خلأ علمی است و با روش توصیفی - تحلیلی و تمرکز بر ظرفیت‌های و تهدیدات جنبش‌های هزاره‌گرا در جهت تحقق آرمان‌های مهدوی، سعی دارد به درک بهتری از نقش این جنبش‌ها در تحولات منتظرانه دست یابد. بنابراین، بررسی دقیق‌تر این موضوع می‌تواند به غنی‌تر شدن ادبیات علمی در این حوزه کمک کند.

هزاره‌گرایی در ادیان

«هزاره‌گرایی» (Millennialism) یکی از مفاهیم کلیدی در تاریخ تفکر مذهبی و فلسفی است که به باور به وقوع یک دوره طلایی یا بهشت برین در آینده نزدیک اشاره دارد. این مفهوم نه تنها در متون مذهبی، بلکه بر جنبش‌های اجتماعی و سیاسی نیز تأثیرگذار بوده است. از لحاظ فرهنگی نیز هزاره‌گرایی تحت تأثیر فرهنگ‌ها و جوامع مختلف قرار گرفته است و در فرهنگ‌های مختلف، تصورات متفاوتی از دوره‌های طلایی وجود دارد که به نوعی با هزاره‌گرایی ارتباط دارد.

فرهنگ لغت ملنیوم، لغت millenarian را این‌گونه ترجمه کرده است: «کسی که معتقد است سرانجام شادی و راستی بر جهان حکومت خواهد کرد، معتقد به سرانجام خیر و نیک».

از لحاظ تاریخی، گرچه ریشه‌های هزاره باوری به قبل از مسیحیت باز می‌گردد؛ شکل‌گیری و رشد و رواج این اصطلاح در بستر مسیحیت و اعتقادات آن انجام شده؛ به گونه‌ای که تاریخ این باور در مسیحیت همان بسط و قبض و فراز و فرود این اعتقاد است. به عبارت دیگر، تاریخ

هزاره‌گرایی در مسیحیت جدای از الاهیات این موضوع نیست.^۱

حکومت هزار ساله مسیح، اولین بار در آخرین کتاب عهد جدید، مکاشفه یوحنا باب بیستم مورد اشاره قرار می‌گیرد.^۲

اساساً واژه هزاره‌گرایی برخلاف تصور عموم، به ظهور موعود در راس هزاره اشاره ندارد، بلکه برگرفته از اعتقاد مسیحیت به بازگشت مسیح و حکومت هزارساله ملکوت است.

از لحاظ تئوری، هزاره‌باوری شاخه‌ای از مباحث فرجام‌شناسی می‌باشد، همان‌گونه که اشاره شد، امروزه در مجامع علمی هزاره‌گرایی مختص مسیحیت نیست و در همه جوامع و مذاهب و ادیان مورد بررسی قرار می‌گیرد. دایره‌المعارف دین، ویراسته میرچا الیاده در مدخل هزاره‌گرایی در توضیح و تبیین این پدیده گروه‌های مختلفی را به مناسبت‌های مختلف از سراسر جهان ذکر می‌کند: رقص اشباح هندی پلینز Plains در دهه ۱۸۸۰؛ کنستادوی Conestad برزیلی در دهه ۱۹۱۰؛ نهضت لارازای La Raza نیومکزیکو در دهه ۱۹۶۰؛ نهضت‌های برج ساعت و کیتاوالا Kitawala در جنوب آفریقای مرکزی از سال ۱۹۰۹؛ کلیسای لومپای Lumpa آلیس لین شینا Alice Lenshina در زامبیا در دهه ۱۹۶۰؛ خوان سانتوس Juan Santos که در سال ۱۷۴۲ خود را به‌عنوان آپو - اینکا Apu - Inca جانشین آخرین اینکا، آتا‌هوآلپا Atahualpa معرفی کرد؛ یا ترک‌های آلتایی Altai در ۱۹۰۴ که منتظر بازگشت اوپروت خان Oirot Khan و رهایی از سلطه روس‌ها بودند. این‌ها چند نمونه از نهضت‌های هزاره‌ای است که نام می‌برد.^۳

ظرفیت‌های جنبش‌های هزاره‌گرا

جنبش‌های هزاره‌گرا، نه تنها به تقویت احساس امید و انتظار در میان پیروان خود کمک می‌کنند، بلکه می‌توانند به‌عنوان نیروی محرکه‌ای برای تغییرات اجتماعی و سیاسی عمل کنند. از این رو، تحلیل ظرفیت‌های این جنبش‌ها در ایجاد تحولاتی که به انتظار ظهور امام

۱. توسلی خواه و صادق نیا، هزاره‌گرایی رویکردها و گونه‌ها، ص ۷۳.

۲. کلباسی، هزاره‌گرایی در سنت مسیحی، ص ۱۱۲.

3. Schwartz millenarianism in encyclopedia of religion 1987

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منجر می‌شود؛ می‌تواند به درک عمیق‌تری از دین‌داری و رفتارهای اجتماعی در جوامع مختلف منجر شود.

۱. نقاط مشترک جنبش‌های هزاره‌گرا در ادیان

گروه‌های هزاره‌باور در ادیان مختلف، دارای وجوه مشترکی هستند که می‌تواند به عنوان پایه‌ای برای همکاری‌های بین مذهبی و تقویت هویت جمعی عمل کند. در ادامه به برخی از این نقاط مشترک اشاره می‌شود:

۱-۱. باور به ظهور موعود

اعتقاد به ظهور منجی موعود، مهم‌ترین و اصلی‌ترین باور مشترک هزاره‌گرایان در اسلام و مسیحیت و یهودیت است. در اسلام، اعتقاد به ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان نجات دهنده‌ای که در آخرالزمان ظهور و عدالت را برقرار می‌کند؛ در مسیحیت، اعتقاد به بازگشت عیسی‌ای مسیح به زمین برای نجات انسان‌ها و برقراری پادشاهی خدا و در یهودیت، انتظار آمدن مسیحا (مسیح) که قوم یهود را نجات خواهد داد و صلح را به ارمغان می‌آورد.

۲-۱. مفهوم آخرالزمان

همه این ادیان به وجود یک دوره آخرالزمان و تغییرات عمده در جهان در آستانه ظهور موعود اعتقاد دارند. این دوره معمولاً با نشانه‌ها و وقایع خاصی همراه است.

۳-۱. عدالت و صلح جهانی

در تمامی این ادیان، ظهور موعود با وعده برقراری عدالت و صلح در جهان همراه است. این موضوع در متون مقدس به عنوان هدف اصلی ظهور ذکر شده است.

۴-۱. نقش پیروان

پیروان این ادیان به آمادگی و انتظار برای ظهور موعود تأکید دارند. این آمادگی، تقویت ایمان، انجام اعمال نیک و ترویج ارزش‌های اخلاقی را شامل می‌گردد.

۵-۱. نشانه‌ها و پیشگویی‌ها

در متون مقدس هر یک از این ادیان، نشانه‌ها و پیشگویی‌هایی درباره ظهور موعود وجود دارد. این نشانه‌ها معمولاً وقایع طبیعی، اجتماعی و سیاسی را شامل است که به وقوع خواهد پیوست.

۶-۱. مفهوم نجات

در تمامی این ادیان، ظهور موعود به عنوان فرصتی برای نجات و رستگاری انسان‌ها تلقی می‌شود. این نجات می‌تواند رهایی از ظلم و ستم یا نجات روحانی را شامل باشد.

۷-۱. ارتباط با خدا

پیروان این ادیان به تقرب به خدا و برقراری ارتباط نزدیک‌تر با او در دوره انتظار تأکید دارند. این ارتباط می‌تواند از طریق دعا، عبادت و انجام کارهای نیک حاصل شود.

۲. ظرفیت‌های اجتماعی

جنبش‌های هزاره‌گرا به عنوان پدیده‌های اجتماعی، ظرفیت‌های اجتماعی قابل توجهی نیز دارند که می‌توانند بر ساختارها و روابط اجتماعی تأثیر بگذارند. ظرفیت‌های اجتماعی این جنبش‌ها، شامل توانایی آن‌ها در بسیج جامعه، تقویت هویت جمعی و ایجاد شبکه‌های اجتماعی جدید است که می‌تواند به تقویت پیوندهای اجتماعی و همبستگی میان افراد منجر شود. این جنبش‌ها همچنین می‌توانند به عنوان کاتالیزورهایی برای تغییرات اجتماعی عمل کنند و به مردم احساس قدرت و امید دهند.

جنبش‌های هزاره‌گرا می‌توانند از طریق چندین راهکار و مکانیزم به تقویت هویت جمعی و ایجاد همبستگی اجتماعی کمک کنند. در ادامه به برخی از این راهکارها اشاره می‌کنیم:

۱-۲. با ایجاد احساس مشترک از طریق باور به هدف مشترک، مانند تحقق ظهور منجی یا عدالت اجتماعی، حس تعلق و همبستگی را تقویت کند.

۲-۲. تقویت نمادها و روایت‌های مشترک در موضوع نجات و جامعه آرمانی این همبستگی را افزایش می‌دهد، بسیج اجتماعی و فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی، گردهمایی‌ها، پاسخ به

چالش‌های اجتماعی مثل مقابله با ظلم و بی‌عدالتی به عنوان واکنشی به ظلم و بی‌عدالتی اجتماعی، می‌تواند حس هویت جمعی را در برابر چالش‌های اجتماعی تقویت کند.

۲-۳. ایجاد امید و ارائه چشم‌اندازهای مثبت و امید به آینده می‌تواند اعضا را به یکدیگر پیوند دهد و حس هویت مشترک را تقویت کند.

۲-۴. در حکومت موعود، یکی از جلوه‌های بارز جامعه، روحیه همیاری و همدلی است. فعالیت‌های اجتماعی مانند کمک به نیازمندان، حمایت از جوانان و ایجاد فرصت‌های شغلی و آموزشی می‌تواند به ایجاد جامعه مثبت و جذاب کمک کند. هنگامی که این اقدامات همراه با یادآوری دوران موعود باشد، نه تنها به بهبود وضعیت افراد نیازمند کمک می‌کند، بلکه اعتماد و امید را در میان مردم تقویت می‌کند.

همچنین آموزش و تبیین اهداف مشترک، می‌تواند به تقویت هویت جمعی کمک کند.

۳. ظرفیت‌های سیاسی

جنبش‌های هزاره‌گرا، نه تنها به عنوان پدیده‌های مذهبی و اجتماعی شناخته می‌شوند، بلکه دارای ظرفیت‌های سیاسی قابل توجهی هستند که می‌توانند بر ساختارهای قدرت و سیاست‌های جامعه تأثیر بگذارند. این جنبش‌ها معمولاً در واکنش به نابرابری‌ها، فساد، و ناپایداری‌های سیاسی شکل می‌گیرند و به دنبال ایجاد تغییرات بنیادین در نظام‌های سیاسی موجود هستند.

ظرفیت‌های سیاسی جنبش‌های هزاره‌گرا، توانایی آن‌ها در بسیج مردم، ایجاد فشار بر نهادهای سیاسی و شکل‌دهی به گفتمان‌های جدید سیاسی را شامل است. این جنبش‌ها می‌توانند به عنوان صدای اعتراض و نماینده آرزوهای جمعی عمل و در نتیجه، نقشی کلیدی در تغییرات سیاسی و اجتماعی ایفا کنند. از سوی دیگر، این جنبش‌ها می‌توانند با ایجاد ائتلاف‌ها و همکاری‌های سیاسی، به تقویت جنبش‌های اجتماعی و سیاسی دیگر کمک کنند.

۳-۱. بسیج اجتماعی: جنبش‌های هزاره‌گرا برای آماده سازی گروه‌ها و قشرهای مختلف اجتماع می‌توانند از دو ابزار استفاده کنند:

۳-۱-۱. تحریک احساسات جمعی: جنبش‌های هزاره‌گرا قادرند با بهره‌گیری از باورها و

آرمان‌های مشترک، احساسات جمعی را در میان مردم تحریک کنند. این تحریک احساسات می‌تواند به افزایش مشارکت عمومی در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی منجر شود. به عبارت دیگر، این جنبش‌ها با ایجاد حس همبستگی و هدف مشترک، افراد را به فعالیت‌های جمعی و تلاش برای تغییرات اجتماعی ترغیب می‌کنند. این امر نه تنها می‌تواند به تقویت روحیه اجتماعی کمک کند، بلکه می‌تواند به بیداری اجتماعی و افزایش آگاهی عمومی در مورد مسائل مختلف منجر شود. به عنوان نمونه، جنبش‌های هزاره‌گرا با تأکید بر مفاهیم مشترک، مانند امید، انتظار و نجات، می‌توانند احساسات عمیق‌تری در میان افراد برانگیزند. این احساسات می‌توانند به شکل‌گیری تجمعات، راهپیمایی‌ها و سایر فعالیت‌های اجتماعی منجر شوند که این امر در نهایت به تقویت پیوندهای اجتماعی و افزایش مشارکت عمومی کمک می‌کند.

۳-۱-۲. ترویج عدالت اجتماعی: جنبش‌های هزاره‌گرا به عنوان نمایندگان صدای عدالت‌خواهی می‌توانند فشار قابل توجهی بر حکومت‌ها وارد کنند تا به اجرای عدالت و رعایت حقوق بشر توجه بیشتری داشته باشند. این جنبش‌ها با تأکید بر اصول عدالت اجتماعی و حقوق انسانی، می‌توانند به عنوان نهادهای تأثیرگذار عمل کنند که خواستار تغییرات مثبت در سیاست‌ها و رفتارهای دولتی هستند. در نتیجه، این فشار می‌تواند به ایجاد تغییرات اساسی در ساختارهای اجتماعی و سیاسی منجر شود و به بهبود وضعیت زندگی مردم کمک کند. به عنوان مثال، این جنبش‌ها با ارائه مطالبات مشخص در زمینه حقوق بشر و عدالت اجتماعی، می‌توانند به عنوان نیروی محرکه‌ای عمل کنند که دولت‌ها را به پاسخگویی وادار می‌سازد. این فشار می‌تواند از طریق تظاهرات، بیانیه‌های عمومی و فعالیت‌های رسانه‌ای صورت گیرد و در نهایت به ایجاد تغییرات مثبت در سیاست‌ها و قوانین منجر شود.

۳-۱-۳. تأثیرگذاری بر سیاست‌گذاری: این جنبش‌ها می‌توانند با تغییر اولویت اجتماعی یا ایجاد فشار اجتماعی در فرآیندهای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری تأثیرگذار باشند و به دنبال تحقق اهداف خود در سطح ملی و بین‌المللی باشند.

۳-۱-۴. ایجاد حس امید و آینده‌نگری: جنبش‌های هزاره‌گرا می‌توانند با بیان جنبه‌های مختلف و زیبایی‌های جامعه آرمانی، حس امید و آینده‌نگری را در جامعه تقویت کنند و مردم را به

مشارکت فعال در تحولات سیاسی ترغیب کنند.

۳-۱-۵. **مشارکت سیاسی:** جنبش‌های هزاره‌گرا می‌توانند با مشارکت در انتخابات و فعالیت‌های سیاسی، نمایندگان خود را به پارلمان‌ها و نهادهای دولتی بفرستند و آرمان‌ها و اهداف خود و سیاست‌های خود را در سطح تصمیم‌گیری کلان جامعه پیگیری کنند.

۳-۱-۶. **مبارزه با فساد:** این جنبش‌ها می‌توانند به مبارزه با فساد و سوء استفاده در جامعه بپردازند و به ایجاد یک نظام شفاف و همراه با صداقت کمک کنند.

۴. ظرفیت‌های فرهنگی

جنبش‌های هزاره‌گرا دارای ظرفیت‌های فرهنگی قابل توجهی هستند که می‌توانند در تحولات منتظرانه ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تأثیرگذار باشند. در ادامه به برخی از این ظرفیت‌ها اشاره می‌کنم:

۴-۱. آموزش و آگاهی‌بخشی

جنبش‌های هزاره‌گرا می‌توانند نقش مهمی در آموزش و آگاهی‌بخشی درباره منجی موعود و مفهوم انتظار ایفا کنند. با برگزاری کلاس‌ها، کارگاه‌ها و سمینارهای آموزشی، این جنبش‌ها می‌توانند آموزه‌های مرتبط با مهدویت را به نسل‌های جدید منتقل کنند. این فعالیت‌ها نه تنها به درک بهتر مفاهیم مذهبی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به بیداری اجتماعی و تقویت هویت دینی در میان جوانان منجر شود. به عنوان مثال، برگزاری کارگاه‌های آموزشی در مدارس و دانشگاه‌ها می‌تواند به ایجاد فضایی برای بحث و تبادل نظر در مورد مهدویت و تأثیر آن بر زندگی روزمره کمک کند.

۴-۲. تولید محتوا

علاوه بر آموزش‌های حضوری، «تولید محتوا» یکی از ابزارهای مؤثر برای افزایش آگاهی عمومی است. ایجاد کتاب‌ها، مقالات و محتوای دیجیتال درباره منجی موعود می‌تواند به گسترش دانش و فهم عمومی در این زمینه کمک کند. این محتوا می‌تواند تحلیل‌های عمیق، داستان‌های

الهام‌بخش و منابع آموزشی را شامل باشد که به مخاطبان این امکان را می‌دهد تا با مفاهیم مهدویت به شکل بهتری آشنا شوند. به عنوان مثال، انتشار مقالات علمی و کتاب‌های تخصصی در حوزه مهدویت می‌تواند به تقویت مباحث علمی و پژوهشی در این زمینه کمک و افراد را به مطالعه و تحقیق بیشتر ترغیب کند.

ترکیب آموزش و تولید محتوا، می‌تواند به شکل‌گیری جامعه آگاه و متعهد به اصول مهدویت منجر شود. با این رویکرد، جنبش‌های هزاره‌گرا می‌توانند به ترویج ارزش‌های انسانی و اجتماعی کمک و به تحقق اهداف خود نزدیک‌تر شوند.

۳-۴. تقویت هویت فرهنگی در جنبش‌های هزاره‌گرا

«تقویت هویت فرهنگی» یکی از اهداف مهم جنبش‌های هزاره‌گرا است که می‌تواند به شکل‌های مختلفی تحقق یابد. یکی از این روش‌ها، حفظ و ترویج سنت‌ها است. این جنبش‌ها می‌توانند با تأکید بر سنت‌های مرتبط با منجی و انتظار، به تقویت هویت فرهنگی و مذهبی افراد کمک کنند. برای مثال، برگزاری کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی و ترویج از طریق رسانه درباره آداب و رسوم مرتبط با منجی موعود می‌تواند نسل‌های جوان‌تر را با تاریخ و فرهنگ خود آشنا و آنها را به حفظ و ادامه این سنت‌ها ترغیب کند.

۴-۴. برگزاری مناسبت‌ها و گردهمایی

علاوه بر حفظ سنت‌ها، برگزاری مناسبت‌ها نقش بسزایی در تقویت هویت جمعی دارد. مراسم و جشن‌های مرتبط با مهدویت، مانند جشن نیمه شعبان یا جشن عید ظهور^۱ در مسیحیت، فرصتی را برای گردهمایی افراد فراهم می‌آورد و موجب ایجاد حس همبستگی در جامعه می‌شود. در این مراسم، افراد می‌توانند تجربیات و احساسات خود را به اشتراک بگذارند و در کنار یکدیگر به شادی و جشن بپردازند. این نوع فعالیت‌ها نه تنها به تقویت پیوندهای اجتماعی کمک می‌کند،

۱. Advent جشن ظهور یا جشن انتظار جشنی که چهار هفته قبل از کریسمس (شروع در روز یکشنبه نزدیک به ۲۹ نوامبر) با هدف آماده‌سازی برای بازگشت مسیح و جشن تولد او برگزار می‌شود. (باغبانی، شناخت مسیحیت، ص ۷۵۹).

بلکه می‌تواند به ایجاد فضایی برای گفت‌وگو و تبادل نظر در مورد مفاهیم مهدویت و انتظار منجر شود.

با ترکیب حفظ سنت‌ها و برگزاری مناسبت‌های مرتبط با مهدویت، جنبش‌های هزاره‌گرا می‌توانند به تقویت هویت فرهنگی و مذهبی در جامعه کمک کنند. این رویکردها می‌توانند به ایجاد جامعه‌ای همبسته و متعهد به ارزش‌های فرهنگی و مذهبی منجر شوند که در آن افراد به تاریخ و هویت خود افتخار کنند.

۴-۵. گسترش هنر و ادبیات در جنبش‌های هزاره‌گرا

گسترش هنر و ادبیات، یکی از ابزارهای مؤثر در ترویج مفاهیم مهدویت و انتظار است. این رویکرد می‌تواند به شکل‌های مختلفی انجام شود و به جذب افراد، به‌ویژه جوانان، کمک کند.

۴-۵-۱. تولید آثار هنری

یکی از روش‌های مؤثر در این زمینه، خلق آثار هنری است. هنرمندان می‌توانند با استفاده از رسانه‌های مختلف مانند نقاشی، شعر و موسیقی، موضوع مهدویت و انتظار را به تصویر بکشند. به‌عنوان مثال، نقاشی‌هایی که به تجسم ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و آرمان‌های او می‌پردازند، می‌توانند احساسات عمیق مذهبی را در بین مخاطبان برانگیزند. همچنین، آهنگ‌ها و سرودهایی که به این موضوعات پرداخته‌اند، می‌توانند به‌عنوان ابزاری برای ترویج فرهنگ مهدوی در جامعه عمل کنند. این آثار هنری نه‌تنها به زیبایی‌های فرهنگی اضافه می‌کنند، بلکه می‌توانند به‌عنوان یک منبع الهام برای تفکر و تعمق در مفاهیم مهدویت عمل کنند.

۴-۵-۲. توسعه ادبیات مهدوی

علاوه بر هنرهای تجسمی و موسیقی، توسعه ادبیات مهدوی نقش مهمی در گسترش این مفاهیم دارد. نویسندگان می‌توانند با نوشتن داستان‌ها و رمان‌هایی با مضامین مهدوی، به جذب جوانان و ایجاد علاقه‌مندی به این موضوع کمک کنند. به‌عنوان مثال، رمان‌هایی که به ماجراهای دوران ظهور و چالش‌های آن پرداخته‌اند، می‌توانند نه‌تنها تخیل خوانندگان را تحریک

کنند؛ بلکه آن‌ها را به فکرکردن درباره آینده و مسئولیت‌های خود در قبال آن ترغیب کنند. این نوع ادبیات می‌تواند به عنوان پلی برای ارتباط جوانان با مفاهیم عمیق مهدویت عمل کند و آن‌ها را به جست‌وجوی حقیقت و معنای عمیق‌تر زندگی سوق دهد.

گسترش هنر و ادبیات در جنبش‌های هزاره‌گرا می‌تواند به ترویج مفاهیم مهدویت و انتظار کمک شایانی کند. با خلق آثار هنری و توسعه ادبیات مهدوی، این جنبش‌ها می‌توانند به ایجاد ارتباط عمیق‌تری بین افراد و این مفاهیم دست یابند و نسل‌های جدید را به سمت آگاهی و عمل در جهت آرمان‌های مهدوی سوق دهند.

۴-۶. ترویج ارزش‌های انسانی در جنبش‌های هزاره‌گرا

ترویج ارزش‌های انسانی، یکی از اهداف کلیدی جنبش‌های هزاره‌گراست که می‌تواند تأثیر عمیقی بر جامعه داشته باشد. این ارزش‌ها، نظیر عدالت، محبت و همدلی، نه تنها در آموزه‌های مهدویت ریشه دارند، بلکه می‌توانند به ایجاد جامعه‌ای سالم و متعادل کمک کنند.

۴-۶-۱. تأکید بر ارزش‌های انسانی

جنبش‌های هزاره‌گرا می‌توانند با تأکید بر روی ارزش‌های انسانی، به ترویج مفاهیمی چون عدالت و محبت بپردازند. به عنوان مثال، برگزاری کارگاه‌ها و سمینارهایی که به بررسی اصول انسانی در آموزه‌های مهدویت می‌پردازند، می‌تواند به آگاهی افراد درباره اهمیت این ارزش‌ها کمک کند. همچنین، نشر مقالات و کتاب‌هایی که به تحلیل و تبیین این ارزش‌ها می‌پردازند؛ می‌تواند ذهنیت جامعه را نسبت به آن‌ها تغییر دهد و آن‌ها را به سمت پذیرش و عمل به این اصول سوق دهد.

۴-۶-۲. فعالیت‌های اجتماعی

علاوه بر این، برگزاری فعالیت‌های اجتماعی و خیریه می‌تواند به تقویت ارزش‌های انسانی کمک کند. به عنوان مثال، سازماندهی کمپین‌های جمع‌آوری کمک‌های مالی یا مواد غذایی برای نیازمندان، می‌تواند فرصتی برای افراد فراهم کند تا در کنار یکدیگر به خدمت به جامعه بپردازند.

و در نتیجه، ارزش‌های انسانی، نظیر همدلی و محبت که از اهداف جامعه مطلوب این جنبش‌ها هست را در عمل تجربه کنند.

ترویج ارزش‌های انسانی در جنبش‌های هزاره‌گرا می‌تواند به ایجاد جامعه‌ای متعهد به اصول انسانی کمک کند. با تأکید بر ارزش‌هایی چون عدالت و محبت و از طریق فعالیت‌های اجتماعی، این جنبش‌ها می‌توانند به ایجاد تغییراتی مثبت در زندگی افراد بپردازند.

۴-۷. ایجاد شبکه‌های فرهنگی در ترویج مهدویت

ایجاد شبکه‌های فرهنگی یکی از راه‌های مؤثر در ترویج مفاهیم مهدویت و انتظار است. این شبکه‌ها می‌توانند به ایجاد همبستگی فرهنگی و تبادل تجربیات کمک کنند.

۴-۷-۱. تشکیل انجمن‌ها و گروه‌های فرهنگی

تشکیل انجمن‌ها و گروه‌های فرهنگی که به ترویج مفاهیم مهدویت و انتظار می‌پردازند، می‌تواند به تقویت همبستگی فرهنگی کمک کند. به عنوان مثال، ایجاد انجمن‌هایی با نام "منتظران ظهور" که به برگزاری برنامه‌های آموزشی، کارگاه‌های هنری و فرهنگی می‌پردازند؛ می‌تواند افراد را به هم نزدیک‌تر کند. این گروه‌ها می‌توانند با برگزاری نشست‌های منظم، به تبادل نظر و ارائه ایده‌ها بپردازند و در نتیجه، یک فضای دوستانه و حمایتی برای ترویج فرهنگ مهدوی ایجاد کنند.

۴-۷-۲. گفت‌وگوهای بین فرهنگی

علاوه بر این، برگزاری گفت‌وگوهای بین فرهنگی و بین مذهبی می‌تواند به تبادل نظر و تجربیات کمک کند. به عنوان مثال، برگزاری نشست‌هایی با حضور نمایندگان مذاهب مختلف و فرهنگ‌های گوناگون می‌تواند فضایی برای گفت‌وگو و تبادل افکار فراهم کند. این نوع فعالیت‌ها نه تنها به درک بهتر از مفاهیم مهدویت کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به کاهش تنش‌های فرهنگی و مذهبی نیز منجر شود.

ایجاد شبکه‌های فرهنگی با تشکیل انجمن‌ها و برگزاری گفت‌وگوهای بین فرهنگی، می‌تواند

به ترویج مفاهیم مهدویت و انتظار کمک شایانی کند. این شبکه‌ها نه تنها به ایجاد همبستگی فرهنگی کمک می‌کنند، بلکه فضایی برای تبادل ایده‌ها و تجربیات فراهم می‌آورند که می‌تواند به غنای فرهنگی جامعه منجر شود. با این رویکرد، می‌توان به جامعه‌ای متعهد و همدل دست یافت که در آن ارزش‌های مهدوی به طور مؤثری ترویج می‌شود.

۴-۸. استفاده از فناوری و رسانه در ترویج مفاهیم مهدوی

فناوری و رسانه‌های جدید ابزارهای قدرتمندی هستند که می‌توانند در ترویج مفاهیم مهدویت و تحولات منتظرانه ظهور به کار گرفته شوند. این ابزارها به ویژه برای ارتباط با نسل جوان و افزایش آگاهی عمومی بسیار مؤثر هستند.

۴-۸-۱. رسانه‌های اجتماعی

استفاده از رسانه‌های اجتماعی به عنوان نوعی ابزار ارتباطی مؤثر، می‌تواند به ترویج پیام‌های مهدوی و برقراری ارتباط با نسل جوان کمک کند. به عنوان مثال، ایجاد صفحات و گروه‌های ویژه در سکوهایی مانند اینستاگرام و تلگرام می‌تواند فضایی برای اشتراک گذاری محتواهای مرتبط با مهدویت فراهم کند. این صفحات می‌توانند نقل قول‌ها، تصاویر، ویدئوها و مقالاتی را شامل باشند که به تبیین مفاهیم مهدوی و اهمیت انتظار می‌پردازند. با استفاده از هشتگ‌های مرتبط، این محتواها می‌توانند به راحتی در دسترس مخاطبان قرار گیرند و به بحث و تبادل نظر در مورد این موضوعات دامن بزنند.

۴-۸-۲. تولید محتوای دیجیتال

ایجاد محتوای دیجیتال یکی دیگر از راه‌های مؤثر بر ترویج مفاهیم مهدوی است. تولید ویدئوهای آموزشی، پادکست‌ها و وبسایت‌های تخصصی می‌تواند به افزایش آگاهی عمومی کمک کند. به عنوان مثال، یک وبسایت آموزشی می‌تواند مقالات، ویدئوهای آموزشی و منابع معتبر درباره مهدویت و انتظار را شامل باشد. همچنین، تولید پادکست‌هایی که به بررسی موضوعات مرتبط با مهدویت می‌پردازند، می‌تواند به دسترسی آسان‌تر و جذاب‌تر برای مخاطبان

کمک کند. این نوع محتواها می‌توانند به شکل جذاب و قابل فهم، اطلاعات ارزشمندی را به مخاطبان منتقل و آن‌ها را به تفکر و تأمل در مورد مفاهیم مهدوی تشویق کنند.

استفاده از فناوری و رسانه‌های جدید، در ترویج مفاهیم مهدوی و تحولات منتظرانه ظهور، می‌تواند به شکل‌گیری یک جامعه آگاه و متعهد کمک کند. رسانه‌های اجتماعی و محتوای دیجیتال به عنوان ابزارهای مؤثر، می‌توانند به ارتباط با نسل جوان و افزایش آگاهی عمومی در مورد مهدویت و انتظار کمک کنند. با این رویکرد، می‌توان به ترویج فرهنگ مهدوی و ایجاد فضایی مثبت و حمایتی برای این مفاهیم دست یافت.

تهدیدات

جنبش‌های هزاره‌گرا، به عنوان پدیده‌های اجتماعی و مذهبی با آرمان‌های خاص، نه تنها با تهدیدهای خارجی مواجه هستند، بلکه خود این جنبش‌ها می‌توانند به عنوان منبعی از تهدید برای تحقق اهدافشان عمل کنند. این تهدیدها معمولاً ناشی از رفتارها، تصمیمات و رویکردهای داخلی جنبش‌ها هستند که می‌توانند به تضعیف انسجام و کارآمدی آن‌ها منجر شوند.

از جمله این تهدیدها می‌توان به افراط‌گرایی، تفرقه‌های داخلی، و سوءاستفاده از ایدئولوژی‌های مذهبی اشاره کرد. این عوامل می‌توانند به ایجاد بحران‌های هویتی و کاهش اعتماد عمومی به جنبش‌های هزاره‌گرا منجر شوند. همچنین، عدم هماهنگی در اهداف و روش‌ها می‌تواند به سردرگمی و ناتوانی در پاسخ به چالش‌های اجتماعی و سیاسی بینجامد.

۲. تفرقه و اختلاف در جنبش‌های هزاره‌گرا

جنبش‌های هزاره‌گرا با باور به ظهور منجی و تحقق عدالت جهانی، می‌توانند در صورت ایجاد تفرقه میان پیروان خود، تهدیدات جدی برای تحولات منتظرانه به وجود آورند. در ادامه به برخی از نمونه‌ها و مصادیق این تفرقه‌ها اشاره می‌شود:

۲-۱. تفرقه مذهبی

اختلافات فرقه‌ای: به عنوان مثال، در اسلام اختلافات بین شیعه و سنی در مورد مهدویت

می‌تواند به تفرقه منجر شود. مثلاً برخی از گروه‌های سنی ممکن است به تفسیر خاصی از مهدویت بپردازند که با باورهای شیعه در تضاد است. این تضاد می‌تواند به ایجاد تنش‌های مذهبی و فرقه‌ای منجر شود. همچنین اختلافات در مسیحیت به ایجاد فرقه‌های مختلفی منجر شد که هر یک ادعا می‌کرد دیدگاه صحیح‌تری از نجات و ظهور موعود دارد. به عنوان نمونه می‌توان به اختلافات میان اوانجلیست و شاهدان یهود^۱ اشاره کرد. این گروه‌ها تفسیرهای متفاوتی از کتاب مقدس و پیش‌بینی‌های مربوط به بازگشت مسیح دارند شاهدان یهوه نجات را از طریق انجام دادن کارهای خوب و پیروی از آموزه‌های کتاب مقدس و دوری از دنیا می‌دانند^۲؛ درحالی‌که اوانجلیست‌ها نجات را به عنوان هدیه‌ای از جانب خدا از طریق ایمان به عیسی مسیح می‌دانند.^۳ این اختلافات نه تنها بر وحدت مسیحی تأثیر گذاشته، بلکه به ایجاد تنش‌ها و درگیری‌های داخلی میان فرقه‌ها انجامیده است.

تفسیرهای متفاوت: به عنوان مثال، تفسیرهای مختلف از نشانه‌های ظهور، مانند "ظهور دجال" یا "خروج سفیانی"، می‌تواند موجب اختلافات و تفرقه میان پیروان شود. مثلاً برخی ممکن است بر این باور باشند که ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به وقوع جنگ‌های خاصی وابسته است، درحالی‌که دیگران این نشانه‌ها را به گونه‌ای دیگر تفسیر می‌کنند.

۲-۲. رقابت‌های سیاسی

رقابت برای رهبری: در برخی موارد، رقابت برای جنبش‌های هزاره‌گرا می‌تواند به تفرقه منجر شود. به عنوان مثال، در ایران، گروه‌هایی وجود دارند که هر یک خود را نماینده واقعی

۱. شاهدان یهوه، تفسیر خاص از کتاب دانیال و مکاشفه دارند مثلاً ۱۹۱۴ را شروع "روزهای آخر" می‌دانند و به حکومت هزاره‌ای مسیح (Millennial Kingdom) پس از هارمجدون (Armageddon) معتقدند؛ ولی مسیحیان هزاره‌گرا بر هزاره‌گرایی (Millennialism) یعنی حکومت هزارساله مسیح بر زمین (مکاشفه ۲۰) معتقدند. اختلاف اصلی آن‌ها در این موضوع است که به نظر شاهدان یهوه، بازگشت مسیح در سال ۱۹۱۴ م بوده است؛ ولی گروه دیگر مرئی و در آینده است. (الشیخ، سیری در آیین مسیحیت، ص ۸-۳۶۱).

۲. جو ویور، درآمدی بر مسیحیت، ص ۳۴۶.

۳. مسجد جامعی، مسیحیت انجیلی، ص ۳۳.

مهدویت می‌داند و این موضوع می‌تواند به ایجاد گروه‌های رقیب و تفرقه در میان پیروان منجر شود.

حمایت از گروه‌های مختلف: برخی گروه‌های سیاسی ممکن است از جنبش‌های هزاره‌گرا حمایت کنند؛ اما اهداف و رویکردهای متفاوتی داشته باشند. این حمایت‌ها می‌تواند به تفرقه و ایجاد اختلافات میان پیروان منجر شود.

۲-۳. اختلافات فرهنگی

تفاوت‌های فرهنگی: تفاوت‌های فرهنگی و سنتی در میان پیروان جنبش‌های هزاره‌گرا می‌تواند به سوءتفاهم و تفرقه منجر شود. به عنوان مثال، برخی از گروه‌ها ممکن است به شیوه‌های خاصی از عبادت یا مراسم مذهبی پایبند باشند که با دیگران متفاوت است؛ مانند برگزاری مراسم خاص در زمان‌های مشخص.

- **تعارض در ارزش‌ها:** اختلاف در ارزش‌ها و اولویت‌های فرهنگی می‌تواند موجب تنش و تفرقه میان پیروان شود. به عنوان مثال، برخی از گروه‌ها ممکن است بر مسائل اجتماعی و سیاسی تأکید بیشتری داشته باشند؛ درحالی‌که دیگران بیش‌تر بر جنبه‌های معنوی و مذهبی تمرکز می‌کنند.

۲-۴. سوءاستفاده‌های خارجی

- **نفوذ خارجی:** برخی گروه‌های خارجی ممکن است از تفرقه میان جنبش‌های هزاره‌گرا سوءاستفاده کنند و به ترویج اختلافات بپردازند. به عنوان مثال، کشورهای خارجی ممکن است به حمایت از گروه‌های خاصی بپردازند تا به منافع خود در منطقه دست یابند.

تفرقه افکنی رسانه‌ای: رسانه‌ها نیز ممکن است به تفرقه افکنی بپردازند و با انتشار اخبار نادرست یا تحریف شده، اختلافات را دامن بزنند. به عنوان مثال، رسانه‌های معاند ممکن است با انتشار اطلاعات نادرست درباره جنبش‌های هزاره‌گرا، تنش‌ها را افزایش دهند.

۲-۵. عدم همبستگی

• **فقدان وحدت:** فقدان وحدت در اهداف و استراتژی‌های جنبش‌های مختلف هزاره‌گرا، می‌تواند به ایجاد تفرقه منجر شود. به عنوان مثال، اگر گروه‌های مختلف نتوانند بر سر برنامه مشترک برای تحقق اهداف مهدوی به توافق برسند، این موضوع می‌تواند به تفرقه و سردرگمی منجر شود.

• **گروه‌های رقیب:** ظهور گروه‌های رقیب که هر یک خود را به عنوان نماینده واقعی مهدویت معرفی می‌کند؛ می‌تواند به تفرقه و سردرگمی در میان پیروان منجر شود. این موضوع می‌تواند باعث شود که پیروان نتوانند به طور مؤثر به اهداف مشترک خود دست یابند.

۲-۶. سوءاستفاده از مفاهیم مهدویت

• **ایجاد فرقه‌های جدید:** ظهور فرقه‌های جدید که با سوءاستفاده از مفاهیم مهدویت به تفسیرهای افراطی از مهدویت می‌پردازند، می‌تواند به تفرقه و بی‌اعتمادی میان پیروان مهدویت منجر شود.

تفرقه و اختلاف در جنبش‌های هزاره‌گرا می‌تواند تهدیدات جدی برای تحولات منتظرانه ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ایجاد کند. این تفرقه‌ها نه تنها به کاهش تأثیر جنبش‌ها بر جامعه کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به ایجاد تنش‌های اجتماعی و مذهبی منجر شود. برای پیشگیری از این تهدیدات، ضروری است که بر وحدت و همبستگی میان پیروان این جنبش‌ها تأکید شود.

۲-۷. افراط گرایی

افراط گرایی به معنای اتخاذ دیدگاه‌ها و رفتارهای شدید و غیرمنطقی در جهت اهداف جنبش و بعضاً ادعای منجی موعود بودن است. ظهور گروه‌های افراطی یکی از تهدیدات جدی برای جنبش‌های هزاره‌باور و تحولات منتظرانه ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. این گروه‌ها معمولاً با تفسیرهای نادرست از آموزه‌های مذهبی و استفاده از خشونت، می‌توانند به تفرقه و بی‌ثباتی و ایجاد تصویر منفی از منجی و مهدویت و انزوای آن و کاهش حمایت عمومی منجر شود. در ادامه

به برخی از نمونه‌ها و مصادیق عینی از این گروه‌ها در اسلام و مسیحیت که گاهی در قالب جنبش‌های منطقه‌ای و محلی هستند؛ اشاره می‌کنم:

داعش (دولت اسلامی عراق و شام)

«داعش» با تفسیرهای نادرست و افراطی از اسلام، به دنبال ایجاد خلافت جهانی بود و به شدت به مبارزه با شیعیان و دیگر مذاهب پرداخت. همچنین با استفاده از خشونت و ترور، به ترویج ترس و ناامنی در مناطق مختلف، به ویژه در عراق و سوریه، پرداخت.

جند السماء

این گروه در سال ۲۰۰۶ میلادی در اطراف نجف و در قالب یک جنبش مذهبی - نظامی به رهبری احمد کاظم الکرعاوی البصری پدید آمد. اطرافیان او را مهدی منتظر نامیدند. هدف این گروه این بود در روز عاشورا به نجف حمله کنند، مراجع را بکشند و این شهر را به عنوان مرکز خود اعلام کنند؛ اما در روز نهم محرم نیروهای دولتی به آنان یورش بردند و علاوه بر کرعاوی حدود ۲۶۳ نفر کشته شدند.^۱

جنبش دیوید کوریش (Branch Davidians)

اعضای این جنبش در ایالات متحده به رهبری دیوید کوریش، تفسیر خاصی از کتاب مقدس داشتند و معتقد بودند که آخرالزمان نزدیک است. در سال ۱۹۹۳، درگیری بین این گروه و نیروهای فدرال به محاصره و آتش‌سوزی در محل اقامت آن‌ها در ویکو، تگزاس، منجر شد که به مرگ بسیاری از اعضای گروه و نیروهای دولتی انجامید.^۲

جنبش "فرزندان خدا" (The Children of God)

این جنبش در دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ به رهبری دیوید برگ (David Berg) تأسیس شد و به ترویج

۱. جعفریان. مهدیان دروغین، ص ۳۷۰.

۲. J. Gordon Melton, encyclopedia Britannica. <https://www.britannica.com/topic/Branch-Davidian>

عقاید هزاره گرایانه پرداخت. اعضای این فرقه معتقد بودند که مسیح به زودی بازخواهد گشت و دنیا را دگرگون خواهد کرد و در آن، اعضای وفادار فرقه می‌توانند زندگی ایده‌آل خود را تجربه کنند. این گروه به دلیل شیوه‌های زندگی غیرمعمول و رفتارهای افراطی، از جمله سوءاستفاده از اعضای خود، مورد انتقاد قرار گرفت و به عنوان یک جنبش خطرناک شناخته شد.^۱

1. <https://www.theguardian.com/world/2017/mar/11/children-of-god-church-sex-cult-texas-mexico-fbi>

نتیجه‌گیری

جنبش‌های هزاره‌گرا با تأکید بر ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه و تحقق عدالت جهانی، ظرفیت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی قابل توجهی برای ایجاد تغییرات مثبت در جوامع اسلامی به همراه دارند. این جنبش‌ها می‌توانند به تقویت هویت جمعی، بسیج اجتماعی، و ترویج ارزش‌های انسانی کمک و به عنوان نیروی محرکه‌ای برای اصلاحات اجتماعی عمل کنند.

با این حال، این جنبش‌ها با تهدیدات جدی نیز مواجه هستند. تفرقه‌های مذهبی، رقابت‌های سیاسی، افراط‌گرایی، و سوءاستفاده‌های خارجی می‌توانند به ایجاد بحران‌های هویتی و کاهش اعتماد عمومی به این جنبش‌ها منجر شوند؛ به‌ویژه، ظهور گروه‌های افراطی و تفسیرهای نادرست از آموزه‌های مذهبی می‌تواند به تضعیف انسجام و کارآمدی جنبش‌های هزاره‌گرا آسیب برساند.

بنابراین، برای پیشبرد اهداف جنبش‌های هزاره‌گرا و تحقق تحولات منتظرانه، ضروری است که بر وحدت و همبستگی میان پیروان این جنبش‌ها تأکید و راهکارهایی برای مدیریت تهدیدات و چالش‌ها ارائه گردد. با تقویت همبستگی، آموزش و آگاهی‌بخشی، و استفاده از ابزارهای جدید، این جنبش‌ها می‌توانند به تحقق آرمان‌های مهدوی نزدیک‌تر شوند و نقشی مؤثر برای ایجاد آمادگی ظهور در جامعه ایفا کنند.

منابع

۱. کتاب مقدس، انتشارات ایلام [بی تا].
۲. توسلی خواه، سعید و دیگران، **هزاره‌گرایی رویکردها و گونه‌ها**، انتظار موعود، شماره ۵۲، بهار ۱۳۹۵.
۳. کلباسی اشتری، حسین، **هزاره‌گرایی در سنت مسیحی**، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۸.
۴. جو ویور، مری، **در آمدی به مسیحیت**، ترجمه حسن قنبری، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۸۱.
۵. رسول‌زاده، عباس، **جواد باغبانی، شناخت مسیحیت**، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۹.
۶. الشیخ، علی، **سیری در آیین مسیحیت**، ترجمه مریم الهاشمی، تهران، مرکز بین‌المللی نشر و ترجمه المصطفی.
۷. جعفریان، رسول، **مهدیان دروغین**، چاپ اول، نشر علم، تهران، ۱۴۰۰.
۸. مسجدجامعی، محمد، **مسیحیت/انجیلی**، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۹۸.
۹. سایت مجله گاردین.
10. Schwartz, Hilled (1987,) Millenarianism. In: Eliade (ed in Chief), the Encyclopedia of Religion, Macmillan Pub. N. Y.
11. the New Encyclopedia Britannica (1974), 15 th edition. New York, Oxford university press.

بررسی ارتباط تحولات شامات با اتفاقات پیش از ظهور با رویکرد تأویل آیات اولیه

سوره اسراء

سید مجتبی معنوی^۱

چکیده

مقاله پیش‌رو، ارتباط طوفان الاقصی با حوادث قبل از ظهور را به بحث گذارده است. هدف تحقیق، بررسی ارتباط تحولات منطقه شامات با ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. ضرورت پرداختن به این مقوله، رهایی از سوگیری‌های شناختی و پیشگیری از خطاهای تطبیقی درباره اتفاقات فلسطین به عنوان یکی از کانون‌های درگیری منطقه شامات در آخرالزمان است. روش تحقیق در مقاله، از نوع توصیفی - تحلیلی بر پایه تأویل آیات نخستین سوره اسراء است. گمانه‌زنی‌های با رویکرد تطبیق اتفاقات منطقه شامات با گزارش‌های روایی مربوط به آخرالزمان، چندان قوی نیستند. مصداق‌یابی تأویل آیات نخستین سوره اسراء، بیان‌گر وحدت نظر مفسران درباره تحقق وعده اولی نیست؛ لکن با توجه به یافته‌های تحقیق، آیات مربوط به مهدویت به وعده الهی و تحقق سنت‌های الهی ناظر است و جبهه مقاومت مشمول نصرت الهی است و در حال ایجاد آمادگی برای ظهور است.

واژگان کلیدی: مهدویت، جبهه مقاومت، آخرالزمان، تأویل، اسراء، فلسطین، شامات.

۱. پژوهشگر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار بویا. sm.manvi@chmail.ir

مقدمه

ارتباط بین وقایع فلسطین و ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف موضوعی پیچیده و چند وجهی است و قابلیت بررسی در مباحث دینی، تاریخی و اجتماعی را دارد. پژوهش حاضر به تحلیل وجوه این ارتباط می‌پردازد.

۱. منابع دینی

در متون اسلامی، ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان مهم‌ترین پدیده آخرالزمان معرفی می‌شود. بسیاری از روایات به تشدید فشارها و ظلم‌ها بر مسلمانان و دیگر مظلومان (به عنوان نشانه‌هایی از نزدیک شدن به ظهور) اشاره دارند. برای نمونه از خروج سفیانی در سرزمین‌های شام، از جمله فلسطین خبر داده شده است.^۱ این گزارش و نظایر آن، در زمینه وقوع منازعات و ظلم‌ها در فلسطین به وضوح نمود پیدا می‌کند.

۲. نقش فلسطین در تاریخ اسلام

«فلسطین» به عنوان سرزمینی مقدس، در تاریخ اسلام و در تمام ادیان ابراهیمی شناخته می‌شود. این سرزمین با داشتن مکان‌هایی مانند مسجد الاقصی از بعد روحانی و تاریخی قابل توجه است. بارزترین آن‌ها معراج پیامبر از مسجد الاقصی است.^۲ علاوه براین، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای یاری کردن عیسی به منظور کشتن دجال در باب لد فلسطین وارد می‌شود.^۳ به همین لحاظ، انسان‌های مختلف، به ویژه مسلمانان، نسبت به وقایع موجود در این منطقه حساس هستند.

۳. جغرافیای سیاسی و مظلومیت مسلمانان

جنگ‌ها و منازعاتی که در فلسطین در حال وقوع است، به عنوان نمونه‌ای از مظلومیت

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲ ص ۶۵۱.

۲. اسراء: ۱.

۳. عاملی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج ۵، ص ۲۲۳.

مسلمانان در برابر ظلم‌های جهانی به شمار می‌رود. این مظلومیت‌ها بسیاری از مسلمانان را به یاد وعده‌های دینی می‌اندازد که بر اساس آن، ظهور یک منجی، ظلم‌ها را از بین می‌برد و عدالت را برقرار می‌کند. برای نمونه امام صادق (ع) به بجلي فرموده است: «وقتی تحولات در منطقه شامات، از جمله دمشق و فلسطین صورت گرفت، منتظر فرج باشید».^۱

۴. تحلیل اجتماعی و فرهنگی

بسیاری از اندیشمندان مسلمان اعتقاد دارند که وقایع فلسطین نه تنها تأثیر اجتماعی و فرهنگی عمیقی بر مسلمانان دارد، بلکه مسلمانان را به حرکت و تفکر در مورد مهدویت و ضرورت وجود رهبری جهانی رهنمون می‌سازد. این تفکر بر احساس امید و انتظار در دل مسلمانان تأثیر می‌گذارد. مقام معظم رهبری مسئله فلسطین و اتفاقات آن را بسیار مهم و مسئله همه دنیای اسلام دانسته‌اند. در منظومه فکری ایشان، قضیه فلسطین کلید رمزآلود گشوده شدن درهای فرج به روی امت اسلامی است و دنیای اسلام باید مسئله فلسطین را مسئله خود بداند تا در سایه تحقق وعده‌های الهی، فلسطین به ملت فلسطین برگردد.^۲

در همین زمینه، بیداری فطرت انسان‌های آزاده در سراسر جهان قابل اشاره است که آنان را برای دفاع از مظلوم متحد ساخته است. اعتراضات گسترده در سراسر جهان، از جمله دانشگاه‌های آمریکا و حضور فعالان یهودی ضد صهیونیست در اعتراض به نسل کشی فلسطینیان، می‌تواند نیاز به منجی موعود را برای برقراری عدالت و ریشه‌کنی ظلم تقویت کند.

به این لحاظ، ارتباط بین وقایع فلسطین و ظهور امام مهدی (عج) به نوعی نشان‌دهنده پیوندهای عمیق تاریخی، دینی و اجتماعی است. این روابط می‌تواند موجب توجه مسلمانان به مسائل موجود در فلسطین و ضرورت حمایت از مظلومان گردد و فرهنگی از امید و انتظار برای ظهور مهدی (عج) به وجود آورد. به طور کلی، این ارتباط، هم از منظر دینی و هم از منظر اجتماعی، موضوعی مهم و مورد بحث در جوامع اسلامی است.

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۲.

۲. کنفرانس بین‌المللی قدس و حمایت از حقوق مردم فلسطین، ۱۳۸۵/۱/۲۵.

در این میان، تحولات دمشق و فلسطین، از یک سو به عنوان پیشران حوادثی که با ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همخوان است، در شمار پدیده‌های معطوف به مهدویت جلوه می‌کند و یاد آور علو و فساد بنی اسرائیل و مارقه‌الروم^۱ گشته است، و از یک سو، به اندازه‌ای پیچیده و مبهم است که رمز و راز آن می‌تواند حقیقت را در غبار خود پنهان سازد؛ چرا که آنچه در منطقه شامات روی می‌دهد، از سقوط سوریه تا اشغال فلسطین سناریو آمریکایی. اسرائیلی است که بعضاً رویدادی منطبق بر گزارش‌های روایی تلقی می‌شود. قرآینی وجود دارد که نشان می‌دهد تحولات منطقه شامات از سوی اسرائیل و متحدانش به منظور کنترل امت اسلامی و تضعیف آن روی می‌دهد. حضور نظامی آمریکا با حمایت تمام قد از اسرائیل و دخالت در امور منطقه شاهد این ادعا است. با این وضع، بعضی تلاش می‌کنند تا اتفاقات منطقه شامات را بر علائم و شرایط ظهور تطبیق و سعی دارند تا مخاطب را قانع کنند، به وقوع پیوستن مسئله مورد نظر آن‌ها گزاره‌ای است که در متون دینی به آن اشاره شده است.^۲

بازنمایی حقیقت در این زمینه کار ساده‌ای نیست و به تحقیق نیازمند است. برای روشن شدن مطلب در این پژوهش، محورهای ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد:

- پیش‌بینی‌ها و نشانه‌های ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در متون دینی؛
- حقیقت و هویت بنی اسرائیل از دیدگاه مفسران؛
- ارتباط اتفاقات منطقه شامات، به ویژه فلسطین با ظهور.

۱. «مارقه‌الروم» یکی از اتفاقات پیشا ظهور است که در روایات مورد اشاره قرار گرفته است. در این اتفاق جاییه دمشق (بلندی‌های جولان) و در پی آن، دمشق سقوط می‌کند و مورد هجوم ترک‌ها قرار می‌گیرد. جزیره کوبانی و عین العرب در سوریه اشغال می‌گردد. سپس رومی‌ها (غربی‌ها) به منطقه هجوم می‌آورند [= خروج می‌کنند] و مارقه‌الروم شکل می‌گیرد و رمله به تصرف آنان در می‌آید. این اتفاقات به بحران در سوریه منجر می‌شود و در نهایت خروج سفیانی روی می‌دهد (نعمانی، ص ۱۳۹۷، ص ۲۸۰).

۲. برای نمونه، رائفی‌پور و شجاعی تحولات فلسطین را به استناد دیدگاه رهبری که در سال ۱۳۸۵ در کنفرانس فلسطین مطرح شد، مرتبط با ظهور امام مهدی می‌دانند (www.aparat.com/v/e63i4fy).

پیشینه تحقیق

علیرضا شریف و سید حسن خلیفه واقفی با پژوهشی در این زمینه، زمان تحقق نابودی صهیونیسم را بر اساس آیات نخستین سوره اسراء کاوش کرده و به این حقیقت رسیده‌اند که مفهوم آن‌ها به فساد بنی اسرائیل در آینده پس از اسلام ناظر است. به نظر ایشان، تدبیر در آیات نشان می‌دهد زنجیره متوالی فساد بنی اسرائیل و علو کبیر آنان در آخر الزمان در اواخر دوران غیبت کبرا روی خواهد داد و با ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، یاران آن حضرت که همان اولی باس شدید هستند، وعده الهی نابودی اسرائیل را محقق خواهند ساخت.^۱

محمد شهبازیان و محمد باغلی دیدگاه تحریف‌گرایانه رابطه فلسطین و ظهور را بازخوانی کرده‌اند و با تأکید بر توجه به سنت‌های الهی، گزارش منقول از امام علی علیه السلام با محتوای ورود مردمانی از مشرق زمین به فلسطین برای نابود کردن اسرائیل را مورد تردید دانسته و دریافته‌اند نگرش تطبیق‌گرایانه به مسئله فلسطین بدون درنظر گرفتن سنت‌های الهی توجیه ندارد.^۲

مصطفی امیری در کتاب مارقه الروم، آیات نخستین سوره روم را واکاوی کرده و شکست رومیان توسط یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در «ادنی الارض» به بحث گذارده و با تأویل این منطقه به شام و فلسطین، فتح این سرزمین را بشارت قرآن دانسته است.^۳

با وجود این، در آثار مذکور به همگرایی تحولات منطقه شامات با اتفاقات پیشاظهار با رویکرد تأویل آیات نخستین سوره اسراء و سرگذشت بنی اسرائیل پرداخته نشده است. از این منظر، پیوند دادن تحولات شامات و نابودی اسرائیل به عنوان زمینه ظهور، به تحلیل این مسئله با رویکرد تأویل آیات نخستین سوره اسراء نیازمند است که در ادامه پژوهش به آن پرداخته می‌شود.

پیش‌بینی‌ها و نشانه‌های ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در متون دینی

در متون اسلامی، نشانه‌هایی از وقوع جنگ‌ها، ظلم‌ها و فساد قبل از ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ذکر

۱. شریف و خلیفه واقفی، مطالعات بیداری اسلامی، ۱۴۰۲، ش ۱.

۲. شهبازیان و باغلی، بازخوانی دیدگاه تحریف‌گرایانه رابطه فلسطین و ظهور در پرتو ضرورت توجه به سنت‌های الهی.

۳. امیری، مارقه الروم.

شده است.^۱ در این زمینه منازعات و بحران‌ها در فلسطین می‌تواند به عنوان یکی از نشانه‌های نزدیک شدن به این زمان در نظر گرفته شود.

از آن‌جا که بیش‌ترین اطلاعات موجود و قابل اعتماد در این زمینه آیات قرآن کریم و روایات است در ادامه پژوهش به تأویل آیات نخستین سوره اسراء پرداخته می‌شود.

تحولات غرب آسیا در منطقه شامات، به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل جهان اسلام این احتمال را ایجاد کرده است که آنچه امروز در فلسطین و منطقه شامات روی می‌دهد، همان فسادى است که بنی اسرائیل در زمین به پا می‌کنند و خداوند متعال برای مقابله با آنان، گروهی را می‌فرستد تا وعده الهی را محقق سازند.

از دیدگاه مفسران، این عده، از یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به شمار می‌روند و تحولات شامات در شمار اتفاقات پیش‌آزموده قرار می‌گیرد. متأسفانه اطلاعات دقیقی در مورد قوم بنی اسرائیل و سرگذشت تاریخی و زیست بوم اقوام ایشان از گذشته تاکنون در دست نیست. بیش‌ترین اطلاعات موجود و قابل اعتماد در این زمینه آیات قرآن کریم و روایات است که در آن‌ها به صورت کلی به نابودی بنی اسرائیل اشاره شده است؛ اما جزئیات آن با ابهام مواجه است.

در آیات ۴ و ۵ سوره اسراء خداوند می‌فرماید:

و در کتاب به فرزندان اسرائیل خبر دادیم که قطعاً دو بار در زمین فساد خواهید کرد، و قطعاً به سرکشی بسیار بزرگی برخواید خاست.» پس آن‌گاه که وعده نخستین آن دو فرا رسد، بندگان خود را که در رزم بسیار قوی هستند، بر شما می‌گماریم؛ به گونه‌ای که تا درون خانه‌ها شما را تعقیب می‌کنند و این وعده محقق خواهد شد.

واژه «قضا» در اندیشه اسلامی معانی مختلفی دارد؛ اما مراد از «قضینا» در آیه شریفه به معنی فهماندن و آگاه کردن است؛ چنان که در روایتی از امام علی علیه السلام آمده است: «﴿وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۳۰۷.

إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ» مَعْنَاهُ عَلِمْنَا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ^۱.

تحلیل آیه شریفه مذکور، در پرتو روایات تفسیری نشان می‌دهد: اشاره قرآن کریم به فساد قوم بنی اسرائیل صرفاً پیشگویی نیست، بلکه سخن از وعده الهی و مجازات سختی است که مشمول قانون الهی است؛ یعنی آنچه بنی اسرائیل مرتکب می‌شود، عمل معمولی و فساد قابل گذشت نیست. فساد آنان خشم الهی را برانگیخته و لذا مشمول عذاب خواهند بود و خداوند وعده به عذاب آن‌ها داده است و به این وعده عمل می‌کند.

به این لحاظ، دو وعده به بنی اسرائیل داده شده است: اولی به استناد: «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا»^۲ و دومی به استناد: «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ»^۳ ظاهر این دو آیه حاکی از وعده الهی به سرکوب فسادهاست و وعده خداوند تخلف‌ناپذیر است: «وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا»^۴.

با این حال، برخی از مفسران^۵ معتقدند که وعده اول به بازگشت کلی و فراگیر بنی اسرائیل به سرزمین موعود اشاره دارد و هنوز به طور کامل محقق نشده است. این دیدگاه بیش‌تر در میان مفسران معاصر رواج دارد.

در نهایت، زمان دقیق تحقق وعده اول همچنان مورد بحث است و برداشت‌های مختلفی از آن وجود دارد؛ هرچند، دیر یا زود وعده الهی در باره یهود محقق خواهد شد و جنایات آنان هر اندازه هم پیچیده و سازمان‌یافته باشد، از وعده عذاب الهی در امان نیست.

با وجود این، اگر از این زاویه هم به آنچه در منطقه شامات می‌گذرد، بنگریم، بازهم به دلیل عدم هماهنگی اتفاقات منطقه شامات با سایر علائم ظهور، با مقوله مهدویت و اتفاقات پیشاظهر

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵، ص ۱۲۵.

۲. اسراء: ۵.

۳. همان، ۷.

۴. همان، ۵.

۵. برای نمونه، طبری در تفسیرش وعده الهی را تحقق یافته می‌داند. (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۵، ص ۱۷). سید قطب نیز با دیدگاهی متفاوت معتقد است وعده الهی تحقق پیدا کرده است. (سید قطب، ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۳۰۸). آیت الله مکارم هم براین باورند که وعده الهی در باره بنی اسرائیل محقق شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۳۰).

ارتباطی مشاهده نمی‌کنیم و محملی برای تطبیق نمی‌یابیم، مگر آن که رژیم فاسد صهیونیستی را مصداق بنی اسرائیل بدانیم که ظلم ایشان سراسر زمین را فرا گرفته است و باید امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند تا با دست قاهر و قدرتمند الهی گردن ظالم را بشکند؛ لکن قرینه یا دلیل محکمی بر این مطلب وجود ندارد.

علاوه بر این، سنخ این گونه اتفاقات در روایات مهدویت، مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. لاقلاً اگر مردود هم نباشد مقبول نیست؛ چرا که در پرتو تحلیل روایات مهدویت می‌توان دریافت، ظلمی که جهان از آن پر شده است و در زمان ظهور از بین خواهد رفت؛ استضعاف امت واحده و تجزیه حکمرانی اسلامی است. به زبان ساده، بدتر از ظلم و جنایات کشتار مظلومان، کنار گذاشتن حکمرانی اسلامی و جایگزین کردن حاکمیت استکبار و ایادی آن در جغرافیای اسلام است که به صورت غیر ملموس از وسعت مرزهای اسلامی و جغرافیای سیاسی اسلام، به شدت کاسته و جماعت کثیر اسلامی و حقوق آنان را نادیده گرفته است، یا به دید حداقلی به آنان می‌نگرد.

به این لحاظ، صرف بازگرداندن فلسطین به آغوش اسلام، به معنای رهایی از ظلم دوران غیبت نیست. شاهد این ادعا عدم رضایت ائمه علیهم السلام به بازگرفتن فدک از سوی غاصبان آن و تقاضای حاکمیت ممالک اسلامی است. لذا امام کاظم علیه السلام به بازترسیم حدود آن تا عدن، سمرقند، آفریقا و شمال دریای خزر تا ارمنستان می‌پردازد.^۱

در حقیقت، ظلم بیرونی یا همان جبهه مستکبران خارجی و مستبدان داخلی حامی اسرائیل به صورت فراگیر با رشد فزاینده، به عنوان عقبه پیکان به رژیم خبیث صهیونیستی نیرو می‌بخشد تا قلب امت وسط^۲ را در غرب آسیا از کار بیندازد.

به این لحاظ، جنایات رژیم خبیث صهیونیستی بخشی از ظلم مشهودی است که در تجزیه حکمرانی کشورهای اسلامی از سوی مستکبران ریشه دارد. آمریکا برای انجام معامله قرن، تمام قد از اسرائیل حمایت و به‌رغم بیداری اسلامی در کشورهای عربی، عمال دست‌نشانده خود را از

۱. جزائری، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۳۰۲.

۲. بقره: ۱۴۳.

پشتیبانی جبهه مقاومت منع می‌کند؛ در حالی که برای حفظ حیات رژیم خبیث صهیونیستی بین کشورهای اروپایی و بعضاً عربی، ائتلاف ایجاد می‌کند.

گذشته از این، مفهوم ظلم پیشا ظهور که زمین از آن پر خواهد شد، مفهوم بسیار وسیعی است که نسل کشی مسلمانان در منطقه شامات به یکی از معانی آن ناظر است. به همین سبب، حوادث تلخ سوریه و فلسطین را نمی‌توان علت تامه و رویدادی مؤثر بر ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دانست.

حقیقت و هویت بنی اسرائیل از دیدگاه مفسران

دقت در دیدگاه مفسران نشان می‌دهد آیات اولیه سوره اسراء، نوید بخش تحقق وعده الهی در باره بنی اسرائیل و حضور «اولی باس شدید» به عنوان یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران پیشا ظهور هستند.

اکنون این سؤال مطرح می‌شود که اولی باس شدید چه کسانی هستند که بنی اسرائیل را تنبیه و با فساد آنان مبارزه می‌کنند؟ بر پایه این سؤال این پرسش مطرح است که آیا تحولات منطقه شامات می‌تواند مصداق تأویل آیات نخستین سوره اسراء و براین اساس می‌تواند نوید بخش تحقق وعده الهی باشد؟!

از دیدگاه مفسران، قضای وعده الهی در باره فساد بنی اسرائیل حتمی است و ایشان تنها قومی هستند که در مقایسه با اقوام دیگر باقی مانده و فساد آنان مشمول قضای است؛ لکن در باره اتفاقاتی که برای قوم بنی اسرائیل رخ می‌دهد، اتحاد نظر وجود ندارد و تأویل‌های مختلفی ارائه شده است.

طبری سرکوبی بنی اسرائیل را به دست بخت النصر، پادشاه بابل دانسته است که صد سال قبل از میلاد بر یهود هجوم آورد و بیت المقدس را ویران کرد. در اثر حمله او هفتاد سال بیت المقدس به همان حال باقی ماند تا این که یهود قیام و آن را بازسازی کردند.

دومین کسی که بر آن‌ها هجوم آورد، اسپیانوس، قیصر روم بود که وزیرش، طرطوز را برای این

کار مأمور کرد. او بیت المقدس را تخریب و بنی اسرائیل را قتل عام کرد.^۱ از آن جا که اتفاقات مذکور، قبل از میلاد بوده است، امکان تطبیق آن بر حوادث امروز فلسطین وجود ندارد و در شمار حوادث پیشاظهار نیست.

سید قطب در تفسیر فی ظلال القرآن با ارائه تفسیری متفاوت بر این باور است که زنجیره وقایع بنی اسرائیل مربوط به گذشته مربوط نیست، بلکه به آینده مربوط است که یکی از آن‌ها احتمالاً فساد ایشان در آغاز اسلام بوده است که به قیام مسلمانان بر ضد آنان منجر شد و به فرمان پیامبر ﷺ به کلی از جزیره العرب بیرون رانده شدند و دیگری به قیام نازی‌های آلمان به ریاست هیتلر بر ضد یهود مربوط بوده است.^۲

هرچند نظر سید قطب در مقایسه با دیدگاه طبری بسیار متفاوت است و با تمرکز بر زنجیره وقایع بنی اسرائیل آن‌ها را مربوط به آینده دانسته است؛ چنین دیدگاهی به اشکال نظریاتی مبتلا است. علاوه بر این، اشکال دیگری که در نظر سید قطب وجود دارد، این است که هیتلر وارد مسجد الاقصی نشده است تا چه رسد به این که آن را ویران کرده باشد.

گذشته از این، هیتلر و بخت النصر نمی‌توانند مصداق «عباد لنا» باشند و به این لحاظ، حتی در صورت پذیرش دیدگاه مفسران درباره آن‌ها، تأویل آیات نخستین سوره اسراء با این رویکرد همچنان مورد تردید است.

آیت الله مکارم شیرازی وقایع زنجیره قوم بنی اسرائیل را به رویدادهای بعد از جنگ جهانی دوم مربوط دانسته‌اند که در پس آن، حزبی بنام «صهیونیسم» دولت اسرائیل را در قلب ممالك اسلامی تشکیل داد. در نظرگاه تفسیری ایشان، منظور از فساد اول بنی اسرائیل و برتری جویی آن‌ها همین است و منظور از انتقام اول، آن است که ممالك اسلامی در آغاز که از این توطئه آگاه شدند دست به دست هم دادند و توانستند بیت المقدس و قسمتی از شهرها و قصبات فلسطین را از چنگال یهود بیرون آورند و نفوذ یهود از مسجد الاقصی به کلی قطع شد.

۱. طبری، دلائل الامامه، ج ۱۵، ص ۱۷.

۲. سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۵، ص ۳۰۸.

از دیدگاه ایشان، منظور از فساد دوم هجوم بنی اسرائیل با اتکالی نیروهای استعماری جهان خوار و اشغال سرزمین‌های اسلامی و گرفتن بیت المقدس و مسجد الاقصی است. و به این ترتیب، مسلمانان باید در انتظار پیروزی دوم بر بنی اسرائیل باشند؛ به گونه‌ای که مسجد الاقصی را از چنگال آن‌ها بیرون آورند و نفوذشان را از این سرزمین اسلامی به کلی قطع کنند، این همان چیزی است که همه مسلمین جهان در انتظار آنند و وعده فتح و نصرت الاهی است.^۱

علامه طباطبایی با تمرکز بر زنجیره وقایع بنی اسرائیل به این حقیقت رسیده است که آیات نخستین سوره اسراء این واقعیت را بیان می‌کند که بنی اسرائیل در هر دو نوبت فساد، از سوی يك طایفه سرکوب می‌شوند؛ وگرنه خداوند در قران نمی‌فرمود ﴿ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ﴾؛ زیرا این عبارت اشعار بر این دارد که خداوند بنی اسرائیل را نیرو بخشید تا توانستند بر دشمنان بار اول خود غلبه کنند و تلافی در آوردند. جمله ﴿فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ﴾؛ نیز اشعار بر این دارد که برای نوبت دوم بر همان دشمنان غلبه کردند. دلیل این ادعا آن است که ضمیر جمع در این جمله به «عِبَادًا لَنَا» برمی‌گردد.^۲

بازنمود تفسیر و تأویل آیات قران کریم نشان می‌دهد که فساد قوم بنی اسرائیل از منظر تفاسیر با آشفتگی و پیچیدگی محتوایی روبه‌رو است و ارتباط فساد اول و دوم بنی اسرائیل از دیدگاه روایات و تحقق وعده الاهی اول و دوم با ابهاماتی مواجه است.

ابهام نخست: آشفتگی روایات در بیان هویت بنی اسرائیل

الف) بنی اسرائیل، یعنی اهل بیت، اولی باس امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاران

در برخی روایات مراد از بنی اسرائیل امام علی و امام حسین علیهما السلام دانسته شده است که پس از شهادتشان انتقام آن‌ها توسط گروهی از یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گرفته خواهد شد.^۳

۱. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۳۰.

۲. طباطبایی، المیزان، ج ۱۳، ص ۵۹.

۳. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲ ص ۲۸۱ و کلینی، الکافی، ج ۸ ص ۲۰۶.

ب) بنی اسرائیل، یعنی بنی امیه، اولی باس امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاران او

در تفسیر قمی بنی اسرائیل، بنی امیه دانسته شده‌اند که با ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ورود پیامبر و امام علی علیه السلام به مسجد الاقصی روسیاه خواهند شد.^۱

ابهام دوم: عدم امکان تعیین دقیق مصداق تأویل آیات

ابهام دوم آن است که نظیر یابی تأویل آیات در موضوعات مختلف، مانع تطبیق و تعیین مصداق آن‌ها است. برای نمونه، طبری در تفسیرش از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین نقل کرده است:

مراد از فساد اول، قتل حضرت زکریا و گروهی دیگر از پیامبران است و منظور از وعده نخستین، وعده انتقام الهی از بنی اسرائیل به وسیله «بخت النصر» است و مراد از فساد دوم، شورش است که یهودیان، بعد از آزادی به وسیله یکی از سلاطین فارس مرتکب شدند و دست به فساد زدند و مراد از وعده دوم، هجوم «انطیاخوس» پادشاه روم است.^۲

از دیدگاه مفسران، نظر طبری صحیح نیست؛ زیرا چنان‌که در تفسیر نمونه آمده است، جدا از این که راوی این حدیث مورد وثوق نیست، تاریخ زکریا و یحیی بر تاریخ بخت النصر و اسپانوس یا انطیاخوس قابل انطباق نیست؛ چرا که بخت النصر معاصر ارمیا یا دانیال پیامبر بوده، و قیام او حدود ششصد سال پیش از زمان یحیی علیه السلام صورت گرفته است. بنا بر این، چگونه قیام بخت النصر می‌تواند برای انتقام خون یحیی باشد؟!^۳

در تفسیر قمی دشمنی بنی امیه با اهل بیت به دشمنی بنی اسرائیل با انبیا تشبیه شده است و از آن‌جا که یهودیان در تلاش بودند تا نور الهی را خاموش کنند، عملکرد امویان، مصداق عمل یهودیان دانسته شده است و تطبیق مصادیق آن در قالب روایات تأویلی و تفسیری بازتبیین شده

۱. قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۴.

۲. طبری، دلائل الامامه، ج ۱۵ ص ۱۷.

۳. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۲ ص ۲۹.

است؛^۱ اما این رویکرد همان گونه که علامه جعفر مرتضی دریافت است، تلاش برای نظیریابی مصداق است و تأویل به حساب می‌آید، نه تفسیر.^۲

ابهام سوم: بیگانگی روایات تفسیری از سایر روایات مرتبط

تحلیل فرجام‌گرایانه اتفاقات منطقه شامات از دیدگاه روایات در پرتو خانواده حدیثی نشان می‌دهد بین نابودی اسرائیل در آخرالزمان و فساد دوم ایشان، ارتباطی وجود ندارد. از منظر این روایات، در زمانی که قوای عرب تجزیه و قدرت آنان تحلیل رفته است؛ یهود از غرب می‌آید تا دولت خود را در فلسطین تشکیل دهد؛ اما این وضع زیاد طول نمی‌کشد و عرب قدرت خود را باز می‌یابد و فلسطین را فتح می‌کند.

این اتفاق زمانی روی می‌دهد که اعراب سه بار وارد معرکه جنگ می‌شوند و دریای خون شکل می‌گیرد و کشته‌ها در خون می‌غلتنند؛ اما بار چهارم خداوند ایشان را یاری می‌کند و پیروز می‌شوند؛ چنان که در روایت آمده است اعراب در این مرحله به کشتار و ریشه کنی یهود از فلسطین می‌پردازند.^۳ تعبیر «یذبجون ذبح النعاج حتی لا یبقی یهودی فی فلسطین»؛ نشان می‌دهد اثری از یهودیان پس از مرحله چهارم جنگ اعراب با آنان در فلسطین باقی نمی‌ماند.

گذشته از صحت و سقم سند و محتوای روایت مذکور، چنان که پیداست از یک سو نابودی یهود در پی فساد آنان در زمین نیست و از سوی دیگر، کشتار یهود وعده الهی و تحقق قضای الهی در باره بنی‌اسرائیل نیست. به همین لحاظ، اگر روایت مذکور را بپذیریم باز هم با مشکل جری و تطبیق روبه‌رو هستیم و با مصداقی متفاوت از نابودی بنی‌اسرائیل مواجه می‌شویم که با روایات تأویلی همخوانی ندارد. به همین دلیل، ابهام در باره نابودی بنی‌اسرائیل همچنان باقی است و محملی برای اتفاقات کنونی قضیه فلسطین پیدا نمی‌کنیم.

علاوه بر روایت مذکور، در روایت نبوی دیگر که زهری آن را نقل کرده، به نابودی یهود اشاره

۱. قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۴.

۲. عاملی، الصّحیح من سیره‌النّبی الاعظم، ج ۳، ص ۴۷.

۳. زنجانی، عقائد الامامیه، ص ۲۷۰.

شده است و بر اساس آن مسلمانان در جنگ با یهود بر آنان مسلط می‌شوند و ایشان را از بین می‌برند. دقت در تعبیر «فَتَسْلُطُونَ عَلَيْهِمْ حَتَّى يَقُولَ الْحَجَرُ: يَا مُسْلِمُ، هَذَا يَهُودِيٌّ وَرَأَيْتُ فَاقْتُلْهُ»^۱ نشان می‌دهد نابودی یهود به دست مسلمانان واقع می‌شود و دست آخر این مسلمانان هستند که فاتح میدان خواهند بود.

اما؛ چنان‌که پیداست وعده الهی معلول اسباب و مسببات است؛ حتی اگر آن را معجزه بدانیم اسباب و مسببات زمان تحقق آن را تسهیل یا تسریع می‌کنند؛ لکن اگر روایات به علتی ناظر نباشند که در پی آن وعده الهی روی دهد، از این بحث کنار گذاشته می‌شوند. بر این اساس، در روایت مذکور، هم نابودی یهود وعده الهی به شمار نمی‌آید و با روایات تأویلی ارتباطی ندارد. بر فرض صحت سند و دلالت روایت مذکور، مصداق دیگری برای سرگذشت یهود مطرح می‌شود که ابهام در تعیین مصداق را افزایش می‌دهد.

ابهام چهارم: عدم همخوانی زنجیره وقایع بنی اسرائیل

تدبر در آیات اولیه سوره اسراء نشان می‌دهد رنجیره دو فساد، علو و عقوبت متعاقب آن‌ها به هم متصل است و به لحاظ زمانی نمی‌توانند از هم فاصله زیادی داشته باشند. تعبیر «لَتُفْسِدَنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَ لَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا»؛ نشان می‌دهد واژگان مورد استفاده در آیه شریفه، مضارع و به آینده ناظر است و لحن و سیاق آیه اخبار با هشدار و تحذیری همراه است که وعده عذاب را پی دارد.

علامه طباطبایی با دریافت حقیقت مذکور، معتقد است: بنی اسرائیل در هر دو نوبت فساد از سوی يك طایفه سرکوب شد؛ و گرنه خداوند در قرآن نمی‌فرمود «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ». بر پایه این عبارت، خداوند بنی اسرائیل را نیرو بخشید تا توانستند بر دشمنان بار اول خود غلبه کنند جمله «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ» نیز بر این اشعار دارد که برای نوبت دوم بر همان دشمنان غلبه کردند. علامه بازگشت ضمیر جمع در این جمله به «عِبَادًا لَنَا» را دلیل خود قرار داده

۱. ابن حماد، الفتن، ص ۳۹۱.

است.^۱ بنابر این، از دیدگاه علامه وعده الهی در باره بنی اسرائیل تحقق نیافته است. به تبع آن، تحولات شامات را نمی‌توان بر گزارش‌های آخرالزمان تطبیق کرد.

جمع‌بندی دیدگاه‌های مفسران در باره تأویل آیات اولیه سوره اسراء نشان می‌دهد وحدت نظری در باره تحقق وعده اولی وجود ندارد. براین اساس، نمی‌توان تحولات کنونی منطقه شامات را در شمار مصادیق تأویل آیات نخستین سوره اسراء قرار داد.

اما واقعیت آن است که سنت‌های الهی، از جمله سنت مداوله^۲ که در تحولات منطقه شامات، به ویژه در سوریه و فلسطین جاری است، نشان از حتمی بودن تحقق وعده الهی است؛ هرچند ممکن است اتفاق مهم در ورای آن برای عده‌ای ملموس نباشد؛ با وجود این، رویدادهای پیش‌آهنگ در حال تحقق است و به محض رسیدن زمان مناسب، نتایج آن آشکار خواهد شد. به این لحاظ، دیگر زود نیست که تحولات منطقه شامات را پایان سلطه صهیون و متحدانش بر منطقه بدانیم؛ چنان که در قرآن کریم آمده است:

﴿قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِذْ أَخَذَ الْحُسَيْنِيُّ وَحُجْنٌ نَّتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمُ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ بَأْيِدِنَا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ﴾^۳؛ بگو: آیا درباره ما جز یکی از دو نیکی [پیروزی یا شهادت] را انتظار می‌برید؟ در صورتی که ما درباره شما انتظار می‌بریم که خدا از سوی خود یا به دست ما عذابی به شما برساند! پس انتظار برید که ما هم با شما منتظریم.

ارتباط اتفاقات واقع در شامات، به ویژه فلسطین با ظهور

تحلیل‌گران سیاسی براین باورند که جبهه مقاومت معادلات غرب آسیا را تغییر داده و به تعبیر مقام معظم رهبری، اسرائیل را با شکست ترمیم ناپذیر مواجهه کرده است. درحقیقت، آنان در حال از بین بردن رژیمی هستند که در میدان، حضور غاصبانه دارد. غرب آسیا و به تعبیر دقیق‌تر،

۱. طباطبایی، المیزان، ج ۱۳، ص ۵۹.

۲. سنت «مداوله» به دست به دست شدن حکومت‌ها و تغییر دولت‌ها اطلاق می‌شود.

۳. توبه: ۵۲.

جغرافیای ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با نابودی دولت غاصب اسرائیل امنیت بیش‌تری برای مسلمانان و بستر بهتری برای ظهور را پیدا می‌کند و امروز جبهه مقاومت در حال برگردان میدان به نفع جبهه حق و ضرر جبهه باطل است. از این رو، تحولات منطقه شامات بی‌ارتباط با ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیست.

بدون شک همان گونه که مقام معظم رهبری فرموده‌اند، قضیه فلسطین کلید رمزآلود گشوده شدن درهای فرج به روی امت اسلامی است.^۱ البته فرج، مفهوم گسترده‌ای دارد که امر ظهور مرحله نهایی آن است.^۲ از این منظر ممکن است تحولات شامات و به‌یژه قضیه فلسطین به مثابه نزدیک شدن ظهور نباشد و ما توانیم وضعیت کنونی را بر گزارش‌های وارده در روایات تطبیق دهیم؛ لکن با دقت در این گونه روایات نمی‌توانیم هندسه تحقیق را به هم بزنیم و از اتفاق مهم و قابل توجه تحقق سنت‌های الهی در جغرافیای ظهور چشم‌پوشیم.

برای نمونه، مسلم از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است که خداوند مسیح بن مریم را مبعوث می‌کند؛ او در کنار مناره سفید رنگی در قسمت شرقی دمشق فرود می‌آید؛ دجال را دنبال می‌کند تا اینکه او را در کنار درب لد^۳ می‌یابد و به قتل می‌رساند.^۴ چنان‌که پیداست به استناد این روایت کشتن دجال پس از ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و بعد از نزول عیسی علیه السلام است؛ اما مسلم است که شهر لد در فلسطین طبق گزارش‌های تاریخی و دیدگاه روایی در جغرافیای ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف موضوعیت دارد و مشمول تحقق سنت الهی و تغییر میدان به نفع جبهه حق و مقاومت است. به این لحاظ، جولان اسرائیل در آن به معنای مصونیت از تحقق وعده الهی نیست و در حقیقت

۱. کنفرانس بین‌المللی قدس و حمایت از حقوق مردم فلسطین، ۱۳۸۵/۱/۲۵.

۲. معنوی، تحلیل شناختی مسئله انتظار از منظر مقام معظم رهبری، پژوهشنامه موعود، ش ۱۱.

۳. لد (هفت کیلومتری فرودگاه بن‌گورین به سمت رمله و یافا) شهری در فلسطین اشغالی است. در گذشته آن را جزو منطقه شام دانسته‌اند. نخستین واقعه برخورد مسلمانان با رومیان در زمان خلافت خلیفه اول، در سرزمین فلسطین بود و فرماندهی سپاه را عمرو بن عاص بر عهده داشت. سپس وی غزه را فتح کرد و پس از آن، سبسطیه و نابلس را گشود و بر مردم آن دیار جزیه مقرر و سپس شهر لد و نواحی آن را فتح کرد. (بالادری، فتوح البلدان ترجمه محمد توکل، ص ۲۰۰).

۴. مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۹۸.

اتفاقاتی را در این سرزمین رقم می‌زنند که موجبات تحقق وعده الهی را فراهم می‌آورند.

قضیه فلسطین، شاخص راهنمای دنیای اسلام

واقعیت آن است که رژیم صهیونیستی و حامیانش تمام امکانات خود را به کار گرفتند تا مسلمانان از اصول خود چشم‌پوشند و نتوانند شاخص‌های راهنما را پیدا کنند. مقام معظم رهبری با اشاره به این مطلب، فرمودند که دشمنان برای چشم‌پوشیدن مسلمانان از اصول خود و یا حداقل کمرنگ شدن این اصول، تلاش‌های پیچیده‌ای دارند که اگر این هدف دشمن تحقق یابد، امت اسلامی شاخص‌های راهنما را گم می‌کند و محکوم قواعدی می‌شود که دشمن تعیین کرده است و نتیجه این تسلیم از هم‌اکنون معلوم است.^۱

بر این اساس، رژیم خبیث صهیونیستی با عملیات پیچیده روانی و نظامی سعی می‌کند با توسعه روابط خود با کشورهای اسلامی و عادی سازی روابط با آن‌ها یهودی سازی منطقه اسلامی را پیش ببرد و باطن اسلام زدایی آن را پنهان سازد تا قدرت اسلام و حکمرانی آن را تضعیف کند.

در این میان جبهه مقاومت و مجاهدان آن با مبارزه بی وقفه دشمن صهیونیست را در دور کردن مسلمانان از شاخص‌های مهم اسلامی ناکام گذاشتند و با مبارزه با طاغوت، قاعده بازی جنگ را به نفع مسلمان تغییر دادند. آنان به عنوان شاخصی راهنما در رویارویی حق و باطل در مقابل باطل ایستاده‌اند و با دشمن غداری که حتی به تسلیم شدگان رحم نمی‌کند و از توهین به مقدسات اسلامی^۲ ابایی ندارد؛ مبارزه می‌کنند.

با وجود این، جهاد جبهه مقاومت اگر در شمار زمینه سازی برای ظهور نباشد، بدون شک در شمار برطرف کردن موانع ظهور، از جمله ظلم است؛ چرا که نا کارآمدی نظام بشری را برای مبارزه با ظلم به نمایش گذاشت و ثابت کرد که وجود حکومت عدل الهی برای از بین بردن ظلم برای بشر ضروری است؛ به گونه‌ای که آنان توانستند اشتیاق به ظهور منجی الهی را برای نجات از بی عدالتی افزایش دهند و جهانیان را در اعتراض به ظلم صیونیست‌ها با خود همراه کنند.

۱. کنفرانس بین المللی قدس و حمایت از حقوق مردم فلسطین، ۱۳۸۵/۱/۲۵.

۲. آتش زدن قرآن در حمله صهیونیست‌ها به مساجد فلسطین.

شاخص بودن قضیه فلسطین حقایق را آشکار ساخته است که قبل از آن هرگز تا کنون در این حد شناخته نشده بودند؛ چنان که در قرآن کریم برای اشاره به این حقیقت آمده است:

﴿مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظِلَّكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِيٰ مِنْ رُسُلِهِ مَنْ يَشَاءُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ﴾^۱

افشای چهره واقعی دشمن خونخوار و سگ‌هار رژیم صهیونیستی و فاصله رفتار آنان با دین یهود به حدی بوده است که امروز موجب انزجار خاخام‌های یهودی از رژیم صهیونیستی و پیوستن ایشان به جمع معترضان و حامیان جبهه مقاومت شده است. نقض آشکار حقوق بشر و نسل‌کشی توسط صهیونیست‌ها، به‌اندازه‌ای برای جهانیان آشکار شده که در دانشگاه‌های مختلف آمریکا و سایر نقاط جهان مورد اعتراض واقع شده است.

اعتراضات گسترده دانشجویی و دفاع از جبهه مقاومت در حقیقت، در تمیز خبیث از طیب ریشه دارد که بر اثر آن، امروز جهان، اسرائیل را خبیث و غزه را به عنوان طیب جهان شناخته است. طوفان اقضا موجب شده است دانشجویان دانشگاه‌های آمریکا، به تعبیر مقام معظم رهبری، در طرف درست تاریخ قرار گیرند و از جبهه مقاومت به شمار آیند. (نامه امام خامنه‌ای به دانشجویان آمریکایی معترض).

جبهه مقاومت میدان امتحان و تاب‌آوری منتظران در مبارزه با ظلم

تأمل در آیات قرآن کریم نشان می‌دهد خداوند متعال در نظام خلقت بنا را بر مغزکوب کردن باطل نهاده است چنان که در قرآن آمده است: ﴿بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ﴾^۲. از منظر روایات نیز دولت باطل، ناپایدار دانسته شده و از آن به «جوله» تعبیر شده است.^۳ به این لحاظ، سیاست‌های ظالمانه باطل و قدرت استکبار در نظام آفرینش پابرجا نمی‌ماند و

۱. ال عمران: ۱۷۹.

۲. انبیاء: ۱۸.

۳. للباطل جوله.

باطل و ایادی آن از جمله آمریکا و اسرائیل تا ابد به قوت خود باقی نخواهد ماند و خداوند به ایشان اجازه نخواهد داد تا هر بلایی بر سر مسلمانان و مظلومان بیاورند؛ چنان که این اجازه به مستکبران قبل از آن‌ها از جمله فرعون هم داده نشد.

هرچند این وعده الهی قطعی است؛ تحقق آن به سربلند بیرون آمدن منتظران از امتحان یاری ولی خدا مشروط است. ابی بصیر در این باره از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که اصحاب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همانند اصحاب طالوت مورد آزمایش قرار می‌گیرند.^۱

براین اساس، هویت انتظار ایجاب می‌کند منتظران با غایت و مبانی مهدویت هماهنگ باشند و از آشوب گسست‌های بینشی و تعارض‌های رفتاری در امان باشند. لذا بسیار مهم است که منتظران عیناً در پی مطالبه همان حقیقتی باشند که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای آن ظهور می‌کند. درحقیقت، آنچه به انتظار ارزش می‌بخشد و آن را در صدر اعمال امت پیامبر صلی الله علیه و آله قرار می‌دهد، لحظه شماری و صبروری برای حل مشکلات شخصی و منطقه‌ای نیست، بلکه انتظار به معنای دقیق و وسیع آن، برای نابود کردن ظلم در سرتاسر جهان است.^۲

در این میان، قضیه فلسطین به عنوان عرصه امتحان، این فرصت را پیش روی جامعه منتظر قرار داده است تا با شاخص قرار دادن آن به عنوان سنگ محک، انتظار خود را در میدان عمل راستی‌آزمایی کند. موفقیت در آزمون همگرایی با قضیه فلسطین و حمایت از آنان درحقیقت، موفقیت در آزمون مبارزه با ظلم و سنجش میزان خلوص انتظار است. به این لحاظ، قضیه فلسطین نمی‌تواند با ظهور بی ارتباط باشد. قضیه فلسطین از این منظر، یکی از امتحانات مهم دوران غیبت به شمار می‌رود که موفقیت در آن به تاب آوری و مقاومت در مقابل ظلم منجر می‌شود که خود به بروز و ظهور عملی انتظار منتهی می‌گردد.

به این لحاظ، اهمیت طوفان الاقصی و آنچه امروز در منطقه شامات روی می‌دهد، از آن جنبه است که این اتفاق، در حقیقت، یک تغییر قابل توجه در جهت سیر تکامل تاریخ و بلوغ جامعه

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۳۱۶.

۲. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۲.

اسلامی برای پذیرش ظهور است. بدون شک، نتیجه موفقیت در این امتحان، به لحاظ مبارزه با طاغوت و بلوغ اجتماعی که ایجاد می‌کند؛ در تسریع ظهور مؤثر است؛ چرا که جبهه مقاومت به مقابله با ظلم برخاسته است و با تلاش مجاهدانه خود در دفاع از حق، با باطل و طاغوت و مظاهر آن در جهان مبارزه می‌کند و اگر تلاش آنان نبود محلی برای عبادت و مرکزی برای بیداری اسلامی و تبلور تمدن اسلامی وجود نداشت؛ چنان که در قرآن کریم آمده است:

﴿وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الصَّوَامِعُ وَبِيعَ وَصَلَوَاتُ وَ مَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾^۱

از این حیث، مبارزه با اسرائیل در اصل مبارزه با طاغوت و در حقیقت توسعه مساجد برای ذکر خدا و اعتلای توحید است که همان کارویژه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

همگرایی جبهه مقاومت با فرج امت اسلامی

واقعیت آن است که تحولات منطقه شامات و آنچه امروز در سوریه و فلسطین می‌گذرد، از دیدگاه روایات، به صورت مستقیم در شمار پدیده‌های مرتبط با حوادث پیش‌آهنگ ظهور قرار نمی‌گیرد و گزارش روایی ناظر به اتفاقات کنونی در این زمینه یافت نشد؛ لکن همگرایی تلاش جبهه مقاومت با امر فرج، غیر قابل انکار است و از چند جنبه در زمینه سیر تکامل تاریخ و هماهنگی با فرجام تاریخ است.

الف) قضیه فلسطین کلید رمزآلود گشوده شدن درهای فرج به روی امت اسلامی

از دیدگاه ائمه، مقوله انتظار، بزرگ‌ترین فرج دانسته شده است. تعبیر «انتظار الفرج من اعظم الفرج»^۲؛ گواه این است که انتظار فرج، خود خاستگاه فرج است. برآمد تحلیل روایات انتظار این است که این دوران، فرصت غلبه بر فتنه‌های دوران غیبت و مبارزه با سوگیری فاجعه‌سازی از فساد آخرالزمان در ذهن جامعه اسلامی است تا جامعه منتظر با اتکا بر آن به عنوان فرصتی برای

۱. حج: ۴۰.

۲. صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۰.

پایان دادن به جولان طاغوت بنگرد و خود را از بن بست انگاری در مشکلات دوران غیبت رهایی بخشد.

مقام معظم رهبری با دریافت این حقیقت از روایات معتقدند: «انتظار فرج، یعنی در همه کارهایی که مشکلی وجود دارد، باید فرض وقوع فرج مورد نظر ما، یکی از فرض های مسلمی باشد که هست»^۱.

اگر به قضیه فلسطین از این زوایه بنگریم، طوفان الاقصی با امر فرج، به درستی همسو شده و در حال گشودن بن بست هایی است که می تواند مسیر را برای ظهور نهایی فراهم سازد. هرچند، با فرج نهایی و ظهور فاصله داشته باشد.

شاهد این ادعا، تحلیل دقیقی است که مقام معظم رهبری از امر فرج ارائه می کنند. ایشان در این زمینه باورند:

وقتی به ما می گویند منتظر فرج باشید، فقط این نیست که منتظر فرج نهایی باشید، بلکه معنایش این است که هر بن بستی قابل گشوده شدن است. فرج یعنی گشایش، مسلمان با درس انتظار فرج می آموزد که هیچ بن بستی در زندگی بشر وجود ندارد که نشود آن را باز کرد و لازم باشد که انسان، ناامید دست روی دست بگذارد.^۲

لذا از دیدگاه مقام معظم رهبری قضیه فلسطین کلید رمزآلود گشوده شدن درهای فرج به روی امت اسلامی است.^۳

ب) جهاد برای نصرت الاهی در جبهه مقاومت

جنایات رژیم صهیونیستی، به وضوح بیانگر آن است که صهیونیست ها به آموزه های کتاب مقدس و مکتب موسی کلیم و حتی ارزش های انسانی هیچ گونه تعهدی ندارند و به بدترین شکل

۱. khamene.ir، ۱۴۰۲، دیدار با دانشجویان.

۲. خامنه ای، انسان ۲۵۰ ساله، ص ۳۵۵.

۳. کنفرانس بین المللی قدس و حمایت از حقوق مردم فلسطین، ۱۳۸۵/۱/۲۵.

ممکن، به آموزه‌های دینی کافر هستند. در این شرایط، فلسطینیان و جبهه مقاومت جز مبارزه و دفاع از خود چاره‌ای ندارند. در حقیقت، مبارزه آنان ایشان را مشمول سنت و نصرت الاهی قرار می‌دهد و اگر مبارزه نکنند جایی برای امید به نصرت الاهی وجود ندارد؛ چنان که در قران کریم آمده است:

﴿وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَذْيَارَ ثُمَّ لَا يجِدُونَ وِلِيًّا وَلَا نَصِيرًا سُبَّحَ اللَّهُ الَّذِي قَدْ خَلَقَ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ يَخْدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾^۲ «اگر کافران با شما بجنگند حتماً پشت به شما کرده، می‌گریزند؛ آن گاه یآوری نمی‌یابند. خدا سنت ثابت مقرر کرده است که بر اساس آن پیروزی برای مؤمنان و شکست برای کافران است و هرگز برای سنت الاهی تغییری نخواهی یافت.

تدبر در آیه شریفه نشان می‌دهد لشکر کفر شکست ناپذیر نیست و به اصطلاح گنبد آهنین برای جبهه مقاومت غیر قابل نفوذ نیست و از آن جا که سنت الاهی به نصرت مؤمنان و جبهه حق تعلق گرفته؛ خداوند چنین مقرر کرده است که دشمنان در میدان مبارزه پیروز نباشند و پشتیبان و یآوری برای ایشان وجود نداشته باشد. به این لحاظ، جبهه مقاومت در صورت مبارزه، حتماً دشمن صهیونیستی را شکست خواهد داد و آن‌ها با پشت کردن به جبهه مقاومت از میدان می‌گریزند. اما اگر مبارزه‌ای در کار نباشد، میدان در اختیار دشمن باقی می‌ماند.

علاوه براین، از دیدگاه آیات قران کریم بدون شک، خداوند متعال مؤمنان را یاری خواهد کرد؛ چنان که در قران کریم آمده است: ﴿وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ﴾^۳ به این لحاظ، جبهه مقاومت از سوی خداوند متعال یاری می‌شود. قطع به یقین جبهه مقاومت، به خداوند متعال مؤمن است و تلاش آنان عرصه را برای نصرت الاهی آماده می‌کند.

در دیدگاه قرآنی مقام معظم رهبری، با عنایت به سنت‌های الاهی در اشاره به این مطلب آمده است: خداوند متعال به بنی اسرائیل خطاب می‌کند: ﴿لَتُفْسِدَنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَ لَتَعْلُنَّ عُلُوًّا

۱. فتح: ۲۲.

۲. همان، ۲۳.

۳. روم: ۴۷.

کَبِیراً^۱ هر امتی که با صلاح یا سلاح حق و حقیقت و عدالت طلبی حاضر شود راه طبیعی سنت‌های الهی تاریخ را بپیماید، خدا به او کمک خواهد کرد؛ اما هر ملتی فساد کند، بر مستضعفان طغیان کند، ارزش‌های انسانی را نادیده بگیرد، آن ملت به فنا و نابودی محکوم است.^۲

رویکرد تحلیلی مقام معظم رهبری به نصرت الهی در باره فلسطین در پاسخ به نامه اسماعیل هنیه و رئیس دفتر حماس به وضوح نمایان است. ایشان با استناد به آیه «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُيَسِّتْ أَقْدَامَكُمْ»^۳، «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ»^۴ در پاسخ به نامه‌ها^۵ همواره بر تحقق سنت یاری الهی در مورد جهاد اسلامی فلسطین تأکید کرده‌اند. از این رو، جبهه مقاومت اسلامی با حرکت در مسیر سنت‌های الهی هماهنگ با ظهور امام مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف به پیش می‌رود و به این لحاظ جبهه مقاومت در سمت صحیح تاریخ و تمدن جدید اسلامی قرار گرفته و مشمول نصرت الهی است.

۱. اسرا: ۴.

۲. خطبه نماز جمعه، ۱۳۹۵/۵/۱۷.

۳. محمد: ۷.

۴. حج: ۴۰.

۵. نامه‌ها، ۱۴۰۰/۳/۳.

نتیجه‌گیری

بررسی سرگذشت قوم بنی اسرائیل از دیدگاه آیات قرآن کریم نشان می‌دهد استعلا و فساد این قوم مشمول قضا و وعده برگشت ناپذیر الهی است؛ لکن با توجه به آشفتگی و ابهامی که در باره حقیقت و هویت بنی اسرائیل و تأویل «اولی باس شدید» از دیدگاه مفسران مشاهده می‌شود، وحدت نظری درباره مصداق این عناوین شکل نگرفته است تا براساس آن نابودی بنی اسرائیل به دست اصحاب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اثبات شود.

در دست نبودن اطلاع دقیق از قوم بنی اسرائیل و زیست بوم ایشان نیز اجازه نمی‌دهد رژیم صهیونیستی در انتهای زنجیره فساد قوم بنی اسرائیل قرار گیرد تا نابودی آن را زمینه ظهور بدانیم. با وجود این، سنت‌های الهی، از جمله سنت مداوله در باره تحولات منطقه شامات و اتفاقات فلسطین و شام جریان دارد و وعده الهی قطعی است. به این لحاظ تلاش رزمندگان جبهه مقاومت مشمول نصرت الهی است. آنان با قرار گرفتن در طرف درست تاریخ در مسیر تکامل تاریخ و تمدن اسلامی و فرجام شیرین آن به سوی ظهور گام برمی‌دارند.

قرآن

۱. سید قطب، *فی ظلال القرآن*، بیروت، دارالشرق، ۱۴۰۸ ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، *الخصال*، قم، جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۳۶۲.
۳. —، *امالی*، تهران، کتاب چی، ۱۳۷۶.
۴. —، *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران، نشر الاسلامیه، ۱۳۹۵ ق.
۵. —، *من لا یحضره الفقیه*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ ق.
۶. ابن حماد، نعیم، *الفتن*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۳ ق.
۷. ابن شعبه، حسن بن علی، *تحف العقول*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
۸. ابن طاووس، سید علی، *التشریف بالمنن فی تعریف الفتن*، قم، صاحب الامر، ۱۴۱۶ ق.
۹. امیری، مصطفی، *ما رقه الروم قم*، جمکران، ۱۴۰۲.
۱۰. انصاری زنجانی، *ابراهیم*، بی جا، مکتب اسلام، ۱۳۹۱.
۱۱. برقی، احمد بن محمد، قم، نشر دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
۱۲. بلاذری، احمد بن یحی، *فتوح البلدان*، لبنان، مکتبه الهلال، ۱۹۹۸ م.
۱۳. حرعاملی، محمد بن حسن، بیروت، *اثباه الهداه*، ۱۴۲۵ ق.
۱۴. خامنه ای، سید علی، انسان ۲۵۰ ساله، تهران، صهبا، ۱۳۹۰.
۱۵. —، *طرح کلی اندیشه اسلامی*، تهران، مؤسسه ایمان جهادی، ۱۳۹۲.
۱۶. دهقانی، زهیر، *پنجه بر آفتاب*، قم، انتشارات مرکز تخصصی مهدویت، ۱۴۰۰.
۱۷. رضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغه*، صبحی صالح، قم، هجرت، ۱۴۱۴.
۱۸. زنجانی، سید ابراهیم، *عقائد الامامیه*، قم، انتشارات حضرت مهدی، ۱۳۷۸.
۱۹. شریف، علیرضا، مطهری نژاد، سید مجید، همتی یوسف، ارزیابی دیدگاه مفسران در وقوع فساد و سرکوبی بنی اسرائیل قبل از اسلام. *فصلنامه مطالعات تفسیری*، ش ۱۳، ۱۴۰۱.
۲۰. شهبازیان، محمد، باغلی، محمد، بازخوانی دیدگاه تحریف گرایانه رابطه فلسطین و ظهور

- در پرتو ضرورت توجه به سنت‌های الهی، **فصلنامه انتظار موعود**، ش ۸۳، ۱۴۰۲.
۲۱. طبری آملی، محمد بن جریر، **دلائل الامامه**، قم، بعثت، ۱۴۱۳ق.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن، **غیبت**، قم، دارالمعارف، ۱۴۱۱ق.
۲۳. عاملی، سید جعفر مرتضی، **الصحيح من سيرة النبي الاعظم**، قم، بعثت، ۱۴۲۶ق.
۲۴. عیاشی، محمد، **تفسیر عیاشی**، تهران، مطبعة العلمية، ۱۳۸۰.
۲۵. قمی، علی بن ابراهیم، **تفسیر قمی**، قم، دار الکتب، ۱۴۰۴ق.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، **الكافي**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۲۷. مجلسی، محمد باقر، **بحار الانوار**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۲۸. معنوی، سید مجتبی، **تحلیل شناختی مسئله انتظار از منظر مقام معظم رهبری**، پژوهشنامه موعود، ش ۱۱، ۱۴۰۳.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، تهران، دارالکتب الاسلامی، ۱۳۷۴.
۳۰. نعمانی، محمد بن ابراهیم، **غیبت**، تهران، نشر صدوق، ۱۳۹۷ق.
۳۱. نیشابوری، مسلم بن حجاج، **صحیح**، قاهره، دارالحدیث، ۱۴۱۲ق.

32. Khamenei. ir

بازخوانی تحلیلی انگاره «ظهور صغرا» در گفتمان مهدویت: بررسی امکان سنجی،

کارکردها و پیامدها

ابوالحسن قاسم فام^۱

حجت حیدری چراتی^۲

چکیده

گفتمان مهدویت، با مفاهیم کلیدی همچون «غیبت» و «ظهور»، بستری را برای تأملات اعتقادی، تاریخی و اجتماعی در میان جامعه شیعی فراهم ساخته است. یکی از مفاهیم بحث برانگیز در این حوزه، انگاره «ظهور صغرا» است که در دهه های اخیر در برخی محافل فکری و رسانه ای مطرح شده و سؤالاتی را درباره ماهیت، خاستگاه و مشروعیت آن برانگیخته است. پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی - تحلیلی، به واکاوی مبانی مفهومی، پیشینه تاریخی و ادله موافقان این تعبیر پرداخته و در ادامه، با تحلیل روایات معتبر شیعی، به بررسی امکان پذیری و ضرورت یا عدم ضرورت توجیه آن می پردازد. یافته های این پژوهش نشان می دهد که برخلاف غیبت که دارای دو مرحله صغرا و کبرا است، ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در منابع روایی به صورت یک مرحله ای معرفی شده و کاربرد تعبیر «ظهور صغرا»، با وجود امکان تأویل آن، مستلزم مفاهیم و پیامدهایی نادرست است که می تواند به تحریف گفتمان مهدویت یا بهره برداری مغرضانه از سوی جریان های انحرافی بینجامد. در نتیجه، استفاده از این واژه فاقد ضرورت علمی و دینی است و در ادبیات مهدوی دقت نظری بیش تری را باید به کار بست.

واژگان کلیدی: مهدویت، ظهور، ظهور صغرا، غیبت، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، تحلیل روایات.

۱. دانش آموخته سطح چهار مرکز تخصصی مهدویت، گرایش سیاسی اجتماعی ghasemfam67@gmail.com

۲. پژوهشگر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا. hojatheidadi@gmail.com

در گفتمان مهدویت، واژه «ظهور» از مفاهیم بنیادین و پرکاربرد است که همواره محور گفت‌وگوها و تحلیل‌های اعتقادی، تاریخی و اجتماعی بوده است. در طول قرون متمادی، شیعه اثناعشری با تأکید بر اصل امامت و ظهور منجی، تلاش کرده است ضمن صیانت از باورهای اصیل، در برابر تحریف‌ها و برداشت‌های انحرافی ایستادگی کند. در این میان، یکی از مباحثی که به‌ویژه در دهه‌های اخیر توجه برخی محافل فکری را جلب کرده، مفهوم «ظهور صغرا» است؛ مفهومی که در ادبیات رسمی روایی کم‌تر سابقه دارد؛ اما در برخی تحلیل‌ها و گفتمان‌های نوپدید، به‌عنوان مرحله‌ای مقدماتی برای ظهور نهایی مطرح شده است. این اصطلاح که شباهتی صوری با غیبت صغرا دارد، در صورت تثبیت در ذهن جامعه دینی، می‌تواند پیامدهایی در فهم انتظار، زمینه‌سازی ظهور و حتی مواجهه با مدعیان دروغین داشته باشد. ازاین‌رو، بررسی دقیق مبانی، مستندات و پیامدهای احتمالی به‌کارگیری چنین اصطلاحی، گامی ضروری در پالایش مفهومی و اعتقادی گفتمان مهدویت به شمار می‌آید. هدف اصلی این پژوهش، تحلیل و ارزیابی انگاره «ظهور صغرا» با تأکید بر مبانی روایی، جایگاه اصطلاح‌شناختی و کارکردهای اعتقادی آن در گفتمان مهدویت است؛ به‌طوری که امکان‌سنجی علمی آن مشخص و ضرورت یا عدم ضرورت کاربرد این تعبیر تبیین شود. ازاین‌رو، سؤالاتی که مطرح می‌شوند عبارتند از: آیا مفهوم «ظهور صغرا» از نظر روایی و اعتقادی قابل اثبات است؟ چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی میان غیبت صغرا و ظهور صغرای ادعا شده وجود دارد؟ استفاده از این اصطلاح چه پیامدهایی برای گفتمان مهدویت و فضای فکری شیعه دارد؟ آیا کاربرد این اصطلاح می‌تواند زمینه‌ساز انحرافات یا تقویت‌کننده جریان‌های نو ظهور مدعی ارتباط با امام‌زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد؟

فرضیه این پژوهش آن است که اصطلاح «ظهور صغرا» نه تنها پشتوانه روشنی در منابع روایی ندارد، بلکه با مفروضات بنیادین مهدویت و ظهور امام‌زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در تعارض بوده و به‌کارگیری آن می‌تواند موجب بدفهمی و بهره‌برداری ناصواب از سوی برخی جریان‌ات انحرافی گردد. ضرورت ساماندهی این نوشتار در این دوره بدین جهت است که گفتمان مهدویت به‌عنوان یکی از رکن‌های اساسی اندیشه شیعی، در طول تاریخ با چالش‌های متعددی مواجه بوده است؛ از

تحریفات معنایی گرفته تا ظهور مدعیان انحرافی که با برداشت‌های التقاطی، به تحریف مفهوم انتظار و ظهور پرداخته‌اند. در این میان، یکی از موضوعاتی که در سال‌های اخیر در برخی محافل مطرح شده، انگاره «ظهور صغرا» است؛ اصطلاحی که برخلاف «غیبت صغرا»، سابقه‌ای در منابع روایی معتبر ندارد؛ اما در بعضی تحلیل‌ها به عنوان مرحله‌ای مقدماتی برای ظهور نهایی مطرح شده است. این پژوهش، از چند جنبه، پرداختن به این مسئله را ضروری می‌سازد:

الف) صیانت از گفتمان مهدویت در برابر التقاط و تحریفات مفهومی: یکی از مهم‌ترین تهدیدهایی که گفتمان مهدویت را در دوره‌های مختلف تحت تأثیر قرار داده، ورود اصطلاحات و تفاسیر نادرستی است که یا مستقیماً پشتوانه روایی و اعتقادی ندارند؛ یا بر اثر سوء برداشت‌ها، معنایی متفاوت از آنچه در منابع معتبر آمده، به خود گرفته‌اند. انگاره «ظهور صغرا»، با توجه به شباهتی که از نظر زبانی با «غیبت صغرا» دارد، ممکن است موجب قیاس نادرست این دو پدیده شده و تصویری تدریجی از ظهور ارائه کند که با ماهیت دفعی آن در منابع روایی در تضاد است. بنابراین، روشن‌سازی مبانی صحیح و ارائه تحلیل‌های مستند برای جلوگیری از ترویج برداشت‌های ناصحیح ضروری به نظر می‌رسد؛

ب) پیشگیری از زمینه‌سازی برای ادعاهای ناصواب در باب ارتباط با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ در طول تاریخ، بسیاری از جریان‌های مدعی مهدویت، با استناد به برداشت‌های نادرست از مفاهیم دینی، زمینه‌ساز انحرافات در جامعه اسلامی شده‌اند. ایجاد مرحله‌ای به نام «ظهور صغرا» می‌تواند به شکل‌گیری ادعاهایی از جمله ارتباط خاص با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، تعیین زمان و مکان ظهور، یا مشروعیت بخشی به گروه‌های خاص منجر شود. این، در حالی است که متون دینی شیعه، ظهور را پدیده‌ای دفعی معرفی کرده‌اند و تأکید دارند که زمان آن برای همگان ناشناخته است. از این رو، تحلیل انتقادی این انگاره، از منظر پیشگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی و جلوگیری از شکل‌گیری بدعت‌های اعتقادی، ضرورت مضاعفی می‌یابد؛

ج) ارائه تبیین صحیح از انتظار و نقش جامعه در فرایند ظهور: یکی از پیامدهای پذیرش انگاره «ظهور صغرا»، تغییر در تلقی شیعیان از مفهوم انتظار است. اگر ظهور، مانند غیبت، دارای دو مرحله تصور شود، این نگرش ممکن است به برداشت‌های نادرستی در جامعه منجر گردد؛ از جمله

این که برخی تصور کنند ظهور صغرا به مثابه مرحله‌ای است که جامعه در آن نقشی ندارد و صرفاً باید منتظر گذر زمان بود، یا بالعکس، برخی گروه‌ها برای ایجاد این مرحله، اقدامات انحرافی نظیر حرکت‌های شبه‌انقلابی یا تشکیل تشکلهای خاص را دنبال کنند. بنابراین، ضروری است انتظار، همچنان که در منابع معتبر شیعی آمده، به‌عنوان یک مسئولیت اجتماعی و عاملی برای خودسازی فردی و جمعی تبیین گردد، نه به‌عنوان مقدمه‌ای شبه‌مبهم برای ورود به مرحله بعدی ظهور؛

(د) تأثیرگذاری بر سیاست‌گذاری‌های دینی و فرهنگی: مفاهیمی که در فضای دینی جامعه گسترش می‌یابند، تأثیر مستقیمی بر سیاست‌گذاری‌های فرهنگی، اجتماعی و حتی امنیتی دارند. اگر مفهومی مانند «ظهور صغرا» در فضای مذهبی تثبیت شود، ممکن است رویکردهای مدیریتی و فرهنگی نیز تحت تأثیر این انگاره قرار گرفته و به‌سوی انفعال یا هیجانات کاذب سوق داده شوند. این مسئله می‌تواند در بلندمدت، موجب بروز انحرافات در راهبردهای فرهنگی مبتنی بر انتظار شود. ازاین‌رو، بررسی علمی و دقیق این موضوع، نقشی کلیدی در جهت‌دهی صحیح به سیاست‌های دینی و فرهنگی ایفا می‌کند.

باتوجه به چالش‌های مذکور، پرداختن به انگاره «ظهور صغرا» نه تنها از منظر اعتقادی ضروری است، بلکه از بُعد اجتماعی و فرهنگی نیز اهمیت فراوانی دارد. در این پژوهش، تلاش می‌شود با بررسی دقیق مبانی این اصطلاح، نسبت آن با گفتمان اصیل مهدویت سنجیده شده و ضمن تبیین پیامدهای احتمالی آن، رویکرد صحیح‌تری در تحلیل ظهور ارائه گردد. نتایج این تحقیق می‌تواند در صیانت از باورهای مهدوی، جلوگیری از انحرافات فکری و تدوین راهبردهای فرهنگی مبتنی بر انتظار صحیح، مؤثر واقع شود.

در این نوشتار، انگاره «ظهور صغرا» با نگاهی تحلیلی و توصیفی مورد واکاوی قرار می‌گیرد. در آثار پیشین، بیش‌تر تلاش‌ها به نقد، انکار یا تحلیل‌های اجمالی از این انگاره معطوف بوده است. برای نمونه، سید محمد بنی‌هاشمی در حلقه دهم از سلسله دروس مهدویت با عنوان «انتظار

فرج»، نظریه ظهور صغرا را به طور مستقیم نقد کرده و به بررسی ادله قائلان آن پرداخته است.^۱ معاونت پژوهشی مؤسسه آینده روشن نیز در کتاب «مهدویت؛ پرسش‌ها و پاسخ‌ها»، ضمن تأکید بر یک مرحله‌ای بودن ظهور، اساساً وقوع ظهور صغرا را انکار کرده است.^۲ در کتاب «به سوی انحراف»، اثر حسین حجامی نیز نگاهی تحلیلی و مختصر به این مفهوم داشته است.^۳ از میان مقالات علمی، مجتبی خانی در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل مفهومی اصطلاح ظهور صغرا با رویکرد نقد آرای مطروحه»، به بررسی احتمالات مختلف در تبیین این اصطلاح پرداخته و ضمن تحلیل آن‌ها، تبیینی بر پایه مستندات روایی ارائه کرده است.^۴ در شماره ۴۸ نشریه پیام انقلاب نیز مقاله‌ای با عنوان «آیا ظهور صغرا و نزدیکی ظهور حقیقت دارد؟»؛ منتشر شده است.^۵ علاوه بر این، غلامرضا بدرخانی در پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، و همچنین رسول جعفریان و جواد جعفری در پایگاه «طلبه نوشت»، نقدهایی اجمالی یا تأملاتی در پاسخ به این مسئله ارائه کرده‌اند. با وجود این تلاش‌ها، بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد که تاکنون پژوهشی جامع، دقیق و همه‌جانبه درباره انگاره ظهور صغرا انجام نشده است. یا موضوع صرفاً در چارچوب نقد دیدگاه فرد یا گروه خاصی بررسی شده (مانند بنی‌هاشمی، حجامی)، یا به صورت گذرا و سطحی مورد اشاره قرار گرفته است (همچون جعفریان، بدرخانی، پیام انقلاب)، یا آن گونه که در مقاله خانی مشاهده می‌شود، میان تفسیر اصطلاح ظهور صغرا و شواهد قائلان آن تفکیک درستی صورت نگرفته است؛ به گونه‌ای که مجموعه‌ای از قرائن و دلایل به جای تعریف، به عنوان تبیین اصطلاح قلمداد شده‌اند.^۶

پژوهش حاضر، با نگاهی جامع، منسجم و تحلیلی، برای نخستین بار تلاش دارد انگاره ظهور صغرا را نه تنها به درستی تبیین مفهومی کند، بلکه آن را در پرتو دیدگاه تمامی قائلان به این انگاره

۱. بنی‌هاشمی، انتظار فرج، ص ۲۰۱-۲۰۵.

۲. معاونت پژوهش مؤسسه آینده روشن، مهدویت؛ پرسش‌ها و پاسخ‌ها، ص ۳۵۸-۳۵۹.

۳. حجامی، به سوی انحراف، ص ۲۸۵-۲۹۰.

۴. خانی، تحلیل مفهومی اصطلاح «ظهور صغرا» با رویکرد نقد آراء مطروحه، ص ۵-۳۸.

۵. پیام انقلاب، آیا «ظهور صغرا» و نزدیکی ظهور حقیقت دارد؟، ص ۱۶-۱۹.

۶. ر.ک: خانی، تحلیل مفهومی اصطلاح «ظهور صغرا» با رویکرد نقد آرای مطروحه، ص ۵-۳۸.

و در چارچوبی روشمند مورد بررسی قرار دهد. این پژوهش برخلاف آثار پیشین که یا نگاهی انتقادی صرف یا تحلیلی سطحی به موضوع داشته‌اند، در تلاش است با رویکردی توصیفی - تحلیلی، تفسیر صحیح این اصطلاح را از دل منابع و قرائن ارائه کرده و به درک عمیق‌تری از ساختار فکری جریان‌هایی که این دیدگاه را پذیرفته‌اند؛ دست یابد. این نوآوری، زمینه را برای تحلیل جامعه‌شناختی، کلامی و حتی گفتمانی این انگاره در فضای اعتقادی معاصر فراهم می‌سازد.

مفهوم‌شناسی

۱. انگاره

«انگاره» در لغت، در لغت، در معانی گوناگونی به کار رفته است؛ مانند فرض، پندار، تصور، خیال، افسانه، سرگذشت، داستان، اندازه، مقیاس، طرح، زمینه، نقشه، هر چیز ناتمام، نقش ناتمام، حساب، دفتر حساب، نامه اعمال، ظرف دسته‌دار فلزی که استکان و لیوان و مانند آن‌ها را در آن می‌گذارند، پایه، جالستکانی، قاب استکانی، یاد گذشته‌ها کردن، یاد چیزهای گذشته، روزنامه، تخمین، برآورد، مصالح، اسباب؛^۱ ولی آن چه که در این نوشتار، مقصود است؛ معنای فرض و پندار و مضامینی شبیه به آن است.

۲. ظهور

واژه «ظهور» از ماده «ظهر» مشتق است که بر قوّت و بروز دلالت دارد.^۲ فراهیدی دو معنا برای ظهور بیان کرده است: آشکار شدن چیز پنهان، پیروزمندی بر چیزی و اطلاع بر آن.^۳ این واژه در اصطلاح بر دو معنا دلالت دارد: ۱. بروز بعد از پنهان بودن؛ ۲. اعلان انقلاب و قیام با شمشیر. هر

۱. ر.ک: دهخدا، لغت نامه دهخدا، ذیل واژه انگاره؛ معین، فرهنگ معین، ذیل واژه؛ عمید، فرهنگ فارسی عمید، ص ۲۴۷ و

انوری، فرهنگ فشرده سخن، ج ۱، ص ۲۲۸.

۲. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۴۷۱.

۳. فراهیدی، العین، ج ۴، ص ۳۷.

دو معنا درباره امام عصر علیه السلام صادق است؛ زیرا آن حضرت، هم در غیبت به سر می برد و وقتی آشکار شود، گفته خواهد شد ظهور کرده است و هم علیه ستم قیام کرده و انقلاب بزرگی را به راه خواهد انداخت.^۱ برخی هر دو معنا را با یکدیگر ادغام کرده و یک معنای اصطلاحی برای «ظهور» بیان کرده اند: «ظاهر شدن حضرت مهدی علیه السلام پس از پنهان زیستن طولانی، برای قیام و برپایی حکومت عدل جهانی.»^۲ با مراجعه به روایات معصومان در باب مهدویت می توان چنین برداشت کرد که واژه ظهور سه کاربرد دارد: ۱. آشکار شدن امام مهدی علیه السلام پس از غیبت. ۲. همه دوران ظهور و آشکار بودن حضرت؛ ۳. آشکار شدن دولت حق.^۳

انگاره ظهور صغرا

ظهور صغرا اصطلاحی است که از باب تشبیه ظهور به غیبت مطرح شده است و منظور از آن، این است که همچنان که امام زمان علیه السلام قبل از غیبت کبرا دارای غیبت صغرا بودند، در مورد ظهور هم قبل از ظهور کبرا که ظهوری جهانی است دارای ظهور صغرا هستند. این مطلب به ظاهر مستند روایی نداشته و بحث جدیدی محسوب می شود. از طرفی روایات بر ناگهانی بودن ظهور جهانی امام زمان علیه السلام دلالت دارند. چنان که از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است:

إِنَّمَا مَثَلُهُ كَمَثَلِ السَّاعَةِ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً؛ مثل ظهور امام زمان علیه السلام همچون مثل قیامت (الساعة) است و همچون باری بر دوش آسمان ها و زمین سنگینی می کند و بر شما وارد نمی شود، مگر به طور ناگهانی.^۴

اگر منظور از ظهور صغرا صرفاً نزدیک تر شدن امر ظهور امام زمان علیه السلام باشد، این بحث دیگری بوده و به طور جداگانه می توان در این مورد به بحث و بررسی پرداخت و می دانیم که برخی از نشانه های آخرالزمان در عصر جدید محقق شده که قبلاً وجود نداشته و این مطلب به هر حال از

۱. آذرشین فام، معارف مهدویت، ص ۲۱۹-۲۲۰.

۲. سلیمیان، درسنامه مهدویت، ج ۳، ص ۱۵۵.

۳. همان، ص ۱۵۶-۱۵۷.

۴. خزاز رازی، کفایة الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر، ص ۱۶۸.

نزدیک‌تر شدن ظهور امام‌زمان علیه‌السلام خبر می‌دهد. این بحث تدریجی بودن ظهور امام‌زمان علیه‌السلام، گذشته از اصطلاح ظهور صغرا - که توسط برخی مطرح شده - مقوله گسترده‌ای بوده و سیاق بحث در مورد آن شبیه بحث در مورد قیامت است؛ به این معنا که همچنان که قیامت در عین دفعی بودن، امری تکوینی در کل خلقت بوده و عالم هستی به تدریج به سمت قیامت در حرکت است؛ ظهور امام زمان علیه‌السلام نیز چنین است و جهان خلقت در حرکتی تدریجی به سوی آن پیش می‌رود.

خاستگاه انگاره «ظهور صغرا»: بررسی متون و تحلیل زمینه‌ها

بررسی خاستگاه و تطور انگاره «ظهور صغرا» در منابع معاصر، نشان از پدیدآمدن این ایده در بستر تحولات فکری و اجتماعی قرون اخیر دارد؛ ایده‌ای که الگویی مشابه غیبت صغرا را برای ظهور امام مهدی علیه‌السلام مفروض می‌گیرد و سیر ظهور آن حضرت را نیز در قالب ظهور صغرا و کبرا تفسیر می‌کند. این نگرش گرچه در منابع روایی معتبر شیعه مستند مستقیم ندارد؛ از اواخر قرن سیزدهم هجری به بعد، در برخی آثار نویسندگان دینی دیده می‌شود. در ادامه، مهم‌ترین منابع حاوی این مفهوم و تحلیل ضمنی جایگاه آن، معرفی می‌شود:

۱. نقطة الکاف (میرزاجانی کاشانی)

در این کتاب، برای نخستین بار، قرینه‌ای جدی برای طرح مفهوم «ظهور صغرا» مطرح شده است. نویسنده با قیاس میان دو مرحله غیبت امام مهدی علیه‌السلام، پیشنهاد می‌دهد که برای ظهور نیز، مانند غیبت، دو مرحله قابل تصور است: او ظهور کبرا را معادل با «رجعت» می‌داند.^۱ این برداشت که در قرن سیزدهم هجری مطرح شده، نشان از تلاش‌هایی برای منسجم‌سازی مفهومی سیر تاریخی حضور و غیبت امام دارد. چنین تلاشی، در سطح جامعه مذهبی، می‌تواند بازتابی از نیاز به چارچوب‌بندی مفهومی روشن‌تری از فرایند «انتظار» و مقابله با بلاتکلیفی تاریخی باشد.

۱. رک: کاشانی، نقطة الکاف، ص ۹۶.

۲. سید حسن ابطحی و گسترش انگاره در آثار وی

سید حسن ابطحی، یکی از مطرح‌ترین چهره‌هایی است که انگاره ظهور صغرا را با صراحت بیان کرده و آن را از استاد خود، ملا آقا جان نقل کرده است. او آغاز این مرحله را سال ۱۳۴۰ هجری دانسته و در آثار خود، از جمله پرواز روح^۱، ملاقات با امام زمان^۲ و مصلح غیبی^۳ به تفصیل از این ایده سخن گفته است. دفاع او از این انگاره در برابر منتقدان، و تأکیدش بر جنبه «تجربی» یا «مشاهده‌ای» آن، نشانه‌ای از انتقال تجربه دینی به سطح نظریه‌پردازی است؛ امری که در جامعه دینی، می‌تواند به شکل‌گیری گفتمان‌های جدید در مورد مهدویت منجر شود.

۳. کتاب «آیا ظهور نزدیک است؟»

این کتاب با ارجاع به افرادی چون شیخ‌الرئیس کرمانی^۴ و سید محمد مهدی آل مجتبی^۵، انگاره ظهور صغرا را به عنوان مرحله آغازین ظهور مطرح می‌سازد. در تحلیل جامعه‌شناختی، این برداشت می‌تواند نشانگر تمایل گسترش یافته در جامعه مذهبی برای تقطیع فرایند موعودباوری و فراهم آوردن نوعی «قابلیت لمس تدریجی» برای واقعیتی است که در آینده‌ای دور تصور می‌شد.

۴. فصلنامه «انتظار» و برداشت مهدوی از انقلاب اسلامی

در سرمقاله‌های این فصلنامه، ایده ظهور صغرا در نسبت با انقلاب اسلامی ایران تفسیر شده است. سید مسعود پورسیدآقایی^۶ و آیت‌الله مکارم شیرازی^۷ با تأکید بر گستردگی گفتمان مهدویت پس از انقلاب و رشد مناسک و نهادهای مهدوی، این دوره را نمادی از ظهور صغرا می‌دانند. از

۱. همان، پرواز روح، ص ۶۴.

۲. همان، ملاقات با امام زمان ۷، ص ۱۲.

۳. همان، مصلح غیبی، ص ۱۸۴-۱۸۵.

۴. رک: واحد تحقیقاتی گل نرگس، آیا ظهور نزدیک است؟ ص ۲۲۲.

۵. رک: همان، ص ۲۴۶.

۶. رک: پورسیدآقایی، ظهور صغرا و بایسته‌ها، ص ۶.

۷. رک: مکارم شیرازی، در محضر حضرت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی، ص ۲۴-۲۵.

منظر جامعه‌شناختی، این تحلیل‌ها نشان می‌دهند که چگونه تحولات عینی سیاسی - اجتماعی می‌توانند به صورت نمادین در ادبیات دینی بازتاب یابند و مراحل ظهور به تدریج «درونی‌سازی اجتماعی» شوند.

۵. مجتبی السادة (شش ماه پایانی)

در این اثر، با استفاده از تعبیر «ظهور اصغر»، نویسنده، مرحله‌ای از ظهور را همانند غیبت صغرا، با ویژگی خفا و پنهانی تصویر می‌کند. او این مرحله را زمینه‌ساز ظهور اکبر می‌داند.^۱ چنین تلقی‌ای بار دیگر بر همانندسازی ساختاری میان دو مفهوم غیبت و ظهور استوار است؛ امری که به انسجام درک زمان‌مند از سیر تاریخی مهدویت کمک می‌کند.

۶. محمد علی معلی و تطبیق ولایت فقیه بر ظهور صغرا

معلی در مقاله‌ای در کیهان فرهنگی، دوران ولایت فقیه را معادل «ظهور صغرا» دانسته است؛ مشابه دوران نواب خاص در غیبت صغرا.^۲ این نگرش، با تفسیر نهاد ولایت فقیه به عنوان پیش‌درآمدی برای ظهور کبرا، به نوعی پیوند ساختاری میان حکومت دینی و آرمان مهدوی برقرار می‌کند؛ پیوندی که می‌تواند به تقویت مشروعیت دینی - تاریخی نهادهای کنونی منجر شود.

۷. علی یعقوبی و مرحله‌بندی ملکوتی ظهور

یعقوبی در دواثر خود «نظام عالم» و «به‌سوی ظهور»، معتقد است در مورد غیبت امام‌زمان (عج) طبق برنامه مُلک الاهی ابتدا باید شب کامل واقع شود و سپس بین الطلوعین و سپس طلوع خورشید صورت گیرد که در مجموع می‌توان آن‌ها را به انگاره ظهور صغرا ناظر دانست.^۳ هرچند خود وی در مواردی از اصطلاح «ظهور صغرا» پرهیز می‌کند؛ به‌وضوح ساختار مرحله‌مندی ظهور

۱. رک: السادة، شش ماه پایانی، ص ۱۳.

۲. رک: معلی، ظهور صغرا، ص ۴.

۳. رک: یعقوبی، به سوی ظهور، جلسه ۱۸، ص ۶ و همان، نظام عالم، جلسه ۶۳، ص ۱۹.

را می‌پذیرد.^۱ چنین تلقی‌ای، در نگرش فلسفی - عرفانی به سیر تاریخی ریشه دارد که در بطن خود حامل معناهایی سیاسی و هویتی نیز می‌باشد.

۸. محمد سند: ظهور اصغر در حجاز

سند با استفاده از روایات، ظهور اصغر را مرحله‌ای مخفی و محدود به منطقه کوفه و سپس حجاز می‌داند که آغازش همزمان با صیحه آسمانی در ماه رجب است.^۲ چنین نگاهی، به طور تلویحی بر مرحله‌بندی ظهور بر اساس نشانه‌ها و حوادث خاص تأکید می‌ورزد که می‌تواند کارکرد پیش‌بینی‌گرانه برای دین‌داران مشتاق فراهم آورد.

۹. محمود مطهری‌نیا: ظهور اصغر به عنوان مقطع تاریخی آغازین

مطهری‌نیا در مقاله خود، ظهور اصغر را اولین مقطع از ۱۹ مقطع تاریخی تا قیامت معرفی می‌کند که ویژگی‌های اجتماعی مشخصی، از جمله فراگیرشدن نام و محبت حضرت مهدی (عج) را داراست.^۳ این تلقی از ظهور صغرا، نگرشی تدریجی و تحول‌محور به فرایند ظهور دارد و در روندهای فرهنگی - اجتماعی نیم‌قرن اخیر ریشه دارد.

بررسی منابع و دیدگاه‌های مختلف نشان می‌دهد که انگاره ظهور صغرا، بیش‌تر از آن‌که در نصوص معتبر دینی ریشه داشته باشد، برخاسته از تلاش متأخران برای درک مرحله‌بندی شده، قابل‌فهم و نسبی از امر ظهور است. این تلاش، در پاسخ به نیازهای جامعه دین‌دار برای لمس حضور تدریجی امام و تبدیل انتظار از حالت صرفاً آسمانی و آینده‌محور به امری فرایندی، اجتماعی و قابل‌زیست صورت‌گرفته است. از منظر جامعه‌شناسی دین، طرح ظهور صغرا را می‌توان بازتابی از تحولات تاریخی، اجتماعی، انقلابی و ذهنی در جامعه شیعی دانست که سعی دارد انتظار را به نوعی تجربه «زیست‌پذیر» بدل سازد.

۱. همان، نظام عالم، جلسه ۶۳، ص ۱۹.

۲. سند، الرجعة اعظم علامات الظهور، ص ۴۴.

۳. مطهری‌نیا، از ظهور تا قیامت، ص ۲۵ - ۲۶.

ادله قائلان ظهور صغرا

از آن جا که خاستگاه اصلی ظهور صغرا به کلام حاجی میرزاجانی کاشانی، سید حسن ابطحی، سید مسعود پورسیدآقایی و آیت الله مکارم شیرازی بر می گردد؛ ادله این چهار شخص ذکر می گردد:

الف) دلیل حاجی میرزاجانی کاشانی بر ضرورت ظهور صغرا

حاجی میرزاجانی کاشانی در کتاب خود، برای اثبات ضرورت و واقعیت «ظهور صغرا»، دو استدلال اصلی ارائه می کند که آن ها را تحت عناوین دلیل عدل و فضل و دلیل آفاقی صورت بندی کرده است.

۱. دلیل عدل و فضل

وی در نخستین استدلال خود، به سنت امتحان الاهی اشاره می کند که بر مبنای عدل و فضل الاهی استوار است. براین اساس، «ظهور صغرا» صحنه ای برای آزمون بندگان است تا در بستر آن، صفوف سعید و شقی از هم تفکیک شوند. به تعبیر او، کسانی که قابلیت و شایستگی درک حضور امام را دارند؛ در این دوران مورد تربیت و پرورش قرار می گیرند تا برای فیض نهایی از ظهور کبرا آماده شوند.^۱ وی این استدلال را با حدیثی منتسب به امام حسن مجتبی (علیه السلام) تقویت می کند که در آن به مرحله ای از جامعه مؤمنان اشاره شده است که در آن، اختلافات به حدی می رسد که افراد یکدیگر را به دروغ گویی متهم می کنند و بیزاری و نزاع میان آن ها شایع می شود. این حدیث که مشابه آن در بحار الأنوار هم نقل شده^۲، گویای تحولی درونی و تدریجی در بدنه جامعه منتظر است:

عَمِیرَةُ بَنَتِ نُفَیْلٍ گُفْتُ: سَنَیْدُمُ اِمَامَ حَسَنِ (علیه السلام) می فرمود: آن امر [ظهور] که در انتظارش هستید، واقع نمی شود، مگر آن که برخی از شما از برخی دیگر بیزاری بجویند؛ برخی به صورت دیگران تف بیندازند و برخی دیگر، دیگران را دروغگو بنامند.^۲

۱. کاشانی، نقطة الکاف، ص ۹۶-۹۷.

۲. همان، ص ۱۰۲.

این نقل قول، در واقع به نوعی پالایش درونی اجتماعی و غربالگری ایمانی ناظر است که مقدمات آن از رهگذر ظهور صغری فراهم می شود؛ جریانی که با عدالت و فضل الهی سازگار است و شرایط تربیتی برای گروهی خاص از منتظران را پدید می آورد.

از منظر جامعه شناسی دینی، این استدلال حاکی از نوعی بازسازی فرهنگی و آزمون اجتماعی در درون جامعه منتظر است. در این فرایند، گفتمان انتظار، به جای آن که صرفاً حالتی منفعلانه باشد، به ابزار پالایش روابط اجتماعی و شفاف سازی مرزهای هویتی میان افراد بدل می شود. در واقع، ظهور صغرا به عنوان برهه ای از "تمرین اجتماعی زیستن با حقیقت غایب" قابل تحلیل است که در آن، پویایی های اخلاقی و کنش های مؤمنان مورد سنجش قرار می گیرد.

۲. دلیل آفاقی

دلیل دوم حاجی میرزاجانی، استعاره و مبتنی بر تطبیق پدیده ظهور و غیبت با نظام طبیعی هستی است. وی پدیده ظهور امام را با طلوع خورشید و غیبت را با غروب آن مشابه می داند. در این چارچوب، ظهور صغرا همانند فصل بهار (آغاز گرما و روشنی) و ظهور کبرا همچون تابستان (کمال نور) تلقی شده و در مقابل، غیبت صغرا به پاییز (کاهش تدریجی نور) و غیبت کبرا به زمستان (فقدان کامل نور) تشبیه می شود.

به اعتقاد او، همچنان که در طبیعت امکان گذار ناگهانی از زمستان به تابستان وجود ندارد، در سیر تاریخی هدایت الهی نیز ظهور کبرا نمی تواند بدون مرحله میانی و تدریجی ظهور صغرا تحقق یابد. وی چنین می نویسد:

هر گاه چهارده شمس عصمت یک باره غایب می شدند، طبعاً مردم دچار وحشت و هلاکت می گردیدند. از این رو، عدل و فضل ایشان اقتضا کرد که دوره ای به مدت هفتاد سال غیبت صغرا برقرار گردد، تا مردم با واسطه هایی چون نواب اربعه پرورش یابند و برای غیبت کبرا آماده شوند.^۱

این استدلال با رویکردی زیست جهان شناختی (Phenomenological Lifeworld) همراه است

۱. همان، ص ۹۷-۹۸.

که تلاش دارد مفاهیم دینی را در بستر تجربه طبیعت و نظام آفرینش معنادار سازد. از منظر جامعه‌شناسی معناکاو، این شیوه تبیین به درونی‌سازی تجربه دینی در ذهن و عین جامعه کمک می‌کند. همچنین، بازنمایی ظهور در قالب مفاهیم آشنا و ملموس فصول، ضمن کاهش شکاف‌های مفهومی، بافت اجتماعی و فرهنگی آن را نیز تقویت می‌کند.

از سوی دیگر، اصرار بر وجود واسطه‌هایی چون نَوّاب اربعه در این مرحله، به ضرورت نهادهای واسطه دینی در دوران گذار اشاره دارد. این نهادها (که در دوره غیبت صغرا تجسم یافتند)، نقشی اساسی در استمرار مرجعیت، نظم اجتماعی، و انتقال معنا ایفا کردند.

ب) دلایل سید حسن ابطّحی در اثبات «ظهور صغرا»

۱. کتاب «پرواز روح»

سید حسن ابطّحی در کتاب پرواز روح، ضمن پذیرش اصل دومرحله‌ای بودن ظهور (صغرا و کبرا)، معتقد است که ظهور صغرا، مقدمه‌ای برای آمادگی یاران حضرت در ظهور کبرا است. وی نشانه‌هایی را برای اثبات وقوع ظهور صغرا بر می‌شمرد که از سال ۱۳۴۰ هجری قمری آغاز شده و عبارتند از:

- گسترش فراوان نام و القاب امام‌زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در اماکن عمومی و فضای اجتماعی؛
- رشد چشمگیر علم و صنعت و تکنولوژی؛
- افزایش موارد ارتباط معنوی و مکاشفه با آن حضرت؛
- تحول در نگرش شیعیان نسبت به ادای وجوهات شرعی و سهم امام.

ابطّحی با اشاره به این‌که استادش (ملا آقا جان) مبنای روایی مشخصی برای تقسیم ظهور به دو مرحله ارائه نکرده است؛ اذعان می‌دارد که طی یک مکاشفه برای یکی از سادات، این نظریه تأیید شده است. او در نهایت به این مکاشفه رنگ اصالت می‌بخشد و می‌نویسد: «اگرچه این

سخن شاید مدرک نقلی نداشته باشد، اما با تأییدات مکاشفاتی می‌توان حقیقت آن را پذیرفت»^۱
ابطحی با بهره‌گیری از تجارب عرفانی و مکاشفاتی، سعی در تأسیس مبنای معرفتی جدیدی
برای فهم تطور تاریخی ظهور دارد؛ اما اتکای او به تجارب شخصی و فقدان استدلال‌های متقن
روایی و کلامی، نظریه‌اش را در چارچوب عقلانیت شیعی با چالش مواجه می‌سازد.

۲. کتاب «ملاقات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف»

در این کتاب، ابطحی پنج دلیل را در اثبات وقوع ظهور صغرا مطرح می‌کند:

۱. ضرورت تدرج در تحقق پدیده‌های بزرگ اجتماعی و الهی؛ همان‌گونه که غیبت کبرا
مسبق به غیبت صغرا بود، ظهور کبرا نیز نمی‌تواند بدون مقدمه‌ای چون ظهور صغرا
تحقق یابد؛

۲. از سال ۱۳۴۰ هجری، استعدادهای علمی و معنوی در بشر افزایش یافته است؛

۳. از همان سال، نام امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به شکل گسترده‌تری در میان مردم شایع شده
است؛

۴. پیشرفت‌های علمی نظیر اختراعاتی شبیه به معجزات امام، ظهور یافته‌اند؛

۵. تشرفات گسترده و افزایش رؤیاها، مکاشفات و دیدارهای بیداری با حضرت، نشانگر
شدت ارتباط مردم با ایشان است؛^۲

ابطحی در این کتاب، با بهره‌گیری از قیاس‌های طبیعی (مانند روشنایی بعد از غروب آفتاب) و
شواهد تجربی اجتماعی، در صدد است تا تئوری «ظهور صغرا» را به مثابه مرحله‌ای واسط میان
غیبت و ظهور کبرا تثبیت کند. رویکرد او بیشتر روان‌شناختی و جامعه‌شناختی است تا کلامی.

۳. کتاب «مصلح غیبی»

در این اثر، ابطحی با صراحت بیش‌تری نظریه ظهور صغرا را شرح می‌دهد. وی گرچه اذعان

۱. ابطحی، پرواز روح، ص ۶۴-۶۷.

۲. همان، ملاقات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۱۲-۱۳.

دارد که این اصطلاح جنبه ابداعی دارد و می‌توان نام دیگری برای آن انتخاب کرد؛ اما آن را بهترین تعبیر برای وضعیت کنونی می‌داند. وی برای اثبات دیدگاه خود، از تشبیه طلوع خورشید استفاده می‌کند و معتقد است که ظهور حضرت، همانند طلوع خورشید، تدریجی و مرحله‌ای است.^۱ او مهم‌ترین مصادیق «ظهور صغرا» را چنین بر می‌شمارد:

- رشد چشمگیر استعدادهای علمی و فرهنگی انسان‌ها پس از سال ۱۳۴۰ هجری؛
- تطابق اختراعات مدرن مانند هواپیما، رادار، و رادیو با معجزات منتسب به امام؛
- گسترش یاد حضرت در جامعه و نام‌گذاری مکان‌های متعدد به نام ایشان؛
- افزایش سواد عمومی جامعه نسبت به گذشته؛
- پرداخت گسترده سهم امام توسط شیعیان؛
- ازدیاد موارد تشرف و نقل وقایع مربوط به دیدار با امام‌زمان؛
- افزایش اعتراف و پذیرش وجود امام از سوی اهل سنت؛
- تشکیل سازمان‌های جهانی پس از جنگ‌های جهانی به‌عنوان زمینه‌سازی برای حکومت واحد جهانی؛

- گسترش نور حضرت در سراسر جهان پس از انقلاب اسلامی ایران.^۲
- در نهایت، ابطحی هشدار می‌دهد که نباید این نشانه‌ها را تعیین‌کننده قطعی ظهور کبرا دانست؛ زیرا تحقق آن به اراده الهی منوط است و ممکن است همه این تجلیات نیز به تاریکی برگردد.^۳

ابطحی در این کتاب به گونه‌ای جامع، دلایل تجربی، اجتماعی، تاریخی و شبه‌عرفانی را برای اثبات تحقق ظهور صغرا پیش می‌کشد و آن را مرحله‌ای روشن‌کننده و آماده‌ساز برای ظهور کبرا می‌داند. بااین‌حال، ضعف بنیادین نظریه او، نبود ارجاع مستقیم به نصوص معتبر روایی و تعلیق

۱. همان، مصلح غیبی، ص ۱۸۴-۱۸۶.

۲. همان، ص ۱۸۶-۱۹۶.

۳. همان، ص ۱۹۷.

نهایی بحث بر اراده الهی است که از انسجام منطقی آن می‌کاهد.

تحلیل دیدگاه سید مسعود پورسیدآقای درباره «ظهور صغرا»

طرح مفهوم «ظهور صغرا» از سوی سید مسعود پورسیدآقای، بیش‌تر خوانش تشبیهی است تا تفسیری مستند بر منابع نصوصی. وی با بهره‌گیری از ساختار دوگانه غیبت صغرا و کبرا، می‌کوشد نوعی تطابق تاریخی برای دوران معاصر و خاصه انقلاب اسلامی ایران فراهم آورد. بدین معنا که اگر غیبت در دو مرحله تحقق یافت، ظهور نیز می‌تواند روندی تدریجی و مرحله‌مند داشته باشد که مرحله آغازین آن در قالب تحولات اجتماعی و سیاسی امروزمین ظاهر شده است. این نگرش بیش از آن‌که در منابع روایت‌شناختی ریشه داشته باشد، برگرفته از «تحلیل‌های کلان جامعه‌شناختی از تحولات معنوی در بستر سیاسی مدرن» است. به بیان دیگر، پورسیدآقای کوشیده است نشان دهد چگونه تحولات سیاسی - ایدئولوژیک، نظیر انقلاب اسلامی، توانسته‌اند افق‌های فکری جدیدی بگشایند که پذیرش ایده حکومت عدل مهدوی دیگر امری تخیلی و صرفاً آرمانی تلقی نمی‌شود، بلکه امکان تحقق عینی یافته است. این تحلیل را می‌توان در قالب مفهوم «افزایش سرمایه نمادین مهدویت در سپهر گفتمانی جامعه شیعی» تعبیر کرد.

بالین حال، چند نکته‌ی تحلیلی درباره دیدگاه ایشان قابل تأمل است:

۱. **ابهام روش‌شناختی در استناد به الگوی ظهور صغرا:** برخلاف برخی دیگر از نظریه‌پردازان که در پی استنادات روایی یا شهودی برای تأیید وجود ظهور صغرا هستند؛ پورسیدآقای آشکارا از یک مدل تمثیلی و قیاسی بهره می‌گیرد. این موضوع سبب می‌شود که نظریه او بیش‌تر رنگ‌وبوی تحلیل ذهنی پیدا کند و از منظر سنت حدیثی، فاقد پشتوانه کافی به نظر آید.

۲. **پیوند بین تحول سیاسی و تغییر اعتقادی:** فرض محوری این دیدگاه آن است که تحولات سیاسی، مانند انقلاب اسلامی توانسته‌اند باورهای دینی مردم را به سوی پذیرش حکومت جهانی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف سوق دهند. اگرچه این فرض، در سطح گفتمان و ظهور شعائر مذهبی ممکن است قابل دفاع باشد؛ از منظر جامعه‌شناسی

دین، نباید به سادگی میان ظهور نمادهای دینی و تعمیق باور دینی تلازم گرفت. در واقع، افزایش نمادها می‌تواند هم ناشی از تقویت دین‌داری باشد و هم ناشی از الزامات رسمی و ایدئولوژیک که الزاماً به باور قلبی منجر نمی‌شوند.

۳. **احتمال همپوشانی با مفاهیم تطبیق‌گرایانه:** هرچند پورسیدآقایی از تعیین وقت یا مصداق خاصی برای ظهور کبرا پرهیز کرده است؛ تفسیر انقلاب اسلامی به عنوان ظهور صغرا می‌تواند زمینه‌ای برای نوعی تطبیق‌گرایی پنهان ایجاد کند که در آن، رخداد اجتماعی خاص به مثابه مرحله‌ای از برنامه الهی تلقی شود؛ بی‌آن‌که نصی شرعی یا اجماع علمی در این خصوص وجود داشته باشد.

۴. **محدودیت دامنه تجربه تاریخی:** این که یک نظام سیاسی خاص توانسته است بخشی از آرمان‌های عدالت‌خواهی را محقق کند؛ الزاماً به معنای آغاز تحقق برنامه ظهور نیست، بلکه می‌توان آن را در ذیل تجربه‌های تاریخی بشر برای تقرب به عدالت تفسیر کرد، نه لزوماً بخشی از فرایند ظهور.

در مجموع، تحلیل پورسیدآقایی، گرچه از حیث نوآوری در الگوی تفسیر و ایجاد پیوند میان دین و سیاست معاصر حائز اهمیت است؛ از جهت مبنای روایی، انسجام درونی و پرهیز از تأویل‌گرایی تاریخی، نیازمند تبیین دقیق‌تر و پرهیز از تعمیم‌های غیرمستند است.

تحلیل دیدگاه آیت‌الله مکارم شیرازی درباره ظهور تدریجی

آیت‌الله مکارم شیرازی، با تکیه بر تمثیل روایی «خورشید پشت ابر» که به عنوان یکی از استعاره‌های شناخته شده در ادبیات مهدوی برای توضیح وضعیت امام‌زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت به کاررفته است، مدعی نوعی تدریجی بودن ظهور شده‌اند. از دیدگاه ایشان، همان‌گونه که خورشید به تدریج از پس ابرها بیرون می‌آید و نور آن گام به گام گسترش می‌یابد، ظهور امام نیز فرایندی تدریجی دارد، نه ناگهانی. از سوی دیگر، ایشان از افزایش توجه مردم به امام‌زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف در دوران معاصر به مثابه نشانه‌ای از تقرب زمان ظهور یاد می‌کنند.

این دیدگاه در ظاهر ساده و سنتی می‌نماید؛ اما در تحلیل جامعه‌شناختی و معرفت‌شناسانه،

چند نکته تأمل برانگیز را در خود نهفته دارد:

۱. برداشت تمثیلی در برابر خوانش معرفت‌شناسانه: استفاده از تشبیه خورشید در

پشت ابر، از سویی می‌تواند عاملی برای فهم بهتر موقعیت امام در عصر غیبت باشد؛ اما از سوی دیگر، اگر به شکل دلالت‌گرایانه و فراتمثیلی فهم شود، ممکن است به برداشت‌هایی منجر شود که از قالب روایت فراتر رفته و وارد حوزه تفسیر تاریخی یا نشانه‌شناسی ظهور گردد. آیت‌الله مکارم با برداشتی خاص، از این تمثیل، برای اثبات روند تدریجی ظهور بهره گرفته‌اند که خود نوعی تعمیم hermeneutic از استعاره روایی است و به احتیاط نیاز دارد.

۲. افزایش توجه مردمی: شاخص ذهنی یا معیار عینی؟ نکته دوم ایشان، یعنی رشد

توجه عمومی به امام‌زمان، هرچند می‌تواند نشان‌دهنده نوعی تحول فرهنگی - دینی در سطح جامعه باشد؛ باید میان توجه احساسی، شعاری، و معرفتی تفاوت قائل شد. به بیان دیگر، آیا این توجه به شکل معرفت‌محور و اثرگذار در سبک زندگی و اخلاق اجتماعی بروز یافته یا بیش‌تر به صورت احساسی، آیینی یا رسانه‌ای نمود پیدا کرده است؟ تحلیل‌های تجربی در جامعه‌شناسی دین نشان می‌دهند که افزایش نمادپردازی لزوماً به معنای عمق یافتن ایمان دینی نیست.

۳. ریسک تفسیر روندهای اجتماعی به عنوان «نشانه‌های ظهور»: اگرچه آیت‌الله

مکارم شیرازی صراحتاً به نشانه‌شناسی ظهور ورود نکرده‌اند؛ تحلیل ایشان زمینه را برای تفسیر تحولات اجتماعی به عنوان بخشی از مکانیسم ظهور فراهم می‌سازد. این نوع تلقی، اگرچه نسبت به تطبیق‌گرایی آشکار محافظه‌کارانه‌تر است؛ اما همچنان در معرض خطر تعمیم‌های ذهنی قرار دارد.

تفسیر دین‌مدار از روندهای فرهنگی معاصر: این دیدگاه می‌کوشد تحولاتی چون افزایش یاد

امام‌زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف در رسانه‌ها، محافل دینی و آثار فرهنگی را نشانه‌ای از آمادگی جامعه برای ظهور تلقی کند. این نوع تحلیل، گرچه از منظر کارکردگرایی دینی قابل درک است؛ از منظر معرفت‌شناسی دینی، به بررسی‌های عمیق‌تری درباره خلوص نیت‌ها، عمق فکری و انگیزه‌های اجتماعی پشت

این گرایش‌ها نیازمند است.

در نهایت، نگرش آیت‌الله مکارم شیرازی را می‌توان نوعی خوانش آرام، نمادین و تدریجی از مفهوم ظهور تلقی کرد که نه بر تعیین‌گری تاریخی مبتنی است و نه گرفتار تفسیرهای سطحی؛ اما همچنان در بُعد تحلیلی به تقویت مبانی روایی، تمایزگذاری‌های مفهومی و پرهیز از قضاوت‌های تعمیم‌یافته در تحلیل تحولات اجتماعی معاصر نیازمند است.

ارزیابی روایی و کلامی دیدگاه تدریجی در ظهور

اندیشه ظهور تدریجی که گاه با عنوان «ظهور صغرا» یاد می‌شود، در آثار برخی از متفکران معاصر، نظیر حاجی میرزا جانی کاشانی و سید حسن ابطحی نمود یافته است. این دیدگاه در تلاش است تا بر پایه تشبیه ظهور به طلوع خورشید و زمینه‌سازی‌های تاریخی و اجتماعی؛ ظهور را امری تدریجی معرفی کند. با این حال، ارزیابی روایی و کلامی این دیدگاه، نکات مهمی را برای نقد آن پیشروی می‌نهد.

الف) نقد روایی و کلامی دیدگاه حاجی میرزا جانی کاشانی

۱. **ضعف سندی حدیث مورد استناد:** حدیثی که ایشان بر پایه آن، مسئله تربیت اهل اقبال و ظهور تدریجی را مطرح کرده؛ از نظر سندی ضعیف است؛ زیرا در سلسله سند آن، افراد مهم‌ل یا مجهولی وجود دارند که این وضعیت، صحت روایت را زیر سؤال می‌برد.

۲. **فقدان دلالت روشن بر تدریج در ظهور:** محتوای حدیث نیز بر تربیت تدریجی اهل اقبال دلالتی ندارد و صرفاً توصیفاتی از شرایط آخرالزمان ارائه می‌کند که قابلیت استنباط مفهومی ظهور صغرا از آن محل تردید است.

۳. **استحسان در تشبیه خورشید:** تشبیه ظهور به خورشید از نظر روایی با اشکال روبه‌روست. تشبیهات روایی در صورتی حجت‌هستند که یا وجه شبه مشخصی در عبارت آمده باشد یا این‌که وجوهی معقول و فاقد تالی فاسد برای آن در نظر گرفته

شود. در این جا تشبیه ظهور به طلوع خورشید بدون بیان دقیق وجه شبه، فاقد حجیت عقلی و روایی است.

۴. وجود احادیث دال بر ظهور دفعی: مهم ترین نقد به دیدگاه تدریجی، وجود روایاتی

است که ظهور را امری ناگهانی و دفعی معرفی می کنند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «إِنَّمَا مَثَلُهُ كَمَثَلِ السَّاعَةِ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً»؛ مثل قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه مانند قیامت [= زمان قیامت] است. بر آسمان ها و زمین سنگین است. زمانش نمی رسد، مگر ناگهانی.^۱ امام باقر علیه السلام نیز می فرماید: «ثُمَّ يَبْدُو كَالشَّهَابِ الْوَاقِدِ فِي اللَّيْلَةِ الظُّلُمَاءِ؛ سپس همچون ستاره ای که در شب تار فروزان است، نمایان می گردد.^۲ در تعبیر دیگری از امام باقر علیه السلام چنین آمده است: «يُظْهَرُ كَالشَّهَابِ الثَّاقِبِ فِي اللَّيْلِ الظُّلُمَاءِ».^۳ این روایات، به روشنی ظهور را با عناصر ناگهانی، چون قیامت یا شهاب مقایسه کرده اند که با تبیین تدریجی بودن ظهور تعارض آشکار دارد.

۵. تحلیل لغوی تقویت کننده نقد: تعبیر «شهاب ثاقب» به معنای شهاب فروزان و

شکافنده تاریکی است که ناگهانی بودن ظهور را تقویت می کند؛ چراکه چنین نوری به طور دفعی و در اوج تاریکی آشکار می شود.

براین اساس، هم از حیث سند و دلالت حدیثی و هم از منظر محتوای تعارض آمیز با روایات ظهور دفعی، نظریه ظهور تدریجی قابل پذیرش نیست.

ب) نقد روایی، عقلانی و تاریخی دیدگاه سید حسن ابطحی

۱. خلط مقدمه سازی با ظهور صغرا: ادعای این که هیچ کار الاهی بدون مقدمه صورت

نمی گیرد، هرچند صحیح است؛ مستلزم تأسیس یک مرحله جدید به نام ظهور صغرا نیست؛ چراکه خود غیبت کبرا، احساس اضطراب، و آمادگی عمومی، می تواند همان

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۴۱.

۲. نعمانی، الغیبة، ص ۱۴۹.

۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۷۸.

مقدمه تلقی شود.

۲. **فقد دلیل تاریخی برای مبدأ ظهور صغرا:** انتخاب سال ۱۳۴۰ هجری به عنوان آغاز ظهور صغرا، مبنای تاریخی یا روایی ندارد. ویژگی خاصی برای این سال اثبات نشده و بسیاری از تحولات علمی و اجتماعی از قرون پیش تر آغاز شده بودند. بنابراین، برتری این سال بر دیگر زمان ها، ادعایی اثبات نشده و مبهم است.
۳. **تطبیق نادرست نشانه های ظهور با فناوری ها:** مطابقت مفاهیم معجزه آسا نظیر «صیحه آسمانی» یا «سوار شدن بر سحاب» با فناوری هایی چون هواپیما، رادار یا تلویزیون، بی پشتوانه و محل اشکال است؛ چراکه در ادبیات روایی، معنای «سحاب» و صیحه فراتر از ابزارهای مادی تلقی شده و بار معنوی و قدسی دارند.
۴. **تفاوت علم و معرفت در آمادگی ظهور:** رشد سطح سواد عمومی، اگرچه تحولی مثبت است؛ با آمادگی برای ظهور ملازمه ای ندارد. آنچه در روایات به عنوان زمینه ساز ظهور مطرح شده، بینش، معرفت و ایمان است، نه صرف توانایی خواندن و نوشتن.
۵. **ادعای نادرست درباره وحدت دیدگاه شیعه و سنی:** برخلاف ادعای آقای ابطحی، اعتقاد به مهدویت شخصی، مورد اتفاق میان شیعه و سنی نیست؛ درحالی که شیعه به «مهدی معین، مشخص و زنده» قائل است، بسیاری از اهل سنت به «مهدی نوعی و آینده محور» باور دارند.^۱
۶. **تحلیل ناصحیح از نهادهای بین المللی:** استناد به وجود سازمان ملل به عنوان نشانه نیاز بشر به حکومت واحد جهانی، از نظر کلامی مخدوش است؛ زیرا این سازمان نه تنها عدالت جهانی را تأمین نکرده، بلکه ابزار قدرت نظام سلطه شده است و کارکرد آن گزینه ای برای باور به نزدیک بودن ظهور محسوب نمی شود.
۷. **تناقض در ادعای تداوم ظهور صغرا:** خود آقای ابطحی اذعان دارد که ممکن است تجلیات مدعی شده به تاریکی بازگردند و ظهور کامل رخ ندهد. این سخن نه تنها با

۱. رضوانی، موعودشناسی و پاسخ به شبهات، ص ۳۷۹.

مبنای ظهور صغرا در تعارض است، بلکه آن را به یک امکان گسسته و نامعین تقلیل می‌دهد.

۸. **استناد به مکاشفه، غیر قابل حجیت:** ادعای مبتنی بر مکاشفه در کتاب پرواز روح برای اثبات ظهور صغرا، فاقد اعتبار در مقام استدلال کلامی است. مکاشفه حتی اگر صادق باشد، تنها برای شخص مکاشفه‌کننده حجت است، نه برای دیگران.

بر پایه ارزیابی مذکور، می‌توان گفت دیدگاه تدریجی در ظهور، نه تنها فاقد پشتوانه معتبر روایی و کلامی است، بلکه از نظر عقلی، تاریخی، معرفت‌شناختی و تحلیل مضمون روایات نیز دچار چالش‌های جدی است. دلایل ارائه‌شده توسط مهم‌ترین قائلان به این دیدگاه (کاشانی و ابطحی) فاقد انسجام منطقی، دلالت روشن روایی و استناد پذیرفته‌شده در منابع معتبر هستند. در برابر، روایات متعددی بر ناگهانی بودن، غافلگیرکننده بودن و تجلی دفعی امر ظهور دلالت دارند که این اندیشه را با اشکالات اساسی مواجه می‌سازد.

باتوجه به مطالب گفته شده، سستی ادله بقیه قائلان نیز روشن می‌شود.

لوازم التزام به انگاره ظهور صغرا

التزام به انگاره ظهور صغرا در فضای علمی، با این کیفیتی که قائلان مذکور مطرح کرده‌اند، لوازمی دارد که نه تنها در فهم این انگاره تأثیرگذار است، بلکه پیامدهای فقهی و سیاسی ویژه‌ای خواهد داشت. مهم‌ترین لوازم این انگاره عبارتند از:

۱. اعتقاد به تحقق بلافاصله ظهور کبرا بعد از آن

یکی از لوازم بنیادی که در ادبیات قائلان به ظهور صغرا به طور ضمنی و آشکار مطرح می‌شود، اعتقاد به تحقق بلافاصله ظهور کبرا پس از ظهور صغرا است. این عقیده لازمه کلام برخی از قائلان به ظهور صغرا است، هرچند ممکن است خود آنان به این نکته توجه نداشته باشند. زیرا طبق تشبیه ظهور به طلوع خورشید، ظهور صغرا باید همچون طلوع خورشید به ظهور کبرا منتهی شود. به عبارت دیگر، مانند طلوع خورشید که وقفه‌ای در آن ممکن نیست، ظهور صغرا نیز باید به طور

ناگزیر به ظهور کبرا منتهی گردد.

بااین حال، برخی از قائلان به ظهور صغرا، نظیر سید حسن ابطحی، به طور تلویحی این نکته را نادیده گرفته و اظهار می‌کنند:

شاید این تجلیات و این علائم و این نور که از افق سرزده، خدای نکرده باز منتهی به تاریکی مطلق شود؛ زیرا این‌ها تمام تحت اراده الهی است و می‌دانیم که خدا دستش باز است و هر چه بخواهد، می‌کند و کسی نمی‌تواند ایرادی داشته باشد و یا از او سؤالی بکشد.^۱ این سخن بیانگر نوعی شک و تردید در لزوم و فوریت ظهور کبرا است که در تضاد با مفهوم تشبیه به طلوع خورشید قرار دارد و می‌تواند به تزلزل در اصل انگاره ظهور صغرا منجر شود.

عَلَيْهِ السَّلَام
وَجَّهَ الشَّرِيف

۲. اعتقاد به نقش اساسی انقلاب اسلامی ایران در تحقق ظهور امام‌زمان

یکی دیگر از لوازم این انگاره، اعتقاد به نقش اساسی انقلاب اسلامی ایران در تحقق ظهور امام‌زمان ع است. این عقیده برای اکثر قائلان به ظهور صغرا، به‌ویژه کسانی که نظریه‌های سیاسی را در کنار دیدگاه‌های مذهبی خود مطرح می‌کنند؛ امری اجتناب‌ناپذیر است. انقلاب اسلامی به عنوان یک پیش شرط و زمینه‌ساز ظهور کبرا در نظر گرفته می‌شود، گرچه در اثبات این رابطه، مشکلات و چالش‌های نظری وجود دارد. اگرچه این باور برای بسیاری از منتظران مهدویت جذاب و مطلوب است؛ اثبات آن به سادگی امکان‌پذیر نیست. به همین دلیل، برخی مانند سید حسن ابطحی، با پذیرش ناتوانی در توضیح همه جوانب تاریخی، این رابطه را به طور تلویحی می‌پذیرند.

۳. عدم کارایی مسئله ولایت فقیه و رجوع به فقها

یکی از لوازم دیگری که برخی از قائلان به ظهور صغرا مطرح کرده‌اند، عدم کارایی مسئله ولایت فقیه و رجوع به فقها در زمان ظهور صغرا است. به اعتقاد این دسته از اندیشمندان، با ظهور صغرا، نقش ولی فقیه که به‌ویژه در دوران غیبت کبرا برای هدایت جامعه اسلامی مطرح بود، از

۱. ابطحی، مصلح غیبی، ص ۱۹۷.

میان خواهد رفت. از این رو، این دسته از قائلان معتقدند که در دوران ظهور صغرا، ارتباط با حضرت از طریق نواب خاص حضرت امام زمان علیه السلام به طور مستقیم انجام خواهد شد و هرگونه اجتهاد و هدایت فقیه بی فایده خواهد بود.

این دیدگاه در برخی از مباحث سیاسی، مانند جریان‌ات مرتبط با دولت دهم در ایران نیز مطرح شده است. برخی از ناظران سیاسی معتقدند که گروه‌های وابسته به جریان‌های انحرافی با استفاده از تفسیرهای خاص از مفهوم ظهور صغرا، تلاش می‌کنند تا ارتباط خاصی با امام زمان علیه السلام برقرار کنند و این ارتباط را به عنوان منبع مشروعیت برای اقدامات خود در نظر بگیرند. به عنوان نمونه، نویسندگانی می‌نویسد:

جریان انحرافی معتقد است که در حال حاضر ما در عصر ظهور صغرا به سر می‌بریم و امکان ارتباط با حضرت برای برخی هست و حضرت از طریق نواب خاص خود احکام و دستورهای خود را اجرا می‌کند.^۱

این نظریه می‌تواند پیامدهای خطرناکی در عرصه سیاست و جامعه داشته باشد؛ زیرا می‌تواند به ایجاد مشروعیت برای گروه‌های خاص و حتی سوءاستفاده از این اعتقاد در جهت منافع سیاسی و قدرت طلبانه منجر شود.

۴. نیابت خاص در دوران ظهور صغرا

برخی از طراحان اصلی انگاره ظهور صغرا مانند سید حسن ابطحی در برخی از نوشته‌های خود به طور ضمنی به وجود نیابت خاص در دوران ظهور صغرا اشاره می‌کنند. به عنوان مثال، حاجی میرزا جانی کاشانی در نقل‌هایی از شیخ احمد زین‌الدین احسائی، به نقش خاص برخی افراد در دوران ظهور صغرا اشاره می‌کند:

بعد از آن که ارتحال روح مروّحش (یعنی روح شیخ احمد احسائی) به عالم قدس نزدیک گردیده، مرآت جمال و ارض اشراق کمالاتش را که سید سند و نور احمد معروف

۱. بدرخانی، ظهور صغری از ادعا تا ثبوت.

عند القوم به حاجی سید کاظم بوده، وصی و قائم مقام خود فرموده.^۱

این نقل قول‌ها به طور ضمنی به وجود نیابت خاص و ارتباط مستقیم با حضرت امام زمان (علیه السلام) اشاره دارند که در این دیدگاه، می‌تواند به طور غیررسمی به جریانات خاص و حتی گروه‌های سیاسی مشروعیت دهد.

التزام به انگاره ظهور صغرا به عنوان یک تفسیر خاص از مهدویت و ظهور امام زمان (علیه السلام) لوازم نظری و عملی خاصی دارد. از جمله این لوازم، می‌توان به اعتقاد به ظهور کبرا، بلافاصله بعد از صغری، نقش محوری انقلاب اسلامی ایران در تحقق ظهور، نفی کارایی ولایت فقیه در دوران ظهور صغرا و استفاده از نیابت خاص اشاره کرد. این لوازم نه تنها بر مبنای استدلال‌های نظری و کلامی آسیب‌پذیر هستند، بلکه در برخی موارد، می‌توانند در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی نیز موجب سوءاستفاده و انحرافات فکری شوند.

امکان یا عدم امکان توجیه انگاره ظهور صغرا

بحث دیگری که در این جا قابل طرح است، این که آیا می‌توان انگاره ظهور صغرا را به نحوی توجیه کرد که معارض و تالی فاسدی نداشته باشد یا خیر؟ برخی از اندیشمندان، از جمله مجتبی خانی، به این مسئله پرداخته و در مقاله‌ای به بررسی احتمالات مختلف در تبیین اصطلاح ظهور صغرا اشاره می‌کنند. او پس از رد پنج احتمال مختلف^۲، احتمال ششم را می‌پذیرد و بیان می‌دارد که این احتمال، معنایی است که به روایات مستند بوده و برخی از پژوهشگران عرصه مهدویت نیز به آن اذعان دارند. این احتمال عبارت است از: «ظهور محدود و نافراگیر امام مهدی (علیه السلام) بعد از خروج سفیانی و ندای آسمانی.»^۳ مؤلف مذکور در ادامه روایات متعددی را در اثبات و صحت این

۱. کاشانی، نقطة الکاف، ص ۱۰۰.

۲. این احتمالات عبارتند از: ۱. ظهور نام امام مهدی (علیه السلام) در عصر حاضر؛ ۲. ظهور حکومت ولی فقیه و انقلاب اسلامی؛ ۳. اکتشافات و رشد صنایع بشری؛ ۴. امکان ارتباط با امام عصر (علیه السلام) در دوران ما همانند دوران غیبت صغرا؛ ۵. گسترش ارتباط با امام عصر (علیه السلام) به صورت ملاقات. البته با توجه به مطالب این نوشتار؛ هیچ‌کدام از این احتمالات، تفسیر ظهور صغرا نیستند، بلکه این موارد از دیدگاه قائلان، دلیل بر تحقق ظهور صغرا هستند.

۳. خانی، تحلیل مفهومی اصطلاح «ظهور صغری» با رویکرد نقد آرای مطروحه، ص ۱۶-۲۰.

احتمال مطرح می‌کند.^۱

چنان‌که اشاره شد، برخی از پژوهشگران از جمله آقای آل مجتبی (میهن خواه) و شیخ محمد سند نیز از این مطلب به ظهور اصغر یا صغرا تعبیر می‌کنند. آقایان رسول جعفریان و جواد جعفری نیز این معنا را مأخوذ از روایات می‌دانند.^۲ جواد جعفری می‌گوید:

در روایات ما چنین چیزی مورد اشاره قرار نگرفته است که ابتدا یک ظهوری خواهد شد و بعد یک ظهور بزرگتر و عام‌تر؛ اما از برخی روایات چنین چیزی می‌توان فهمید. مثل توقیع امام عصر علیه السلام به سمری و آخرین توقیعی که امام برای چهارمین نایب خاص خود نوشتند. در پایان توقیع آمده است که هر کس ادعای مشاهده کند (که معمولاً علما آن را بر نیابت خاصه حمل کرده‌اند) قبل از صیحه آسمانی و قیام سفیانی، او دروغ می‌گوید. مفهوم آن، این است که بعد از صیحه آسمانی و قیام سفیانی که نشانه‌های حتمی ظهور در شش ماه پایانی آن اتفاق می‌افتد، امام عصر علیه السلام نواب خاصی خواهند داشت که به عنوان نمایندگان به اطراف می‌فرستند و پیام امام را می‌رسانند. اگر بعد از قیام سفیانی و ندای آسمانی کسی بگوید من امام را می‌بینم و رابط ایشان هستم، چنین امکانی وجود دارد. برخی روایات می‌گویند بعد از این که به سفیانی خبر می‌رسد که امام از مدینه به مکه رفته‌اند و سفیانی در تعقیب امام به مکه می‌رود، معلوم می‌شود که برخی از افراد می‌دانند امام در مدینه هستند. امام ممکن است قبل از ایستادن در کنار خانه کعبه و شروع قیام با کسانی ارتباط داشته باشند و فرستادگانی را به اطراف بفرستد و هماهنگی کند و بعد قیام نمایند. اگر چنین مسائلی را در نظر بگیریم، ممکن است که امام‌زمان علیه السلام فعالیت‌های ابتدایی انجام دهد و بعد در کنار کعبه بایستند و قیام را شروع کنند که طبق این توضیحات باید در همان شش ماه قبل از ظهور باشد و ممکن است امام حرکت‌های نیمه‌ظاهری انجام دهد و بعد ظهور کامل اتفاق

۱. همان، ص ۲۱-۳۳.

۲. رستمیان، ظهور صغری.

این نظر که ظهور صغرا به عنوان یک مرحله مقدماتی و محدود از ظهور بزرگتر است، روایات مختلفی را در پی دارد که بر آن صحه می گذارند و به نوعی در چهارچوب روایات مهدوی موجود قابل تفسیر است. از این رو، پذیرش چنین احتمالی می تواند به عنوان یک تبیین ممکن از انگاره ظهور صغرا مطرح شود. این توجیه در پیوند با روایاتی که به شرایط خاص پیش از قیام اشاره دارند، به گونه ای است که نه تنها به ظهور صغرا، بلکه به نهادهای مربوط به پیش ظهور، نظیر روابط خاص با نواب و فرستادگان حضرت، و همچنین قیام سفیانی و صیحه آسمانی نیز ناظر است.

در نهایت، توجیه انگاره ظهور صغرا به عنوان یک مرحله مقدماتی از ظهور امام زمان علیه السلام می تواند بر اساس شواهد روایی و نظریه های فقهی موجود صورت گیرد. این توجیه، با توجه به برخی از روایات معتبر و نیز تحلیل های مختلف، می تواند معارض و تالی فاسدی نداشته باشد، و در چارچوب معانی مختلف موجود در متون مهدویت، توجیه پذیر به نظر می رسد.

لزوم یا عدم لزوم توجیه اصطلاح ظهور صغرا

بحث بعدی که به طور طبیعی و منطقی پس از مبحث قبلی باید طرح شود، این است که آیا بعد از پذیرش امکان توجیه اصطلاح ظهور صغرا، برای این کار لزومی وجود دارد یا خیر؟ به نظر نگارنده، درست است که می توان این اصطلاح را توجیه و تفسیری از آن ارائه کرد که ضمن مستند بودن به روایات، فاقد اشکال باشد؛ تمام سخن در این است که چرا باید چنین کاری صورت دهیم. به تعبیری دیگر، چرا ابتدا باید جعل اصطلاح را بپذیریم و سپس در مقام توجیه آن برآییم؟

البته تولید اصطلاح جدید، به طور کلی فاقد اشکال است؛ اما باید این اصطلاح دارای ثمره و فایده ای باشد و نیازی را مرتفع کند. در غیر این صورت، تولید چنین اصطلاحی، می تواند تنها باعث ایجاد سردرگمی و اشتباه در فهم مقاصد دینی و مهدوی شود. به نظر می آید که جعل

اصطلاح ظهور صغرا با این تفسیر دوم، ثمره‌ای ندارد و نیازی را برطرف نمی‌کند؛ خصوصاً با توجه به این که این اصطلاح می‌تواند به عنوان یک اصطلاح رهن عمل کن؛ چراکه؛ اگر اصطلاحی همچون ظهور صغرا ایجاد شود، ممکن است موجب تفاسیر اشتباه و انحرافات در فهم درست مفاهیم دینی و مهدوی گردد. بنابراین، لزوم یا عدم لزوم توجیه این اصطلاح، به ضرورت آن در فرایند تبیین‌های مهدوی وابسته است و چنانچه فاقد ثمره‌ای علمی و دینی باشد، ایجاد چنین اصطلاحی می‌تواند حتی باعث سردرگمی در میان پژوهشگران و پیروان آموزه‌های دینی شود. در نهایت، توجیه اصطلاح ظهور صغرا به خودی خود ممکن است و حتی مفید می‌باشد؛ اما باید در نظر داشت که باید دلیلی محکم برای تولید چنین اصطلاحی داشته باشد و ضرورتی برای جایگزینی آن با اصطلاحات رایج و پذیرفته شده ملاحظه شود. اگر این اصطلاح به گونه‌ای عمل کند که موجب انحرافات تفسیری یا سردرگمی در درک آموزه‌های دینی و مهدوی گردد، بهتر است که از آن اجتناب کرد.

نتیجه‌گیری

اصطلاح ظهور صغرا، به معنای مقدمه‌ای برای ظهور کبرا، بیش‌تر برآمده از ذوق و استحسان است تا بر اساس دلایل مستند و مستحکم. این انگاره، در حقیقت تلاشی برای تطبیق مفاهیم دینی با تحولات روز است که به طور غیرمستقیم در پی ایجاد نوعی تطابق میان مفاهیم مذهبی و تحولات اجتماعی و سیاسی قرار دارد. به رغم آن‌که ممکن است برخی در تلاش باشند تا به واسطه این اصطلاح مفاهیم خاص دینی را به شرایط امروز نسبت دهند، باید اذعان کرد که تمام ادله قائلان به ظهور صغرا به طور جدی مخدوش است و فاقد مبنای علمی و دینی قوی است.

علاوه بر این، لوازم و تبعات پذیرش این انگاره، در واقع غیرقابل‌پذیرش است. به عنوان مثال، در صورتی که این دیدگاه پذیرفته شود، می‌تواند به طور ناخواسته دروازه‌ای برای استناد به امور ذوقی و استحسانی شود که در پی آن، آرا و سلايق شخصی افراد نسبت به دین و مذهب به تحمیل خواهد شد. در این صورت، زمینه‌ای فراهم می‌آید که تفسیرهای فردی و خارج از چارچوب‌های شناخته شده، جایگزین تفسیرهای مبتنی بر منابع معتبر دینی و روایی شود. این روند ممکن است موجب ابهام در فهم دین و انحرافات تفسیر و نظریات مذهبی گردد که به‌ویژه در جوامع دینی و مذهبی می‌تواند مشکلات جدی به وجود آورد.

از منظر جامعه‌شناختی، پذیرش چنین اصطلاحات و مفاهیمی، علاوه بر این‌که به نابسامانی در فهم دین و مذهب منجر می‌شود، می‌تواند ساختار اجتماعی و دینی را تحت تأثیر قرار دهد. در جوامع مذهبی، مقوله مهدویت و ظهور امام مهدی (عج) همواره به عنوان مؤلفه‌ای امیدبخش و تحولی عظیم در نظر گرفته شده است. وقتی مفاهیم جدیدی چون «ظهور صغرا» بدون پشتوانه‌های روایی و دینی قوی وارد گفتمان اجتماعی و مذهبی می‌شود، می‌تواند موجب شکاف‌های نظری و بحران‌های معنایی در باورهای جمعی شود. در نهایت، افراد به جای تمرکز بر تلاش‌های عملی و معنوی برای نزدیک‌تر شدن به اصول دینی و مذهبی، گرفتار مفاهیم بی‌پایه‌ای می‌شوند که بیش‌تر بر تفسیرهای فردی و اغلب بی‌دلیل مبتنی است.

در نهایت، تولید اصطلاحات جدید بدون در نظر گرفتن پیامدهای آن و تأثیرات طولانی مدت، از جمله دگرگونی در فهم مذهبی و بحران‌های اجتماعی و دینی، می‌تواند آثار زیان‌باری به دنبال

داشته باشد. از این رو، حتی در صورتی که محملی برای توجیه این اصطلاح وجود داشته باشد، لزومی به پذیرش آن دیده نمی‌شود؛ لذا، باید بادقت نظر بیشتری به این مقوله پرداخت و تا حد امکان، از گسترش و تولید چنین اصطلاحاتی جلوگیری شود.

منابع

۱. آذرشین فام، سعید، **معارف مهدویت**، بوستان کتاب، قم، ۱۳۹۳.
۲. ابطحی، سید حسن، **مصلح غیبی**، نشر بطحاء، تهران، ۱۳۸۰.
۳. _____، **ملاقات با امام زمان (عج)**، نشر بطحاء، تهران، ۱۳۸۱.
۴. _____، **پرواز روح**، انتشارات ندای مصلح، قم، ۱۳۸۳.
۵. ابن فارس، احمد، **معجم مقاییس اللغة**، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ ق.
۶. الهائی سحر، جواد، **بیعت با امام زمان (عج) در عصر ظهور صغرا**، انتشارات جام جوان، قم، ۱۳۸۸.
۷. انوری، حسن، **فرهنگ فشرده سخن**، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۲.
۸. بنی هاشمی، سید محمد، **انتظار فرج**، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، تهران، ۱۳۹۰.
۹. بدرخانی، غلامرضا، «**ظهور صغری از ادعا تا ثبوت**»، پایگاه اطلاع رسانی حوزه، ۱۳۹۸.
۱۰. پورسیدآقایی، سید مسعود، «**ظهور صغرا و بایسته ها**»، مجله انتظار، شماره ۲، ۱۳۸۰.
۱۱. حجامی، حسین، **به سوی انحراف**، پژوهشکده مهدویت و آینده پژوهی، قم، بی تا.
۱۲. خانی، مجتبی، «تحلیل مفهومی اصطلاح «ظهور صغرا» با رویکرد نقد آراء مطروحه»، مجله پژوهش های مهدوی، شماره ۲۶، ۱۳۹۷.
۱۳. خزاز رازی، علی بن محمد، **کفایة الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر**، انتشارات بیدار، قم، ۱۴۰۱ ق.
۱۴. دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه دهخدا**، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۲.
۱۵. رستمیان، محمد، «**ظهور صغری**»، وبسایت طلبه نوشت، ۱۳۹۷.
۱۶. رضوانی، علی اصغر، **موعود شناسی و پاسخ به شبهات**، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۹۰.
۱۷. السادة، مجتبی، **شش ماه پایانی**، مترجم: محمود مطهری نیا، انتشارات موعود عصر (عج)، تهران، ۱۳۸۵.
۱۸. سلیمیان، خدامراد، **درسنامه مهدویت**، مرکز تخصصی مهدویت، قم، ۱۳۸۹.

۱۹. سند، محمد، *الرجعة اعظم علامات الظهور*، نشر کوخ، تهران، ۱۳۹۴.
۲۰. شریفی، شهریار، *عصر ظهور صغرا*، بی جا، ۱۳۸۵.
۲۱. عمید، حسن، *فرهنگ فارسی عمید*، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۶.
۲۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، *العین*، نشر هجرت، قم، ۱۴۰۹ق.
۲۳. کاشانی، حاجی میرزا جانی، *نقطه الکاف*، مطبعه بریل، لیدن، ۱۳۲۸ق.
۲۴. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۲۵. مطهری نیا، محمود، «از ظهور تا قیامت»، ماهنامه موعود، شماره ۹۷، ۱۳۸۷.
۲۶. معاونت پژوهش مؤسسه آینده روشن، *مهدویت: پرسش‌ها و پاسخ‌ها*، مؤسسه آینده روشن، قم، ۱۳۹۰.
۲۷. معلی، محمدعلی، «*ظهور صغری*»، مجله کیهان فرهنگی، شماره ۲۵۲، سال ۱۳۸۶.
۲۸. معین، محمد، *فرهنگ معین*، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۰.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، «*در محضر حضرت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی*»، مجله انتظار، شماره ۵، سال ۱۳۸۱.
۳۰. نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبه*، نشر صدوق، تهران، ۱۳۹۷ق.
۳۱. واحد تحقیقاتی گل نرگس، *آیا ظهور نزدیک است؟*، انتشارات شمیم گل نرگس، قم، ۱۳۸۲ش.
۳۲. یعقوبی، علی، *به سوی ظهور*، بی نا، بی جا، بی تا.
۳۳. _____، *نظام عالم*، بی نا، بی جا، بی تا.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وفضلاً على ترويجي
پژوهشنامه موعود

مجلة دراسات الموعود - فصليتان علميتان

السنة السادسة - العدد ١٣ - الربيع والصيف ١٤٠٤

تم وبناءً على الرسالة المرقمة ١٥٧٢٨ والصادرة بتاريخ ١٤٠١/٢/٢٧ من قبل شوری إصدار ومنح التراخيص العلمية للحوزة العلمية ترقية مجلة دراسات الموعود الفصليتين من العدد الأول وجعلها في مصاف المجلات العلمية - الترويجية .

ووفقاً للمادة الأولى من الاجتماع المرقم ٦٢٥ للمجلس الأعلى للثورة الثقافية والمنعقد بتاريخ ٢١ / ٣ / ١٣٨٧، تتمتع المجلات ذات الامتياز والطابع الحوزوي بنفس الامتياز والطابع الذي تتمتع به المجلات الصادرة عن وزارة العلوم والبحوث والتكنولوجيا .

صاحب الإمتياز :

معهد الدراسات للبحوث المهدوية والموعود
للإنتظار البناء.

مركز المهدوية التخصصي التابع للحوزة العلمية في قم.

المدير المسؤول:

حجة الإسلام والمسلمين مجتبی الكلباسي

رئيس التحرير:

حجة الإسلام والمسلمين مهدي يوسفیان

المدير الإجرائي والتنفيذي وسكرتير التحرير:

حجة الإسلام والمسلمين السيد علي الكاظمي

المحرر:

ابوالفضل عليدوست

مترجم اللغة الإنجليزية:

حجة الإسلام والمسلمين حميد سعادت

هيئة التحرير (حسب الحروف):

الهي نجاد، حسين (أستاذ مساعد في معهد العلوم والثقافة الإسلامية).

بهروزي لك، غلام رضا (أستاذ في جامعة باقر العلوم في قم).

سليماني بهبهاني، عبد الرحيم (أستاذ في الحوزة العلمية في قم).

شاكري زواردهي، روح الله (معيد في جامعة طهران برديس فارابي).

صفري فروشاني، نعمة الله (أستاذ في جامعة المصطفى العالمية).

عرفان، أمير محسن (أستاذ مساعد في كلية العلوم والمعارف الإسلامية في قم).

كلباسي، مجتبی (أستاذ في الحوزة العلمية في قم).

مروجي طبسي، نجم الدين (أستاذ في الحوزة العلمية في قم).

يوسفیان، مهدي (فاضل حوزوي، مدير معهد الدراسات والبحوث المهدوية والموعود للإنتظار البناء).



عنوان مكتب المجلة: شارع الشهداء (صفائية) زقاق آمار، مركز المهدوية التخصصي، معهد و مركز الدراسات المهدوية وموعود الإنتظار البويا. رقم الهاتف: ٠٥٨٣٧٨٤١٤١٠؛ رقم الفاكس: ٠١٢٥٣٧٢٣٧١٦٠؛ الصندوق البريدي: ٣٧١٣٥١١٩

البريد الإلكتروني: mouoodmag@gmail.com

الموقع المجلة: www.mouoodmag.ir

قناة افتراضية: @mahdaviatmag

الشابا: ٢٢٤١-٢٢١٧

سعر المجلة: ٣,٥٠٠,٠٠٠ ريال

الأسس الأنثروبولوجية والأدلة القرآنية لضرورة تشكّل المقاومة في إطار التمهيد من منظور القرآن الكريم

سيد احمد الموسوي^١ / مصطفى بهشتي بور^٢

تُعَدّ "المقاومة"، المستندة إلى التعاليم القرآنية والإلهية، استراتيجيةً رئيسةً في مواجهة الظلم والجور، وعلامةً بارزةً للانتظار الفعّال. وعلى الرغم من التقدّم الصناعي والعلمي في العالم المعاصر، فإنّ الإنسان لم يبلغ بعدُ المجتمع الإنساني المنشود، بل ابتلي بالحروب والفساد والقتل، ما أبعدّه عن فطرته الإلهية وقربه من هاوية الهلاك، كما نبّه القرآن الكريم إلى ذلك.

في هذا العصر، أصبح السعي للنجاة من هذه الانحرافات، من أكبر هموم الإنسان المعاصر. والمقاومة - خصوصًا في إطار التمهيد للعدالة العالمية - هي الاستراتيجية الأساسية التي يقدمها القرآن الكريم للمجتمعات الإسلامية في مواجهة هذا الهجوم الواسع. ونظرًا لكون القرآن الكريم مصدرًا قطعيّ الصدور ومشتركا بين جميع المسلمين، فإنّ السؤال المطروح هو: ما هي الأدلة القرآنية التي تُثبت ضرورة تشكيل جبهة المقاومة؟

تتناول هذه الدراسة أوّل الأسس الأنثروبولوجية للمقاومة، ثمّ تستعرض الأدلة القرآنية التي تؤكّد وجوبها، وذلك بالمنهج الوصفي التحليلي، وباعتماد البيانات المكتبية. وتشير النتائج إلى أنّ آيات كثيرة في القرآن الكريم تدعو صراحة إلى تشكيل المقاومة ودعمها، ويمكن تصنيفها ضمن المحاور الآتية:

- آيات الجهاد والدفاع،
 - آيات الصبر والثبات،
 - آيات السنن الإلهية، كسنة نصر الله، وغلبة الحق على الباطل، وانتصار المستضعفين.
- الكلمات المفتاحية: الأسس الأنثروبولوجية، المقاومة، التمهيد، المهدوية، القرآن الكريم.

١. خريج المستوى الرابع من مركز الخبرة المهدوية، أستاذ في حوزة قم العلمية.

٢. باحث المستوى الثالث في مركز الخبرة المهدوية في قم (كاتب المراسلات).

أساليب تربية الكوادر البشرية الفعّالة في ميدان الإدارة نحو دولة بمستوى دولة المهدوية

مرتضى حسن بور^١

تهدف هذه الدراسة إلى تحليل أساليب تربية الكوادر البشرية الفعّالة في المجال الإداري، بما ينسجم مع متطلبات "دولة بمستوى دولة الإمام المهدي". وبالاستناد إلى أهمية العنصر البشري في تحقيق الأهداف المهدوية، يتناول هذا البحث الوسائل التربوية اللازمة لإعداد مدراء نموذجيين وفاعلين في هذا المسار. تشير الدراسة إلى عدّة محاور أساسية في هذا المجال، من أبرزها:

- الاستفادة من النماذج المهدوية،
 - تمكين الكادر فكريًا،
 - تعزيز الشعور بالمسؤولية،
 - توفير بيئة صحيّة تربوية،
- مع التأكيد على الدور المحوري لعلماء الدين بوصفهم مستشارين ومرشدين في عملية بناء الكوادر البشرية.
- الغاية من هذا البحث هي وضع إطار عمليّ لتربية مدراء ناجحين يسهمون في التمهيد لظهور الإمام المهدي. وتستند هذه الدراسة إلى المنهج الوصفي التحليلي، مع الاعتماد على المصادر والمراجع المكتبية.
- الكلمات المفتاحية: أساليب التربية، المدير النموذجي، التمهيد، الثورة الإسلامية، الثورة العالمية للإمام المهدي.

پژوهشنامه مهدوی

سال هفتم / شماره ۱۳ / بهار و تابستان ۱۴۰۴

۱. خريج المرحلة الرابعة من مركز المهدية في قم، وباحث في شؤون المهدية.

تبيين التعارض الظاهري بين روايات انتشار الظلم وضرورة قيام الدولة الإسلامية في عصر الغيبة

محمد غلامي^١ / السيد علي كاظمي الشيخ الشباني^٢

إنَّ ظهور الإمام المهدي يُمثِّل ذروة التاريخ وبداية عهد يسوده العدل والأمن والروحانية. غير أنَّ الروايات المتعددة التي تشير إلى امتلاء الأرض بالظلم والفساد قبيل ظهوره، تطرح تساؤلات حول إمكانية قيام دولة إسلامية عادلة قبل الظهور، ومدى انسجام ذلك مع مضمون تلك الروايات.

تتناول هذه الدراسة إشكالية التعارض الظاهري بين قيام الدولة بمستوى الثورة الإسلامية وبين الروايات التي تصف مرحلة ما قبل الظهور بانتشار الظلم. كما تبحث في رؤيتين مختلفتين في التعامل مع هذه الروايات: رؤية سلبية تعتبر الظلم شرطاً لتعجيل الظهور، وأخرى إيجابية تدعو إلى التمهيد الفعّال لقيام الحكومة الإلهية العادلة.

يعتمد هذا البحث على المنهج الوصفي التحليلي، ويؤكد على أن تأسيس دولة إسلامية قائمة على العدالة في العصر الحاضر يتطلب مشاركة جماهيرية واعية وجهوداً جماعية هادفة. وتشير الآيات والروايات إلى وجود الصالحين في المجتمعات، ما يدلّ على إمكانية العمل الإصلاحي حتى في زمن انتشار الفساد، وأنَّ الظلم ليس شرطاً سلبياً ينبغي تكريسه بل ظاهرة حتمية يقابلها سعي إصلاحي من أهل الانتظار الحقيقي.

الكلمات المفتاحية: الدولة النموذجية، الروايات، انتشار الظلم، التعارض الظاهري، ما قبل الظهور، الثورة الإسلامية.

١. باحث من المستوى الرابع، مركز المهدويت التخصصي، قم.

٢. باحث من المستوى الرابع، مركز مود التخصصي، حوزة قم العلمية.

القدرات والتهديدات في الحركات الألفية في سياق التحولات الانتظرية لظهور الإمام المهدي

سعيد توسلي خواه^١

يُعدّ ظهور الإمام المهدي كمصلح عالمي ومنقذ للبشرية من أبرز المفاهيم المحورية في العقيدة الشيعية. ومن جهة أخرى، تقوم الحركات الألفية (المهديانية) على الإيمان بوجود مُخلص موعود، ما يجعلها ذات صلة عميقة بالمفاهيم المهدوية. تهدف هذه الدراسة إلى تحليل التأثيرات الاجتماعية والثقافية والسياسية لهذه الحركات على تشكيل المعتقدات والسلوكيات الجماعية، مع التركيز على قدراتها وتحدّياتها ضمن التحولات الانتظرية المرتبطة بظهور الإمام المهدي.

من خلال المنهج الوصفي التحليلي، تكشف نتائج البحث أنّ هذه الحركات تملك طاقات كامنة في إحياء الأمل، وتحفيز المجتمعات، ونشر القيم الإنسانية، خصوصاً في ظلّ أوضاع عالمية تسودها المادية والفساد والتمييز. ومع ذلك، فإنّ هذه الحركات قد تواجه تهديدات خطيرة، منها التعصّب الديني والانقسامات الطائفية، والتي قد تؤدي إلى أزمات هوية وفقدان الثقة المجتمعية.

ولتوجيه هذه الطاقات في مسارها الصحيح نحو التمهيد لظهور الإمام المهدي، تبرز الحاجة إلى ترسيخ مفاهيم الوحدة والتماسك الاجتماعي، وتقديم استراتيجيات واضحة لإدارة المخاطر والتهديدات، بما يعزّز الأثر الإيجابي لهذه الحركات على الواقع الديني والاجتماعي والسياسي.

الكلمات المفتاحية: ظهور الإمام المهدي، الحركات الألفية، القدرات الاجتماعية والسياسية، الوحدة، التماسك.

پژوهشنامه موعود

سال هفتم / شماره ۱۳ / بهار و تابستان ۱۴۰۴

۱. دكتوراه في الدراسات الإسلامية، باحث في المهديّة.

دراسة العلاقة بين تحولات الشام وأحداث ما قبل الظهور برؤية تأويلية لآيات سورة الإسراء الأولى

السيد مجتبى معنوي^١

تناقش هذه المقالة العلاقة بين "عاصفة الأقصى" وأحداث ما قبل ظهور الإمام المهدي، وتهدف إلى تحليل الترابط بين التحولات الجارية في منطقة الشام وظهور الإمام المنتظر. تكمن أهمية هذا البحث في محاولة تجاوز الانحيازات المعرفية، وتفادي الأخطاء التطبيقية المرتبطة بتفسير أحداث فلسطين – كأحد مراكز النزاع في الشام – في سياق الملاحم الأخيرة.

يُعتمد في هذه الدراسة على المنهج الوصفي التحليلي، بالاستناد إلى تأويل الآيات الأولى من سورة الإسراء. وتشير النتائج إلى أن فرضيات مطابقة الأحداث الحالية في الشام مع الروايات الأخروية، لا تستند إلى أساس قوي. كما أن تطبيق تأويلي لآيات سورة الإسراء لا يكشف عن إجماع بين المفسرين حول تحقق الوعد الأول. إلا أن نتائج البحث تبين أن الآيات المرتبطة بالمهدوية تشير إلى وعد إلهي وسنن تاريخية إلهية تتحقق، وأن جبهة المقاومة مشمولة بهذا النصر الإلهي، وهي في حال إعداد وتمهيد لمرحلة الظهور المبارك. الكلمات المفتاحية: المهدوية، جبهة المقاومة، آخر الزمان، التأويل، سورة الإسراء، فلسطين، الشام.

پژوهشنامه

سال هفتم / شماره ۸۳ / بهار و تابستان ۱۴۰۴

١. الباحثة في مركز أبحاث المهدية والوعد، انتظار بوياء.

قراءة تحليلية لمفهوم "الظهور الصغرى" في خطاب المهدوية؛ دراسة في إمكانية التحقق، الوظائف، والتداعيات

أبو الحسن قاسم فام^١ / حجة حيدري الجرائي^٢

أوجد خطاب المهدوية، بما يحتويه من مفاهيم محورية كـ "الغيبة" و "الظهور"، بيئة خصبة للتأملات العقائدية والتاريخية والاجتماعية في الوسط الشيعي. ومن المفاهيم المثيرة للجدل في هذا المجال، مفهوم "الظهور الصغرى"، الذي برز خلال العقود الأخيرة في بعض الأوساط الفكرية والإعلامية، وأثار تساؤلات حول طبيعته، منشئه، ومشروعيته.

تعتمد هذه الدراسة على المنهج الوصفي التحليلي، حيث تقوم بتفكيك الأسس المفاهيمية والخلفية التاريخية، ثم تستعرض آراء المؤيدين لهذا المصطلح، لتُجري بعد ذلك قراءة نقدية للروايات الشيعية المعتبرة من حيث مدى إمكان إثبات هذا المفهوم وضرورة قبوله أو رفضه.

وتُظهر نتائج البحث أنه بخلاف الغيبة، التي تم تقسيمها روائياً إلى صغرى وكبرى، فإنّ "الظهور" قد ورد في المصادر الروائية كوعدٍ إلهي يتم دفعةً واحدة، دون تدرّج مرحلي. وعلى الرغم من قابلية مصطلح "الظهور الصغرى" للتأويل، إلا أن توظيفه يستتبع معانٍ وآثاراً خاطئة قد تُفضي إلى تشويه خطاب المهدوية، أو يتم استغلالها من قبل تيارات منحرفة لأغراض دعائية أو سلطوية.

لذلك، فإنّ استخدام هذا المصطلح لا يستند إلى ضرورة علمية أو شرعية، ويستلزم تحريّاً دقيقاً في أدبيات المهدوية والابتعاد عن التوسّع غير المنضبط في المفاهيم الحساسة عقائدياً.

الكلمات المفتاحية: المهدوية، الظهور، الظهور الصغرى، الغيبة، الإمام المهدي، تحليل الروايات

١. خريج المستوى الرابع من مركز المهدية التخصصي، متخصص في الشؤون الاجتماعية والسياسية.

٢. باحث في مركز أبحاث المهدية والوعد، انتظار بوبا.

Analytical Reassessment of the “Minor Appearance” Construct in Mahdī Discourse: Feasibility, Functions, and Consequences

Abul Hasan Qasim Fam ¹

Hojjat Heydari Cherati ²

Abstract

Mahdism—anchored by foundational notions such as “Occultation” and “Appearance”—provides the Shi‘ī community with a framework for theological, historical, and social reflection. The controversial concept of a “Minor Appearance” has emerged in recent decades within certain intellectual and media circles, raising questions about its origin, legitimacy, and doctrinal coherence. This study adopts a descriptive-analytical approach to examine the conceptual underpinnings, historical antecedents, and textual arguments advanced in favor of this term. Through a careful analysis of authoritative Shi‘ī traditions, it assesses whether a two-stage schema of the Mahdi’s advent is supported by canonical sources. The findings demonstrate that, unlike the Occultation—which classically divides into Minor and Major phases—the Mahdi’s appearance is uniformly depicted as a single, instantaneous event. Employing the phrase “Minor Appearance,” though potentially justifiable via broad exegetical latitude, carries misleading implications and risks doctrinal distortion or exploitation by heterodox groups. As a result, the use of this term lacks scientific and religious necessity, and greater theoretical precision should be applied in Mahdavi literature.

Keywords: Mahdism, Appearance, Minor Appearance, Occultation, Imam al-Mahdi, Traditions Analysis.

1 Level 4 graduate of the Mahdism Specialized Center, socio-political orientation. ghasemfam67@gmail.com

2 Researcher of the Mahdism and Promisedism Research Center Entezar Pouya. hojatheidadi@gmail.com

Examining the Connection Between the Levantine¹ Turmoil and Pre-Appearance Events through an Exegetical Approach to the Opening Verses of Sūrat al-Isrā

*Sayyid Mujtabā Ma'navi*²

Abstract

This paper explores the relationship between the recent developments in occupied Palestine (al-Aqṣā Storm) and the events preceding the appearance of Imam al-Mahdī. The study aims to assess how developments in the Levant region correlate with the Mahdī's advent. Addressing this topic is essential to avoid cognitive biases and comparative errors regarding the Palestinian conflict—one of the Levant's focal crises in the End Times. Employing a descriptive-analytical methodology grounded in an exegetical reading of the opening verses of chapter al-Isrā', the research finds that speculative attempts to map Levantine events directly onto prophetic traditions are not sufficiently robust. Although early exegetes did not unanimously identify these verses with pre-appearance signs, our analysis indicates that texts concerning Mahdism point to Divine promises and the fulfillment of God's eternal laws. Furthermore, the Resistance front falls within the scope of Divine support (Naṣr) and is actively preparing the ground for the Mahdī's emergence.

Keywords: Mahdism, Resistance front, End times, Exegesis, al-Isrā', Palestine, Levant.

1 It is located in southwestern Asia and includes the countries of Syria, Lebanon, Palestine, and Jordan.

2 Professor at the Mahdism Specialized Center; Researcher at the Research Center of Mahdism and Messianism (Mahdism and Messianism Research Ceneter) m.manvi@chmail.ir

The potential and threats of millennial movements in the related developments to the expectation of the advent of Imam Mahdi *Sa'īd Tawassuli-Khāh*¹

Abstract

In Shi'ism, the advent of Imam al-Mahdi as the world's reformer and savior represents a foundational belief. Millenarian movements likewise center on the anticipation of a promised redeemer. This study analyzes the social, cultural, and political impacts of such movements on collective beliefs and behaviors, with a focus on their capacities and threats in shaping the transformation leading up to the Mahdī's appearance. Employing a descriptive-analytical methodology, our findings indicate that millenarian movements can foster hope, mobilize communities, and promote universal human values. However, they also carry risks—religious fragmentation, extremist offshoots, identity crises, and erosion of public trust. To harness their positive potential and mitigate these dangers, the research underscores the imperative of unity and solidarity, proposing strategic measures for threat management within millenarian frameworks.

Keywords: Appearance of Imam al-Mahdi, Millenarian Movements, Social and Political Capacities, Unity and Solidarity.

1 PhD student of the Instructive Islamic Sciences; Researcher of Mahdism; saeedtavasoli@chmail.ir

Explaining the Apparent Contradiction Between Narrations on the Pervasiveness of Injustice and the Necessity of Establishing an Islamic Government in the Era of Occultation

Mohammad Gholami¹

Sayyid Ali Kazemi Sheikh Shabani²

Abstract

The advent of Imam al-Mahdi marks the pinnacle of history and promises a world suffused with justice and spirituality. Yet numerous traditions foretell that, on the eve of his advent, the earth will be rife with tyranny and corruption—an apparent tension that demands careful scrutiny. This paper examines the perceived contradiction between establishing an Islamic, justice-centered government today and the prophetic reports of widespread oppression before the Mahdi's reappearance.

Using a descriptive-analytical methodology, the study explores two contrasting approaches to these traditions. First, it argues that the founding of an Islamic revolutionary state—which draws upon active public participation and collective effort—is both legitimate and necessary, even amid growing injustice. Second, it highlights the Qur'anic and hadith-based evidence for the enduring presence of righteous individuals whose commitment to social justice and reform persists despite the surrounding moral decay.

By reconciling these perspectives, the paper demonstrates that Islamically grounded governance and grassroots reform efforts do not conflict with, but rather prepare for, the Mahdi's advent. The existence of both widespread corruption and faithful reformers underscores the dual reality foretold in the sources and affirms the legitimacy of pursuing justice prior to the final appearance.

Keywords: Mahdavi-Standard Government, Hadiths, Pervasiveness corruption, Apparent contradiction, Pre-advent, Islamic Revolution.

1 Level 4 Scholar, Mahdavit Specialized Center, Qom. montazer.mohammad@gmail.com

2 Level 4 Scholar, Maud Specialized Center, Qom Seminary. Sayed.ali.kazemi67@gmail.com

Methods for Cultivating Competent Human Resources in Management toward a Mahdavi-Standard Government *Murtidā Hasan-Pour Sargarouyi*¹

Abstract

This study examines methods for cultivating competent human resources in managerial roles aligned with the model of a Mahdavi standard government. Given the paramount importance of human capital in realizing Mahdi's ideals, the paper analyzes the educational approaches required to develop exemplary and effective managers. It discusses strategies such as: employing Mahdavi inspired role models, fostering intellectual empowerment, strengthening the sense of responsibility, creating a healthy organizational environment, supportive of creativity and collaboration.

The role of religious scholars as advisors and mentors in shaping these managers is also emphasized. Using a descriptive-analytical methodology and library research, this work offers a structured framework for training successful leaders who can pave the way for Imam Mahdi's advent. The findings aim to assist policymakers and administrators in applying Mahdavi-principles to nurture the human capital essential for achieving the objectives of a Mahdavi-standard government.

Keywords: Training methods, Model managers, Preparation for Emergence, Islamic Revolution, Global revolution of Imam Mahdi.

پژوهش‌های
مناظره‌محور

سال هفتم / شماره ۱۳ / بهار و تابستان ۱۴۰۴

1 A graduate student of level 4 at Mahdism Specialized Center; Researcher at Mahdis in the seminary of Qom

Anthropological Foundations and Qur'anic Evidence for the Necessity of Resistance for Preparing for Global Justice

Sayyid Ahmad Mūsawi¹

Muṣṭafā Beheshti-Pour²

Abstract

“Resistance,” grounded in Qur’anic and divine teachings, serves as a strategic paradigm for combating oppression and as a hallmark of dynamic awaiting. Despite humanity’s industrial and scientific progress, people have strayed into injustice, corruption, and bloodshed—precisely as the Qur’an warns—thereby distancing themselves from their innate human divine nature and approaching the abyss of destruction. In this context, discovering a way out of such misguidance has become an urgent concern for contemporary humanity. The Qur’an proposes “resistance aimed at laying the groundwork for global justice” as the fundamental response to this crisis. Since the Qur’an is the definitive, universally accepted source among Muslims, this study asks: what Qur’anic proofs mandate the formation of resistance?

This research first explores the anthropological foundations of resistance—why human nature inherently inclines toward self preservation, justice, and collective solidarity—and then examines the specific Qur’anic verses that establish its necessity. Employing a descriptive analytical methodology with library based data, it provides a reasoned answer to the question. The Qur’an issues multiple injunctions commanding the establishment and support of resistance, which can be grouped into three categories: verses concerning Jihad and defense, verses emphasizing patience and steadfastness in the face of trials, and verses reflecting divine norms such as the promise of God’s aid (sunnat al-Naṣr), the triumph of truth over falsehood, and the eventual victory of the oppressed.

Keywords: Anthropological Foundations, Resistance, Preparation for Justice, Mahdism, the Qur’an.

1 A graduate student of level 4 at *Mahdism Specialized Center*; Professor at Qom seminary; S.a.m7635722@gmail.com

2 Student of level ۳ at the *Mahdism specialized Center* (Corresponding Author; beheshtipour@gmail.com)

Pursuant to letter No. 15728 dated May 17, 2022, issued by "Licensing and Scientific Ranking Council of the seminary of Qom", the semi-annual Journal Research on the Promised was promoted from number one to the scholarly-promotional rank. According to the legislation of "Supreme Council for Cultural Revolution" No. 625 dated June 10, 2008, ranking seminary journals have the same validity as the journals of the "Ministry of Science Research and Technology."

**In the Name of Allah, the Most
Beneficent, the Most Merciful**



Two-Quarterly Scientific-Promotional Journal of Mahdism
Year 6, NO. 13, Spring and summer 2024

Magazine Owner:

Mahdism and Messianism Research Center of
Intezar Pooya (Dynamic Awaitening),
Specialized Center of Mahdism of Qom
Seminary

Managing Editor:

Clergy of Islam Mojtaba Kalbasi **Editor in
Chief:**

Clergy of Islam Mahdi Yousefian

Internal Manager and Editorial Staff:

Hujjat al-Islam Sayyid Ali Kazemi

Editor:

Mohammad Reza Mojiri

English Translator:

Hujjat al-Islam Hamid sa'adat

Editorial Board (Alphabetically Ordered):

Elahinezhad, Hussein (Associate Professor of
Islamic Sciences and Culture Research Center)

Behrouzi Lak, Gholamreza (Professor at Baqir
al-Ulum University)

Solaymani Behbahani, Abdul-Rahim
(Professor at Qom Seminary)

Shakeri Zavardehi, Rouhollah (Assistant
Professor at Tehran University)

Safari Foroushani, Nematollah (Professor at
Al-Mustafa International University)

Erfan, Amir Mohsen (Assistant Professor at
Islamic Maaref University)

Kalbasi, Mojtaba (Professor at University and
Seminary)

Moravveji Tabasi, Najm al-Din (Professor at
Qom Seminary)

Yousefian, Mahdi (Seminary Scholar,
Assistant Professor Al-Mustafa International
University)



Address: Mahdism and Messianism Research Center of Intezar Pouya,
Specialized Center of Mahdism, Amar Alley, Shohada St. (Safaeeyeh),
Qom. Tel: 025-37841410, Fax: 025-37737160, P.O.B: 37135119
Website: <http://mouoodmag.ir>
Email: mouoodmag@gmail.com
Social network channel Address: [@mahdaviatmag](#)
ISSN: 2717-0241
Price: 3.500.000 Rials